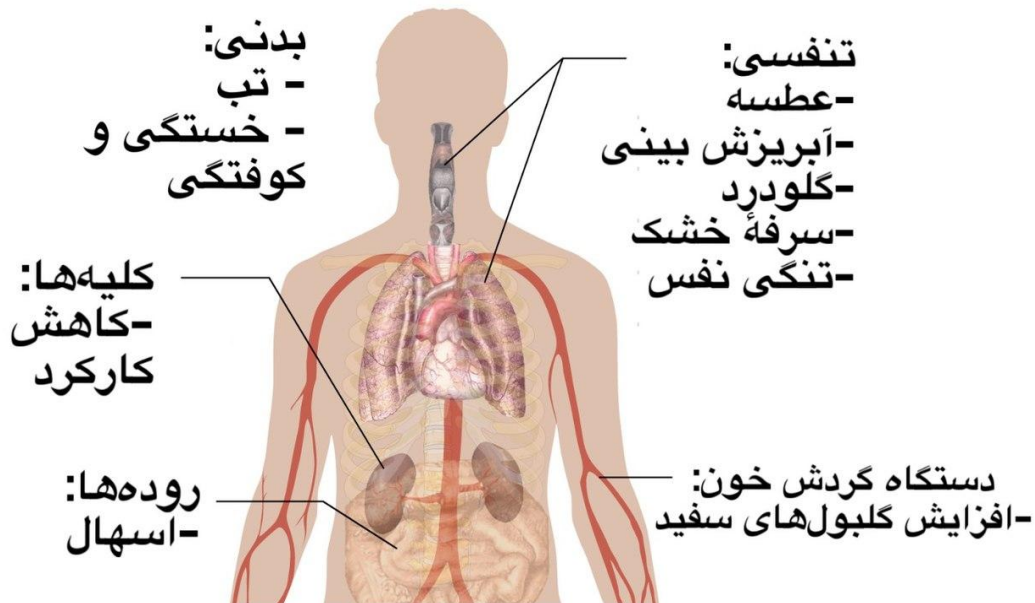


جهان کرونایی و روزهای سخت قرنطینه خانگی! «صد روزی که جهان را تغییر داد!»

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

نشانه‌های بیماری کروناویروس ۲۰۱۹



فهرست مطالب

- مقدمه
- قرنطینه چیست؟
- نحوه بروز و ظهور علائم کرونا
- قرنطینه طولانی مدت امکان پذیر است؟
- چه زمانی زمان پایان قرنطینه است؟
- پایان قرنطینه ووهان
- چین از افزایش مجدد موارد جدید ابتلا به کرونا خبر داد
- موج دوم شیوع ویروس کرونا در چین و نژادپرستی
- پایان قرنطینه در ایران عملی است؟
- بررسی روزنامه‌ها، تارنماها و خبرگزاری‌های ایران
- شورش در زندان‌های حکومت اسلامی و اعدام یک زندانی فراری
- ۱۰ هزار قبر جدید در تهران برای قربانیان کرونا آماده شد
- از سرگیری کسب و کارها در ایران با وجود هشدارها
- هم‌دستی دولت و کارفرما علیه کارگران
- شگفت‌زدگی نماینده سازمان جهانی بهداشت از حضور طلاب در بیمارستان‌های ایران
- فعالی کرونا در آلمان و بلژیک؛ کمترین نرخ مرگ و میر در اسپانیا
- فرانسه

- آمریکا
- ایتالیا
- انگلستان
- منع رفت و آمد دو روزه در یک استان و ۳۰ کلان‌شهر ترکیه
- استعفای وزیر کشور ترکیه به دلیل انتقادهای از نحوه اداره بحران کرونا
- شمار مبتلایان در افغانستان به بیش از ۶۰۰ نفر رسید
- دولت هند گسترده‌ترین قرنطینه جهان را دو هفته دیگر تمدید می‌کند
- جمع‌آوری صدها جسد از خانه‌های مردم اکوادور
- مقاومت سوئد در برابر اجرای قرنطینه چه تبعاتی دارد؟
- مصونیت طبیعی - حداقل دو سال دیگر
- نبود پایانی مشخص
- در قرنطینه خانگی چند بار و چه موقع باید دست بشوییم؟
- توصیه‌های یک زندانی سابق برای کنار آمدن با قرنطینه خانگی
- بحران کرونا زیر سقف خانه‌ها
- کودکان و نوجوانان؛ قربانیان فراموش شده خشونت خانگی
- نتیجه یک تحقیق؛ ویروس کرونا تا مسافت ۴ متری در هوا منتشر می‌شود
- منع رفت‌وآمد و اعمال قوانین سخت‌گیرانه
- آیا ویروس کرونا از طریق رابطه جنسی قابل انتقال است؟
- جنگ بر سر تجهیزات پزشکی
- قدردانی از کادر درمانی ایران و جهان
- یادی از زکریا رازی فیلسوف ماتریالیست، کاشف الکل و اسید سولفوریک
- نگرانی از شیوع شدید بیماری در میان اقشار محروم و کم‌درآمد جهان
- بحران کرونا و وضعیت مهاجران و پناهجویان
- گزارش جدید بانک جهانی
- صندوق بین‌المللی پول: جهان با شدیدترین بحران اقتصادی ۹۰ سال اخیر روبرو می‌شود
- هشدار سازمان جهانی بهداشت
- سازمان بهداشت جهانی گزارش بیماری‌رانی که تست آن‌ها پس از بهبود از کووید ۱۹ دوباره مثبت شده، مورد بررسی قرار می‌دهد
- پروفیسور دانشگاه آکسفورد: واکسن ضد کرونا تا سپتامبر سال جاری آماده می‌شود
- توصیه‌های افرادی که از حصر خانگی جان سالم به در برده‌اند!
- تفریحات خانگی برای روزهای قرنطینه: دیدن فیلم‌های سینمایی
- کتاب خواندن قرنطینه خانگی را آسان‌تر می‌کند
- در قرنطینه چه کتاب‌هایی بخوانیم؟
- هفت‌تاز دوباره بازتولید اجتماعی و پندمی کووید ۱۹ -
- نگاهی به وضعیت طبقه کارگر جهانی با اتکا به گزارش اخیر سازمان جهانی کار
- چه قدر تا ختم بحران کرونا و بازگشت به زندگی عادی فاصله داریم؟
- جمع‌بندی

مقدمه

کتابچه‌ای که در مقابل خود دارید از منابع مختلف جهانی که در رابطه با شیوع مرگبار ویروس کرونا گزارش و نظر و تحلیلی دارند و یا آینده این بحران را از جنبه‌های مختلف انسانی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پیش‌بینی کرده‌اند تهیه و تنظیم نموده‌ام. به علاوه در این کتابچه، برای کسانی که در قرنطینه خانگی به سر می‌برند دیدن برخی فیلم‌ها و خواندن کتاب‌هایی را توصیه کرده‌ام.

جمعه ۱۰ آوریل - ۲۲ فروردین، ویروس جدید کرونا با شیوع در ۲۱۰ کشور و قلمروی جهان بیش از یک میلیون و ۶۰۰ هزار تن را بیمار کرده، و افزون بر ۹۶ هزار تن را از پای درآورده است.

در طول تاریخ و در شرایط مواجهه انسان با انواع بحران، نویسندگان، محققان، مترجمان و هنرمندان همیشه با تکیه بر ابزار، فکر و ایده‌هایشان، آثاری را خلق کرده‌اند، به تجربه‌های انسان و طبیعت در شرایط گوناگون واکنش نشان داده‌اند و آن را از زوایای مختلفی مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند.

اولین قرنطینه رسمی با بروز طاعون خیارکی در شهر ونیز ایتالیا آغاز شد در سال ۱۳۴۸. ونیز اولین سیستم قرنطینه رسمی را به منظور جلوگیری از گسترش و شیوع طاعون خیارکی و یا مرگ سیاه به بندر این شهر، اعمال کرد. طاعون خیارکی متداول‌ترین حالت طاعون است که طی نیش کک یا گازگرفتگی توسط موش آلوده به باسیل به وجود می‌آید. به شورای شهر ونیز اختیار داده شد که از ورود کشتی‌ها، محموله‌ها و افراد مظنون به عفونت به این شهر برای مدت ۴۰ روز جلوگیری کند.

برای این منظور، مقامات ونیز یک مرکز نگهداری در جزیره‌ای در ساحل این شهر ساختند که افراد آلوده را به آنجا می‌فرستادند تا این دوره انتظار ۴۰ روزه را در آنجا سپری کنند؛ این بیماران پس از سپری کردن این ۴۰ روز یا شفا می‌یافتند و یا جان خود را از دست می‌دادند. این دوره انزوا به «قرنطیناریو» - «quarantinario» معروف شد که از لغت ایتالیایی برای ۴۰ گرفته شده است. به این ترتیب بود که اولین قرنطینه رسمی متولد شد.



اما این تلاش‌ها به سختی مانع انتشار این بیماری شد و مرگ سیاه در نهایت باعث کشته شدن ۱۵ میلیون نفر شد که حدود یک پنجم جمعیت سراسر اروپا بود. اجساد قربانیان طاعون در محاصره لونیجی ساباتیلی از فلورانس در هنگام مرگ سیاه دهه چهل شمسی بسیار زیاد بوده است.

از اوایل قرن ۱۹، بیماری دیفتری یا همان خناق یکی از دلایل عمده مرگ و میر شد. انتقال آن به دلیل شرایط شلوغ زندگی به طور فزاینده‌ای منجر به منزوی شدن افراد در خانه‌ها یا اجتماعات خود شد.

قرنطینه بعدتر هم با نمود بیماری‌های عفونی مانند آبله مرغان یا سرخک انجام می‌شد، و توصیه این بود که افراد در خانه بمانند.

از زمان شیوع ویروس کرونا، سلامت بیش از یک میلیون نفر در سراسر جهان به‌خطر افتاده، ده‌ها هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند، میلیون‌ها نفر هم شغل‌شان و درآمدشان را. زندگی عادی تغییر کرده، میلیون‌ها نفر در قرنطینه هستند و نمی‌دانند مسیر تاریکی که طی می‌کنند تا کجا ادامه دارد و کی و چگونه تمام می‌شود. سئوالی که ممکن است این روزها در ذهن خیلی‌ها باشد، این است که چه زمانی زندگی به روال عادی خود برمی‌گردد.

مشخص است که این وضعیت نمی‌تواند برای همیشه ادامه داشته باشد اما دست‌کم تا زمان کشف واکسن و در دسترس قرار گرفتن آن، به‌نظر می‌رسد تنها راه، قرنطینه، فاصله‌گذاری اجتماعی و تعطیلی مدارس، دانشگاه‌ها، ادارات، زندان‌ها، سربازخانه‌ها و تجمعات فرهنگی، ورزشی و تفریحی است.

سازمان بهداشت جهانی به کشورها هشدار داده برای پایان قرنطینه در مناطقی که شیوع کرونا کاهش پیدا کرده باید برنامه‌ریزی دقیق صورت بگیرد.

مایک رایان، رییس برنامه‌های اضطراری این سازمان پیش‌تر گفته بود استراتژی موثری لازم است تا از شیوع دوباره بیماری و در نتیجه تکرار قرنطینه جلوگیری شود.

قرنطینه وضعیت اقتصادی کشورهای مختلف را با بحران مواجه کرده و در حال حاضر بیش از ۹۰ کشور از صندوق بین‌المللی پول درخواست کمک کرده‌اند. پایان دادن به قرنطینه بدون برنامه‌ریزی و بازگشت دوباره ویروس و از سرگیری قرنطینه موجب خسارت‌های بیشتر اقتصادی خواهد شد.

هانس کلاگ، مدیر منطقه‌ای اروپا در سازمان بهداشت جهانی می‌گوید این تفکر که به پایان قرنطینه نزدیک شده‌ایم خطرناک است و کشورها نباید حساسیت خود را در برابر ویروس کرونا کم کنند.

شمار قربانیان ویروس کرونا تا روز شنبه ۱۱ آوریل از مرز ۱۰۰ هزار نفر و مبتلایان آن از یک میلیون و ۷۰۰ هزار نفر گذشته است، جهان همچنان با این ویروس همگیر دست‌وپنجه نرم می‌کند.

در آسیای جنوب شرقی، اندونزی بالاترین آمار قربانیان بیماری کوید-۱۹ را به ثبت رسانده است. مقامات این کشور که فقط دو روز پیش قرنطینه اعلام کردند، گفته‌اند که ارتش با متخلفان با جدیت برخورد خواهد کرد.

بر پایه فهرستی که دانشگاه آمریکایی جانز هاپکینز منتشر می‌کند تا روز شنبه حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار مورد ابتلا به ویروس جدید کرونا در ۱۸۵ کشور جهان شناسایی شده و نزدیک به ۱۰۳ هزار نفر بر اثر ابتلا به بیماری کوید-۱۹ جان خود را از دست داده‌اند.

در میان تمام کشورهای جهان وضعیت در ایالات متحده بسیار وخیم است. بر اساس آمار دانشگاه هاپکینز در ۲۴ ساعت منتهی به غروب جمعه بیش از ۲ هزار و ۱۰۰ نفر دیگر به تعداد جانباختگان بیماری کوید-۱۹ در آمریکا اضافه شده است.

پس از ایالات متحده اسپانیا و ایتالیا بیش‌ترین موارد ابتلا به ویروس جدید کرونا را ثبت کرده‌اند. در روزهای گذشته از شتاب روند ابتلا و مرگ بر اثر بیماری کوید-۱۹ در این دو کشور کاسته شده اما بحران هنوز کنترل نشده است. به‌همین دلیل نخست‌وزیر ایتالیا، جوزپه کونته روز گذشته اعلام کرد که محدودیت‌ها در این کشور برای سه هفته دیگر تمدید می‌شود.

روش‌های درمان کرونا در ایران: «پس از «عطر پیغمبر» این بار نوبت «خاک متبرک» رسید.» جریان زندگی و فعالیت اقتصادی در ایران با وجود ادامه روند ابتلا به بیماری کوید-۱۹ و مرگ‌ومیر ناشی از آن، با طرح جدید دولت موسوم به «فاصله‌گذاری هوشمند» به تدریج شکل عادی به خود می‌گیرد.

بر اساس بخشنامه دولت از روز شنبه دو سوم کارکنان دولت به سر کار خود بازگشته و برخی کسب و کارها نیز در استان‌های کشور اجازه فعالیت یافته‌اند. این در حالی‌ست که اغلب کشورهای بحران‌زده ضمن حفظ جانب احتیاط بیش‌تر، دوره قرنطینه عمومی را تمدید کرده و از شهروندان خواسته‌اند برای غلبه کامل بر این بحران محدودیت‌های وضع شده را برای مدتی دیگر تحمل کنند.

آمار مبتلایان و تعداد فوتی‌های کرونا در ایران نشان از جهش بی‌سابقه این بیماری دارد. روحانی با مقایسه وضعیت ایران با اروپا، هم‌زمان با شیوع کرونا ادعا کرد که وضع ایران از اروپا بهتر است.

او بار دیگر ادعا کرد که وضعیت ایران در مقایسه با اروپا در مقابله با کرونا بهتر است. بر اساس گزارش خبرگزاری ایسنا، حسن روحانی در جلسه ستاد مدیریت و مقابله با کرونا، با اشاره به گزارش مقایسه‌ای انجام شده بین ایران و برخی کشورهای اروپایی، ادعا کرد که فاصله بسیار زیادی در این گزارش‌ها نسبت به وضع ایران با اروپا وجود دارد. به‌گفته او، «تعداد افراد فوتی» در ایران «بسیار کم و ۷ درصد» بوده اما در برخی کشورهای اروپایی این میزان،

«۲۲ درصد بود.»

در چنین شرایطی، این روزها که توصیه فراوان برای در خانه ماندن می‌شود باید بدانیم که هدف از قرنطینه خانگی قرنطینه جسمی، فیزیکی، ممانعت از رفت‌وآمد بیمار در جامعه و جلوگیری از بروز مبتلایان نسل دوم و سوم است.

تا زمانی که شمار زیادی ناقل بدون عوارض یا بیمار بالقوه وجود داشته باشد، قرنطینه خانگی به عنوان یک انتخاب مهم می‌تواند راه حل مشکلاتی باشد که نهادهای درمانی نمی‌توانند آن را حل کنند و در صورت بروز هر عوارضی باید برای تشخیص و درمان به بیمارستان مراجعه کرد.

طبق گفته پزشکان متخصص، از زمانی که یک شخص به ویروس کرونا مبتلا و ویروس وارد بدن می‌شود تا موقعی که اولین علامت بیماری ظاهر شود بین ۳ تا ۱۴ روز طول خواهد کشید که به دوره کمون یا نهفتگی معروف است و قطرات تنفسی این شخص مبتلا، با توجه به سرعت انتشار می‌تواند برای دیگران آلوده کننده باشد. بنابراین، با توجه به دوره نهفتگی ویروس کرونا، قرنطینه خانگی یکی از مهم‌ترین عوامل برای قطع چرخه انتشار این ویروس است.

شهروندان قرنطینه شده می‌توانند در این مدت از فعالیت در رسانه‌های اجتماعی، کتاب خواندن، فیلم دیدن، پخت‌وپز، نوشیدن چای و سایر فعالیت‌های پرکننده اوقات فراغت استفاده کنند تا کویید ۱۹ توانایی گسترش خود را از دست داده و از بین برود.

سئوال‌های فراوان درباره این‌که چه افرادی باید در خانه بمانند مطرح است و باید بدانیم افرادی که طی ۱۴ روز گذشته سابقه مسافرت یا اقامت در شهرهای آلوده را داشتند، حضور در مناطقی که بیماران محلی ممکن است به آنجا رفته باشند و همچنین افرادی که طی ۱۴ روز گذشته با افراد مشکوک به این بیماری ارتباط نزدیک داشته‌اند، در صورت وجود علائم مشکوک در مورد ابتلا به کوئید ۱۹، باید خود را در خانه قرنطینه کرده و در صورت بروز علائم شدیدتر به‌ویژه تنگی نفس شدید و تب بالا به پزشک مراجعه کنند.

قرنطینه بودن در خانه شرایط خاص خود را دارد، بنابراین فرد قرنطینه شده باید در اتاق جداگانه و با تهویه مناسب زندگی کند و از تهویه مناسب مناطق مشترک منزل مانند آشپزخانه، حمام و ... اطمینان حاصل شود. در چنین وضعیتی برای بی‌خانمان‌ها، کرایه‌نشین‌ها و محرومانی که در حلبی‌آبادها در یک اتاق چند متری پنج و شش نفر زندگی می‌کنند برای ابتلا شدن به بیماری بی‌اثر هستند. چرا که باید اعضای خانواده، در اتاق مجزا زندگی کنند و اگر شرایط انجام این کار وجود ندارد باید فاصله بیش از ۲ متر را با فرد قرنطینه شده را حفظ کنند.

از دیگر نکات مهم در قرنطینه خانگی، این است که محدوده فعالیت فرد قرنطینه شده و محدوده مشترک با سایر اعضای خانواده با بیمار را باید به حداقل رسانده و از صرف غذا در کنار هم خودداری شود. نباید لوازمی همچون مسواک، حوله، کارد و چنگال، سرویس بهداشتی، ملافه و... با فرد قرنطینه شده به اشتراک گذاشته شود و از ملاقات فرد قرنطینه شده به‌شدت پرهیز شود.

برای پرستاری از افراد مسن‌تر و نیازمند کمک قرنطینه شده باید یک فرد سالم و فاقد بیماری مزمن را در نظر گرفت. اما نکته مهم این است که پرستار و یا کمک‌کننده باید تمام موارد بهداشتی مانند ماسک زدن و شست‌وشوی مداوم دست‌ها با آب و صابون هنگام ورود و خروج در اتاق فرد قرنطینه شده را رعایت کند.

شیوع ویروس کرونا در جهان، بخش‌های متعددی از جوامع را تحت‌الشعاع خود قرار است که شاید بتوان گفت بیش از سایر گروه‌ها، کادر پزشکی و پرستاران در بیمارستان‌ها و مرکز درمانی خطر این ویروس را از نزدیک لمس کرده و حتی خود آنان از نخستین قربانیان این ویروس بودند.

در چنین شرایطی، آن عده افرادی که در قرنطینه خانگی به‌سر می‌برند و توانایی خواندن و نوشتن را دارند، بهترین سرگرمی سالم و مفید، مطالعه کتاب‌ها، مقالات و اشعار مورد علاقه‌شان است. در حال حاضر هزارها نوع کتاب چاپی با قیمت ارزان و الکترونیکی به‌صورت رایگان در کمپیوترها و موبایل‌های دوستان مان وجود دارد که می‌توان از آن بهره گرفت.

قرنطینه چیست؟

خانه‌نشینی انسان‌ها، هنگام شیوع بیماری مسری برای جلوگیری از سرایت آن به افراد سالم سابقه‌ای کهن دارد. اولین اشاره به قرنطینه به کتاب «سفر لویان» برمی‌گردد که متعلق به دوران هخامنشی است. این روش هنوز از مهم‌ترین راه‌های پیش‌گیری از شیوع بیماری‌های مسری است به‌خصوص وقتی بیماری واکسن و درمان نداشته باشد.

قرنطینه از واژه‌ای ایتالیایی گرفته شده به‌معنای چهار روز. این چهار روز قرنطینه را ونیزی‌ها بر کشتی‌هایی که می‌خواستند وارد بندر امروزی دوبرونیک در کرواسی شوند اعمال کردند. شیوع طاعون که به «مرگ سیاه» معروف شد بین سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۹ میلادی جان سی درصد جمعیت اروپا را گرفت.

مدت قرنطینه بستگی دارد به نوع بیماری عفونی، دوره نهفتگی (فاصله بین آلودگی به عامل عفونی و ایجاد علائم) و مدت زمانی که فرد آلوده یا مبتلا می‌تواند دیگران را مبتلا کند. برای مثال قرنطینه ابولا ۲۱ روز بود و قرنطینه بیماری «کروناویروس ۲۰۱۹» دو هفته.

قرنطینه کردن و جداسازی (ایزوله کردن) متفاوت است. ایزوله کردن برای جدا کردن مبتلایان به بیماری‌های عفونی از افراد سالم انجام می‌شود مثل جداکردن مبتلایان به یک بیماری عفونی خاص از دیگر بیماران در بیمارستان.

قرنطینه در اساس به‌معنی محدود کردن تردد افرادی است که در معرض یا در تماس با مبتلایان به یک بیماری عفونی بوده‌اند تا روشن شود که آیا مبتلا شده‌اند یا نه. این افراد ممکن است سالم باشند، ممکن است خود ندانند که آلوده شده‌اند یا ممکن است علائم نداشته باشند.

سازمان بهداشت جهانی و سازمان ملل در موارد شیوع بیماری‌های عفونی از مقررات بین‌المللی سلامت و کنترل همه‌گیری تبعیت می‌کنند. اساس این قانون که در طول زمان تغییر کرده پیمانی است که در سال ۱۸۵۱ در پاریس امضاء شد چون مقابله با همه‌گیری «وبا» در اروپا با شکست مواجه شده بود.

بر اساس این قانون، رفت‌وآمد مردم و کالا از مرزها سبب شیوع بیماری‌های مسری می‌شود و به همین دلیل کشورهای عضو باید موارد شیوع بیماری‌های عفونی را اعلام کنند و دیگر کشورها هم مجاز باشند حداکثر ممنوعیت و محدودیت‌ها را برای محافظت خودشان از شیوع بیماری را اعمال کنند.

این قانون همچنین می‌پذیرد که قرنطینه مانعی در تجارت آزاد ایجاد می‌کند و از ملاحظات بهداشتی می‌توان برای محدودیت‌های گمرکی استفاده نابه‌جا کرد.

بجز محدودیت برای تجارت آزاد، قرنطینه همیشه یکی از نگرانی‌های حامیان آزادی‌های فردی و اجتماعی و حقوق بشری بوده چون می‌توان قرنطینه را بهانه‌ای کرد برای نادیده گرفتن یا محدود کردن حقوق و آزادی‌ها که سابقه تاریخی هم دارد.

بر اساس اصول سیرکیوزا که الزام‌آور نیستند اما سازمان ملل آن را پذیرفته، قرنطینه باید بر اساس «ضرورت مطلق» و بر اساس یک نیاز اجتماعی واقعی و با رعایت ملاحظات زیر انجام شود:
محدودیت‌ها متناسب و در حداقل ممکن و در چارچوب قانون باشند و اجباری یا تبعیض‌آمیز نباشند
برای تمام محدودیت‌ها شواهد و اطلاعات علمی کافی وجود داشته باشد
این اطلاعات در دسترس همگان باشند
تمام اقدامات و محدودیت حقوق و آزادی‌های برای کسانی که قرنطینه می‌شوند بروشنی توضیح داده شود
تمام اقدامات دائم بازنگری و بررسی شوند

دولت‌ها هم موظفند در صورت قرنطینه:

مراقب باشند که بیماران تهدید و آزار داده نشوند
نیازهای اساسی آنها مثل آب، غذا و دارو و مراقبت‌های پزشکی برای آنها شود
محدودیت‌های یک‌سان و بدون توجه به موقعیت یا شغل اعمال شوند
ضرر مالی بیماران بعلت قرنطینه (مثلا حقوق) منصفانه جبران شود

نحوه بروز و ظهور علائم کرونا

فرض کنیم همه ما قدرت گرفتن کرونا را داریم. ۸۰ درصد ما و شاید هم بیشتر این چند علامت اولیه را کم و بیش خواهیم داشت:

- تب پایین: ۳۷/۸ تا ۳۸/۳

- بدن درد

- خارش و ناراحتی گلو

- سردرد

- سرفه خشک یا با ترشحات

- کمی تهوع و دلپیچه

- لرز مختصر

- آبریزش بینی

- عطسه

- اسهال

این علائم ممکن است در هر فرد کرونایی بروز کند، اما مادامی که در ۲۴ ساعت تا ۴۸ ساعت اولیه همه علائم با هم و رو به افزایش گذارد و علائم جدیدی مثل تند شدن تنفس بیش از ۲۴ در دقیقه یا تب ماندگار بالای ۳۸/۵ داشتید پزشکان توصیه می‌کنند با اورژانس تماس بگیرید. ثابت ماندن و کم شدن علائم نشان می‌دهد خودمدیریتی موثر است و به همین شکل با صبر و شکیبایی با ویروس بجنگید تا سرانجام شکست‌اش دهید.

در ضمن تا جایی که غذا و مایعات و حبوبات می‌خورید و توانایی خوردن میوه‌ها و سبزیجات تازه دارید نیازی به خوردن مکمل‌ها نظیر ویتامین‌ها، آهن و ... ندارید. در لبنیات هم نباید زیاده‌روی کرد. خوردن میوه به ویژه پرتقال و سیب در دو وعده صبح و عصر موثر است.

اگر کسی فشارخون، دیابت و بیماری قلبی و عروقی دارد ضرورت دارد که همواره با پزشک خود مشورت کند. حمام کردن حال بیمار را بهتر می‌کند. دمای حمام باید گرم باشد و بلافاصله پس از دوش گرفتن باید مواظب سرماخوردگی بود.

از خوردن چای داغ و کم رنگ غافل نباشید. چندقطره لیموترش هم بریزید طعمش را دلپذیرتر می‌کند. مصرف نان کمک کنید

مصرف سوپ ساده و پر آب را بالا ببرید.

پنجره‌ها را ۴ تا ۷ مورد به مدت ۱۰ تا ۱۵ دقیقه باز نگه دارید تا هوای کل خانه تغییر کند.

تا روز ۱۴، قرنطینگی را حفظ کنیم و به توصیه پزشک‌مان گوش کنیم.

از ماسک و دستکش و الکل و مواد ضدعفونی استفاده کنیم.

ویروس کرونایی که به یک باره مناطق مختلف کشور را درگیر کرد، اکنون بسیاری از مناطق از شمال تا جنوب و شرق تا غرب کشور را درنوردیده و در حال حاضر براساس تجربه دیگر کشورها ماندن در خانه تاثیر قطعی بر شکستن زنجیره انتقال ویروس کرونا دارد.

در حالی که ضرورت ماندن در خانه به خاطر شکستن زنجیره انتقال ویروس کرونا تقریباً از همه سو به گوش می‌رسد، مردم در خانه نمی‌مانند و با این کار کرونا را دست کم می‌گیرند. ندیدن یا دست کم گرفتن کرونا توسط گروهی از مردم و خالی نکردن بازارها در حالی اتفاق می‌افتد که کرونا از همه قشرها قربانی گرفته است. همچنین از طرف دیگر در یک ماه گذشته شیوع ویروس کرونا در کشور، بسیاری از مشاغل را به رکود و خواب برده و برخی را تا اطلاع ثانوی تعطیل کرده و در این میان موجب بیکاری تعدادی از کارگران روزمزد شده و آن‌ها را خانه‌نشین کرده است، این مهمان ناخوانده علاوه بر اقتصاد ایران، اقتصاد جهان را نیز تحت‌تاثیر منفی قرار داده و به تبع آن ایران نیز که یکی از کانون‌های اصلی آن شناخته شده، دچار یک بحران و فاجعه اقتصادی شده است بنابراین باید اذعان کرد جدای از رکود سنگین در بازارهای داخلی، این ویروس بر تجارت خارجی کشور به شدت سایه افکنده است. بیشتر همسایگان در هفته‌های اخیر بلافاصله اقدام به بستن مرزهای خود با ایران کردند و نتیجه این اقدام نیز چیزی جز تعلیق فعالیت‌های بازرگانی و صادرات نبود.

قرنطینه طولانی مدت امکان‌پذیر است؟

بسیاری بر این باورند که قرنطینه طولانی مدت عملی نیست و تاثیر آن بر اقتصاد کشورها جبران‌ناپذیر است. تاثیرهای منفی روحی و مالی بر بسیاری از مردم هم موجب می‌شود قرنطینه برای مدت طولانی دوام نداشته باشد. به نظر می‌رسد در اروپا هم بعضی کشورها به کم کردن محدودیت‌ها فکر می‌کنند. در اسپانیا و ایتالیا با کم شدن تعداد کسانی که بر اثر کرونا جان خود را از دست می‌دهند، زمزمه‌های ساده‌شدن قوانین سخت‌گیرانه تا ماه آینده شنیده می‌شود.

اتریش نخستین کشور اروپایی بود که بخشی از قرنطینه را برداشت و اعلام کرد بعضی از فروشگاه‌ها باز خواهند شد. در دانمارک مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها کار خود را از سر می‌گیرند اما محدودیت تجمع بیش از ۱۰ نفر همچنان ادامه خواهد داشت.

نروژ اعلام کرده محدودیت‌ها را به صورت پلکانی رفع می‌کند و از ده روز دیگر مهدکودک‌ها باز خواهند شد. دانش‌آموزان اول تا چهارم دبستان هم اواخر ماه جاری میلادی به مدرسه خواهند رفت.

در جمهوری چک که قوانین بسیار سخت‌گیرانه‌ای اعمال کرده بود بخشی از فعالیت‌ها از سرگرفته می‌شود و بعضی مغازه‌ها باز خواهند شد.

با این حال در بریتانیا آمار جان‌باختگان رو به افزایش است و قرنطینه ادامه دارد.

در آمریکا تاثیرات مخرب قرنطینه بر اقتصاد موجب شده دونالد ترامپ رییس‌جمهوری این کشور، به پایان قرنطینه فکر کند. او به‌طور صریح در کنفرانس‌های خبری خود گفته که برای حفظ اقتصاد آمریکا فکر می‌کند زندگی باید به روال عادی بازگردد چون به تصور او با تعطیلی کشور، آمریکا ویران خواهد شد.

میلیون‌ها نفر در آمریکا بدلیل شیوع ویروس کرونا شغل‌شان را از دست داده‌اند. اواخر ماه فوریه، بازارهای سهام در کشورهای مختلف جهان بدترین هفته خود را از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ تاکنون پشت سر گذاشتند. نه تنها مشاغل کوچک بلکه شرکت‌های بزرگ خودروسازی، فناوری و شرکت‌های هوایی هم ضررهای زیادی دیده‌اند.

چه زمانی زمان پایان قرنطینه است؟

بر اساس تحقیقی که اخیراً توسط پنج پزشک، محقق و کارشناس بیماری‌های همه‌گیر در آمریکا انجام شده، یکی از ملزومات پایان قرنطینه این است که بیمارستان‌های شهر یا ایالت در آمریکا بتوانند همه بیمارانی را که نیاز به بستری شدن دارند درمان کنند.

در دسترس بودن دستگاه‌های تنفس مصنوعی و تخت‌های کافی بیمارستان‌ها برای بیماران هم از مواردی است که این دانشمندان به آن اشاره می‌کنند. نویسندگان این تحقیق می‌گویند پایان قرنطینه در آمریکا باید ایالت به ایالت انجام شود. بر اساس این تحقیق، برای پایان قرنطینه هر ایالت باید بتواند دست‌کم هر کسی که نشانه‌های ابتلا به کرونا را دارد، آزمایش کند. برای مثال در آمریکا به هفته‌ای ۷۵۰ هزار تست نیاز است و این تازه زمانی است که شیوع بیماری کاهش پیدا کرده و اوضاع آرام شده است. جواب آزمایش هم باید در بازه زمانی کمی آماده شود.

به عقیده محققان این تحقیق که از سوی موسسه آمریکان اینترپرایز منتشر شده هر ایالت باید بتواند موارد تایید شده ابتلا به کرونا را کنترل کند. همچنین باید مشخص شود فرد مبتلا با چه کسانی در ارتباط بوده، آن‌ها هم باید به قرنطینه خانگی بروند تا مشخص شود ناقل ویروس نیستند.

بر اساس این تحقیق برای پایان قرنطینه باید دست‌کم ۱۴ روز موارد ابتلا به کرونا کاهش مدام داشته باشد. چون دوران نهفتگی کووید ۱۹ تا دو هفته است، در صورتی که ۱۴ روز موارد ابتلا به کرونا در ایالتی افزایش نداشته باشد، می‌شود نتیجه گرفت که ویروس کنترل شده است.

مورد دیگری که به نظر می‌رسد برای پایان قرنطینه لازم باشد، آزمایش برای یافتن آنتی‌بادی یا پادتن در بدن است. این نوع آزمایش بسیار ارزان‌تر و سریع‌تر از آزمایش‌هایی است که برای پیدا کردن ویروس در بدن افراد انجام می‌شود.

آزمایش برای پیدا کردن آنتی‌بادی نشان می‌دهد چه تعداد از افراد جامعه به کرونا مبتلا و چه تعداد در برابر آن ایمن شده‌اند. با این حال محققان این تحقیق می‌گویند آمریکا به هیچ کدام از پنج مورد اشاره شده در بالا نزدیک نیست.

پایان قرنطینه ووهان

دولت چین در هشتم آوریل، به ۷۶ روز قرنطینه بیش از ۱۱ میلیون ساکن ووهان و مناطق اطرافش در استان هوبی پایان داد. ووهان مرکز شیوع ویروس کرونا بود. بازگشایی ووهان گام مهمی برای شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری چین است. او خود را پیروز زود هنگام مبارزه با کرونا معرفی کرده، آن هم در حالی که کشورهای غربی هنوز با شیوع این ویروس درگیرند. اما چین به دادن اطلاعات غلط درباره ویروس کرونا و ساده انگاشتن آن متهم است.



همزمان کارشناسان بیماری‌های همه‌گیر هشدار می‌دهند که امکان بروز موج دوم شیوع ویروس کرونا در چین وجود دارد. مقام‌های حکومت چین ادعا می‌کنند در هفته‌های گذشته آمار ابتلا به ویروس کرونا در داخل این کشور صفر بوده و همه موارد جدید ابتلا از خارج از این کشور به چین آمده‌اند. یکروز پیش از پایان قرنطینه ووهان، دولت چین گزارش داد برای اولین بار از زمان شیوع کرونا، هیچ مرگی که مربوط به این ویروس باشد در این کشور رخ نداده. ساکنان ووهان حالا می‌توانند این منطقه را ترک کنند اما باید مدارک پزشکی خود را روی اپلیکیشن موبایلشان به مقام‌های پزشکی نشان دهند. به این ترتیب کسانی که با بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در تماس بوده‌اند، شناسایی می‌شوند. مدارس و دانشگاه‌ها هم هنوز بسته هستند. لو پینگ، افسر کنترل بیماری‌های واگیردار در چین پیش‌تر به تلویزیون سی‌سی‌تی‌وی این کشور گفته بود بازگشایی ووهان به این معنی نیست که ویروس کرونا ریشه‌کن شده و راه‌های پیش‌گیری از آن مثل ماندن در خانه، شستن دست‌ها یا فاصله‌گیری اجتماعی نباید پایان یابد.

چین از افزایش مجدد موارد جدید ابتلا به کرونا خبر داد

مقامات بهداشتی چین روز یکشنبه ۱۲ آوریل از افزایش مجدد موارد ابتلا به کرونا در این کشور خبر دادند. طبق منابع چینی ویروس کرونا بعد از عقب‌نشینی یک ماهه بار دیگر به سر زمین پهناور این کشور برگشته است. داده‌های آماری رسمی روز یکشنبه کمیسیون ملی بهداشت چین، نشان می‌دهد که در عرض یک روز ۹۹ مورد جدید ابتلا به ویروس کرونا در این کشور ثبت شده است. این تعداد دو برابر تعدادی که روز قبل ۱۱ آوریل به ثبت رسید بود.



ابتلای ۹۹ نفر در یک روز پس از وقفه یک ماهه به معنی رسیدن به بالاترین سطح ابتلا نسبت به ماه گذشته است.

تعداد مبتلایان کرونایی در چین از ماه مارس سال جاری سیر نزولی بسیار خوبی داشت به طوری که شهر وهان زادگاه اصلی ویروس کرونا به حالت عادی برگشت. پکن پیش‌تر اعلام کرد که اغلب مبتلایان جدید کسانی هستند که از خارج وارد این کشور می‌شوند.

موج دوم شیوع ویروس کرونا در چین و نژادپرستی

با آغاز موج دوم شیوع ویروس کرونا در چین و هشدار دولت این کشور درباره احتمال شیوع کرونا به خاطر ورود مسافران آلوده به ویروس، موارد متعددی از ستیزه‌جویی با خارجی‌ان مقیم چین در شبکه‌های اجتماعی گزارش شده است.

به گزارش خبرگزاری «سی‌ان‌ان»، مهاجران آفریقایی‌تبار در شهر گوانگژو یک گروه از قربانیان برانگیخته شدن احساسات بیگانه‌ستیزانه در چین هستند و بسیاری از آن‌ها بی‌خامان شده‌اند.

در شهر جنوبی گوانگژو صاحبخانه‌ها افراد با تبار آفریقایی را از خانه‌ها بیرون رانده‌اند. بسیاری از آن‌ها با وجود این‌که گفته‌اند اخیراً هیچ سفری به خارج از چین نداشته و با بیماران کووید ۱۹ تماس برقرار نکرده‌اند، با از دست دادن خانه‌هایشان ناچار شدند در هتل‌ها ساکن شوند.

خبرگزاری سی‌ان‌ان که با بیش از ۱۰ آفریقایی‌تبار ساکن گوانگژو مصاحبه کرد گزارش داد که بسیاری از آن‌ها تجربه مشابهی داشته‌اند: بیرون انداخته شدن از خانه، انجام آزمایش بی‌جهت کرونا از آن‌ها، قرنطینه شدن به مدت ۱۴ روز در خانه‌ها خود، و همه این‌ها بدون نشان دادن هیچ‌گونه علائمی از بیماری و بدون داشتن ارتباط با بیماران.

این وضعیت در شرایطی به وجود آمده که موج دوم شیوع ویروس کرونا در چین بر اثر انتقال بیماری از خارج از کشور در رسانه‌ها پوشش داده می‌شود. اوایل این هفته، زی جین پینگ رییس‌جمهوری چین از مقامات کشور خواست که با دقت مراقب ورود موارد مبتلا به کرونا از کشورهای دیگر باشند.

اما یک اطلاعات مهم در این مورد نادیده انگاشته شده است: وزیر بهداشت چین در تاریخ ۲۶ مارس اعلام کرده بود که ۹۰ درصد موارد وارد شده مبتلایان به کرونا پاسپورت چینی دارند.

در ابتدای شیوع ویروس کرونا در چین بیگانه‌ستیزی و نژادپرستی در سایر نقاط جهان نسبت به آسیایی‌تباران و مهاجران اهل چین بالا گرفت.

در آن زمان کارشناسان هشدار داده بودند که مسئله نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی به خاطر شیوع کرونا هنوز در مراحل اولیه است اما ممکن است به خشونت بیشتر نیز منجر شود.

در حال حاضر شیوع کرونا در بیش‌تر نقاط جهان موجب کاهش مسافرت‌ها میان کشورها، و اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه علیه مهاجران و پناهندگان شده است. رسانه‌ها در اغلب موارد بر مسئله شیوع بیماری متمرکز هستند و کمتر درباره تبعات برخی اقدامات اقتصادی و سیاسی دولت‌ها در خصوص اقلیت‌ها و اقشار حاشیه‌ای گزارش می‌دهند.

هم‌زمان با شیوع ویروس کرونا در چین و گسترش آن به کشورهای دیگر، نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی علیه آسیایی‌ها به‌خصوص در غرب رو به افزایش گذاشت. برخی رسانه‌های غربی با عبارات نژادپرستانه از ویروس کرونا یاد می‌کنند، شبکه‌های اجتماعی آکنده از احساسات نفرت‌پراکن نسبت به رسوم و عادات مردم چین شده، و آسیایی‌های مهاجر در فضاهای عمومی کشورهای دیگر با برخوردهای نژادپرستانه مواجه هستند. اما با توجه به جایگاه امروز چین در جهان، وضعیت می‌تواند از این نیز به مراتب بدتر شود.

در آن روزها، یک روزنامه فرانسوی در صفحه نخست خود در کنار تصویر یک زن چینی ماسک‌زده با حروف بزرگ نوشت «هشدار زرد». یک تیتیر دیگر در همین روزنامه از عبارت «خطر زرد جدید» یاد کرده بود، که به شیوع بیماری کرونا در وهان چین می‌پرداخت.

«خطر زرد» یک ایدئولوژی قدیمی نژادپرستانه در کشورهای غربی علیه مردم آسیای شرقی است و به بدترین کلیشه‌های ضد آسیایی اشاره دارد که هم‌زمان با اولین موج مهاجرت چینی‌ها به ایالات متحده در قرن نوزدهم میلادی آغاز شد. در آن زمان پروپاگاندای دولتی در آمریکا و همین‌طور فرهنگ عامه با به‌کار گرفتن عبارت «خطر زرد» اهالی چین را آلوده، غیرتمدن، بی‌اخلاق و تهدیدی برای جامعه جلوه می‌داد. به همین خاطر استفاده از این اصطلاح قدیمی برای اشاره به شیوع ویروس کرونا و مرگ و میر در چین نژادپرستانه است.

بعد از انتقاد خوانندگان روزنامه فرانسوی عذرخواهی کرد، اما این تنها مورد بروز نژادپرستی علیه آسیایی‌ها در رسانه‌های غربی نیست. یک روزنامه استرالیایی نیز در صفحه نخست خود ویروس کرونا را ویروس چینی خواند که به انتشار نامه دادخواهی با امضای بیش از ۴۰ هزار نفر منجر شد.

هم‌زمان با انتشار هر روزه اخبار درباره اشاعه ویروس، بسیاری از آسیایی‌های مهاجر در کشورهای دیگر می‌گویند که با آن‌ها همچون ویروس متحرک برخورد می‌شود.

یک ژورنالیست چینی بریتانیایی برای روزنامه «گاردین» نوشت که موقع سوار شدن در اتوبوس یک مرد به سرعت جای خود را عوض کرده است.

یک مددکار چینی مالزیایی تجربه مشابهی در اتوبوسی در لندن داشته است. او به شبکه خبری «سی‌ان‌ان» گفته که یک زوج بریتانیایی از او پرسیده‌اند که چرا مردم چین غذاهای عجیبی می‌خورند که می‌دانند موجب انتقال ویروس می‌شود.

در کانادا، کودکان چینی در مدرسه هدف حمله و تسمخر دیگر دانش‌آموزان قرار می‌گیرند. در نیوزلند که هنوز هیچ مورد تایید شده ابتلا به ویروس کرونا وجود ندارد، یک زن سنگاپوری گفته که در مرکز خرید با آزار نژادپرستانه مواجه شده است.

این مورد بازتاب‌دهنده تاریخ طولانی نژادپرستی در غرب است. در دوران «خطر زرد»، نژادپرستان ضدچینی به کشتن مهاجران این کشور اقدام می‌کردند. مهاجران آسیایی با انواع خشونت نژادی و تبعیض نظام‌مند مواجه بودند و حتی ایالات متحده چینی‌ها را به مدت ۶۱ سال از ورود به خاک این کشور منع کرده بود.

به‌همین خاطر است که عبارت «خطر زرد» دال بر قرن‌ها تروما است و بار سنگینی را به دوش می‌کشد. اما امروزه نژادپرستی ضدچینی فراتر از غرب می‌رود و در ویتنام علانی خارج از رستوران‌ها نصب شده که ورود چینی‌ها را منع می‌کند. عکس‌ها در شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که علانم مشابهی بیرون یک فروشگاه ژاپنی علیه ورود مشتریان چینی نصب شده است.

شاید شایع‌ترین نوع بیگانه‌ستیزی را بتواند در کلیشه‌ها وحشت‌زا علیه غذاهای چینی دید. این‌طور گفته می‌شود که ویروس جدید کرونا از یک بازار غذاهای دریایی وحشی در ووهان آغاز شده، و دانشمندان به احتمال انتقال ویروس از خفاش یا مار به انسان اشاره کرده‌اند.

درست است که تجارت گوشت حیوانات وحشی مسئله‌ای «غیرقانونی» است، اما شیوع بیماری حالا منجر به موج نفرت نژادپرستانه علیه غذاهای چینی شده، و بسیاری از مردم در سرتاسر دنیا از چینی‌ها دل‌خور هستند که چرا به‌خاطر عدم رعایت احتیاط به احتمال بروز یک اپیدمی جهانی دامن زده‌اند.

این ایده در شبکه‌های اجتماعی مقبولیت یافته، و بسیاری اخبار شامل ویدئوها و عکس‌های گمراه‌کننده در این باره به گردش درآمده است. به‌عنوان مثال، یک ویدئوی پربیننده در شبکه‌های اجتماعی یک بلاگ‌نویس جهانگرد چینی را نشان می‌دهد که در حال خوردن سوپ خفاش است. اما این ویدئو سه سال پیش در جزیره پالانو در اقیانوس آرام گرفته شده، و یک تلویزیون غربی میزبان این نمایش است. ویدئو و بلاگ‌نویس مذکور هیچ ارتباطی با شیوع بیماری اخیر در ووهان ندارند، با این حال ویدئوی اخیر بارها دیده شد و مخاطبان غربی در شبکه‌های اجتماعی نسبت به آن چنان ابراز انزجار کردند که آن بلاگ‌نویس ناچار شد پا پیش بگذارد و عذرخواهی کند.

در میانه این پوشش رسانه‌ای آینده از اطلاعات غلط، فراموش می‌شود که تنها یک اقلیت کوچک در چین حیوانات وحشی می‌خورند، و بیش‌تر مردم همان غذاهای سایر نقاط دنیا نظیر مرغ و خوک مصرف می‌کنند.

در نقاط دیگر دنیا و در رسوم سایر مردم نیز غذاها و حیواناتی سرو می‌شود که ممکن است به مذاق مردم دیگری خوش نیاید. غذاهای مرسوم در یک کشور بخشی از سنت آن منطقه است، و «عجیب و غریب» خواندن عادات غذایی افراد خود از دیدی اروپامحور برخاسته است.

با وجود این، یک مشکل اساسی در چین وجود دارد که نه از رسوم مردم این کشور، بلکه از عدم کفایت دولت در اعمال مقررات ضروری بر تجارت حیوانات وحشی برخاسته است.

شیوع بیماری سارس نیز که از خانواده ویروس کرونا است به‌خاطر مصرف گوشت گربه «زباد» که یک غذای خاص در جنوب چین است رخ داد. دولت این کشور، از آن زمان برخی قوانین محدود‌کننده بر تجارت حیوانات وحشی اعمال کرد، اما از اعمال قوانین سخت‌گیرانه که جلوی تجارت غیرقانونی را بگیرد سرباز زد.

مسئله مهم اکنون در چین این است که چگونه دولت می‌تواند بین سنت و مقررات بهداشتی نوعی توازن برقرار کند. مسئله نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی به‌خاطر شیوع کرونا هنوز در مراحل اولیه است اما ممکن است به خشونت بیش‌تر نیز منجر شود. در زمان اوج شیوع سارس در سال ۲۰۰۳ مردم آسیایی در غرب مورد اهانت واقع می‌شدند. گزارش‌هایی وجود داشت مبنی بر این‌که سفیدپوست‌ها در حضور همکاران آسیایی خود صورت‌شان را می‌پوشاندند و بنگاه‌های مسکن دستور داشتند که از ارائه خدمت به مشتریان آسیایی سر باز بزنند. مردم آسیایی خانه‌های خود را از دست می‌دادند، بدون ارائه توضیحی از کار اخراج می‌شدند و برخی سازمان‌های آسیایی کانادایی نامه‌های نفرت‌افکن دریافت می‌کردند. کسب‌وکارهای چینی و آسیایی در آن زمان به شدت آسیب دیدند.

این بحران ۱۷ سال پیش رخ داد، وقتی چین داشت به آرامی تعامل خود با جهان را گسترش می‌داد. اما حالا چین به یک قدرت مهم جهانی بدل شده و جنگ سرد میان این کشور و غرب موجب شده که بسیاری در غرب همین حالا چین را با سوءظن و تنش بیش‌تری تماشا کنند و بنابراین بیم بدتر شدن اوضاع برای مهاجران از این کشور دور از انتظار نیست.

پایان قرنطینه در ایران عملی است؟

در ایران ابتدا مقاومت زیادی برای برقراری قرنطینه می‌شد. ایرج حریرچی معاون وزارت بهداشت که خود به کرونا مبتلا شد، در ابتدای شیوع این ویروس در ایران قرنطینه را کاری مربوط به قرون وسطی خوانده و گفته بود این

کاری تاریخ گذشته است و به درد وضعیت کنونی نمی‌خورد. همان زمان بود که بعد از ووهان، ایتالیا قرنطینه شهرهای مختلف را شروع کرد و کشورهای دیگر هم به تبع آن شهرهایشان را قرنطینه کردند.

برگزاری انتخابات مجلس، راهپیمایی ۲۲ بهمن، باز بودن مراکز مذهبی و جلوگیری نکردن دولت از سفرهای نوروزی و دیر اقدام کردن آن برای قرنطینه از موارد انتقاد بسیاری از مردم و فعالان مدنی است.

به‌تازگی اتاق اصناف ایران اعلام کرده تالارها، رستوران‌ها، کافه‌ها، استخرها، سالن‌های زیبایی زنانه و مردانه، مراکز تجاری و بازارهای سرپوشیده، باشگاه‌های ورزشی و آموزشگاه‌های علمی از مشاغل پرخطر هستند و لازم است که تا اطلاع بعدی تعطیل باشند.

حسن روحانی رییس‌جمهوری اسلامی ایران، پیش‌تر گفته بود مشاغل کم‌خطر از سی فروردین در استان تهران و از ۲۳ فروردین در شهرستان‌ها می‌توانند فعالیت خود را آغاز کنند. روحانی گفته بازگشایی مشاغل، پلکانی و تدریجی خواهد بود.

بازگشایی بعضی از واحدهای صنفی در ایران، در حالی انجام می‌گیرد که وزارت بهداشت با آن مخالفت کرده. سعید نمکی، وزیر بهداشت حتی در نامه‌ای به حسن روحانی، آغاز به‌کار واحدهای تولیدی در ایران را تصمیمی آتش‌به‌اختیار و مضر خوانده است.

وزارت صنعت، معدن و تجارت اما بر نبود وقفه در کار و تولید در ایران تاکید دارد و به واحدهای تولیدی ابلاغ کرده که می‌توانند فعالیت خود را از سر بگیرند. همه این‌ها درحالی است که دکتر حسن اینانلو، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی البرز گفته اگر در روزهای آینده فعالیت‌های اقتصادی به صورت کامل آزاد شوند، یک میلیون نفر بر اثر کرونا جان خود را از دست خواهند داد.

به‌نظر می‌رسد ایران هنوز پنج ویژگی لازم توصیه شده توسط دانشمندان برای پایان قرنطینه را ندارد. اما مسئولان برای شکستن قرنطینه عجله دارند. از سوی دیگر، صاحبان بسیاری از مشاغل در ایران به‌دلیل شیوع کرونا و رکود اقتصادی ناشی از تعطیلی کسب و کارشان ضررهای هنگفتی دیده‌اند و ترجیح می‌دهند زودتر کارشان را از سر گیرند.

بررسی روزنامه‌ها، تارنماها و خبرگزاری‌های ایران

روزنامه آرمان ملی در گزارشی نوشت: «گروهی که برای ورود به حرم حضرت معصومه (س) و امام رضا (ع) به دستورالعمل صادر شده از سوی تولیت توجه نکرده و به خشن‌ترین شکل ممکن سعی در ورود به حرم داشتند، تصور نمی‌کردند کار آن‌قدر بالا بگیرد و آش آن‌قدر شور شود که بخش وسیعی از حامیان آن‌ها، که قبلاً در برابر شیرین‌کاری‌های قبلی همین افراد مانند لیسیدن ضریح سکوت کرده بودند، از این کار برانگیزسته و آن را تقبیح کنند. ... برای این گروه که در ورودی حرم حضرت معصومه (س) را به ضرب شکسته و با زور در تلاش ورود به حرم بوده‌اند، آن‌قدر دور از ذهن بوده است که عده‌ای از این افراد تصمیم بستن ورودی‌های حرم را با برخی موضوعات تاریخی بی‌ربط صورت‌بندی کرده‌اند. منطق پس‌گفتار این افراد چنان عجیب و چنان هولناک است که در آن‌ها نشانی از کم‌ترین همراهی با مردم گرفتار در موج بیماری همه‌گیری مانند کرونا دیده نمی‌شود...»

۲۴ اسفند ۹۸ فراخوانی برای تجمعی با عنوان «جاماندگان از مدافعان حرم» در یکی از کانال‌های شناخته‌شده در پیام‌رسان بومی ای‌تا منتشر شد و حجت‌الاسلام دشتی، مدیر این کانال برای مخاطبان خود که جمعی از طلاب و حوزویان با رویکرد انقلابی به شمار می‌آیند، نوشت: «جاماندگان از مدافعان حرم، حرم حضرت معصومه سلام... علیها را دریابید.»

خبرگزاری ایسنا در گزارشی، نوشت: «طی یک ماه گذشته شیوع ویروس کرونا در کشور، بسیاری از مشاغل را به رکود و خواب برده و برخی را تا اطلاع ثانوی تعطیل کرده و در این بین موجب بیکاری تعدادی از کارگران روزمزد شده و آن‌ها را خانه‌نشین کرده است، همچنین بخشی از جامعه کارگری نگران تمدید قراردادهای سال آینده خود هستند، چرا که به‌دلیل بی‌توجهی بخش زیادی از مردم نسبت به قدرت شیوع کرونا، به‌گفته مسنولان وزارت بهداشت اگر مردم رعایت نکنند تا خرداد درگیر این ویروس خواهیم بود. از سوی دیگر بسیاری از کارگران، علاوه بر خود نگران خانواده‌هایشان هستند که این روزها در خانه مانده‌اند، اما آن‌ها ناچارند در این شرایط به دلیل تامین معیشت خود بر سر کار حاضر شوند. مجد که در یک مجموعه خدماتی فعال است می‌گوید: در پی شیوع کرونا، کارفرما اعلام کرده که اگر نگران مبتلا شدن کرونا هستید می‌توانید بدون حقوق تا پایان سال در مرخصی بمانید، اما در این شرایط برای گذران زندگی خود و خانواده‌ام ناچار به کار هستم و خطر کار در این فضا را به جان خریدم. هادی نیز می‌گوید: متأسفانه تست کرونا یکی از کارگران این مجموعه مثبت اعلام شده، ما نیز با توجه به این‌که با او در ارتباط بودیم نگران هستیم و از سوی دیگر این دغدغه را دارم که به‌عنوان ناقل این ویروس خانواده‌ام درگیر کرونا نشوند اما متأسفانه اگر کار نکنم در پایان ماه حقوقی ندارم تا بتوانیم معیشت خود را تامین کنم، بنابراین ناچار هستم کار کنم؛ از سوی دیگر خرید ماسک و دست کش نیز به هزینه‌هایم اضافه شده و حداقل در این محیط کارفرما این تجهیزات را در اختیار کارگزارانش قرار نداده است. البته کارفرما می‌گوید کشور در تامین این تجهیزات دچار مشکل است و نمی‌تواند وقت خود را درگیر تامین این وسایل کند. مرتضی که در یک کارگاه طلاسازی کار می‌کرده می‌گوید: کارفرمایم بعد از

شیوع ویروس کرونا، اعلام کرد که به دلیل رکود بازار و این‌که بازار طلا خرید و فروشی ندارد، این کارگاه تا پایان فروردین سال آینده تعطیل است و در عمل من به عنوان کارگری روزمرد و ساعتی، اکنون بیکار هستم و درآمدی ندارم.

ویروس کرونا و جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران! خبرگزاری دفاع پرس، در گزارشی نوشت: «جنگ روانی و رسانه‌ای قسمتی از جنگ نرم و ترکیبی است که دولت‌ها و نهادهای غیردولتی علیه رقیبان و دشمنان خود جهت شکل‌دهی باورها، ارزش‌ها هنجارها، ادراکات و اثرگذاری بر اذهان و افکار عمومی در جهت ترغیب رفتار دلخواه از آن استفاده می‌کنند؛ رسانه‌های نوین در عصر حاضر ابزار مهمی جهت ترغیب افکار عمومی، شکل‌دهی به باورها و ارزش‌های موجود جامعه هستند. رسانه‌های معاند با جمهوری اسلامی ایران در طول دو، سه دهه اخیر با پیشرفت تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، بدنبال راه‌اندازی جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی بوده‌اند و این جنگ رسانه‌ای بدون وقفه و مستمر تاکنون بنا به سوژه‌های مختلف ادامه داشته است. این روند در چند ماه اخیر و همزمان با اعتشاشات آبان ماه ۹۸ بر اثر گرانی بنزین، بطور فزاینده‌ای ادامه داشته است؛ ترور سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی، اختلاف‌افکنی بین دولت و ملت ایران و عراق، راه‌پیمایی ۲۲ بهمن ۹۸ و انتخابات مجلس در دوم اسفند موضوعاتی بوده که در چند ماه اخیر سوژه رسانه‌های معاند بوده است. با شیوع بیماری کرونا از ووهان چین، نخستین مورد از فوت ناشی از ابتلا به این ویروس، در روز ۳۱ ژانویه ۲۰۲۰ گزارش و به ثبت رسید و این ویروس به سرعت در سراسر کشورهای منطقه و جهان تکثیر شد، تا جهان را به یک بحران تازه بیولوژیکی وارد کند. در این رابطه رسانه‌های معاند جمهوری اسلامی ایران با سوژه‌یابی و با استفاده از ابزار شایعه و جنگ روانی به‌دنبال راه‌اندازی بحرانی ساختگی در داخل کشور و ایجاد یک جو ایران‌هراسی در خارج ایران برآمدند که در ادامه بدان پرداخته می‌شود ... شیوع بیماری کرونا در چین، به آغاز وضعیت اضطراری در تمام جهان منجر شد؛ تاکنون صدها نفر در اثر ابتلا به این بیماری فوت کرده‌اند و هر روز خبرهایی در خصوص افزایش تعداد مبتلایان به این ویروس منتشر می‌شود. نقش رسانه‌ها در کنترل و مدیریت بحران و همچنین مهار آن بسیار اثرگذار بوده است؛ برخی رسانه‌ها با ارائه آمار غیر واقعی در مورد میزان شیوع و فوت‌شدگان از این ویروس در داخل ایران و در راستای پروژه ایران‌هراسی و بحران‌سازی گام برمی‌دارند.»

خبرگزاری تسنیم در گزارشی به بازتاب سخنان غلامرضا انصاری معاون اقتصادی وزیر امور خارجه ایران پرداخت و آورد: «غلامرضا انصاری درباره انتقال دانشجویان ایرانی در چین به ایران گفت: این افراد در قرنطینه تحت کنترل و امن وارد کشور شوند. مراودات ما در وزارت خارجه بعد از کرونا ضمن این‌که تحت کنترل بود با چین به علت اهمیتی که چین برای ما داشت با دانشجویان آغاز شد و بعد از این‌که کشور در تاریخ ۲۸ بهمن ماه درگیر بیماری کرونا شد؛ وزارت امور خارجه پیش‌تر وارد و ماجرا شد تا این‌که ستاد عالی تشکیل و ماموریت‌هایی توسط ریاست جمهوری به وزارت خارجه واگذار شد و جناب وزیر هم مسئولیت را به بخش اقتصادی دادند...»

سخنگوی وزارت بهداشت حکومت اسلامی ایران تا روز شنبه ۲۳ فروردین - ۱۱ آوریل، شمار جان‌باختگان ویروس کرونا در ایران به ۴۳۵۷ نفر رسیده است. کیانوش جهانپور گفته در شبانه‌روز گذشته ۱۲۵ نفر با ابتلا به بیماری کووید ۱۹ خود را از دست داده‌اند. ۱۸۳۷ مبتلای قطعی دیگر هم در شبانه‌روز گذشته شناسایی شده‌اند و تعداد مبتلایان از ۷۰ هزار نفر گذشته است. این آمار در حالی است که یک مقام سازمان بهداشت جهانی، گفته است آمار اعلام شده مقامات ایران درباره مبتلایان به ویروس کرونا تنها یک پنجم مبتلایان واقعی است.

شورش در زندان‌های حکومت اسلامی و اعدام یک زندانی فراری

مصطفی سلیمی، زندانی سیاسی ۵۱ ساله و محکوم به اعدام که پس از ۱۷ سال حبس، اخیراً از زندان سقز گریخته بود، صبح روز شنبه ۲۳ فروردین ماه اعدام شد.



مصطفی سلیمی اهل روستای «ابلو» از منطقه تیلکو از توابع شهرستان سقز در استان کردستان، روز ۱۷ فروردین سال ۱۳۸۲ بازداشت و با اتهاماتی نظیر «محاربه»، «سرقت مسلحانه» و «عضویت در احزاب اپوزسیون کرد» توسط علیرضا گودینی، قاضی دادگاه انقلاب سقز، محاکمه و به اعدام محکوم شد. او ۱۷ سال گذشته را بدون یک روز مرخصی در زندان سپری کرده بود.

این زندانی سیاسی در جریان شورش زندانیان سقز در روز هشتم فروردین ماه ۹۹، همراه با ده‌ها زندانی دیگر از زندان سقز فرار کرد و پس از ۱۰ روز، در تاریخ ۱۸ فروردین ماه دستگیر شد.

مصطفی سلیمی پس از فرار خود را به اقلیم کردستان عراق رسانده اما ماموران امنیتی این منطقه او را به حکومت اسلامی تحویل دادند. اعدام مصطفی سلیمی با وجود بحران کرونا در سراسر ایران نشان می‌دهد که اجرای مجازات مرگ (اعدام)، همچنان به شکلی جدی در دستور کار قوه قضاییه است.

خانواده این زندانی سیاسی روز جمعه ۲۲ فروردین ماه برای آخرین ملاقات پیش از اجرای حکم اعدام، به زندان سقز رفته بودند. یک منبع نزدیک به خانواده مصطفی سلیمی اعلام کرده که مصطفی در ملاقات آخرش با خانواده تایید کرده است که از سوی نیروهای امنیتی اقلیم کردستان موسوم به «آسایش» بازداشت شده و در منطقه مرزی سیران‌بندبانه، تحویل نیروهای امنیتی ایران شده است.

اخیرا پس از افزایش مطالبات برای آزادی و درخواست‌ها برای آزادی مشروط یا مرخصی از طرف زندانیان فشارها و تهدیدها علیه زندانیان و مخصوصا زندانیان سیاسی ایران بیشتر شده، و مسئولان زندان محدودیت‌های بیش‌تری را علیه زندانیان مانند محدودیت ملاقات و تماس تلفنی و ... اعمال کرده‌اند.

روزهای گذشته ایران، شاهد چندین شورش در زندان‌های شهرهای مختلف از جمله عادل‌آباد شیراز، مهاباد، الوند، سقز، تبریز، خرم‌آباد، الیگودرز بود و در این شورش‌های تعدادی از زندانیان توانستند از زندان فرار کنند.

یکی از خونین‌بارترین اعتراضات در زندان‌های ایران در دو زندان سپیدار و مرکزی اهواز رخ داد، سازمان عفو بین‌الملل روز پنج‌شنبه ۹ آوریل ۲۰۲۰ در بیانیه‌ای اعلام کرد نیروهای امنیتی ایران در اعتراضات دو زندان سپیدار و مرکزی اهواز ۱۵ زندانی را کشته و تعداد زیادی را زخمی کردند.

در بیانیه سازمان عفو بین‌الملل آمده که «در تاریخ ۳۰ مارس و ۳۱ مارس، طبق منابع مستقل از جمله خانواده‌های زندانیان، نیروهای امنیتی برای سرکوب اعتراضات در زندان سپیدار و زندان شیبان در شهر اهواز در استان خوزستان از زور بیش از حد استفاده کردند... رییس نیروی انتظامی استان خوزستان ادعان داشت که اعضای سپاه و نیروی بسیج شبه نظامی این اعتراضات را پس از آن‌که برخی از زندانیان سطل آشغال را به آتش کشیدند سرکوب کردند.»

سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی اعلام کرد که احتمال می‌دهد حدود ۳۶ زندانی بر اثر اقدامات مهلک نیروهای امنیتی برای سرکوب اعتراضات زندانیان کشته شده باشند.

۱۰ هزار قبر جدید در تهران برای قربانیان کرونا آماده شد

معاون خدمات شهری شهرداری تهران خبر داد که در بهشت زهرا قطعه جدیدی برای جان‌باختگان مبتلا به کرونا آماده شده و تاکنون قبرچینی ۱۰ هزار قبر جدید در این قطعه انجام شده است.

به‌گزارش خیرگزاری ایرنا، مجتبی یزدانی روز یک‌شنبه ۲۴ فروردین در جلسه شورای شهر تهران گفت که چند سردخانه جدید و دو کانتینر ۱۲ متری یخچال‌دار به تجهیزات بهشت زهرا اضافه شده است.

وی اعلام نکرد که تاکنون چند نفر از جان‌باختگان بر اثر ابتلا به کرونا در تهران دفن شده‌اند. مقامات حکومت اسلامی تعداد افراد جان‌باخته بر اثر ابتلا به بیماری کرونا در تهران و دیگر شهرهای ایران را به تفکیک اعلام نکرده‌اند.

پیش‌بینی ۱۰ هزار قبر برای قربانیان احتمالی کرونا در بهشت زهرا تهران در حالی انجام شده که بر اساس آمار اعلام شده از طرف وزارت بهداشت ۴۴۷۴ نفر در کل ایران جان باخته‌اند.

اما آماري که راديو فردا از اظهارات پراکنده مقام‌های رسمی محلی و منابع وزارت بهداشت جمع‌آوری کرده است، نشان می‌دهد تاکنون حدود ۱۰ هزار نفر در ۳۱ استان ایران جان خود را از دست داده‌اند.

در همین حال، حتی تعدادی از نمایندگان مجلس دولت را به پنهان‌کاری در اعلام تعداد جان‌باختگان و مبتلایان واقعی کرونا متهم می‌کنند.

از سوی دیگر، مقام‌های وزارت بهداشت حکومت اسلامی ایران در روزهای اخیر، بارها از افزایش تردهای شهری ابراز نگرانی کرده‌اند.

همچنین یک گزارش این وزارتخانه، عنوان می‌کند که در صورت کاهش فاصله‌گذاری اجتماعی، تعداد جان‌باختگان تا اواسط اردیبهشت به ۳۰ هزار نفر افزایش خواهد یافت.

روز یک‌شنبه حسن خلیل‌آبادی، عضو شورای شهر تهران، گفت که برخی از جان‌باختگان کرونا در قبرستان‌های شهر ری از جمله شاه عبدالعظیم و ابن بابویه که در منطقه مسکونی است، دفن شده‌اند.

خلیل‌آبادی گفت که بهتر است پیکرهای قربانیان کرونا در بهشت زهرا دفن شود. او همچنین اعلام کرد که منطقه کهریزک یکی از نقاط قرمز شیوع کرونا در تهران است و ساکنان این منطقه بیش‌تر از کارکنان بهشت زهرا و مرکز دفع پسماندهای ری هستند.

در برخی از شهرهای ایران قطعه‌های مخصوصی برای دفن جان‌باختگان مبتلا به کرونا ایجاد شده و در برخی شهرها همراه با دیگر افراد فوت شده دفن می‌شوند.

در همین حال مدیر بهداشت محیط مرکز بهداشت اصفهان گفت که جان‌باختگان کرونا در قطعه جداگانه به خاک سپرده نمی‌شوند اما همه دستوره‌های بهداشتی برای کفن و دفن آن‌ها رعایت می‌شود.

مهدی میرجهانیان اعلام کرد که اجساد این افراد در عمق دو متری زمین دفن شده و از آهک در کف قبر استفاده نمی‌شود.

در برخی از شهرهای ایران اما در کف قبر قربانیان کرونا آهک ریخته می‌شود.

از سرگیری کسب و کارها در ایران با وجود هشدارها

حسن روحانی در جلسه ستاد مقابله با کرونا گفته است که «وضعیت شیوع کرونا در ایران بهتر از اروپا» است و «فعالیت کسب و کارهای کم ریسک در تهران از شنبه ۳۰ فروردین آغاز می‌شود».

او گفته است: «کسب و کار پرریسک با پروتکلی که وزارت بهداشت اعلام می‌کند آغاز به فعالیت خواهند کرد.» او افزود: «از امروز هیچ ممنوعیتی در تردد میان شهرهای یک استان، وجود نخواهد داشت» و «تردد بین استان‌ها از ۱ اردیبهشت‌ماه آزاد خواهد شد».

روحانی گفته که «از اول اردیبهشت تردد بین استان‌های ایران آزاد است و از امروز نیز ممنوعیتی برای تردد بین شهرستان‌ها وجود ندارد».

فرونوش نوبخت، مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو تهران گفته است در روز شنبه ۲۳ فروردین که اولین روز اعلام شده توسط حسن روحانی برای بازگشایی کسب و کارها بود، مسافران مترو تهران به نسبت هفته گذشته ۴۰ درصد افزایش داشته است.



در همین حال علیرضا زالی، مسئول مقابله با کرونا شهر تهران نیز گفته است که نتایج «طرح فاصله‌گذاری هوشمند» ۹ تا ۱۴ روز بعد نمایان می‌شود و «نتایج هرگونه مداخله در بحث مدیریت شهری با گذشت زمان حاصل می‌شود.» نوبخت گفته است که روز گذشته در شهر تهران بیش از ۳۰۰ هزار مسافر از طریق مترو جا به جا شده اند. به گفته او پیش از شیوع کرونا در ایران آمار روزانه مسافران مترو تهران بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر بود.

مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو تهران گفت که روز گذشته این شرکت «از ۱۰۰ درصد ناوگان خود برای جابجایی مسافران استفاده کرده و هر تعداد قطار در ناوگان داشته برای این موضوع در نظر گرفته».

علیرضا زالی، مسئول مقابله با کرونا شهر تهران گفته است با اجرای «طرح فاصله‌گذاری هوشمند» نتایج آن با گذشت زمان مشخص می‌شود «چراکه این بیماری از دوره نهفتگی برخوردار است و نتیجه اجرای این طرح ۹ تا ۱۴ روز بعد در آمار پذیرش بیمارستان‌ها نمود پیدا می‌کند.»

به گفته زالی «امروز ۲۵۶ بیمار جدید در بخش‌های عادی و ۶۵ بیمار جدید در بخش‌های ویژه بیمارستانی بستری شدند که این آمار نسبت به روزهای گذشته تفاوت چشمگیری نداشته است.»

همدستی دولت و کارفرما علیه کارگران

ده‌ها ساعت مذاکره در نشست‌های سه جانبه، به‌توافقی دو جانبه ختم شد. دولت و کارفرماها حداقل مزد کارگران را به دل‌خواه تعیین کردند؛ خودشان بریدند و دوختند. پایه حقوق یک میلیون و ۸۳۵ هزار تومانی یک سوم هزینه‌های رایج هم نیست.

حداقل دستمزد کارگران در شورای عالی کار و پشت میزی تعیین می‌شود که سه گروه کارگری، کارفرمایی و دولت بر صندلی‌های آن می‌نشینند. میزی که اگر جای چانه‌زنی هم باشد، کف‌اش به نفع گروه دوم و سوم می‌چربد. با مصوبه این شورا ۳۳۵ هزار تومان به حداقل مزد کارگر ایرانی در سال ۹۹ اضافه می‌شود. وزیر کار مصوبه را مبارک خوانده اما تشکل‌های مستقل کارگری این تصمیم را تلخ و خفت‌بار نامیده‌اند. با این مبلغ می‌توان یک کیلو چای، سه کیلو پنیر و ۳۰ بربری خرید و تمام ماه نان و پنیر و چایی شیرین خورد.

بر خلاف سال‌های گذشته، به‌دلیل شیوع کرونا و تعطیلی اصناف، حداقل دستمزد در ماه اسفند تعیین نشد. کارفرماها حتی خواهان «فریز مزدی» بودند و پیشنهاد می‌کردند که در سه ماهه نخست سال ۹۹، حقوق کارگرها همان حقوق ۹۸ باشد. شامگاه چهارشنبه ۲۰ فروردین و در چهارمین نشست، پایه حقوق کارگران تصویب شد؛ این بار و برای نخستین مرتبه بدون امضای گروه کارگری.

مصوبه به‌سرعت ابلاغ شد، زیرا بدون امضای «نمایندگان کارگری» (تشکل دولتی نه نماینده واقعی کارگران) هم قابلیت اجرا دارد و تصمیمات شورای عالی کار، طبق ماده ۱۶۸ قانون کار، با اکثریت آرا اعتبار می‌یابد. تا سال ۱۳۷۸ که دولت وقت، دستورالعمل نحوه تشکیل و اداره شورای عالی کار را ابلاغ نکرده بود، شورا سه عضو دولتی، سه عضو کارفرمایی و سه عضو کارگری داشت و اجرای مصوبات آن مستلزم رای ۷ نفر بود. اگر هر سه عضو دولتی و کارفرمایی بر سر تصمیمی توافق می‌کردند، مخالفت یک نماینده کارگری برای عدم تصویب توافق کافی بود. در دولت اول احمدی‌نژاد، با پیوستن رییس موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران به ترکیب شورای عالی کار، تعداد اعضای دولت به ۴ نفر رسید.

با مصوبه شورای عالی کار، حداقل دریافتی کارگران تک خانوار و مجرد در سال ۹۹ با احتساب حق مسکن و بن خواربار و مزایای جنبی، دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌شود و کمترین حقوق کارگران متاهل در خانوارهایی با میانگین ۳/۳ نفر، حدود سه میلیون.

گروه کارگری حاضر در مذاکرات تعیین مزد، پایه دومیلیون و ۸۰۰ هزار تومانی را پیشنهاد داده بود و در چانه‌زنی‌های ۴۰ ساعته این شورا، روی افزایش ۳۶/۵ درصدی پایه دستمزد اصرار داشت که میانگین دو نرخ رسمی تورم است. تشکل‌های مستقل کارگری اما تاکید داشتند که حداقل دستمزد باید بر اساس واقعیات جاری، ۹ میلیون تومان باشد.

بانک مرکزی نرخ تورم سال ۹۸ را ۴۱ درصد اعلام کرده و مرکز آمار ۳۵ درصد. همین مرکز می‌گوید هزینه زندگی خانوارهای کارگری از اسفند ۱۳۹۷ تا اسفند ۱۳۹۸ بیش از ۶۴ درصد افزایش یافته است. مرکز پژوهش‌های مجلس هم پیش‌تر با اتکا به شاخص سه میلیون و ۴۰۰ هزار تومانی خط فقر در سال ۹۷، اذعان کرده بود که ۵۵ درصد خانوارهای ایرانی زیر این خط زندگی می‌کنند.

در سرشماری سال ۱۳۹۵، تعداد کارگران ایران ۱۴ میلیون نفر ثبت شده است. با احتساب دامنه ۳/۲ نفری خانوار، حدود ۴۵ میلیون نفر یعنی بیش از ۵۰ درصد از جمعیت ایران به جامعه کارگری اختصاص دارد. آن‌ها می‌گویند حقوق آن‌ها کفاف خورد و خوراک را هم نمی‌دهد چه برسد به هزینه‌های مسکن، پوشاک، رفت و آمد، دارو و درمان یا آموزش.

اسماعیل بخشی، نماینده شورای مستقل کارگری در سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه و زندانی سیاسی سابق، یادداشتی درباره حداقل دستمزد ۹۹ نوشته و در پاسخ منتقدانی که رویکرد اعتصاب را ناشی از ناتوانی در رایزنی و مذاکره می‌دانستند گفته است: «... پس از دوماه جلسه و گفت‌وگو و رایزنی نتیجه همان شد که باب طبع کارفرماها و دولت بود. نمایندگان به اصطلاح کارگری را به هیچ حساب کردند و حداقل دستمزد از یک میلیون پانصد شد یک میلیون هشتصد در سالی که تورم ۴۱ درصد اعلام شده است... خب این هم گفتگو و رایزنی و تلاش برای حل مشکلات کارگری با گفت‌وگو، تازه سر یکی از صدها مطالبه کارگران، حداقل دستمزد. آیا این افزایش دستمزد با تورم ۴۱ درصدی را باید حداقل نامید یا حداقل حداقل دستمزد. وقتی نمایندگان به اصطلاح کارگری را به هیچ حساب می‌کنند و خودشان می‌برند و می‌دوزند آیا برای کارگران چاره‌ای جز متشکل شدن و اعتصاب باقی می‌ماند؟ اگر علاوه بر حداقل دستمزد می‌گفتیم حداقل سهم کارگر از تولید، حداقل سهم کارگر از سود، حداقل سهم کارگر از ثروت حاصله، حداقل سهم کارگر از شهرت و قدرت حاصل تولید و ده‌ها حداقل سهم از کار و تولید و فروش و سود و پول را نیز با گفت‌وگو محاسبه کنید چه می‌کردند؟»

برخی از کارگران فلزکار در نامه‌ای به حسن روحانی با اشاره به افزایش ۶ برابری قیمت ماسک و یک و نیم برابر شدن قیمت الکل، نوشته‌اند نمی‌توانیم این اقلام را بخریم «چراکه به همت شما و دولت‌های پیشین هر روز فقیرتر شده‌ایم و قدرت خریدمان کاهش یافته است.»

در این نامه که روز یکشنبه ۲۴ فروردین در خبرگزاری ایلنا منتشر شده، با اشاره به این نکته که بیمه بیکاری دوران کرونا «رانندگان، کارگران ساختمانی، دست‌فروشان، بسیاری از بیکاران و کسانی را که دارای مشاغل حاشیه‌ای هستند پوشش نمی‌دهد»، خطاب به رییس‌جمهور ایران آمده است: «نمی‌توان خاتمه‌نشینی را تبلیغ کرد اما فقرا را در نظر نداشت.»

نویسندگان این نامه، با اشاره به گرانی برخی اقلام ضروری برای مقابله با کرونا، نوشته‌اند: «قبل از شیوع بیماری کرونا، دست‌کش لاتکس بسته‌ای ۳۵ هزار تومان در داروخانه‌ها توزیع می‌شد، اکنون ۱۰۰ هزار تومان شده است.» کارگران از روحانی خواسته‌اند که با برقراری پوشش بیمه سه ماهه، پرداخت حقوق عقب‌مانده، مجانی کردن آب، برق، گاز تا انتهای بحران کرونا و توزیع رایگان لوازم بهداشتی از جمله ماسک، دست‌کش، الکل و مواد ضدعفونی‌کننده بین فقرا و کارگران بیکار شده، از این اقشار حمایت کند.

شگفت‌زدگی نماینده سازمان جهانی بهداشت از حضور طلاب در بیمارستان‌های ایران

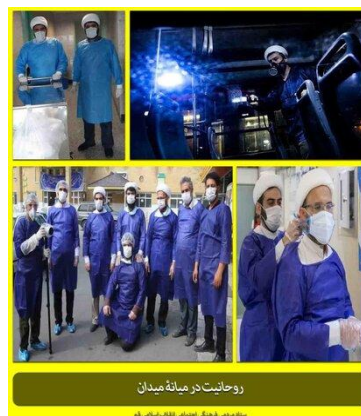
رییس بیمارستان فرقانی گفت: بازرسان سازمان جهانی بهداشت اخیراً برای بازدید به بیمارستان ما آمدند که بخش درمان مورد تایید آن‌ها قرار گرفت. در یکی از اتاق‌ها که رفتیم، یکی از طلاب جهادگر در حال کمک به یک بیمار بود، وقتی آن بازرس که از خارج آمده بود فهمید او یک روحانی است، بسیار متعجب شد.

دکتر حامد شفیعی در گفت‌وگو با خبرگزاری حوزه، با اشاره به حضور موثر و مثبت طلاب و فضایی حوزی در کنار بیماران کرونایی به‌عنوان همراه بیمار در بیمارستان فرقانی و سایر بیمارستان‌های قم، عنوان کرد: طلاب ما در طول ۲۴ ساعت به‌صورت ۳ شیفت صبح، عصر و شب در بیمارستان‌ها حضور پیدا می‌کنند، آن‌ها در کارهای خدماتی و کمک‌رسانی به بیماران فعال هستند، همچنین در کارهای پشتیبانی و آماده‌سازی تغذیه‌ها نیز فعالیت چشمگیری داشته‌اند.

رییس بیمارستان فرقانی عنوان کرد: با توجه به این‌که حضور طلاب تجربه نشده بود، در روزهای نخست، من از جهات مختلف تحت فشار بودم اما رفته‌رفته همه همکاران دیدند حضور آن‌ها مثبت است، از طرفی ما برای طلاب دوره‌های آموزشی نیز برگزار کرده‌ایم تا بیشتر با خدمات درمانی آشنا شوند.

رییس بیمارستان فرقانی گفت: یکی از مسائل بیماران، مباحث روانی بوده و این در درمان آن‌ها تاثیر دارد، چرا که سیستم ایمنی متاثر از این موارد است. نبود همراه، چالش بزرگی برای بیماران ایجاد کرده بود و وجود طلاب در جهت کمک روحی و امیدبخشی به بیماران مفید و در افزایش انرژی بیماران موثر بود و همین تاثیر خود را در درمان دارویی نیز نشان داد.

رییس بیمارستان فرقانی یادآور شد: از روز نخست، حفظ سلامت و بهداشت پرسنل ما از حساسیت‌های بسیار مهم ما بود، طلاب جهادی نیز از پرسنل ما محسوب می‌شوند، لذا هر آن‌چه نیاز باشد تا شرایط بهداشتی رعایت شود، برای پرسنل خود چه کادر درمانی، چه طلاب جهادگر عملی می‌کنیم و در این زمینه به هیچ‌وجه کوتاه نمی‌آییم، چرا که حفظ سلامت پرسنل و طلاب از خطوط قرمز ما محسوب می‌شود و تاکنون هیچ مشکلی وجود نداشته است.



در گزارش‌ها و تصاویر و ویدیوها آمده است که گروهی از طلاب با خواندن ادعیه، زیارت و مداحی بر بالین بیماران به رقص پرستارها و پزشکان پاسخ دادند.

سازمان نظام پزشکی ایران در کانال اطلاع‌رسانی خود، به فیلم حضور یکی از همین طلبه‌ها بر بالین بیماران کرونایی و خوردن «مایع شفابخش» به آن‌ها واکنش نشان داد: «(این فرد) بدون حفاظت شخصی وارد شده و طبیعتاً شانس گرفتاری خود را بالا برده است و چه بسا الان ناقل است و در سطح جامعه در حال تردد است. با انگشت غیربهداشتی خود در ظرفی می‌زند که شاید با همین انگشت به صدها نفر دیگر هم زده است. سپس همین انگشت را دور لب و بینی

بیمار بی‌دفاع کشیده، همین انگشت پر از عفونت را مجدداً به اطراف دهان و بینی بیمار مظلوم دیگر می‌کشد و لابد دیگران را هم! «
کیانوش جهانپور، رییس مرکز روابط عمومی وزارت بهداشت هم تنها به حضور روحانیون مدعی «طب اسلامی» در بیمارستان‌ها واکنش نشان داده و گفته است که حضور این افراد در بیمارستان‌ها «مصادق بارز مداخله در امر درمان» است.

روحانیان بلند پایه حوزه عملیه قم، واکنشی دیر به موضوع کرونا از خود نشان دادند و غالباً با نگرش علمی در برخورد با این بحران مخالفت کردند. از این رو، مراجع قم و روحانیان دیگر آن تا مدتی پس از شیوع این بیماری، از جایگاه دینی و اجتماعی خود در منع گسترش این بیماری استفاده نکردند. دیدگاه‌های ارائه شده بعدی نیز غالباً غافل یا مخالف دیدگاه متخصصان در مقابله با این بیماری بود.

برای مثال، آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر حکومت اسلامی ایران، در سخنان عمومی خود به جای تاکید بر بستن مراقد و مراکز دینی و منع مردم در تجمع در آن‌ها و دیگر تجمعات، به خواندن دعایی از صحیفه سجادیه توصیه کرد. در همین راستا، آیت‌الله وحید خراسانی نیز پس از توصیه بسیار کوتاه و کلی‌ای در «رعایت دستورات پزشکی و بهداشتی» بلافاصله به توصیه‌ای معنوی و روحانی رو آورده و از پیروانش می‌خواهد که «هر روز دست خود را روی قلبتان بگذارید و هفت مرتبه سوره حمد را قرائت کنید و نیز هر روز صبح و شب هفت مرتبه آیت الکرسی را تا «وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» قرائت نمایید.»

علاوه بر این‌ها، مسنولان مراکز مذهبی در ایران، غالباً با بستن آن‌ها تا مدتی پس از شیوع بیماری مخالفت کردند. برای مثال، سید محمد سعیدی تولیت حرم فاطمه معصومه در شهر قم و نیز نماینده ولی فقیه در استان قم و امام جمعه شهر قم در مخالفت با بستن حرم فاطمه معصومه در این شهر گفت: «ما حرم را دارالشفای می‌دانیم. دارالشفای یعنی مردم بیایند آن‌جا و برای امراض روحی و جسمی شفا بگیرند. باید اینجا باز باشد، باید مردم با قوت بیایند.»

کرونا در آلمان و بلژیک؛ کمترین نرخ مرگ و میر در اسپانیا

مرگ و میر ناشی از کرونا در بلژیک تا جمعه، از ۳۰۰۰ مورد فراتر رفت، در حالی که در اسپانیا کمترین میزان خود را از ۲۴ مارس گذشته، به ثبت رساند. آلمان برای چهارمین روز پیاپی پس از افت چند روز، ثبت موارد تازه ابتلاء را تجربه می‌کند.

بلژیک، ۴۲۶ مورد مرگ و میر جدید ناشی از ویروس را اعلام کرد و تعداد کل مرگ و میر در این کشور به ۳۰۱۹ مورد افزایش یافته است.

بلژیک همچنین ۱۶۸۹ مورد تازه ابتلاء را اعلام کرد که مجموع موارد ابتلاء را به ۲۶۶۶۷ مورد رساند. در اسپانیا، ۶۰۵ مورد مرگ و میر تازه به ثبت رسید که شمار متوفیان را به ۱۵۸۴۳ مورد رساند. وزارت بهداشت اسپانیا اظهار داشت که شمار مرگ و میر روزانه ناشی از کرونا بار دیگر در روز جمعه ۱۰ آوریل، کاهش یافت اما مجموع ابتلاء به این ویروس از ۱۵۲۴۴۶ مورد در روز پنج‌شنبه به ۱۵۷۰۲۲ نفر در امروز جمعه ۱۰ آوریل، رسید.

داده‌های انستیتو بیماری‌های عفونی رابرت کخ نشان داد که شمار موارد قطعی ابتلاء به کروناویروس در آلمان، ۵۳۲۳ مورد در ۲۴ ساعت گذشته افزایش یافته و به ۱۱۳۵۲۵ مورد در روز جمعه ۱۰ آوریل، رسیده است که افزایش موارد برای چهارمین روز متوالی پس از کاهش چند روزه آن است. شمار مرگ و میر ناشی از کرونا در آلمان با افزایش ۲۶۶ نفر به دو هزار و ۳۷۳ نفر رسید.

در مجارستان، داده‌های دولت در روز جمعه ۱۰ آوریل، نشان داده است که موارد ابتلاء به این ویروس با ۲۱۰ مورد تازه به ۱۱۹۰ افزایش یافته است. این بزرگ‌ترین افزایش روزانه در شمار مبتلایان از زمان انتشار ویروس در این کشور است.

سخنگوی دولت لهستان روز جمعه ۱۰ آوریل، اظهار داشت که ممکن است این کشور در روزهای آینده، شاهد پیک ابتلاء به کرونا باشد که با گذشت زمان، بتدریج فروکش خواهد کرد. لهستان تا پنج‌شنبه ۹ آوریل، ۵۵۷۵ مورد تازه ابتلاء تاییده شده و ۱۷۴ مورد فوت را گزارش کرده است.

فرانسه

شورای کارشناسان علمی در توصیه‌هایی به دولت امانوئل مکران اعلام کردند برای مهار ویروس کرونا، قرنطینه خانگی در فرانسه باید ۶ هفته ادامه یابد.

به‌گزارش روزنامه دیلی میل، شورای علمی سه‌شنبه شب به دولت امانوئل مکران رییس جمهوری فرانسه، تاکید کرد: «افزایش این اقدامات از مدت زمان اولیه دو هفته که اولین بار در سه‌شنبه گذشته اعمال شد، ضروری است.» شورایی با حضور پزشکان و جامعه‌شناسان توسط وزارت بهداشت فرانسه تشکیل شده تا بهترین روش را برای مبارزه با کرونا به مکران و دولت فرانسه ارائه دهد.

فرانسه، از ۱۷ مارس - ۲۷ اسفند ۹۸، اعلام کرد که مردم به جز در موارد ضروری و با مجوز قانونی حق خروج از منازل خود را ندارند و برای اعمال این قانون بیش از ۱۰۰ هزار نفر از نیروهای پلیس را به کار گرفت. همچنین دولت مکرون از بیم افزایش بیماری کرونا در زندان‌های این کشور، یک‌هزار و ۶۰۰ تن از زندانیان را آزاد و اعلام کرد که ۳ هزار و ۴۰۰ تن دیگر را نیز آزاد می‌کند.

در فرانسه نیز پس از آن که شمار جان‌باختگان در خانه‌های سالمندان جهش یافت، تعداد موارد فوتی بر اثر ابتلا به ویروس کرونا به نزدیک به ۹۸۷ تن یا به ۸ درصد افزایش یافته و تاکنون به ۱۳۹۷ مورد رسیده است. همچنین در فرانسه، تعداد افرادی که در بخش‌های مراقبت‌های ویژه نگهداری می‌شوند با افزایش تدابیر قرنطینه‌ای در کشور کاهش یافته است.

تعداد موارد ابتلا به ویروس کرونا در این کشور نیز با ۷۱۲۰ مورد افزایش به ۱۲۴۸۶۹ تن رسیده است. یک مقام مسئول در وزارت کشور فرانسه گفت تعداد کل قربانیان و مبتلایان در این کشور رو به افزایش است زیرا که از مجموع ۷۴۰۰ خانه سالمندان تنها کمتر از ۵۰۰۰ خانه سالمندان داده‌ها و آمار مربوط به خود را به دولت ارائه داده‌اند.

وزارت بهداشت فرانسه جمعه اعلام کرد تعداد موارد بستری در بخش‌های مراقبت‌های ویژه بالغ بر ۷۰۰۴ تن با کاهشی به میزان ۶۲ مورد یا ۹/۰ درصد است. این در حالی است که این تعداد به میزان یک درصد در روز پنج‌شنبه کاهش یافته بود.

از زمان ظهور و انتشار بیماری کرونا در چین در ماه دسامبر گذشته و بنا بر آمار ارائه شده از سوی خبرگزاری فرانسه با استناد بر منابع رسمی ابتلا به ویروس جدید کرونا که در سرتاسر جهان به طرز فزاینده‌ای در حال شیوع است تا ساعت ۱۷:۳۰ روز جمعه منجر به فوت دست‌کم ۱۰۰ هزار نفر شده که نزدیک به ۷۰ درصد از این تعداد تلفات، در اروپا هستند.

آمریکا

بحران عظیم نیویورک که حس می‌کرد فاجعه ۱۱ سپتامبر را همچون خاطره‌ای دور پشت سر گذاشته است، بار دیگر دچار بحران مهلکی شده است. امروز محتاج همان کسانی است که بازار، طی روند کاهشی مداوم دستمزدشان، به مرز گرسنگی کشانده است: حاملین برانکارد، کارگران حمل‌ونقل، پرستاران، انباردارها، و کارگران شرکت‌های خدمات نظافتی. این چنین است که در کشوری که در زمینه تحقیقات و رشد علمی ۵۵۳ میلیارد دلار (آمار رسمی کاخ سفید) سرمایه‌گذاری می‌کند، شاهد این هستیم که ۷۵ درصد از دانش آموزان مدارس دولتی‌اش، در مرز یا زیر خط فقر قرار دارند و خیلی از آن‌ها دارای محل سکونت ثابتی نیستند. کودکان و نوجوانانی که اگر سلف مدرسه نباشد، به غذا دسترسی ندارند.

ایالات متحده یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان و هم‌زمان دارای بیش‌ترین شکاف دستمزد بین مدیران و کارگران است.

اکنون نیویورک که همیشه به عظمت، دارایی و قدرتش مغرور بود، حس می‌کند که لحظه وحشت فرارسیده است، هرچند هنوز کاملاً به خطر آگاه نیست.

آمریکایی‌ها از دست دادن آزادی تردد را خطری بزرگ‌تر از خطر ابتلا به ویروس می‌دانند. همه اماکن بسته شده‌اند و واگن‌های مترو که هنوز به کار خود ادامه می‌دهند خیلی خلوت‌اند، ولی هنوز قرنطینه کامل و واقعی به تمامی اجزای نشده است.

در نیویورک، خشم نسبت به ترامپ که با وجود مشاهده قرنطینه ۶۰ میلیون نفری چین و اوضاع ویران‌گر اروپا، شرایط اضطراری را انکار کرد، جایگزین ترس شده است. ترامپ با استفاده از تفاوت نظر بین متخصصین - که هر روز در رسانه‌ها اظهار فضل می‌کردند و یک روز کوید-۱۹ را به طاعون ریوی و روزی دیگر آن را به یک آنفلوآنزای ساده تشبیه می‌کردند- با توییت‌های احمقانه‌اش با خطر بسیار سطحی برخورد کرد. او زمانی که دیگر اپیدمی انکارناپذیر شد، شرایط اضطراری اعلام کرد.

ماریو کومو فرماندار نیویورک هم با تاخیر عمل کرد، ولی اعتماد بیش‌تری به خود جلب کرد، چون با رفتاری که انتظارش نمی‌رفت، از سلامت عمومی مردم حمایت کرد. می‌گویم غیر قابل انتظار، چون در ایالات متحده «حمایت» به معنی آزادی سودآوری و آزادی در خرید مایحتاج تفسیر می‌شود. ولی کومو گامی متفاوت برداشت و به حمایت کردن، بدون در نظر گرفتن سودآوری، اولویت داد.

شمار کسانی که تا روز شنبه ۲۳ فروردین در آمریکا بر اثر ابتلا به ویروس کرونا، کوید ۱۹، جان خود را از دست داده‌اند به ۲۰ هزار و ۳۸۹ نفر رسیده و از تعداد قربانیان در ایتالیا فراتر رفته است.

آمریکا اکنون بیش‌ترین آمار مرگ و میر ثبت شده بر اثر ابتلا به ویروس کرونا را از زمان آغاز شیوع این ویروس در جهان دارد.

به گزارش رویترز، آمریکا طی چهار روز گذشته شاهد جانباختن روزانه دو هزار نفر بوده است. این چهار روز مرگبارترین روزها از زمان شیوع گسترده ویروس کرونا در جهان برای یک کشور بوده است. آمریکا نخستین کشور جهان است که دوهزار جانباخته بر اثر کرونا ظرف یک روز را گزارش می‌کند. شمار مبتلایان قطعی به ویروس کرونا در آمریکا تا روز شنبه ۵۲۴ هزار و ۹۳۲ نفر اعلام شده است. مقام‌های آمریکا می‌گویند چین که ویروس کرونا از آن کشور آغاز شد، شمار واقعی قربانیان و مبتلایان به این ویروس را مخفی می‌کند. در همین حال، مقام‌های بهداشتی آمریکا هشدار داده‌اند در صورتی که محدودیت‌ها و قرنطینه ۳۰ روزه اعلام شده برای بسیاری از ایالت‌های این کشور پس از پایان دوره‌اش ادامه نیابد، شمار قربانیان ویروس کرونا تا پایان تابستان به ۲۰۰ هزار نفر خواهد رسید. محدودیت‌های اعلام شده شامل ماندن در خانه و تعطیلی مدارس و فعالیت اقتصادی غیر ضروری است.

نیویورک هم اکنون یکی از کانون‌های اصلی شیوع ویروس کرونا است. بنابر اعلام فرماندار نیویورک هم اکنون ۱۸۱ هزار نفر در این ایالت به ویروس کرونا مبتلا هستند. شمار مبتلایان قطعی در ایالت نیویورک بیشتر از هر تعداد مبتلایان هر کشور دیگر در جهان است. اندرو کومو، فرماندار نیویورک روز شنبه گفته است که شمار قربانیان در روز جمعه ۷۸۳ نفر بوده است که نسبت به روز پنجشنبه شمار قربانیان ثابت بوده است. در همین حال بیل دو بلاسیو، شهردار نیویورک اعلام کرد که مدارس این شهر با بیش از یک میلیون و ۱۰۰ هزار دانش آموز برای بقیه سال تحصیلی بسته خواهد بود. اما آندرو کومو گفته است، این تصمیم به شهردار بستگی دارد و هنوز چنین تصمیمی اتخاذ نشده است. آسوشیتدپرس می‌گوید، هم اکنون تعدادی از ایالت‌ها در مرکز آمریکا با احتمال اوج‌گیری میزان مرگ و میر بر اثر ابتلا به این ویروس مواجه‌اند. این در حالی است آنتونی فاوچی، مدیر موسسه ملی مبارزه با آلرژی و بیماری‌های عفونی آمریکا گفته است، ثابت ماندن تعداد افرادی که در نیویورک به دلیل ابتلا ویروس کرونا بستری می‌شوند، یا تعداد افراد در بخش مراقبت‌های ویژه نشان می‌دهد که راهبرد قرنطینه و فاصله‌گذاری اجتماعی موثر بوده است. دونالد ترامپ، رییس جمهوری آمریکا ۱۶ فروردین هشدار داده بود که ایالات متحده دو هفته سخت پیش رو دارد و تعدادی زیادی به دلیل ویروس کرونا در این کشور جان خود را از دست خواهند داد. ترامپ رییس جمهوری آمریکا گفته است: متأسفانه شمار زیادی خواهند مرد. مرگبار خواهد بود. هفته آینده و هفته بعد از آن مرگبار و سخت خواهند بود. دونالد ترامپ اقدامات برای مقابله با ویروس کرونا را با شرایط جنگی مقایسه کرد و گفت که چنین اقداماتی در تاریخ آمریکا کم سابقه بوده است. بالاترین میزان تلفات در یک روز در آمریکا! این میزان مرگ و میر طی یک روز از آغاز شیوع جهانی ویروس جدید کرونا تا کنون در هیچ کشور دیگری ثبت نشده است. برآورد می‌شود بحران کرونا در آمریکا میانه ماه آوریل به اوج می‌رسد و تعداد قربانیان هر روز فراتر از ۲ هزار نفر خواهد بود. در آمریکا تا روز شنبه بیش از نیم میلیون مورد ابتلا به بیماری کووید-۱۹ شناسایی شده و شمار قربانیان به نزدیک ۱۸ هزار و ۸۰۰ نفر رسیده است. دونالد ترامپ، رییس جمهوری آمریکا، که متهم می‌شود در روزهای آغاز شیوع کرونا این معضل را جدی نگرفته، در روزهای گذشته بیش از پیش به شهروندان آمریکایی در مورد در پیش بودن روزهای سخت هشدار می‌دهد. ترامپ روز جمعه اعلام کرد که احتمالاً تا روز سه‌شنبه تیمی از کارشناسان را معرفی خواهد کرد که قرار است به او مشاوره بدهند. او می‌گوید این اقدام بزرگ‌ترین تصمیم زندگی‌اش خواهد بود. ترامپ گفته بر خلاف پیش‌بینی‌های قبلی‌اش که شمار قربانیان بیماری کووید-۱۹ را تا ۱۰۰ هزار نفر برآورد می‌کرد اکنون امیدوار است که این رقم بسیار کمتر باشد.

ایتالیا

ایتالیا روز ۳۰ ژانویه - دهم بهمن، یعنی زمانی که تست ویروس کووید-۱۹ دو جهانگرد چینی در این کشور مثبت اعلام شد در زمره کشورهای متأثر از بیماری کرونا قرار گرفت. این دو جهانگرد که به میلان و رم سفر کرده بودند به سرعت قرنطینه شدند و تمام پروازها از چین به ایتالیا لغو شد. دولت واکنش نشان داد تا این ویروس را مهار کند و نشانه‌ای یافت نشد که این دو گردشگر شخص دیگری را آلوده کرده باشند. سپس چند مورد از بیماران کرونایی ایتالیایی بازگشته از چین را نیز به موقع قرنطینه کرد و حال آن‌ها بهبود یافت. ایتالیا در میان کشورهای اروپایی بالاترین تعداد پرواز به چین را داشت به طوری که شمار پروازها بین دو کشور اوایل

سال جاری میلادی سه برابر شد. این امر پس از آن رخ داد که دو کشور در آغاز سال نوی میلادی تفاهنامه‌ای برای گسترش گردشگری دوجانبه امضاء کردند در حالی که آن زمان چین در گیرودار رشد تصاعدی ویروس قرار داشت.



نقطه آغاز کرونا شهر کودونیا بود. بیمار شماره یک فردی ۳۸ ساله بود. او روز ۲۱ فوریه دوم اسفند با مشکل تنفسی به بیمارستانی در لومباردی مراجعه کرد اما از آنجا که هیچ تماسی با کسی از جمله جهانگردان چینی یا افرادی که از چین مراجعه کرده بودند نداشت، پزشکان در ابتدا بیماری او را «ذات‌الریه» تشخیص دادند. این‌که او ویروس کرونا را از کجا گرفته همچنان در هاله‌ای از ابهام است. بیمار شماره صفر نیز هرگز در این کشور مشخص نشد. بعد از این بود که شمار مبتلایان در ناحیه لمباردی، قطب اقتصادی ایتالیا، در طی دو هفته به هزاران نفر رسید. شماری معتقدند صدور کارگران ارزان قیمت چینی به مناطق صنعتی شمال ایتالیا و قراردادی که دولت این کشور برای وارد کردن نیروی کار ارزان از چین منعقد کرده یکی از عوامل اصلی شیوع ویروس در شمال ایتالیا بوده است. این کارگران اغلب در حومه مناطق صنعتی و شهرهای کوچک‌تر و مناطق جنوبی زندگی می‌کنند، یعنی نقاطی که بلافاصله ویروس به آن‌ها گسترش یافت. چندی پیش نیز یک متخصص ایتالیایی بنام جوزپه رموتزی، در گفت‌وگو با رسانه‌های آمریکایی گفت که در ماه‌های نوامبر و دسامبر سال گذشته یک ویروس نامعلوم در شمال ایتالیا مشاهده شده بود که ممکن است همان کروناویروس بوده باشد اما دولت با وجود چنین شواهدی در این امر تعلل کرده است.

ریموتزی ۱۱ مارس مقاله‌ای را در مجله پزشکی معروف «لانس» منتشر کرد. وی در این مقاله پیش‌بینی کرد که از روز ۱۱ مارس و ظرف مدت ۴ هفته حدود ۴۰ هزار نفر از مردم ایتالیا به ویروس کرونا مبتلا خواهند شد و این کشور به ۴۰۰۰ تخت آی‌سی‌یو دیگر نیاز دارد اما سرعت شیوع ویروس کرونا بیش از پیش‌بینی‌های او بوده است، به‌طوری که ۲۷ کشور در جهان اعلام کردند منشأ اولین مورد ویروس در کشورهایشان ایتالیا بوده است. برخی از پژوهش‌گران نیز از وجود اپیدمی خوشه‌ای ویروس در شمال ایتالیا به‌دنبال برگزاری جشنواره‌های هنری و ورزشی خبر می‌دهند که تا اواخر ژانویه این مناطق را کاملاً درگیر کرده بود.

آنچه واضح است کوتاهی دولت جوزپه کونته است که با آگاهی قبلی از احتمال سرایت آن از آسیای شرقی، تقریباً تصمیمات مربوط به پیش‌گیری، آمادگی و مراقبت‌های ابتدایی را به اجرا در نیاورده است.

دهه‌ها اجرای سیاست‌های نولیبرالی بخش‌های مختلف زیرساختی این کشور از جمله نظام بهداشت و درمان را تضعیف کرده است. در این کشور، در طی ده سال گذشته بیش از ۳۷ میلیارد یورو و بیش از ۷۰ هزار تخت بیمارستانی از نظام بهداشتی کاسته شده است. سرانه تخت ویژه بیمارستانی ایتالیا از دهه ۱۹۸۰ تا سال ۲۰۱۳ از ۹۲۲ تخت به ۲۷۵ تخت به ازای هر صد هزار نفر رسیده است. از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷، نظام بهداشتی ۴۶ هزار کارمند از جمله ۸ هزار پزشک و ۱۳ هزار پرستار و هزاران دستگاه مربوط به تنفس مصنوعی، آمبولانس و حتی کپسول اکسیژن را از دست داده است. این واقعیتی است که دولت و طبقه حاکم که تصمیم‌گیری‌های مربوط به سیاست‌گذاری مالی را دهه‌ها در این کشور اجرا کرده اند هرگز به آن اشاره نمی‌کنند. تضعیف بخش بهداشت و درمان یکی از عوامل اصلی میزان ده درصدی و بسیار بالای مرگ و میر در این کشور بوده است. در اثر همین سیاست‌ها از تعداد پزشکان کاسته شده و تعداد پزشک‌های در حال کار پاسخ‌گوی نیاز جامعه نیست و این را در سراسریمگی بیاتیه‌های دولت مبنی بر فراخوان بازگشت به کار خطاب به کارکنان بازنشسته و اقدام بی‌سابقه استخدام فوری نیروی کار مهاجر متخصص (پزشک و پرستار) از خارج از اتحادیه اروپا، کاملاً مشهود است. با وجود این‌که بخش سلامت این کشور در مقایسه با دیگر کشورهای اروپایی کمتر متاثر از سیاست‌های نولیبرالی بوده است و صنایع داروسازی ایتالیا همچنان با کیفیت‌ترین محصولات را درجهان عرضه می‌کنند، ولی دولت‌های این کشور بر ناتوانی‌های مزمن بخش بهداشت و رسوخ رویکرد سودمحور بخش مالی به آن، بیش از آشکار شدن خطر ویروس، سرپوش گذاشته‌اند. ناتوانی در تضمین تست کروئای همگانی و تاخیر در این زمینه همراه با ضعف در اقدامات مربوط به پیش‌گیری با در نظر گرفتن میزان کمی و کیفی رشد ابتلا و مرگ‌ومیر، از دیگر نقاط ضعفی است که می‌توان به آن اشاره کرد.

ایتالیا اگر چه به سرعت میزان و گستره تست‌گیری را بالا برد و جز کشورهای است که به‌لحاظ کمی بیش‌ترین تست را گرفته است، با این حال، رشد متوالی و تصاعدی ابتلا و تلفات در این کشور ارتباط مستقیمی با میزان تست‌گیری داشت؛ این امر خیلی زود خود را در انفجار مرگ‌ومیر در خانه‌های سالمندان و اولویت‌بندی وحشتناک درمان بیماران بر اساس سن آشکار کرد.

رویتز اخیراً گزارش داده است به‌دلیل نبود نیروی کافی مراقبتی و امکانات بهداشتی و کاهش بودجه مراقبت‌های اولیه برای پزشکان خانواده، سالمندان زیادی به تنهایی در خانه‌هایشان جان سپرده‌اند. آنجلو بورلی، رییس اداره حفاظت مدنی ایتالیا، گفته با توجه به این‌که خیلی از مبتلایان از جمله جوانان که ناقلان خاموش به‌شمار می‌روند هیچ علامتی ندارند، ممکن است این حرف درست باشد که «تعداد مبتلایان بیش‌تر از ۱۰ برابر آمار رسمی است.»

از دیگر دلایل بالا بودن شمار مرگ و ابتلا می‌توان به پیری جمعیت این کشور اشاره کرد که بیش از نیمی از جمعیت آن بالای ۴۶ سال سن دارند. شاید ایتالیا بعد از ژاپن مسن‌ترین کشور جهان است. حدود ۶۰ درصد از موارد ابتلا در این کشور مربوط به افراد بالای ۶۰ سال بوده است؛ فرهنگ و سبک زندگی جمعی و شیوه هم‌نشینی و مجاورت جوانان با سال‌خوردگان در برخی نواحی از دیگر دلایل ابتلای بالا در رسانه‌ها شمرده می‌شود.

شورش در زندان‌های ایتالیا در پی شیوع ویروس کرونا و قطع ارتباط زندانیان با خانواده‌هایشان از شهر مودنا آغاز شد و سپس به‌سرعت به شهرهای دیگر از جمله فوجا، بولونیا، رم، ناپولی و... سرایت کرد. ۱۱ تن کشته و چندین فروشگاه و داروخانه نیز غارت شدند. اجساد چند تن از زندانیان که به علت ترس از مرگ در اثر کرونا به مصرف بی‌رویه دارو رو آورده بودند بعدتر کشف شد.

اعتصاب‌های خودانگیخته در کارخانه‌هایی مثل فیات در پومیلیانو نزدیک ناپل در ۹ مارس، و کارخانه بونفیلیولی در بولونیا به‌تاریخ ۱۲ مارس رخ دادند. این نمونه‌ها و موارد دیگر حرکتی را کلید زدند که از کارخانه‌ای به کارخانه‌ای دیگر به‌ویژه در منطقه ونتو گسترش یافت و دولت جوزپه کونتو را هم برای اتخاذ سیاست قرنطینه سراسری و تعطیلی بخش‌های بخش‌های مختلف کار و هم ارائه تسهیلات به نیروی کار و بخش‌های تولیدی تحت فشار گذاشت... رییس انجمن کارفرمایان (Confindustria) پیش‌تر با گفتن این‌که «اگر تولید را متوقف کنیم، میلیاردها پول از دست خواهیم داد و همچنین بازار سهام سقوط خواهد کرد» موضع خود را اعلام کرده بود.

مانوریزو لاندینی، دبیرکل بزرگ‌ترین کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری (CGIL) هم اعلام کرد که اگر کارخانه‌های «غیرضروری» تعطیل نشوند، احتمال برگزاری یک اعتصاب سراسری وجود خواهد داشت.

هم‌زمان با تعطیلی شماری از مراکز اسکان موقت پناهجویان به‌دلیل تراکم جمعیتی و گسیل آن‌ها به خیابان‌ها، فعالان سیاسی چپ نیز دست به اشغال مراکزی در شهرهای مختلف زدند و خواستار پرداخت درآمد پایه همگانی بر اساس استانداردهای معیشتی (و نه بهره‌وری) به نیروی کار شدند این فعالیت‌های سیاسی شامل مقابله با منطق «هر شهروند یک پلیس» نیز می‌شود، منطقی که سعی در معرفی طبقات فرودست، اقلیت‌های نژادی، جنسیتی و سالمندان به‌عنوان یک خطر بالقوه دارد. دولت ایتالیا در کنار دولت‌های دیگر اروپایی از آغاز بحران کرونا عملیات‌های امداد و نجات پناهجویان (چه از سوی خود چه از سوی سازمان‌های نجات غیردولتی) را در دریای مدیترانه متوقف کرده است.

در این شرایط، در حالی‌که کارگران در برابر فشار بخش‌های مختلف صنعتی و خدماتی برای بازگشت به کار مقاومت می‌کردند، دولت با هم‌دستی روسای اتحادیه‌های کارگری برای فرونشاندن خشم کارگران و نارضایتی اجتماعی، برخی سیاست‌های حمایتی را در پیش گرفت، سیاست‌هایی که شامل حمایت از مشاغل و کسب و کارها و تسهیلاتی در پرداخت اقساط وام‌های بانکی، کاستن از مالیات‌ها، تزریق ۴۰۰ میلیارد یورو نقدینگی به شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری، تعطیل کردن مراکز کار به‌جز مشاغل مربوط صنایع غذایی و بهداشتی، بانک‌ها و ادارات پست، صدور مجوز اقامت برای همه تا پایان ماه آگوست (حتی کسانی که زندگی «سیاه» و غیر قانونی در کشور دارند)، پرداخت دستمزد در ایام قرنطینه و کاستن از بهره بانکی برای حمایت از تولید کنندگان می‌شود.

بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد میانگین سنی ایتالیایی‌های فوت شده بر اثر ابتلا به کرونا ویروس ۷۸/۵ سال است، بخش اعظم آن‌ها نیز مرد هستند و بیش‌تر آن‌ها سابقه ابتلا به بیماری قلبی یا دیابت داشته‌اند. زنان در مجموع ۲۵/۸ درصد از جان‌باختگان و ۳۸ درصد از کل مبتلایان را به خود اختصاص می‌دهند و با این وجود یک‌چهارم افرادی که در این کشور جان باختند در گروه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال به سر می‌بردند. شیوع این بیماری دست‌کم جان ۸۰ پزشک ایتالیایی را هم گرفته است و این روزها همه مردم منتظرند تا هرچه سریع‌تر زندگی به حالت عادی برگردد.

انگلستان

در حالی که آمار مرگ‌ومیر بر اثر ویروس کرونا همچنان بالا می‌رود، بیمارستان‌های سراسر بریتانیا بی‌وقفه تلاش می‌کنند تا تخت‌های بیش‌تری را در بخش مراقبت‌های ویژه به کسانی که حال‌شان وخیم است، اختصاص بدهند. یک پزشک بخش مراقبت‌های ویژه واقعیت‌های پیش روی کارکنان بخش درمان را در خط مقدم مقابله با این ویروس توضیح می‌دهد.

چندین نفر از کارکنان بخش بهداشت و درمان در انگلستان در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی، از کمبود تجهیزات و امکانات در بیمارستان گفتند. به دلیل هشدار و منع آن‌ها از گفتگو با رسانه‌ها، تمایلی به گفتگوی عمومی نداشتند اما پزشکی از بخش مراقبت‌های ویژه در میدلندز حاضر به گفت‌وگو شد. بی‌بی‌سی برای محفوظ ماندن هویت او نامش را در این گفت‌وگو تغییر داده است.

دکتر رابرتز می‌گوید بیمارستان در آستانه سقوط است. بخش مراقبت‌های ویژه پر از بیماران مبتلا به ویروس کرونا (کووید-۱۹) است. همه عمل‌های جراحی، غیراضطراری تشخیص داده و لغو شده؛ حتی برای بیماران سرطانی. کمبود نیرو و کادر درمان وجود دارد، کمبود تخت‌های مخصوص مراقبت ویژه، کمبود آنتی‌بیوتیک‌های لازم و دستگاه تنفس مصنوعی.

همه این‌ها همراه است با عدم اطمینان روزافزون از آنچه در روزهای اوج این بیماری اتفاق خواهد افتاد که گفته می‌شود در بریتانیا حدود ۱۴ و ۱۵ ماه آوریل خواهد بود، همین حالا هم کارکنان بیمارستان‌ها تحت فشار شدیدی قرار دارند.

در میان تمام حرف‌های دکتر رابرتز این واقعیت مطرح می‌شود که همه این متخصصان درمانی که بیش از ۱۳ ساعت در روز به مراقبت از بیماران بدحال می‌پردازند، ناچارند تجهیزات محافظت شخصی خود را به صورت‌های مختلف با کیسه‌های زباله، پیش‌بند‌های پلاستیکی و عینک‌های اسکی عاریه‌ای بسازند.

در حالی که مردم تلاش می‌کنند فاصله ایمن دو متری را با هم حفظ کنند، بسیاری از کارکنان سیستم خدمات بهداشت ملی بریتانیا (ان اچ اس) باید بیماران مشکوک به بیماری کرونا را بدون هیچ محافظتی از فاصله ۲۰ سانتی‌متری معاینه کنند.

دکتر رابرتز می‌گوید که بسیاری از کارکنان بخش‌های دیگر در بیمارستانی که او کار می‌کند، با بیمارانی با بیماری‌های مهلک، نگران آن‌چه در پیش خواهد بود هستند و مدام برای خودشان تجهیزات محافظت شخصی ذخیره می‌کنند.

«باید واقع‌بین بود، پرستاران در بخش مراقبت‌های ویژه الان به این تجهیزات نیاز دارند. آن‌ها ناچارند کارهایی را انجام دهند که خطر انتقال ویروس از طریق ذرات موجود در هوا برایشان وجود دارد اما به آن‌ها گفتند کلاه‌های معمولی پارچه‌ای بگذارند که سوراخ دارد و اصلاً محافظت نمی‌کند. این اشتباه است. به همین دلیل، ناچاریم کیسه‌های پلاستیکی زباله یا پیش‌بند‌های پلاستیکی را روی سرمان بکشیم.»

دولت بریتانیا این مشکلات را قبول دارد و می‌گوید تیم پشتیبانی ملی که از طرف نیروهای مسلح حمایت می‌شود «تمام وقت» در تلاش برای ارسال تجهیزات است.

سیستم خدمات بهداشت ملی (ان اچ اس) در انگلستان همچنین می‌گوید که بیش از یک میلیون ماسک تنفسی در تاریخ ۱ آوریل وارد شده است اما هیچ اشاره‌ای به محافظ سر و روپوش‌های آستین‌بلند که خیلی مورد نیاز است، نشده است.

دکتر رابرتز می‌گوید بیمارستانی که او در آن کار می‌کند هیچ‌چیز از طرف دولت دریافت نکرده است و شرایطی که در آن قرار دارند باعث نگرانی است.

«ماسک‌های تنفسی محافظ که در حال حاضر مورد استفاده است، روی آن‌ها برچسب‌های تاریخ مصرف جدید چسبانده شده است. دیروز یکی از آن‌ها را دیدم که سه بار روی آن برچسب خورده بود. اولی تاریخ پایان مصرف آن ۲۰۰۹ بود و روی آن برچسب دیگری تاریخ مصرف را ۲۰۱۳ زده بود و سومین برچسب که بر روی آن دو قرار گرفته بود، تا سال ۲۰۲۱ بود.»

سازمان بهداشت عمومی انگلستان، اعلام کرده است که همه تجهیزات محافظت شخصی موجود در انبارها که برچسب‌های تاریخ مصرف جدید بر روی آن‌ها زده شده است از «تست‌های دقیق» عبور کرده‌اند و «برای استفاده کارکنان خدمات بهداشت ملی» ایمن و مناسب هستند. اما دکتر رابرتز می‌گوید که به این موضوع اطمینان ندارد.

وزارت بهداشت و خدمات اجتماعی بریتانیا، همچنین اعلام کرده است که «همکاری نزدیکی با صنایع تولیدی، سازمان بهداشت عمومی، سازمان‌های خدمات اجتماعی و ارتش دارد... اگر کارکنان بیمارستان‌ها نیاز به تجهیزات محافظت شخصی بیشتری داشته باشند می‌توانند با تلفن رسیدگی فوری تماس بگیرند.»

آن‌ها می‌گویند که راهنمای جدیدشان در مورد تجهیزات محافظت شخصی هماهنگ با سازمان بهداشت جهانی توصیه می‌کند که «همه مراکز درمانی باید از آن‌چه برای محافظت باید بپوشند آگاه باشند.»

دکتر رابرتز در حال حاضر از دستگاه تنفس مصنوعی برای بیمارانش استفاده می‌کند و بیماران او سه نفر از همکارانش هستند که آزمایش ویروس کرونا آن‌ها مثبت بوده است.

بنا بر پیش‌بینی‌های مبتنی بر تجربه ایتالیا و اسپانیا، دکتر رابرتز می‌گوید کارکنان بخش درمانی بریتانیا باید آماده اوج این بیماری در کمتر از دو هفته دیگر باشند.

«اگر موارد بیماری مانند اسپانیا و ایتالیا افزایش پیدا کند، صادقانه باید بگویم ما از هم می‌پاشیم. همه امکانات ما به زودی بیش از حد ظرفیت خود پر خواهد شد. دستگاه‌های بیهوشی که داریم، حداکثر برای دو تا سه ساعت کار طراحی شده است و حالا دارد یکسره برای چهار تا پنج روز کار می‌کند. همین‌حالا هم مشکلات و نارسایی‌های زیادی پیش می‌آید.»

تخت‌های بیش‌تر برای مراقبت‌های ویژه که در سالن‌های مختلف و بخش‌ها قرار داده شده است ظرفیت پذیرش بیماران بدحال را دو برابر کرده است، به‌ویژه کسانی که توانایی تنفس را از دست می‌دهند و باید به دستگاه تنفس مصنوعی وصل شوند.

دکتر رابرتز می‌گوید با افزایش و گسترش بخش مراقبت‌های ویژه این کادر پرستاری خواهد بود که به طور وسیعی مبتلا خواهد شد.

«پرستاران بخش مراقبت‌های ویژه آموزش دیده‌اند و خدمات خود را به افراد خیلی بدحال به‌صورت فردبه‌فرد و مجزا انجام می‌دهند. ممکن است بیماران استراحت کنند اما آن‌ها چنان رابطه نزدیکی با بیماران خود برقرار کرده‌اند که کوچک‌ترین وضعیت یک تار موی بیمارشان را هم از نظر دور ندارند.»

«اما در این شرایط، با این تخت‌های اضافی، هر پرستار ناچار می‌شود که از بیش از چهار بیمار مراقبت ویژه کند، و همان میزان از مراقبت و دقت را به خرج دهد. آن‌ها به‌شدت رنج می‌برند و با تمام وجود تلاش می‌کنند. آن‌ها مهم‌ترین بخش درمان هستند، اما همان بخشی هستند که در آستانه از پا افتادن است.»

دکتر رابرتز، در پارکینگ بیمارستان برای ما توضیح می‌دهد که چه‌طور ساختمان موقت دیگری در کنار بخش اورژانس ساخته شده است، فقط با هدف رسیدگی به بیمارانی که نشانه‌های کرونا را دارند اما هنوز ابتلای آن‌ها تایید نشده است.

این بخش را پزشکی اداره می‌کند که بنا به اشاره دکتر رابرتز در غیر این صورت می‌توانست مراقب بیماران باشد. او این بخش را «دروغ‌سنج بیماری» می‌نامد.

«دروغ گفتن در مورد نشانه‌های بیماری به قصد مود توجه قرار گرفتن خیلی مرسوم است. آدم‌هایی که باید در خانه بمانند اما به بخش اورژانس مراجعه می‌کنند.»

«حالا هر بیمار در پارکینگ معاینه می‌شود تا کسانی که نشانه‌های کووید دارند به سمت راست بیمارستان بروند تا دیگرانی که مثلاً دستشان شکسته را آلوده نکنند.»

از نظر دکتر رابرتز، این فقط در مورد افرادی که به بخش اورژانس مراجعه می‌کنند نیست، باید همه آن را رعایت کنند.

«ما کارکنان بیمارستان، وقتی سر کار نیستیم، خودمان را قرنطینه کرده‌ایم تا برای افراد دیگر خطرآفرین نباشیم. مایوس‌کننده‌ترین صحنه‌هایی که می‌بینیم این است که پارک‌ها همه پر از آدم است، سوپرمارکت‌ها از قبل هم شلوغ‌تر است. خواهش می‌کنم در خانه بمانید.»

منع رفت‌وآمد دو روزه در یک استان و ۳۰ کلان‌شهر ترکیه

دولت ترکیه برای مقابله با شیوع ویروس کرونا رفت و آمد در استان زونگولداغ و سی کلان‌شهر را برای دو روز ممنوع کرد. در ترکیه تا کنون هزار نفر قربانی بیماری کووید-۱۹ شده‌اند و در آمریکا طی یک روز دو برابر این تعداد.

وزارت کشور ترکیه شامگاه جمعه ۲۲ فروردین اعلام کرد که از بامداد شنبه به مدت ۴۸ ساعت آمد و شد در سی کلان‌شهر و یک استان ممنوع است و به جز کسب و کارهای ضروری مانند نانوايي و داروخانه‌ها، دیگر فعالیت‌های اقتصادی باید متوقف شود.

به گزارش خبرگزاری آناتولی مقررات منع رفت و آمد شامل استان زونگولداغ و سی کلان‌شهر از جمله پایتخت و شهرهای مهمی نظیر استانبول و آنتالیا نیز می‌شود. سلیمان سویلو، وزیر کشور ترکیه درباره این محدودیت‌ها گفت: «این یک مقررات منع آمد و شد عادی نیست. این اقدامات احتیاطی برای مقابله با شیوع کرونا است.»

مقررات منع رفت و آمد دیر هنگام و چند ساعت پیش از نیمه شب جمعه اعلام شد و برای اغلب ساکنان کلان‌شهرها غافلگیرکننده بود.

دولت ترکیه پیش از این خروج افراد بالای ۶۵ سال سن، شهروندان با بیماری زمینه‌ای و جوانان زیر ۲۰ سال از خانه را ممنوع اعلام کرده و تدابیر پیشگیرانه، نظیر فاصله‌گذاری فیزیکی، بستن مراکز آموزشی و تعطیلی رستوران‌ها و هر گونه تجمع را در دستور کار قرار داده است.

به گزارش خبرگزاری آلمان با اعلام دیر هنگام منع رفت و آمد در آخر هفته در بسیاری از کلان‌شهرها از جمله استانبول مردم برای خرید مایحتاج و مواد غذایی در مواردی سراسیمه به فروشگاه‌ها هجوم آوردند. انتقاد شهردار استانبول از اعلام دیر هنگام محدودیت‌ها

بنابر این گزارش شهردار استانبول اکرم امام‌اوغلو از اعلام دیر هنگام منع رفت و آمد به شدت انتقاد کرده است. وزیر کشور ترکیه به مردم توصیه کرده آرامش خود را حفظ کنند و تاکید کرده که دلیلی برای هجوم به فروشگاه‌ها وجود ندارد.

مطابق آمار رسمی وزارت بهداشت ترکیه تا صبح شنبه ۲۳ فروردین شمار مبتلایان به بیماری کووید-۱۹ در این کشور از مرز ۴۷ هزار نفر و تعداد قربانیان آن از هزار نفر فراتر رفته است.

استعفای وزیر کشور ترکیه به دلیل انتقادهای از نحوه اداره بحران کرونا

«سلیمان سویلو» وزیر کشور ترکیه شامگاه یکشنبه ۱۲ آوریل ۲۰۲۰ در پیامی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی توییتر از سمت خود استعفا کرد.

جزئیات موضوع از این قرار است که طی دو روز گذشته گونه‌ای سراسیمگی، آشوب و تیراندازی در برخی از خیابان‌ها در کنار مشاخره در برابر خواربار فروشی‌ها و نانوايي‌ها به دلیل کمبود مواد غذایی مشاهده شد که به دنبال اعلام ناگهانی ممنوعیت تردد از سوی دولت ترکیه بود به طوری که مقررات منع رفت و آمد، دو ساعت بعد از اعلام ممنوعیت به اجرا در آمد.

گفتنی است مقامات ترکیه از نیمه شب جمعه از اعمال مقررات منع آمد و شد در ۳۱ استان این کشور به منظور مقابله با شیوع ویروس کرونا خبر دادند.

مبتلایان به ویروس کرونا در ترکیه به سرعت در حال افزایش هستند و بر اساس آخرین آمارها ۵۷ هزار نفر در این کشور به ویروس کرونا مبتلا شده و از این تعداد تا کنون ۱۲۰۰ نفر نیز جان خود را از دست داده‌اند. اما رجب طیب اردوغان استعفای او را نپذیرفت.

شمار مبتلایان در افغانستان به بیش از ۶۰۰ نفر رسید

بر اساس آخرین آمار ارائه شده از سوی وزیر صحت عامه افغانستان، تاکنون ۶۰۷ شهروند این کشور به ویروس کرونا مبتلا شده و از این میان ۱۸ تن جان خود را بر اثر ابتلا به بیماری کووید ۱۹ از دست داده‌اند. دولت افغانستان روز شنبه اعلام کرد که کابل، پایتخت این کشور را در قرنطینه قرار می‌دهد. بر اساس این تصمیم ورود و سائل حمل و نقل موتوری به کابل و نیز خروج مسافران از این شهر تا اطلاع ثانوی ممنوع خواهد بود. ویروس کرونا تاکنون به بیش از ۲۵ ولایت این کشور سرایت کرده است.



به گزارش طلوع نیوز به نقل از وزارت صحت افغانستان، ۵۲ مورد تازه ابتلاء به «ویروس کرونا در ۲۴ گذشته در ولایت‌های کابل (۲۸)، کندهار (۸)، هرات (۷)، بلخ (۴)، بامیان (۲)، ننگرهار (۱)، هلمند (۱) و پکتیا (۱)، ثبت شده است.

دولت هند گسترده‌ترین قرنطینه جهان را دو هفته دیگر تمدید می‌کند

سروزیران ایالت‌های هند پس از گفت‌وگوی آنلاین با نرندرا مودی، نخست وزیر، از تمدید دو هفته‌ای قرنطینه در شبه قاره هند خبر دادند. آخرین روز اولین قرنطینه سراسری روز سه‌شنبه ۱۴ آوریل به سر می‌رسد.

دولت فدرال هند هنوز رسماً خبر تمدید قرنطینه را تایید نکرده است. کشور پهناور هند با بیش از یک میلیارد نفر جمعیت تا به امروز تنها ۲۸۹ مورد مرگ بر اثر بیماری کووید-۱۹ و ۸ هزار و ۵۰۴ مورد مبتلا به ویروس کرونا را ثبت و گزارش کرده است.

جمع‌آوری صدها جسد از خانه‌های مردم اکوادور

نیروهای ویژه پلیس و ارتش اکوادور روز یکشنبه ۱۲ آوریل، اجساد نزدیک به ۸۰۰ نفر را از منازل مردم در شهر گوایاکیل جمع کردند.

این شهر بندری که بزرگترین شهر اکوادور بوده و با بیش از ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر جمعیت حتی از پایتخت، کیتو نیز بزرگتر است، تا پیش از این «مروارید اقیانوس آرام» خوانده می‌شد. اما با رسیدن کرونا از چند هفته پیش به این سو بیشتر به شهر اشباح تبدیل شده است.

مقام‌های اکوادور می‌گویند به دلیل آماده نبودن بیمارستان‌ها و شرکت‌های کفن و دفن در بندر گویاکیل، دولت مجبور شده است برای جمع‌آوری اجساد رها شده در خیابان‌ها یا خانه‌ها وارد عمل شود. عملیات نیروهای ویژه پس از آن آغاز شد که بسیاری از شهروندان تصاویر اجساد نزدیکان خود در خانه‌ها را در شبکه‌های اجتماعی منتشر و اعلام کردند که کسی مسئولیت دفن آن‌ها را برعهده نمی‌گیرد.

بنا به گزارش‌های رسمی، تنها در روز یکشنبه اجساد ۷۷۱ نفر از خانه‌های گویاکیل جمع شده و ۶۳۱ نفر هم در بیمارستان‌های این شهر جان خود را از دست داده‌اند. با این حال معلوم نیست چه تعداد از این افراد بر اثر بیماری کووید-۱۹ جان خود را از دست داده‌اند.

تمام این اجساد در دو قبرستان گویاکیل در گورهای جمعی دفن شدند.

در حالی که گزارش‌های متعددی از ناتوانی بیمارستان‌ها و شرکت‌های کفن و دفن در رویارویی با شیوع ویروس کرونا در اکوادور منتشر می‌شود، این کشور رسماً از ابتلای ۷۵۰۰ نفر و مرگ ۳۳۳ نفر ناشی از بیماری کووید-۱۹ خبر می‌دهد. نخستین مورد این بیماری روز ۲۹ فوریه در اکوادور گزارش شد.

مقاومت سوئد در برابر اجرای قرنطینه چه تبعاتی دارد؟

سوئد برخلاف بسیاری از کشورهای اروپایی تاکنون در برابر اجرای سیاست قرنطینه و اعمال محدودیت در ارتباطات اجتماعی مقاومت کرده است.

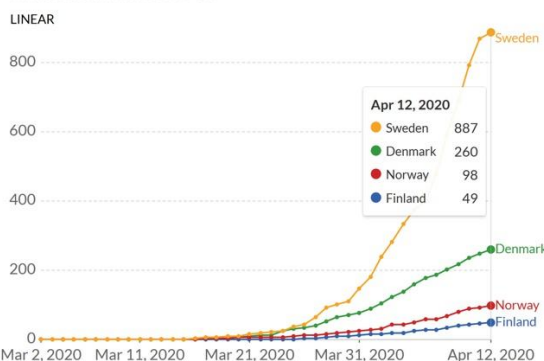
دولت به سوئدی‌ها توصیه کرده است که در صورت امکان از خانه کار کنند و از حضور در مکان‌های شلوغ مانند رستوران‌ها خودداری کنند اما از اعمال محدودیت‌های رسمی جلوگیری کرده است.



در مقابل، همسایگان سوئد یعنی دانمارک، فنلاند و نروژ از جمله نخستین کشورهای اروپایی بودند که با آغاز شیوع ویروس کرونا اجرای سیاست قرنطینه را در پیش گرفتند.

Confirmed COVID-19 deaths

Limited testing and challenges in the attribution of the cause of death means that the number of confirmed deaths may not be an accurate count of the true number of deaths from COVID-19.



دانمارک دومین کشور اروپایی بود که اعمال محدودیت‌های عمومی را از ۱۱ مارس شروع کرد و نروژ هم اجرای این سیاست را یک روز بعد اجرا کرد و فنلاند نیز از ۱۷ مارس به جمع کشورهای قرنطینه شده اروپا پیوست.

در نتیجه دانمارک با ۵/۶ میلیون نفر جمعیت تاکنون ۵۹۹۶ مورد ابتلا به بیماری کووید ۱۹ گزارش کرده که از میان آن‌ها ۲۶۰ جان خود را از دست داده‌اند. این کشور اعلام کرده که با غلبه بر شیوع شتابان ویروس کرونا قصد دارد از ۱۵ آوریل مدارس را بازگشایی کند.

نروژ ۵/۳ میلیون نفری نیز ۶۴۰۹ مبتلا و ۱۱۹ فوتی داشته و قصد دارد از ۲۰ آوریل مدارس و یک هفته بعد از آن، مهد کودک‌ها را دوباره باز کند. در میان جمعیت ۵/۵ میلیون نفری فنلاند هم تنها ۲۹۰۵ به ویروس کرونا دچار شده‌اند و شمار قربانیان آن نیز ۴۹ تن بوده است.

اما در سوئد شرایط متفاوت است. هر چند در این کشور ۱۰/۲ میلیون نفری شمار مبتلایان به ویروس کرونا ۱۰ هزار و ۱۵۱ نفر است ولی از این میان ۸۸۷ تن تاکنون جان خود را از دست داده‌اند. بدین ترتیب شاید نسبت مبتلایان به بیماری کووید ۱۹ در این کشور نسبت به همسایگانش چندان بالاتر نباشد ولی میزان مرگ و میر ناشی از این بیماری در سوئد به وضوح بیش‌تر است. با این حال دولت سوئد اعلام کرده که صرفاً به انتشار توصیه‌های بهداشتی اکتفا خواهد کرد.

روز یکشنبه ۲۴ فروردین - ۱۲ آوریل ۱۲ نفر جان خود را از دست دادند و مجموع قربانیان کووید ۱۹ در این کشور به ۸۹۹ نفر رسید.

روز شنبه نیز ۱۷ نفر بر اثر این بیماری جان باختند. این در حالی است که روز جمعه سوئد ۷۷ مرگ ناشی از کووید ۱۹ را تجربه کرده بود.

سوئد از معدود کشورهای جهان است که محدودیت‌های قانونی قابل توجهی در قبال ویروس جدید کرونا اعمال نکرده و مقابله با این بیماری را بر عهده شهروندان خود قرار داده است. این سیاست با نگرانی و انتقادهایی همراه بوده است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا که در نخستین هفته‌های شیوع ویروس جدید کرونا مخالف محدودیت‌های سخت‌گیرانه بود در واکنش به برنامه سوئد در مقابل این ویروس گفت اجرای این سیاست یک و نیم میلیون قربانی از آمریکا خواهد گرفت.

مصونیت طبیعی - حداقل دو سال دیگر

استراتژی کوتاه‌مدت بریتانیا این است که تا حد امکان موارد ابتلا را کاهش دهد و مانع سرریز شدن ظرفیت بیمارستان‌ها شود، اگر ظرفیت بخش‌های مراقبت ویژه تکمیل شود، مرگ نیز افزایش پیدا می‌کند.

وقتی روند ابتلا کاهش پیدا کرد، دولت ممکن است بعضی از محدودیت‌ها را لغو کند، البته تا وقتی که ابتلا دوباره افزایش پیدا کند و چاره‌ای جز اعمال محدودیت مجدد وجود نداشته باشد.

زمان این اتفاق مشخص نیست. دکتر پاتریک والانس، مشاور علمی ارشد دولت بریتانیا می‌گوید «تعیین زمان قطعی برای این روند ممکن نیست.»

چنین کاری ممکن است ناخواسته به ایمنی گله‌ای منجر شود، چرا که مرتب بر تعداد افراد مبتلا افزوده خواهد شد. اما به‌گفته پروفیسور نیل فرگوسن، استاد امپریال کالج لندن، چنین روندی ممکن است سال‌ها طول بکشد: «ما داریم از مهار سرایت در ابعادی صحبت می‌کنیم که فقط اگر بخت با ما یاری کند، تعداد محدودی به این بیماری مبتلا خواهند شد. اگر این کار را دو سال ادامه دهیم، شاید نهایتاً درصد کافی از جمعیت به این بیماری مبتلا شوند و میزانی از مصونیت در اجتماع شکل بگیرد.»

اما پرسشی که وجود دارد این است که آیا این مصونیت ادامه پیدا خواهد کرد؟ ویروس‌های کرونای دیگری که عوارضی چون سرماخوردگی عادی دارند، واکنش ضعیفی در سیستم ایمنی بدن ایجاد می‌کنند و مردم شاید بارها در زندگی به آن‌ها مبتلا شوند.

نبود پایانی مشخص

پروفیسور وودهاس می‌گوید: «گزینه سوم ایجاد تغییرات رفتاری دائمی است تا بتوانیم روند انتقال را کند کنیم.» در چنین شرایطی، بعضی از تمهیدات فعلی شاید باقی بمانند یا تمهیداتی برای آزمایش گسترده افراد و قرنطینه بیماران اندیشیده شود.

اما به‌گفته پروفیسور وودهاس، «ما بار اول نیز سعی کردیم موارد ابتلا را زود کشف کنیم و تماس‌های آن‌ها را ردگیری کنیم. اما جواب نداد.»

ساخت داروهایی که با موفقیت بیماری کرونای ۲۰۱۹ را درمان کنند می‌تواند به استراتژی‌های دیگر کمک کند. تجویز سریع این داروها در پی بروز علائم می‌تواند مانع انتقال ویروس به دیگران شود.

راه دیگر درمان بیماران در بخش‌های عمومی بیمارستان‌ها است تا فشار از روی بخش‌های مراقبت ویژه برداشته شود. این کار به کشورها کمک می‌کند ظرفیت درمانی خود را افزایش دهند و اعمال محدودیت‌های مجدد را به تعویق بیندازند.

پروفسور کریس ویتی، مشاور پزشکی ارشد دولت بریتانیا، درباره استراتژی برون‌رفت گفته است: «مشخص است که در درازمدت واکسن یکی از راه‌های برون‌رفت از این وضع است و امید همه ما این است که در کوتاه‌ترین زمان ممکن چیزی پیدا شود. علم در نهایت پاسخی پیدا خواهد کرد.»

در قرنطینه خانگی چند بار و چه موقع باید دست بشویم؟

برای کنترل راه‌های ورود کرونا به خانه، باید اول این راه‌ها را شناسایی کرد. فضای داخل خانه باید به دور از استرس و رفتارهای وسواس‌گونه باشد و این امر می‌تواند باعث افزایش مقاومت و تقویت سیستم ایمنی بدن در برابر کرونا شود.

باید برای حفظ وضعیت و ارتقای بهداشت خانه عاری از کرونا، مراقبت‌های لازم انجام گیرد. ضد عفونی نباید دچار بیماری ریوی زمینه‌ای و تنگی نفس شود. زمان ضد عفونی از ماسک و دستکش استفاده نموده و پس از استفاده این وسایل را در کیسه دربسته در سطل زباله دربسته گذاشت.

بنا بر توصیه کارشناسان، تمام سطوح اعم از دستگیره درها، کمدها، یخچال، فریزر، کلیدها و پریشا، کنترل تلویزیون، گوشی تلفن، موس و صفحه کلید و مانیتور کامپیوتر یا لب‌تاپ، شیر فلکه گاز، شیر آلات و کف خانه با محلول‌های ضد عفونی کننده خانگی (با رعایت حفاظت فردی مثل استفاده از دستکش و ماسک برای جلوگیری از آسیب رساندن به ریه، پوست و چشمان فردی که ضد عفونی را انجام می‌دهد) یک بار در روز ضد عفونی شود.

بهترین محلول برای ضد عفونی کف، سطوح چوبی و کابینت‌ها و سطوح غیر فلزی، محلول وایتکس است که برای تهیه آن ۱۰ سی سی یا معادل حجم درب قوطی وایتکس را با دو لیوان آب سرد حل شود.

هنگام ضد عفونی، سطح مورد نظر باید تمیز و عاری از گرد و خاک و آلودگی باشد. روی سطح باید به صورت رفت (و نه رفت و برگشت) دستمال آغشته به مایع ضد عفونی‌کننده را کشید و منتظر ماند تا تبخیر شود. یا مایع را اسپری کرد و منتظر تبخیر ماند. روی وسایل الکترونیکی نمی‌توان محلول را اسپری کرد.

از الکل ۷۰ درصد، روی سطوح فلزی نظیر دستگیره درها و پنجره‌ها، شیر آب و کابینت‌های فلزی، به جای محلول وایتکس استفاده کرد.

افرادی که به بیماری‌هایی نظیر پیوند اعضا، نقص سیستم ایمنی، دیالیز، لوپوس، سرطان در حال درمان یا موارد مشابه مبتلا باشد و یا فشارخون، دیابت، بیماری‌های قلبی عروقی، بیماری‌های مزمن تنفسی مثل آسم و ... داشته باشند، اکیدا نباید بیرون بروند.

ویروس نمی‌تواند از طریق هوا مثل گرد و غبار منتقل شود، پس از پنجره‌ها نمی‌تواند وارد شود. بنابراین می‌توانیم دقیقی پنجره‌ها را باز کنیم تا جریا نهوای خانه عوض شود. این ویروس از طریق دستان آلوده، پوشش لباس و یا قطرات خارج شده از دهان بیمار و یا فرد ناقل و هنگام سرفه، عطسه و اشک چشم قابل سرایت است. بنابراین نباید با دستان آلوده به هیچ عنوان صورت و اعضای آن را لمس کرد.

وسایلی مثل دسته کلید، موبایل و کارت بانکی را نیز باید به‌نحو مناسب ضد عفونی کرد. دست‌ها را باید به مدت ۲۰ ثانیه، با آب گرم و صابون و مایع دست بشوید.

ویروس کرونا جدی است از این رو، اگر خاواندگی زندگی می‌کنید باید یک نقشه ساده را تهیه و به اعضای خانواده آموزش داد و تقسیم کار کرد.

به توصیه روان‌شناسان، در تفریحات خانگی باید به سه بخش توجه کرد: تفریحات فردی، جمعی و کودکان. از جمله دیدن یک فیلم یا سریال‌های خانوادگی و اجتماعی و جمع شدن همگی برای دیدن آن می‌تواند از جمله همین تفریحات باشد.

توصیه‌های یک زندانی سابق برای کنار آمدن با قرنطینه خانگی

یک زندانی سابق که حالا مشاور زندان است، می‌گوید این مقایسه چندان هم بی‌راه نیست. جاستین پیپرینی، نویسنده کتاب درس‌های زندان و شریک بنیان‌گذار مشاوره یقه‌سفید، به ایندیندنت گفت: «تفاوت چندان میان زندان فدرال و قرنطینه نیست.»

از نظر بنیادین، معنی این حرف این است که برخی روش‌هایی که او و تیمش به مجرمان یاد می‌دهند تا دوران محکومیت خود را با موفقیت در زندان سپری کنند، می‌تواند با شرایط قرنطینه مشابه باشد.

از تمرکز بر تصویر بزرگ‌تر تا دنبال کردن برنامه منظم، با این روش‌ها می‌توان ماه‌ها قرنطینه را تحمل کرد.

آنچه که تحت کنترل شماس و آنچه که نیست را برای خود حل و فصل کنید.

پیپرینی گفت: «اولین کاری که باید بکنید این است که با خودتان فکر کنید چه چیزی را می‌توانید و چه چیزی را نمی‌توانید کنترل کنید. با این کار، می‌توانید از ماندن بر سر مسائلی که به جایی نمی‌رسند پرهیز کنید.»

پیپرینی به زندانیان می‌گوید که معنی این اقدام، اجتناب از شکایت کردن است، چرا که هر چه قدر هم که گله و شکایت کنید تغییری در شرایط شما به وجود نمی‌آید.

او گفت بخشی از این رویکرد به معنای این است که واقعیت خود را بپذیرید و «مثل کبک سرتان را در برف فرو نکنید، به طوری که انگار نه انگار اتفاقی افتاده است.»

برای کسانی که در قرنطینه‌اند، آگاهی از وضعیت کلی و دلایل اقدامات پیش‌گیرانه احتیاطی، تاثیر بسیار بزرگی در این دارد که دریابید کجا را می‌توانید بهبود دهید و با کدام قسمت مجبورید کنار بیایید.

در نظم شخصی استاد شوید تا حواس‌تان پرت نشود.

بسیاری از افراد در نتیجه شرایط قرنطینه ناگهان می‌بینند که بیکار شده‌اند، اما افراد بی‌شماری نیز در این میان استراتژی کار کردن از خانه را در پیش می‌گیرند.

پیپرنی به آن دسته از کسانی که از خانه کار می‌کنند توصیه می‌کند که نگذارند حواس‌شان پرت شود.

پیپرنی گفت: «درست مثل زندان، مسائل زیادی هست که می‌تواند شما را از مسیرتان خارج کند. در زندان موضوعاتی مثل تماشای مسابقه، تماشای تلویزیون، خواب روزانه، شکایت و انتخاب‌های غلط از جمله مسائلی است که موجب پرت شدن حواس می‌شود.»

او گفت: «وضع در قرنطینه هم همین‌طور است و مهم است که این را درک کنیم.»

پیپرنی می‌گوید برای جلوگیری از قربانی شدن در این شرایط، که می‌تواند کار کردن از خانه را به مراتب دشوارتر کند، افراد باید در «نظم شخصی سرآمد شوند.»

او گفت: «همه چیز از همین جا شروع می‌شود» و افزود: «تقسیم‌بندی زمان روزانه و دنبال کردن برنامه منظم می‌تواند اولین گام مفید باشد.»

پیپرنی می‌گوید هنگامی که زندانی بود، وقتی وانمود می‌کرد که آماده رفتن سر کار می‌شود از همیشه موفقیت‌آمیزتر بود: «بیدار می‌شدم و یک سری کارهای همیشگی را انجام می‌دادم. دوش می‌گرفتم، اصلاح می‌کردم، لباس می‌پوشیدم و حاضر می‌شدم. وقتی که لباس رسمی می‌پوشم احساس مفید بودن می‌کنم و متوجه شدم بسیاری که در همین وضع هستند نیز احساس مشابهی دارند.»

متاسفانه این به معنای این است که تمام روز نمی‌توانید لباس راحت بپوشید، حتی اگر تنها کسانی که شما را می‌بینند همبندی‌ها و خانواده‌تان باشند.

پیپرنی با تاکید بر این که نتیجه این کار ارزشش را دارد گفت: «باید در ایجاد نظم معمول استاد شوید و به آن پایبند بمانید.»

او اضافه کرد: «برای سازنده بودن حقیقتاً باید منظم باشید و کسانی که این کار را خوب بلدند می‌توانند از نظر حرفه‌ای خود را ارتقا دهند و نشان دهند که می‌توانند نقش رهبری داشته باشند. پابسیته و در کارتان بهتر شوید و وقتی که این دوران بالاخره تمام شود، کسانی که بر سرپا ایستادن تمرکز کرده‌اند، قوی‌تر از پیش بروز می‌کنند.»

ذهن‌تان را باز کنید و هر روز بر همان روز تمرکز کنید.

برای بسیاری از افراد یکی از دشوارترین بخش‌های قرنطینه بر اثر همه‌گیری بیماری، نامشخص بودن زمانی است که همه چیز به حال عادی بازمی‌گردد.

به‌گفته پیپرنی، این ندانستن کمی با وضعیت زندانیان متفاوت است چرا که آنان اغلب تاریخ آزادی خود را می‌دانند.

پیپرنی گفت: «مزیت زندان، اگر بتوانیم چنین مقایسه‌ای کنیم، این است که روز آزادی‌تان را به روشنی می‌دانید. می‌دانید که این وضع کی به پایان می‌رسد و می‌توانید بر اساس آن برنامه‌ریزی کنید.»

در حالی که ما در حال حاضر نمی‌دانیم قوانین اعمال شده قرنطینه کی لغو می‌شود، پیپرنی توصیه می‌کند که آزاد کردن ذهن و این که هر روز فقط به همان روز فکر کنیم، می‌تواند موثر باشد.

او گفت: «در این مورد چون نمی‌دانیم کی اوضاع عادی می‌شود، به مردم توصیه می‌کنم به این فکر نکنند که این وضع کی تمام می‌شود یا این که چقدر وقت تلف شده است، بلکه به این فکر کنند که امروز چقدر می‌توانند سازنده باشند. بالاخره این اوضاع روزی تمام می‌شود و می‌توانید آزادانه حرکت کنید.»

به جای این که بپرسیم این وضع کی تمام می‌شود، به‌گفته او بهتر است از خود بپرسیم: «در این دوران چه قدر می‌توانم دستاورد داشته باشم؟»

اگر ذهن‌تان باز نباشد و یا باور داشته باشید که از عهده‌اش بر نمی‌آیید - چه مقصودتان موفقیت کار از خانه باشد و چه صرفاً ماندن در خانه - دوره زمانی به‌نظرتان ممکن است طولانی‌تر و دشوارتر برسد.

پیپرنی گفت: «شما می‌توانید. باور کنید. حتی اگر در مقایسه با آنچه در گذشته انجام داده‌اید، کاملاً متفاوت به نظر برسد.»

برای مقابله با وقتی حوصله‌تان سر می‌رود برنامه داشته باشید و تصویر بزرگ‌تر را به خود یادآوری کنید.

چه سر خودتان را با کار گرم کنید و چه نه، در نهایت، ارتباط نداشتن و ایزوله کردن خود در خانه می‌تواند شبیه مجازات به‌نظر برسد.

اما به گفته پیپرنی، افراد برای آن که در دوران قرنطینه حوصله‌شان سر نرود می‌توانند کارهای زیادی بکنند، که به گفته او اول از همه با فهم این سوال شروع می‌شود که «اختیار چه چیزی در دست من است؟»

او گفت: «اگر افراد مدام به این واقعیت فکر کنند که نمی‌توانند خانه را ترک کنند و یا این که حوصله‌شان سررفته، این تجربه بسیار دردناک خواهد بود و یک هفته و یک ماه مثل یک سال به‌نظر خواهد آمد. بدانید که درد و رنج بخشی از زندگی است. همه ما با آن مواجه می‌شویم و همه ما اکنون با آن دست به گریبانیم. پرسش این‌جاست که چه جوابی به آن می‌دهیم.»

حوصله سررفتن، چه برای زندانیان و چه کسانی که در قرنطینه هستند، می‌تواند با شروع یک سرگرمی جدید یا انجام کارهایی که پشت گوش انداخته‌اید، مانند خواندن یا نوشتن درمان شود. می‌توانید یک کلاس آنلاین شروع کنید، پیرامون‌تان را مرتب کنید و یا یک گروه آنلاین جدید پیدا کنید. به‌گفته پیرنی، در نهایت همه چیز به ارزش‌های شما بازمی‌گردد. او می‌گوید: در حال حاضر آنچه که برای بیش‌تر مردم ارزشمند است سلامت خود و خانواده‌شان است یعنی تصمیمات‌شان را بر این اساس می‌گیرند. او گفت: «اگر بزرگ‌ترین ارزش‌شان خانواده و سلامتی باشد، می‌توانند تصمیم‌های درست گرفته و خوش‌فکر و خلاق شوند. زندانیان فدرال مبتکر می‌شوند.»

«به‌رسمیت شناختن بزرگ‌ترین ارزش‌تان، شما را به اتخاذ تصمیم‌های درست می‌راند. اگر حوصله‌تان سررفته، همواره کار جدیدی هست که انجام دهید اما باید ذهنتان به این ایده باز باشد.» برای بسیاری از افراد در دوران قرنطینه، یادآوری آنچه که برایشان شکرگزارند و هنوز هم آنها را دارند، راهگشا است، مانند سلامتی. پیرنی گفت: «جوانی، ذهن و سلامت‌تان را دارید. همه را در چشم انداز خود ببینید. برای آنچه که باقی‌مانده شکرگزار باشید.»

دی‌کتر سایمون کلارک، پرفسور میکروبیولوژی سلولی در دانشگاه ریدینگ، در مورد این که مردم کی می‌توانند انتظار همه‌گیری را داشته باشند، پیش‌تر به ایندیندنت گفته بود: «تاریخ گذاشتن برایش غیرممکن است. اگر کسی به شما تاریخ بدهد لابد در جام جهان‌نما نگاه کرده است. واقعیت این است که همیشه با ما خواهد بود چرا که حالا دیگر در همه جا منتشر شده است.»

بحران کرونا زیر سقف خانه‌ها

قرنطینه در دوران کرونا تقریباً در تمام دنیا خشونت‌های خانگی را افزایش داده است به‌طوری که آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل در پیامی ویدیویی نسبت به افزایش مهلک خشونت علیه زنان در جریان قرنطینه خانگی و تعطیلی‌های ناشی از شیوع ویروس کرونا هشدار داده است.

در ایران، به دلیل پنهان‌کاری درباره ارقام کلی قربانیان، موضوع اندکی پیچیده‌تر است. به‌گفته یک مقام سازمان بهزیستی ایران، آمار اختلاف زوج‌ها در دوران قرنطینه سه برابر شده است.

سه برابر شدن رقم اختلافات خانوادگی گزارش شده در دوران قرنطینه، رقمی است که چین و فرانسه هم اعلام کرده‌اند. چین بر مبنای خشونت‌های خانگی گزارش شده به پلیس محلی در ماه فوریه، نسبت به فوریه سال قبل به این نتیجه رسیده است. پلیس فرانسه هم اعلام کرده که خشونت خانگی در دوران قرنطینه کرونا سه برابر شده است. البته دولت فرانسه در این شرایط یک میلیون یورو بودجه جدید به سازمان‌ها و نهادهای فعال در زمینه مبارزه با خشونت‌های خانگی علیه زنان اختصاص داد. اما صف‌های طولانی متقاضیان طلاق در چین حکایت دیگری دارد. از سایر کشورها هم گزارش‌هایی مبنی بر افزایش خشونت‌های خانگی در دوره قرنطینه کرونا منتشر شده است. به‌گزارش گلوبو (Globo) برزیل، تقاضا برای کمک درباره خشونت خانگی در این کشور ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش یافته است.

گزارش‌ها از اسپانیا هم نگران‌کننده است. در بخش ساحلی استان والنسیای اسپانیا، ۱۹ ماه مارس شوهری زنش را در مقابل چشمان فرزندان‌شان کشت. چند روز بعد، پلیس اسپانیا که شهروندان این کشور را به دلیل بیرون آمدن از خانه جریمه می‌کند، اعلام کرده زانی را که در خیابان باشند و خشونت خانگی گزارش کنند جریمه نمی‌کند.

در کشور ترکیه هم دست‌کم ۱۰ مورد قتل زنان در دوران قرنطینه کرونا گزارش شده است. تعدادی از کشورهای اروپایی در مکان‌های عمومی امکانات مشاوره روان‌شناسی در اختیار قرار داده‌اند تا مردم دسترسی آسان و رایگانی به مشاوره روان‌شناسی داشته باشند.

در بسیاری از کشورها تعداد تماس‌های تلفنی کاهش یافته چون افراد نمی‌توانند در حضور شریک زندگی خود صحبت کنند. فعالان گروه اوا کوپرتیوا در ایتالیا اعلام کرده‌اند که تعداد تماس‌ها به‌طور چشم‌گیری کاهش یافته اما پیامک‌ها افزایش یافته است. پناهگاه کازا لوکای سیستا هم اعلام کرده که در شهر رم همه پناهگاه‌ها باز، و آماده پذیرش زنانی هستند که به هر وسیله قصد تماس با آنها را دارند.

چند ماه پیش، به مناسبت روز چهارم آذر ۱۳۹۸ - ۲۵ نوامبر ۲۰۱۹ که روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان بود، رضا جعفری سدهی، رییس اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی ایران اعلام کرد که گزارش خشونت خانگی علیه زنان در ایران ۲۰ تا ۲۲ درصد نسبت به سال ۱۳۹۷ افزایش یافته است.

چند روز پیش هم بهزاد وحیدنیا، مدیرکل مشاوره و امور روان‌شناختی بهزیستی اعلام کرد که در دوران قرنطینه، آمار اختلاف زوج‌ها سه برابر شده‌است. او اظهار داشت که میزان تماس‌های زوجین مربوط به اختلافات خانوادگی در دوران قرنطینه و شیوع ویروس کرونا با صدای مشاور بهزیستی با شماره ۱۴۸۰ روزانه به چهار هزار تماس رسیده که نشان‌دهنده افزایش اختلافات بین زوجین است.

آنتونیو گوتش دبیرکل سازمان ملل متحد، پنج‌شنبه ۹ آوریل نیز با تأکید بر این که جهان با عواقب بیماری همه‌گیر کرونا دست به گریبان است، مطرح ساخت در چنین برهه‌ای باید زنان را در کانون تلاش‌ها برای بازسازی اقتصادی قرار داد. وی در عین حال هشدار داد که خطر فقر، انبوهی از زنان جهان را تهدید می‌کند. گرچه میزان مرگ و میر ناشی از ویروس کرونا در میان مردها بیشتر از زنان است، گوتش در بیانیه‌ای خاطر نشان نمود که این بیماری همه‌گیر «در بر دارنده عواقب فاجعه‌آمیز اجتماعی و اقتصادی را برای زنان و دختران است.» دبیر کل سازمان ملل افزود: «حدود ۶۰ درصد از زنان در سرتاسر جهان که در اقتصاد غیردولتی مشغول به کار هستند، درآمد کمتری داشته و پس‌انداز کمتری دارند و بیشتر در معرض فقر قرار می‌گیرند. من از دولت‌ها می‌خواهم که زنان و دختران را در مرکز تلاش‌های خود برای بهبودی از اثرات ویران‌گر کووید ۱۹ قرار دهند.» در گزارش پیوست شده سازمان ملل به این بیانیه آمده است که میلیون‌ها زن به دلیل شیوع ویروس کرونا، کار و مشاغل خود را از دست داده‌اند.

گوتش خاطر نشان کرد: «دخترانی که اکنون خارج از مدرسه هستند، ممکن است هرگز به تحصیل بازنگردند. بازیابی پیشرفتی که ما از دست دادیم ممکن است، سال‌ها طول بیاچامد.»

مواضع گوتش در حالی است که قدرت‌های جهانی به‌دنبال ایجاد راهکارهایی برای مقابله با این فاجعه و فروپاشی اقتصادی ناشی از آن هستند.

کریستالینا جورجیف، مدیر کل صندوق بین‌المللی پول، پنج‌شنبه ۹ آوریل، تأیید کرد که کووید ۱۹، اقتصاد جهانی را به سمت رکود اقتصادی سوق داده است که کم‌کم به کشورهای در حال توسعه، نیاز به بودجه‌های بسیار کلان خواهد داشت.

او در یک کنفرانس آنلاین خبری گفت: «کاملاً روشن است که ما وارد رکود اقتصادی شده‌ایم که وخیم‌تر از رکود سال ۲۰۰۹، پس از بحران مالی جهانی است.»

گوتش یک‌شنبه گذشته از دولت‌ها خواست تا اقدامات بیشتری برای محافظت از زنان و دختران در برابر خشونت خانگی و خانوادگی انجام دهند که با اقامت خانگی صدها میلیون نفر در سراسر جهان در راستای اجرای فاصله‌گذاری اجتماعی، در حال افزایش است.

بر اساس بسیاری مطالعات علمی منتشر شده تا کنون، بیش‌تر قربانیان در سراسر دنیا مردان بوده‌اند، هرچند نرخ ابتلای زنان و مردان به این ویروس یکسان بوده است. در بسیاری کشورها بیش از ۶۰ درصد قربانیان مرد بوده‌اند. برخی پژوهش‌گران این مسئله را بی‌ارتباط با عملکرد ویروس کرونا می‌دانند و بر این باورند که دلیلش این است که مردان بیش از زنان دخانیات مصرف می‌کنند. برخی دیگر نیز عامل بیولوژیک را در آن دخیل می‌دانند و پاسخ را در هورمون‌های استروژن و تستسترون جست‌وجو می‌کنند.

کودکان و نوجوانان؛ قربانیان فراموش شده خشونت خانگی

غیر از زوج‌ها، احتمال بروز خشونت خانگی علیه کودکان هم در دوران قرنطینه بالا می‌رود. این موضوع در هشدارهایی که کشور آلمان خطاب به سازمان‌های حمایت از کودکان صادر کرده به‌خوبی توضیح داده شده‌است: «حالا که مدرسه‌ها تعطیل است و کودکان دور از چشم هستند، باید هشیار باشید چون احتمال کودک‌آزاری افزایش می‌یابد. نباید فراموش کنیم که کودکان هم‌چون بزرگسالان نیستند. آن‌ها به فضایی برای تحرک نیاز دارند. می‌توان این شرایط را برای مدتی کوتاه تحمل کرد اما بعد، باید به فکر امکاناتی برای گذران اوقات فراغت خانواده‌ها بود.» اما در ایران، نه تنها این حساسیت‌های نگهداری کودکان در قرنطینه نادیده گرفته می‌شود، بلکه از نخستین قربانیان وخامت شرایط اقتصادی هستند.

ویژگی‌های فیزیکی خانه‌ها هم در اختلافات ساکنان آن تاثیرگذار است. خانه‌های کوچک و خانه‌هایی که ساکنان را رودرروی هم قرار می‌دهد امکان بروز اختلاف را افزایش می‌دهد.

آذرماه ۱۳۹۷ تعدادی از فعالان حقوق زنان مقابل مجلس ایران تجمع کردند و خواستار تصویب قانونی جامع برای پیش‌گیری و مقابله با خشونت خانگی علیه زنان شدند. این یکی از معدود مواردی بود که می‌شد آمار خشونت‌های خانگی را یافت. در پلاکاردهایی که این معترضان در دست داشتند نوشته شده بود: «در ایران از هر سه زن متأهل دو زن خشونت خانگی دیده‌است.»

کارشناسان مسائل اجتماعی معتقدند که اختلافات و خشونت‌های خانگی در دوران کرونا، پس از گذراندن دوران قرنطینه، با تعداد تقاضاهای طلاق خود را نشان می‌دهند؛ پدیده‌ای که مختص ایران نیست و در سطح بین‌الملل با اصلاح طلاق کرونایی (Covidivorce) رایج شده است.

نتیجه یک تحقیق؛ ویروس کرونا تا مسافت ۴ متری در هوا منتشر می‌شود

یک پژوهش جدید با بررسی نمونه‌های هوا در بیمارستانی که در آن مبتلایان کووید-۱۹ بستری بودند، نشان داد که ویروس کرونا می‌تواند تا مسافت ۱۳ فوت (۴ متر) منتشر شود؛ یعنی دو برابر فاصله‌ای که تا کنون به مردم توصیه می‌شد در مراودات روزانه خود با دیگران حفظ کنند.

نتایج اولیه این پژوهش که توسط دانشمندان چینی انجام شده است، روز جمعه در نشریه تخصصی «Emerging Infectious Diseases» ایالات متحده آمریکا منتشر شد. در این تحقیقات که با سرپرستی تیمی از آکادمی علوم پزشکی نظامی پکن انجام شده است، پژوهش‌گران نمونه‌های اولیه را از کف سالن هم‌چنین هوای بخش مراقبت‌های ویژه و بخش مربوط به بستری مبتلایان کووید ۱۹ در بیمارستان هاوشن‌شان شهر ووهان جمع‌آوری کردند. آن‌ها دریافتند غلظت میزان ویروس که در کف زمین وجود دارد بسیار بیش‌تر از دیگر نقاط است و در توضیح آن گفتند احتمالاً دلیل آن جاذبه زمین یا جریان هوا است که باعث شده ذرات ویروس روی کف بیمارستان شناور شوند. پس از کف زمین، در بخش‌هایی که امکان تماس دست‌ها بیش‌تر بوده از جمله ماوس کامپیوترها، سطوح زباله، ریل‌های تختخواب و دستگیره درها مقدار قابل‌توجهی از این ویروس یافت شده است. نیمی از نمونه‌های گرفته شده از کفش‌های کارکنان بخش مراقبت‌های ویژه نیز دارای ویروس کرونا بودند. به این ترتیب کفش کارکنان بیمارستان را باید یک حامل ویروس دانست.

تیم تحقیق، هم‌چنین «انتقال هوازی» این ویروس را مورد بررسی قرار داد. زیرا برخلاف سرفه و عطسه که باعث خروج قطراتی از دهان و بینی می‌شود و این قطرات پس از چند ثانیه به زمین می‌افتد، چنان‌چه ویروس قوی باشد آن‌گاه می‌تواند برای ساعت‌ها در هوا معلق باقی بماند. پژوهش‌گران در این زمینه به غلظت قابل توجهی از ذرات معلق حامل ویروس دست یافتند که در نزدیکی بیمار تا مسافت ۴ متری دیده می‌شدند.

پیش از انتشار این گزارش نیز برخی کشورها از جمله آمریکا از شهروندان خود خواسته بودند که در زمان حضور در اماکن عمومی چهره خود را با ماسک بپوشانند تا از انتقال ویروس حتی از مسیر تنفس و صحبت عادی دیگران نیز جلوگیری شود.

منع رفت‌وآمد و اعمال قوانین سخت‌گیرانه

منع رفت‌وآمد و اعمال قوانین سخت‌گیرانه برای جلوگیری از گسترش ابتلا به کرونا در برخی کشورها باعث ایجاد درگیری در میان مردم برای تهیه مواد غذایی شده است. به‌گزارش اسپوتنیک، ویدئوهایی از شهروندان ترکیه در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود که نشان می‌دهد با اعلام ممانعت از رفت و آمد شهروندان و قوانین قرنطینه‌ای در این کشور، برخی شهروندان در شهرهای مختلف پیش از اعمال قرنطینه سراسری برای تامین نان و مواد غذایی در برابر مغازه‌ها و فروشگاه‌ها تجمع کرده‌اند و اما در برخی از مناطق در این صفوف تشکیل شده بر سر نان و سایر اقلام اساسی درگیرهای شدید صورت گرفته است. کاربران بسیاری در واکنش به این ویدئوها و تصاویر معتقدند وضعیت اقتصادی در اکثر کشورها بسیار بد است و مردم در شرایط سخت زندگی خود را سپری می‌کنند و گاهی این طبیعی است که حتی برای تهیه غذا هم به جان هم بیفتند و در واقع فقر و گرسنگی فرهنگ و تمدن نمی‌شناسد.

این کاربران هم‌چنین تصاویری نیز از ازدحام شدید مردم محله فقیرنشین در شهر نایروبی کنیا جهت دریافت کمک‌های غذایی که برای رعایت قرنطینه سراسری توزیع شده است منتشر می‌کنند که مردم بدون رعایت فاصله اجتماعی، با ازدحام و درگیری شدید برای دریافت این جیره غذایی تلاش می‌کنند که خود عاملی برای انتقال ویروس کرونا است. کاربرانی با دیدگاهی متفاوت عنوان می‌کنند در این دنیا گرسنگی، فقر و جنگ بسیار بیش‌تر از کرونا تلفات می‌دهد، اما ما نگران کرونا هستیم به این دلیل که فقر، گرسنگی و جنگ به همه سرایت نمی‌کند، و تنها عده‌ای از درد فقر و گرسنگی آرام و بی‌صدا در گوشه‌ای جان می‌سپارند. این کاربران معتقدند دولت‌ها باید تدابیر لازم برای نجات و سلامتی مردم خود را در نظر بگیرند و در این شرایط کمتر به حواشی‌های پیش از کرونا بپردازند.

آیا ویروس کرونا از طریق رابطه جنسی قابل انتقال است؟

تاکنون ثابت نشده است که کرونا از طریق رابطه جنسی منتقل می‌شود. اما مسلم است که تماس فیزیکی دو نفر با ریسک بالای ابتلا به بیماری کووید ۱۹ همراه است.

بر اساس اطلاعاتی که تاکنون سازمان جهانی بهداشت در باره ویروس کرونا (سارس کوو-۲) منتشر کرده، این ویروس در اسپرم مرد و ترشحات جنسی زن موجود نیست. به این ترتیب امکان انتقال آن از طریق رابطه جنسی تاکنون برابر صفر است.

اما آنچه که کارشناسان تاکید می‌کنند، پرهیز از تماس نزدیک است که هنگام رابطه جنسی تقریباً اجتناب‌ناپذیر است. وبسایت شبکه خبری آلمانی «ان تی وی» در این باره گزارشی منتشر کرده که در آن به جزوهای از اداره بهداشت شهر نیویورک اشاره شده است.

در این جزوه آمده است: «شما خودتان امن‌ترین شریک جنسی خود هستید.» در واقع توصیه این اداره در وهله نخست خودارضایی است. در این راستا تاکید شده است که باید به بهداشت دست یا آلت‌هایی که برای خودارضایی استفاده می‌شود توجه کرد.

دستورالعمل برای رابطه جنسی دو نفره ویروس کرونا از طریق لمس اشیا و همچنین قطره‌های تنفسی منتقل می‌شود. قطره‌های میکروسکوپی تنفسی از طریق سرفه، عطسه یا گفت‌وگو، با ترشحات تنفسی بیمار خارج می‌شوند و در صورت تماس مستقیم با غشاهای مخاطی باعث آلودگی دیگران می‌شوند.

بنابراین احتمال انتقال ویروس در رابطه جنسی، صرف‌نظر از این که چه عملی انجام می‌شود، فقط به دلیل تماس بدنی با شریک زندگی وجود دارد؛ حتی اگر این نزدیکی تنها نوازش یکدیگر باشد.

به همین دلیل الکساندر ککوله، ویروس‌شناس آلمانی در پادکست شبکه تلویزیونی «ام د ار» (MDR) توصیه می‌کند: «فقط کسی را در آغوش بگیر که مایلی ویروس را به او انتقال بدهی یا از او ویروس دریافت کنی!»

کرونا باعث رشد زاد و ولد می‌شود؟

در برخی رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی این پرسش مطرح شده است: آیا در شرایطی که تقریباً ساکنان تمامی کشورها در قرنطینه‌های خودخواسته به سر می‌برند، شمار زایمان‌ها در نه ماه آینده سرسام‌آور بالا می‌رود؟

در مقابل بسیاری از کارشناسان، از جمله الکساندر ککوله معتقدند که ماندن اجباری در خانه و ترس از ویروس کرونا حال و هوایی برای لذت بردن از رابطه جنسی نمی‌گذارد.

آمارهایی که تاکنون از شهر ووهان چین منتشر شده گواهی بر ادعای این کارشناسان است، زیرا در این شهر که حدود ده هفته در قرنطینه بود، افزایش شمار حاملگی به چشم نمی‌خورد. در عوض، خودکشی و خشونت خانگی بسیار زیاد شده است.

جنگ بر سر تجهیزات پزشکی

کرونا در عین حال، باعث شعله ور شدن یک جنگ جهانی از نوع جدیدی با عنوان نبرد بر سر تجهیزات پزشکی شد و بدین ترتیب نقاب از چهره زشت آمریکا و برخی کشورهای اروپایی برداشت.

به گزارش شبکه تلویزیونی العربیه، هم‌زمان با افزایش یافتن تلفات و ترس و نگرانی حاصل از انتشار ویروس کرونا کشورها در صدد تامین تجهیزات مورد نیاز خود برآمدند.

در همین رابطه فرانسه آمریکا را متهم کرد که با پرداخت سه برابر قیمت، محموله ماسک‌هایی که از چین رهسپار فرانسه بود را به تصاحب خود درآورد.

آلمان نیز واشنگتن را به خرید محموله لباس‌های محافظ متهم کرد که برلین از چین درخواست کرده بود و رهسپار آلمان بود.

کانادا نیز نگران است. جاستین ترودو نخست وزیر این کشور، از اعضای هیات دولت خود خواست تا مطمئن شوند که تجهیزات پزشکی خریداری شده توسط کانادا به این سرزمین رسیده و در آن باقی خواهد ماند.

دامنه این ترس و نگرانی تا آمریکای جنوبی نیز کشیده شد. برزیل در همین رابطه گفت که تلاش این کشور برای خرید تجهیزات بهداشتی و پزشکی به منظور تقویت ساختار بهداشتی خود ناکام مانده است.

شماره‌ای از کشورها از جمله فرانسه و آلمان و روسیه اقدام به ذخیره کردن ماسک‌ها و وسایل مورد نیاز برای محافظت شخصی افراد کرده‌اند و بدین ترتیب می‌توان گفت فرآیند صدور تجهیزات پزشکی محافظ در جهان کاهش یافته است.

گزارش‌ها حاکی است که ترکیه پا را از این فراتر گذاشت و نه تنها صدور تجهیزات و وسایل مورد نظر جهت مقابله با کرونا را ممنوع اعلام کرد، بلکه از تحویل دادن محموله ماسک‌هایی که پول آن‌ها را دریافت کرده، امتناع ورزید.

چین بزرگ‌ترین سازنده ماسک در جهان به‌شمار می‌رود و اولین کشوری بود که ویروس کرونا در آن انتشار یافت و به انبار کردن تجهیزات پزشکی و بهداشتی خود متهم شد اما با وجود همه این‌ها، میلیون‌ها ماسک را به اروپا اهدا کرده و یا به فروش رساند.

یکی از محموله‌ها از راه کشور چک رهسپار ایتالیا شد اما مقامات چک این محموله را مصادره کردند و رویداد مشابهی نیز در کنیا روی داد که طی آن محموله حاوی شش میلیون ماسک که رهسپار آلمان بود، به‌طرز نامعلومی ناپدید شد. مقام‌های کنیا ناپدید شدن این ماسک‌ها را در میدان هوایی پایتخت این کشور رد می‌کنند. «محمد المسلینی» وزیر تجارت تونس نیز پنج فروردین در یک برنامه تلویزیونی گفت که کشورهای اروپایی از ترس کرونا شروع به دزدی از یکدیگر کرده و یک کشتی تونسی را نیز غارت کرده‌اند. او افزود: تمامی کشورهای اروپایی به علت شیوع ویروس کرونا، در ترس و دلهره به سر می‌برند و ایتالیایی‌ها یک کشتی حامل مواد الکلی و ضد عفونی کننده به مقصد تونس را در دریای مدیترانه به غارت برده‌اند.

قدردانی از کادر درمانی ایران و جهان

با گسترش ویروس کرونا در جهان، اخبار تکان دهنده‌ای از میزان مرگ، پرستاران، پزشکان و کادر درمانی بیمارستان‌ها در همه کشورهای درگیر با این بیماری بگوش می‌رسد. وقتی دولت‌ها مردم را به ماندن در خانه برای قطع زنجیر انتقال بیماری از افراد به همدیگر، تشویق می‌کنند، تازه ماموریت پرستاران و پزشکان آغاز می‌شود. آن‌ها نه تنها نباید در خانه بمانند، بلکه با توجه به شیوع گسترده بیماری، باید خانه‌هایشان را به سوی بیمارستان‌ها ترک کنند. نه تنها کار روتین، بلکه باید اضافه‌کاری کنند. جامعه از آن‌ها کار شبانه‌روزی می‌خواهد، در خط مقدم نبرد به یاری بیماران بشتابند و با ویروس مهلک کرونا بچنگند.

تنها به‌عنوان نمونه یکی از بیمارستان‌هایی که در روزهای شتاب شیوع کرونا در تهران، بیماران کرونایی در آن بستری بودند، بیمارستان «مسیح دانشوری» است. در روزهای اخیر آمارهای بسیاری از ابتلا و جان‌باختن برخی از پرستاران و کادر پزشکی این بیمارستان به‌گوش رسید. گفته می‌شود، تنها در این بیمارستان ۲۶ پزشک و پرستار جان‌باخته‌اند.

در ایران پزشکان و کادر درمانی بیمارستان‌ها از کمبود نیازهای اولیه حرفه‌ای برای حفظ جان خود شکایت دارند. اما برای پرستاران مسئله به این‌جا هم ختم نمی‌شود. غم نان نیز در کنار همه این مخاطرات و بی‌حقوقی‌ها زندگی پرستار خسته را برآشفته می‌سازد.

در حالی که محمدرضا قدیر، رییس دانشگاه علوم پزشکی قم از ابتدای ۱۷۰ پزشک و پرستار این شهر به کرونا خیر داده است، اطلاعات منتشر شده از سوی رسانه‌ها و مقام‌های رسمی نشان می‌دهد تاکنون (دوشنبه ۳ فروردین) دستکم ۲۴ پزشک و داروساز، ۱۳ پرستار و ۱۲ نفر از پرسنل بهداشت و درمان جان خود را بر اثر ابتلا به کرونا از دست داده‌اند.

محمدرضا قدیر، رییس دانشگاه علوم پزشکی قم، یکشنبه سوم فروردین ماه با تایید جان‌باختن دو تن از پرسنل بیمارستان‌های این شهر، از ابتدای ۱۷۰ تن از کادر درمانی قم پس از یک ماه مقابله با شیوع کرونا خبر داد. قدیر که خود نیز در هفته‌های ابتدای شیوع کرونا در قم به این ویروس مبتلا شد و مدتی تحت قرنطینه قرار گرفت، روز یکشنبه سوم فروردین ماه خبر جان‌باختن طاهره اسماعیلی پرستار بیمارستان بهشتی قم و احمد سلیم‌آبادی دوست مسنول نقلیه بیمارستان کامکار قم را تایید کرد و گفت آن‌ها «در راه سلامت و دفاع از جان هموطنان در مقابل ویروس کرونا شهید شدند».

او گفت که از ابتدای شیوع ویروس کرونا در استان قم حدود ۴۰ پزشک قمی مبتلا به این ویروس شده‌اند که ۱۲۵ تن از این پزشکان در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی بستری شدند و درحال حاضر نیز یکی از پزشکان قم در بخش مراقبت‌های ویژه، آی‌سی‌یو، بستری است.

رییس دانشگاه علوم پزشکی قم، همچنین گفت که ۱۳۰ نفر از پرستاران نیز به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند که سه نفر از پرستاران در حال حاضر در مراکز درمانی قم بستری هستند.

از زمان شیوع ویروس کرونا در ایران تاکنون، استان گیلان و تهران و همچنین شهر بابل در استان مازندران بیش‌ترین تعداد پزشکان و پرستاران جان‌باخته را دارند و تنها در استان گیلان ۱۷ پزشک و پرستار جان خود بر اثر ابتلا به کرونا از دست دادند.

پیش‌تر محمد حاجی‌جعفری، معاون دانشگاه علوم پزشکی کاشان نیز گفته بود که ۱۵ پزشک و ۵۰ پرستار در کاشان به کرونا مبتلا شده‌اند اما جزییات از وضعیت کادر درمانی مبتلا به این ویروس و وضعیت جسمی آن‌ها را اعلام نکرد.

در میان کادر درمانی استان گیلان تاکنون و براساس اطلاعات موجود دستکم ۹ پزشک، هشت پرستار و ماما، و شش نفر از کارکنان شبکه بهداشت و درمان جان خود را بر اثر ابتلا به کرونا از دست داده‌اند.

در استان گیلان دستکم ۹ پزشک به اسامی رضا کوچیکی نیا پزشک مرکز بهداشت شهر آستانه اشرفیه، سیامک دیوشلی پزشک بیمارستان دولتی انزلی، وحید منصف کسمایی متخصص طب اورژانس و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی گیلان، حمید لطفی پزشک جراح استخوان و مفاصل در صومعه سرا، محمد محمدی پزشک پرسابقه رییس اسبق نظام پزشکی و پزشکی قانونی رشت، محمدعلی ربیعی پزشک عمومی در شهر شفت، عباس مومنی دکترای علوم آزمایشگاهی در رودسر، محمد بخشعلی زاده عضو پیشین هیات مدیره انجمن پزشکان عمومی رشت، سهیل کیانفر پزشک متخصص اورولوژی بیمارستان گیل رشت.

نرجس خانعلی زاده پرستار بیمارستان میلاد لاهیجان نیز نخستین پرستار جان باخته در جریان مقابله با شیوع کرونا است. پس از او دستکم هفت پرستار، ماما و بهورز نیز در این استان جان خود را بر اثر کرونا از دست دادند. غلامرضا وثوقی کیا پرستار بیمارستان آریا، علی شیخ مرادی پرستار بیمارستان قائم رشت، انوشه بیکیان مامای بیمارستان الزهرا رشت، ایمان معین زاده پرستار بیمارستان کوثر آستانه اشرفیه، ناهید نوشاد پرستار بیمارستان گلزار، تهمینه ادیبی سرپرستار اورژانس بیمارستان دولتی انزلی، رقیه رونقی بهورز شبکه بهداشت صومعه سرا از جمله جان باختگان کادر پرستاری و بهداشتی استان گیلان هستند.

همچنین شش نفر از پرسنل بخش های بهداشت و درمان در استان گیلان بر اثر ابتلا به کرونا جان باختند که شامل فیروزه خوش گفتار مسنول دبیرخانه بیمارستان فومن، داریوش پیشرو مسنول واحد تحقیقات هسته گزینش دانشگاه علوم پزشکی گیلان، اسماعیل بخشی پور از کارکنان بخش حسابداری بیمارستان رازی مرکز قرنطینه بیماران کرونا در رشت، جمشید محدثی مسنول امور اداری شبکه بهداشت رامسر، آل حسینی و زهتاب دو تن از کارکنان خدمات بیمارستان گلزار رشت می شوند.

در بابل نیز دستکم چهار پزشک به اسامی ایرج ابراهیم نژاد پزشک خانواده، مظفر ربیعی متخصص بیهوشی و رییس سابق دانشگاه علوم پزشکی بابل، مصطفی صمدی پزشک عمومی بابلی و صمد بابا زاده پزشک خانواده بر اثر این بیماری جان باختند.

در این شهر سه تن از کارکنان دانشگاه علوم پزشکی به اسامی مجید اردشیری، منوچهر ساداتی و مرضیه حسینی نژاد نیز جان خود را از دست دادند و جواد جلالی نیا کارشناس بیهوشی و مسنول روابط عمومی بیمارستان یحیی نژاد بابل نیز بر اثر ابتلا به کرونا درگذشت.

در تهران پنج پزشک، دو روانپزشک و یک دکتر داروساز در مجموع هشت دکتر جان خود را بر اثر ابتلا به کرونا از دست دادند.

حبیب الله پیروی فوق تخصص جراحی عروق و مدیر گروه جراحی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، موسی فتح آبادی، متخصص طب اورژانس بیمارستان ارتش و از مدیران گروه طب اورژانس دانشگاه تهران، عباس توسن متخصص گوش و حلق و بینی، مهدی وریجی رییس درمانگاه منطقه ۲۱ شهرداری تهران، افشار امیری متخصص روانپزشکی بیمارستان بقیه الله شهر تهران، وحید ایروانی متخصص روان پزشکی بیمارستان نیکان، کوروش گودرزی پور پزشک بیمارستان مفید تهران و حمیدرضا زینعلی دکتر داروساز داروخانه چهارباغ در چهاردانگه استان تهران بر اثر ابتلا به کرونا جان باخته اند.

همچنین شیرین روحانی راد، پزشک بیمارستان شهدای پاکدشت ورامین، که با وجود نامناسب بودن وضعیت جسمی به دلیل نبود پزشک جایگزین با سرم در دست به ویزیت بیماران می پرداخت، بر اثر ابتلا به کرونا جان باخت در تهران، دو پرستار؛ رامین عزیزی فر پرستار بیمارستان بهارلوی تهران و مولود جعفری پرستار بیمارستان فیاض بخش نیز از پرستارانی هستند که خبر جان باختن آنها تایید شده است.



دستکم دو پزشک و یک چشم پزشک نیز در شهرهای میان درود، تبریز و زابل بر اثر ابتلا به کرونا جان باختند. در مازندران علاوه بر پزشکانی که در شهر بابل جان باختند، غلامعلی معنویان پزشک عمومی شهر میان درود نیز بر اثر کرونا جان باخت و در شهر زابل استان سیستان و بلوچستان نیز سعید عزیزی چشم پزشک به همین دلیل جان خود را

از دست داد. در آذربایجان شرقی نیز دانشگاه علوم پزشکی تبریز نیز درگذشت تقی اهرچی، پزشک متخصص بیماری‌های کودکان را بر اثر ابتلا به کرونا تایید کرد.

محسن خادم پرستار اتاق عمل بیمارستان میلاد کاشان، فریبا ایزدپناهی پرستار بیمارستان بهشتی شیراز، رضا پور ساکی پرستار بیمارستان طالقانی آبادان، عظمت موسوی مامای شبکه بهداشت ساری بر اثر ابتلا به کرونا جان خود را از دست داد.

در استان قزوین نیز هانیه عدالتی، کارمند مدارک پزشکی بیمارستان تاکستان در استان قزوین، نیز پس از ابتلا به کرونا جان سپرد.

روزنامه شرق که در تهران منتشر می‌شود، در این مورد نوشته است: «در همه روزهایی که رشادت و زحمات پرسنل کادر درمان که با کمترین تجهیزات در حال درمان بیماران مبتلا به کرونا هستند زبان زد همه است و همه مسئولان از این می‌گویند که آن‌ها جان‌شان را کف دست‌شان گذاشته‌اند، شاید باورکردنی نباشد اگر بگوییم پرستاران شرکتی اهواز و چند استان دیگر هنوز از اسفندماه حقوق نگرفته‌اند و با دست‌های خالی این نوروز غمگین ۹۹ را گذرانده‌اند.»

پیش از شیوع بیماری کرونا، سعید نمکی، وزیر بهداشت ایران، در دی‌ماه طی جلسه شورای عالی نظام پرستاری اعلام کرده بود که برخی پرستاران ۱۸ ماه حقوق معوق دارند.

پیش از آن در آذرماه سال گذشته نیز خبرگزاری ایرنا از تجمع تعدادی از پرستاران در بیمارستان «الزهرا» در اصفهان برای اعتراض به مطالبات به تعویق افتاده خبر داده بود. یکی از پرستاران معترض به ایرنا گفته بود که برخی از اعضای کادر درمانی ۹ ماه حقوق خود را دریافت نکرده‌اند.

دبیر کل خانه پرستار نیز اخیراً گفته است: «پرستاران در حال حاضر در بین کارکنان دولت، پایین‌ترین حقوق را دریافت می‌کنند. حتی از معلم‌ها هم پایین‌تر حقوق می‌گیرند.» به‌علاوه استخدام رسمی یکی از اصلی‌ترین مطالبات پرستاران در سال‌های گذشته بوده است.

اما مشکل دیگری که رنج پرستاران را دوچندان کرده است، کمبود پرستار در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی است. کمبود پرستار نه تنها جان بیماران را به‌خطر می‌اندازد، بلکه در همان حال کار پرستاری را چند برابر دشوارتر می‌کند. پرستار خسته و فرسوده مدام در نگرانی و استرس ناشی از این‌که نتواند خدمت لازم را به بیماران ارائه بدهد، با استرس نفس‌گیر دست‌وپنجه نرم می‌کند.

دبیرکل خانه پرستار ایران در این زمینه می‌گوید: «اگر بخواهیم به حداقل استانداردهای جهانی برسیم، باید ۲۹۰ هزار پرستار استخدام شوند و به چرخه نظام پرستاری وارد شوند.» وی معتقد است که تعداد پرستاران کشور حدود ۱۰ هزار نفر است که اگر بخواهیم به حداقل استانداردهای دنیا برسیم، باید این تعداد را به ۳۰۰ هزار نفر افزایش دهیم.



به‌گفته سازمان بهداشت جهانی، هفتاد درصد نیروی شاغل در بهداشت و درمان در دنیا را زنان تشکیل می‌دهند. در ایران شمار پرستاران زن به نود درصد می‌رسد، از این‌رو بی‌حقوقی پرستاران، علاوه بر تبعیض شغلی نشانه تبعیض جنسیتی هم هست.

حقیقتاً شغل پرستاری از مشاغل بسیار سخت، حساس، پرمسئولیت است، که اگر غم نان و تامین معیشت هم با آن اضافه شود، بسیار سخت‌تر خواهد شد. ساعات کار طولانی، حجم زیاد از حد کار و مسئولیت حساس از سویی و حقوق و مزایای ناچیز و آینده تضمین نشده، از سوی دیگر تنها بر سطح زندگی پرستاران اثر نخواهد گذاشت؛ بلکه بازتاب این درجه از محرومیت، بر سلامت جامعه تاثیر جدی بر جا خواهد گذاشت و در بهبودی بیمار اخلال ایجاد خواهد کرد.

اگر شغل پرستاری در زمره مشاغل سخت است، که هست؛ نمی‌توان با شیفت طولانی کار، با بی‌توجهی به تعطیل هفتگی، با برخوردار نبودن از حقوق مکفی، آن را سخت‌تر و دشوارتر کرد. تحمیل ساعات طولانی کار، رعایت نکردن

حقوق پرستاران برای کار شبانه و ایام تعطیل و عدم پرداخت حقوق و مزایای مربوط به آن، غیر انسانی و غیرقابل تحمل است.

پایگاه نیوزویک در مطلبی به موضوع جان باختن کادر پزشکی بر اثر ابتلا به کرونا در سراسر جهان پرداخته و با این عنوان که تاکنون بیش از ۲۰۰ پزشک و پرستار در جهان به دلیل ابتلا به ویروس کرونا جان خود را از دست دادند، از ابراز نگرانی مدیر اجرایی شورای بین‌المللی پرستاران خبر می‌دهد.

بر اساس آمارهای که دانشگاه جان هاپکینز آمریکا، منتشر کرده ویروس کرونا که ماهیتی سریع الانتقال دارد پس از گذشت چند ماه از نخستین مورد ابتلا در چین بیش از صدها پزشک و پرستار کادر درمانی را به کام مرگ کشانده است.

کرونا در حال حاضر در اروپا و آمریکا به کانون شیوع این ویروس تبدیل شده و در میان کشورهای اروپایی، آمار کادر پزشکی جان باخته در ایتالیا بیش از سایر کشورها در جهان اعلام شده است.

ایتالیا که از لحاظ درگیری با ویروس کرونا در جایگاه سوم در جهان قرار گرفته و بیش از ۱۶ هزار قربانی و ۱۴۷ هزار مبتلا را به ثبت رسانده، تاکنون ۱۲۰ پزشک و پرستار در این کشور جان خود را در راه نجات بیماران از دست دادند.

با وجود آنکه ویروس کرونا نخستین بار در چین شیوع پیدا کرد و هزاران نفر قربانی بر جای گذاشت، اما شمار تلفات کادر پزشکی اندونزی در مقایسه با کشور چین بیش‌تر بوده است.

آمارها نشان می‌دهد تا کنون دست کم ۲۴ پزشک در اندونزی بر اثر ابتلا به ویروس کرونا جان خود را از دست دادند. مدیر اجرایی شورای بین‌المللی پرستاران در گفت‌وگو با نیوزویک، از ابتلای کادر پزشکی و پرستاران در سراسر جهان به ویروس کرونا ابراز نگرانی کرده است.

وی گفته است شیوع این ویروس، پرستاران را در سراسر جهان به دلیل فشار کار زیاد و استرس در بیمارستان‌ها و استراحت نکردن به شدت تحت تاثیر قرار داده است.

مدیر اجرایی شورای بین‌المللی پرستاران همچنین به این موضوع اشاره کرده که آلوده شدن و جان باختن کادر پزشکی در بیمارستان‌ها بدون شک به دلیل کمبود تجهیزات محافظتی در برابر این ویروس رخ می‌دهد.

همچنین شمار قربانیان پزشکان و پرستاران در انگلیس دست کم ۱۹ نفر و در اسپانیا که جایگاه دوم را از لحاظ درگیری با این ویروس دارد، دست کم ۱۱ نفر گزارش شده است.

در فرانسه و آمریکا نیز شمار قربانیان کادر پزشکی دست کم ۵ و ۲ مورد به ثبت رسیده است.

یادی از زکریا رازی فیلسوف ماتریالیست، کاشف الکل و اسید سولفوریک

اکنون با بحران کرونا الکل تقریباً در مرکز مبارزه با ویروس کرونا دارد از این‌رو جا دارد که یادی از کاشف آن بکنیم. الکل (Alcohol)، مایعی است فرار، دارای طعم تند و سوزان و بر دو قسم است، یکی الکل اتیلیک که در تمام نوشابه‌های خمری شراب و امثال آن‌ها موجود است و از شراب انگور یا کشمش گرفته می‌شود و آن را الکل سفید هم می‌گویند، دیگر الکل متیلیک که از تقطیر چوب به‌دست می‌آید و آن را عرق چوب هم می‌گویند و قابل‌شرب نیست و در صنعت و طب به‌کار می‌رود.

رازی اولین کسی بود که از الکل و فتیله دوطرفه در درمان مجروحان بهره جست و نیز در درمان تب از آب سرد استفاده کرد. درباره رازی نیز آمده است او نخستین کسی است که ماده شیمیایی H_2SO_4 که امروزه آن را «اسیدسولفوریک» می‌گویند و در عربی «الزجاج الاخضر» نامیده می‌شود و پیش‌تر آن را «زیت‌الزای» نامیدند، کشف کرد. وی، آن را از گوگرد آهن استخراج کرده بود و روش استفاده از این ماده همچنان به همان صورت باقی است. همچنین رازی نخستین کسی بود که به استخراج «الکل» موفق شد و آن را از مواد نشاسته‌ای و قندی تخمیر شده به دست آورد.

او اولین کسی است که بیماری آبله را شناخت. به هر حال، کشف الکل و اسید سولفوریک به وسیله رازی خدمت بسیار ارزشمندی به دانش طب بوده است.

الکل، مایعی آلی و ترکیب‌یافته از هیدروژن، اکسیژن و کربن است که در عصر حاضر، با پیشرفت روزافزون دانش و فن، کاربردی گسترده در عرصه زندگی بشر، یافته است. رابطه پیچیده بین الکل و هنر درمان کردن، در مفاهیم، اصطلاحات و اختصارات حرفه‌ای پزشکی به وفور آمده است. در جهان امروز الکل هم در علم پزشکی و بهداشتی کاربرد گسترده دارد و هم تفریحی بشر به عنوان مشروبات الکلی کاربرد جهانی دارد.

رازی، برخلاف بسیاری از پزشکان که پیش‌تر مایل به درمان پادشاهان و امرا و بزرگان بودند، با مردم عادی بیش‌تر سروکار داشت. از نظر او یک پزشک باید دارای صفات ویژه‌ای می‌بود. وی همچنین درباره افراد کم‌سواد که خود را طبیب می‌نامیدند، افشاگری‌های متعددی انجام داده و به همین سبب مخالفانی داشته است.

رازی از اولین دانشمندی است که بر نقش خوراک در تندرستی و درمان پافشاری بسیار دارد. او کتابی درباره خوراک به نام «منافع‌الغذیه و مضارها» نوشته است که یک دوره کامل بهداشت خوراک به حساب می‌آید و در آن به خواص

گندم و حبوبات، خواص و ضررهای انواع آبها و شرابها و مشروبات غیرالکلی، گوشت‌های تازه و خشک و ماهی‌ها اشاره شده است. فصلی از این کتاب نیز به هضم غذا، ورزش و پرهیزهای غذایی و مسمومیت‌ها اختصاص دارد.

وی نخستین کسی است که تشخیص تفکیکی بین آبله و سرخک را بیان داشته و در کتاب «آبله و سرخک» خود به تدابیری در خصوص جلوگیری از عوارض این دو بیماری پرداخته است.

زکریای رازی اسراف در دارو را بسیار مضر می‌دانست و معتقد بود مداوا باید تا حد امکان با غذا و در غیر این‌صورت نیز با داروی منفرد و ساده و در نهایت با داروی مرکب انجام شود. این جمله به او منسوب است که «هرگاه طبیب موفق شود بیماری‌ها را با غذا درمان کند، به سعادت رسیده است.»

عمده تاثیر رازی در شیمی، طبقه‌بندی او از مواد است. او نخستین کسی بود که اجسام را به سه گروه جمادی، نباتی و حیوانی تقسیم کرد. چنانچه او از دیدگاه مراحل بعدی علم (بعد از کیمیاگری) در نظر گرفته شود، می‌توان او را یکی از بنیان‌گذاران علم شیمی به حساب آورد.

چنان‌که می‌دانیم رازی قبل از طب به کیمیا مشغول بود و اطلاعات زیادی درباره مواد داشته‌است؛ از جمله آن که مواد را به دو دسته فلز و شبه فلز (به گفته او جسد و روح) تقسیم می‌کند و نیز اولین کسی است که استحالتهای شیمیایی را وارد طب کرده‌است.

کشف‌های بسیار به رازی نسبت داده می‌شود، از جمله آن‌ها می‌توان به الکل، اسید سولفوریک، اسید کلریدریک، استات مس یا زنگار که در شست‌وشوی زخم‌ها مورد استفاده بود، اکسید آرسنیک یا مرگ موش، اسید سیتریک و داروهای سمی آکالونیدی اشاره کرد.

رازی را می‌توان برجسته‌ترین چهره خردگرایی و تجربه‌گرایی در فرهنگ ایرانی دانست. وی در فلسفه به سقراط و افلاطون متمایل بود و تاثیراتی نیز از افکار هندی و مانوی در فلسفه او به چشم می‌خورد. با این حال عقاید خاص خود را داشت و هرگز تسلیم افکار مشاهیر نشد؛ بلکه اطلاعات پیشینیان را مورد مشاهده و تجربه قرار می‌داد و سپس نظر و قضاوت خود را بیان می‌کرد.



محمد فرزند زکریا ۱۱۵۵ سال پیش در شهر «ری» زاده شد و به «رازی» شهرت یافت. دانشمند نامی، ابوریحان بیرونی (زاده ۹۷۳ میلادی) زادروز رازی را سپتامبر ۸۶۵م و در گذشت وی را ۳۱ اکتبر ۹۲۵م نگاشته است. در آن دوران، منافع سیاسی و رابطه برخی علمای شیعه با برخی از سلطان‌ها و وزرای وقت، سبب شد تا علمای شیعه در دربار و جامعه موقعیتی بهتر بیابند. در همین دوره، در دهه‌های پایانی ۷۵۰ میلادی یا ۱۳۰ قمری حکومت امویان نخستین حکومت شیعی را برپا کردند که به‌ویژه ری همانند یک مرکزی دینی، نقش مهمی در تمرکز و تقویت مبادی و تبیین شیعه‌گری یافت. در چنین شرایطی است که محمد زکریا رازی در مرکز خرافات و خرفه‌پراکنانی همانند کلینی‌ها و شیخ صدوق‌ها به دانش و فلسفه معنی می‌بخشد.

خدمات علمی رازی به جهان بشریت و دستاوردهای ارزشمند علمی این دانشمند، پزشکی و شیمیدان نامدار، بسیار برجسته و چشمگیر است.

محمد بن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ق) پزشک، فیلسوف و شیمیدان بزرگ ایرانی در قرن سوم هجری ملقب به جالینوس عرب؛ از مشاهیر منطق، هندسه، طب، فلسفه و دیگر علوم زمان خود و از مفاخر و نوابغ جهان علم بود. درباره تولد و خاموشی رازی دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد، اما مشهورترین و معتبرترین آن نظریه ابوریحان بیرونی در کتاب «الفهرست» است و از آن‌جا که ابوریحان مورخ بوده و بیش از هر کس دیگر با حساب ایام سروکار داشته و به عصر رازی نیز نزدیک‌تر بوده گفتار وی به حقیقت نزدیک‌تر است.

رازی در سال ۲۵۱ هجری قمری مقارن با ۸۶۵ میلادی، هم‌چون ابن سینا (متولد ۳۷۰ هجری قمری) و ابوریحان بیرونی (متولد ۳۶۲ هجری قمری) در عصر حکومت سامانیان و در قرون وسطای اروپاییان در شهر ری چشم به جهان گشود.

عصر حکومت سامانیان (۲۶۱-۳۹۵ق) یکی از دوران پر تلاطم روشنگری بوده و از آنجا که سامانیان از نوادگان بهرام چوبین سامانی و آئین زرتشتی داشته‌اند از تعصب کمتری نسبت به مذهب برخوردار بوده و درگیری آنان با دستگاه خلافت اسلامی زمینه مناسبی برای آزاداندیشی فراهم آورده بود.

نام کامل وی ابوبکر محمد بن زکریا بن یحیی الرازی است. اروپائیان از او به نام Razes یا Al-Razi در کتاب‌های خود یاد کرده‌اند.

از آنجا که رازی کتاب‌هایش را به زبان عربی می‌نوشت در نزد غربیان به جالینوس عرب معروف گردید. وی با کشف الکل و اسید سولفوریک (جوهر گوگرد) خدمات شایانی به جهان علم نمود. رازی مکتب جدیدی در علم کیمیا (شیمی) تاسیس کرد که آن را می‌توان مکتب کیمیا تجربی و علمی نامید. رازی نخستین کسی است که قبل از «بیکن» به اهمیت تجربه و مشاهده در علوم (positivism) پی برد.

«ژولیوس روسکا» رازی را پدر علم شیمی و بانی مکتب جدیدی در علم دانسته است. ترجمه کتاب طب منصوره او نخستین کتاب پزشکی است که با شیوه چاپ گوتنبرگ در اروپا چاپ شد. و علاوه بر آن، وی صاحب بزرگترین دانشنامه پزشکی تا اواخر قرن ۱۹ بوده که کتاب‌های وی در بزرگترین دانشگاه‌های اروپا تا اواخر قرن نوزدهم تدریس می‌گردید.

زکریا در جوانی عود می‌نواخته و آواز می‌خوانده است، وی در شهر ری به تحصیل در فلسفه، ریاضیات، کیمیا و نجوم پرداخته و در ابتدا شغل زرگری را که شغل خانوادگی وی بوده پیشه کرد و به صنعت اکسیر مشغول گردید، می‌گویند در اثر بخار و دخان عقاقیر (نوعی ادویه) چشمان وی ورم کرد و برای معالجه به نزد طبیبی رفت. آن طبیب از وی پانصد اشرفی طلا به عنوان حق المعالجه گرفت و گفت: کیمیا همین است نه آنچه تو بدان مشغولی! پس از آن رازی ترک کیمیا کرد و در سن بیست و چهار سالگی به تحصیل طب پرداخت تا آنکه مرجع تمام اطباء زمان خود گردید.

رازی در حدود ۳۵ سالگی جهت تکمیل معلومات خود در عصر مامون خلیفه عباسی به بغداد رفت؛ تا در آنجا که مرکز علمی خاور میانه بوده و توسط ایرانیان تاسیس گردیده بود به تحصیل بپردازد.

سفر رازی به بغداد، هم‌زمان با عصر خلافت مامون خلیفه عباسی بوده که دوران آشنایی اعراب و مسلمانان با آثار فلسفی یونانیان و ترجمه آن به زبان عربی و دوران تسلط افکار یونانیان در حوزه فکری اسلام بود تا آن زمان مسلمانان از فراگیری علوم و فنون رویگردان بوده و به جهت مخالفت ذاتی اسلام با علم و دانش بنا به تصریح قرآن در خصوص مخالفت با فراگیری نجوم و علوم عقلی و احادیث منقوله از پیامبر اسلام؛ از آنجا که اعتقاد داشتند قرآن ام‌الکتاب بوده و همه چیز در آن یافت می‌شود خود را از مطالعه سایر کتب بی‌نیاز می‌دیدند.

اما ترجمه آثار و کتاب‌های فلسفی ارسطو و نو افلاطونیان به زبان عربی در عصر مامون خلیفه عباسی که به وی لقب حکیم آل عباس داده‌اند و همچنین منطق و استحکام آثار، افکار و اندیشه‌های فلسفی غرب توجه بسیاری از متفکرین عرب را به خود جلب نموده و باب بحث و جدل و مباحثات عقلی را در بین متفکران مسلمان گشود، علی‌الخصوص مطالعه آثار ارسطو که با اسلوبی متین و عباراتی دقیق به رشته تحریر در آمده بود؛ دنیای بسته متفکران اسلامی را که دین خود را برترین و کتاب خود را بهترین می‌دانستند گشود.

محمد بن زکریای رازی نیز محصول این دوره پر تلاطم بوده که سر انجام به ارتداد وی انجامید.

در خصوص ارتداد و رویگردانی وی از اسلام کوچک‌ترین تردیدی وجود ندارد؛ چرا که هم‌عصران وی همچون ناصر خسرو قبادیانی شاعر معروف، در کتاب زادالمسافرین و ابو حاتم رازی - فقیه و مجتهد زمان وی - و دیگران متفقاً بر این موضوع گواهی داده و ارتداد وی را تایید کرده‌اند، صرف‌نظر از آن آثار و مکتوبات رازی نیز موید ضدیت وی با اسلام و سایر ادیان است.

وی نه تنها با دین اسلام، بلکه مخالفت کلی خود را با تمامی ادیان اعلام نموده و از آنجا که اساس دین بر مبنای تقلید و علوم نقلی استوار بوده و ادیان از امور عقلی طفره رفته و دارای تناقضات و تعارضات آشکاری می‌باشند پیامبران را دروغ‌گو نامیده و معتقد است که آنان گفته‌های خود را به خدا نسبت می‌دهند تا راه بحث و مجادله را بسته و معتقد بود که اختلافات میان ادیان دلیل بر این است که از منبع واحدی صادر نگردیده‌اند. انسان‌ها برای هدایت نیازی به رهبران دینی ندارند.

رازی در حقیقت دین را زیان‌آور می‌دانست و مسبب جنگ و کینه. حقیقتی که ما چهار دهه است در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی تجربه می‌کنیم!

رازی در آخر به زادگاه خود در ری رفت و تصدی بیمارستان ری را به عهده گرفت.

دیری نپایید که در ری و در ۵ شعبان سال ۳۱۳ هجری قمری چشم از جهان فروبست و به گفته ابوریحان بیرونی، عمر او به حساب قمری ۶۲ سال و پنج روز و به حساب شمسی ۶۰ سال و ده ماه بوده است.

شاید به دلیل مخالفت مذهبیون با وی، محل آرامگاه رازی نامشخص است.

رازی نظریات خود را درباره دین بیش‌تر در کتاب «النبوات» که به نقض الادیان معروف است و کتاب «حیل المتنبین» معروف به مخاریق الانبیاء نگاشته است البته از این دو کتاب فعلاً اثری نمانده ولی دانی بزرگ اسماعیلی ابوحاتم رازی (وفات ۳۲۲) مؤلف کتاب «اعلام النبوه» از آن نام برده و عقاید رازی را به رشته تحریر در آورده هر چند که

ابوحاتم در این کتاب تمام مناظره‌ها را به نفع خود به پایان رسانده اما فعلا مهم‌ترین منبع دسترسی به عقاید رازی است.

ابوریحان بیرونی در کتاب فهرست کتب رازی ۱۰ کتاب در ریاضیات و نجوم، ۷ کتاب در تفسیر و تلخیص و اختصار کتب فلسفی یا طبی دیگران، ۱۷ کتاب در علوم فلسفی و تخمینی، ۶ کتاب در مافوق‌الطبیعه، ۱۴ کتاب در الهیات، ۲۲ کتاب در کیمیا، ۲ کتاب در کفریات و ۱۰ کتاب در فنون مختلف را به رازی نسبت داده است که در نهایت مجموع آن‌ها ۱۸۴ جلد کتاب است. همچنین محمود نجم‌آبادی، استاد دانشگاه تهران نیز در کتابی به نام مولفات و مصنفات ابوبکر محمدبن زکریای رازی که در سال ۱۳۳۹ نوشته شده، تعداد آثار رازی را ۲۷۱ اثر عنوان کرده است.

کتاب‌های «الحاوی»، «الکناش المنصوری»، «المرشد»، «من لایحضره الطیب»، «الحدری و الحصه»، «دفع مضارالتغذیه» و «الابدال» از جمله مهم‌ترین آثار رازی به شمار می‌آیند. می‌توان گفت که کتاب نقض الادیان رازی بی‌تردید حاوی شدیدترین حملات به ادیان در تمام قرون وسطی بوده است. در مجموع چون رازی طبیب بود و اهل استقراء و تجربه و مشاهده؛ دین و فلسفه را که یکی بر نقل و نص و خبر و دیگری بر عقل و نظر استوار بود را با یکدیگر در تضاد و ناسازگار می‌دید.

محمد بن زکریای رازی می‌گوید: «پیروان ادیان دین خود را از بزرگان خود به تقلید گرفته‌اند و از دقت و بحث در اصول و ریشه‌های عقلی ظفره رفته‌اند و سخت منع کرده‌اند که پیروان ایشان در مباحث عقلی وارد نشوند... و از روسای خود اخباری را روایت کرده‌اند که موجب آن است اگر پیروان ادیان از راه دلیل بدین آثار بنگرند کافر می‌شوند و از گذشتگان خود چنین نقل و روایت کرده و می‌کنند که (جدل) در دین و مراء در دین «کفر» است.

رازی معتقد بود که معجزات پیامبران چیزی جز خدعه و نیرنگ و شعبده نیست... و مبانی و اصول ادیان با حقایق علمی، مخالفت و مغایرت دارند به همین دلیل هم میان ادیان اختلاف دیده می‌شود و این اختلاف ادیان نیز نشان‌دهنده آن است که ادیان به اصطلاح آسمانی از منشاء واحدی نشأت نگرفته و وحی دروغی است از جانب پیامبران به‌طوریکه افکار خود را به خدا نسبت می‌داده‌اند تا راه بحث و استدلال را ببندند.

رازی علت پیروی مردم از ادیان و اطاعت از پیشوایان دینی را ناشی از «جهل»، «ترس» و «عادت» می‌داند. چکیده نظریه رازی درباره دین چنین است:

«دین نماینده جهان‌بینی و تفکری است که از نادانی آغاز می‌گردد و به تاریک‌اندیشی منتهی می‌شود.» محمد بن زکریای رازی را شاید بتوان آگاه‌ترین و خردگراترین و یکی از منتقدین جدی ادیان دانست. ارتداد وی به مانند بسیاری دیگر چون ابوعلی سینا، عمر خیام و... نه تنها به‌طور عامدانه‌ای پنهان نگاه داشته شده، بلکه کار تا بدان‌جا پیش رفته است که در قرن اخیر، حتی وی را دانشمند مسلمان و حتی شیعی مذهب نیز نامیده‌اند!

رازی در باب بیستم کتاب «طب روحانی» که فی اخوف من الموت نام دارد صراحتاً معاد و روز رستاخیز را نفی نموده و مردم را به شجاعت اخلاقی و مدنی فرا خوانده و با توسل به منطق و علم پزشکی اعلام می‌دارد که:

«مرگ پایان رنج‌های بشری است و پس از آن هیچ مرحله‌ای وجود ندارد!» و مردمان متدین نباید از مرگ وحشت داشته باشند!

نگرانی از شیوع شدید بیماری در میان اقشار محروم و کم‌درآمد جهان

کشورهای جهان مراحل مختلفی از مقابله با شیوع ویروس کرونا و همزمان کنترل آسیب‌های اقتصادی ناشی از تعطیلی کسب و کارها را تجربه می‌کنند. تاکنون آمریکا بیش‌ترین تعداد مرگ و میر ناشی از شیوع کووید ۱۹ را در جهان شاهد بوده است و به‌همین نسبت کرونا در برزیل بیش از هر کشور دیگری در آمریکای لاتین قربانی گرفته است. در عربستان نیز افزایش ابتلا به ویروس کرونا به اعلام قرنطینه سراسری تا اطلاع ثانوی منجر شد. آلمان اما امکان کاهش محدودیت‌ها را برای از سرگیری فعالیت شرکت‌ها و موسسات، در دست بررسی دارد.

بسیاری از محلات محروم و فقیر شهرهای مختلف برزیل که در آن‌ها امکان فاصله‌گیری فیزیکی وجود ندارد و ساکنان از امکانات اولیه بهداشتی محروم‌اند، در معرض شیوع ویروس کرونا قرار دارند.

روند افزایش ابتلا به کووید ۱۹ در جهان ادامه دارد و همزمان برخی از کشورها با توجه به تغییرات آماری منطقه‌ای، مقررات رفت و آمد و «فاصله‌گیری فیزیکی» را تشدید یا تمدید کرده‌اند. براساس آخرین گزارش‌های منتشر شده

پادشاه عربستان روز یکشنبه ۱۲ آوریل-۲۴ فروردین در این کشور تعطیلی و منع آمد و شد سراسری اعلام کرد. به‌گزارش خیرگزاری رویترز، وزیر کشور عربستان یکشنبه با اعلام این خبر گفت این تصمیم با توجه به ابتلای روزانه ۳۰۰ نفر در ۴ روز گذشته به ویروس کرونا اخذ شده است و قرنطینه سراسری تا اطلاع ثانوی ادامه خواهد داشت. او همچنین اعلام کرد تمام مقررات و تمهیداتی که پیش‌تر در ۱۳ استان این کشور اعلام شده بود نیز همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند.

مقامات عربستان سعودی هفته گذشته در ریاض و چند شهر بزرگ این کشور به مدت ۲۴ ساعت عبور و مرور را منع کرده بودند.

عربستان با دستکم ۴۰۳۳ مورد ابتلا و ۵۲ مرگ پس از ایران، بالاترین رقم همه‌گیری ویروس کرونا در میان کشورهای حاشیه خلیج فارس را دارد. در بسیاری از این کشورها ویروس کرونا کارگران کم‌درآمدی را که در محیط‌های کاری پرجمعیت اشتغال دارند، مبتلا کرده است.

بخش عظیمی از این کارگران را کارگران مهاجر و به‌ویژه مهاجران هند و آسیای شرقی تشکیل می‌دهند. در همین زمینه سفیر هند در امارات متحده عربی روز شنبه اعلام کرد این کشور به‌خاطر جلوگیری از شیوع کرونا، نمی‌تواند تبعه‌های خود را به زادگاهشان بازگرداند.

در برزیل نیز ویروس کرونا جان بیش از ۱۰۰۰ نفر را گرفت تا آمار قربانیان در این کشور از دیگر کشورهای آمریکای لاتین بالاتر برود. وزارت بهداشت این کشور در آخرین گزارش خود تعداد مبتلایان را ۱۹ هزار و ۶۳۸ نفر و تعداد قربانیان را ۱۰۵۶ نفر اعلام کرد. اما با توجه به این‌که تنها از افراد بستری در بیمارستان‌ها تست گرفته می‌شود، رقم واقعی مبتلایان بیش‌تر از ارقام رسمی برآورد شده است. با وجود مخالفت‌های ژانیر بولسونارو با قرنطینه و تعطیلی سراسری و اقدام به سخنرانی عمومی در جمع هوادارانی که با او دست می‌دادند، بیشتر ایالت‌های برزیل مقررات قرنطینه را به‌صورت محلی اجرا کرده‌اند. بولسونارو اما پیش‌تر اعلام کرده است تعطیلی و فاصله‌گیری فیزیکی به اقتصاد ضربه «بی‌مورد» می‌زند.

براساس گزارش شبکه بی‌بی‌سی جهانی درباره شیوع کرونا در مناطق فقیرنشین برزیل، نگرانی‌های جدی وجود دارد؛ جایی که فاصله‌گیری فیزیکی تقریباً ناممکن است و مردم از امکانات اولیه بهداشتی محروم‌اند. همچنین بیم این وجود دارد که کرونا جمعیت بومیان برزیل را با توجه به امکانات ناچیز آن‌ها برای مقابله با بیماری‌های «خارجی» به نابودی بکشاند.

مقامات آلمان، درباره مسئله اولویت اقتصاد بر مقابله با شیوع کرونا و آسیب‌های همه‌گیری این ویروس بر شرکت‌ها و موسسات تجاری اظهارنظرهایی را مطرح کرده‌اند. براساس آخرین گزارش‌ها جمعی از اقتصاددانان و سیاستمداران این کشور امکان کاهش مقررات و محدودیت‌ها و مسئله امکان «بازگشت به وضعیت عادی» را بررسی می‌کنند. حزب محافظه‌کار اتحاد مسیحیان دموکرات آلمان پیشنهاد خروج گام به گام از قرنطینه را مطرح کرده و می‌گوید لازم است به‌رغم وضع موجود، شرکت‌ها فعالیت خود را از سرگیرند تا کشور به وضع «عادی» بازگردد. فرماندار یکی از ایالت‌ها اما گفته است تخفیف بخشی از سختگیری‌های مرتبط با پیش‌گیری از کرونا باید به شرط افزایش تست‌گیری از مردم و الزام عمومی به پوشیدن ماسک انجام شود.

بحران کرونا و وضعیت مهاجران و پناهجویان

چهار نهاد عمده بین‌المللی در مورد «خطرات فزاینده» ناشی از شیوع ویروس کرونا برای مهاجران، پناهجویان، کسانی که به اجبار محل زندگی خود را ترک کرده‌اند و افراد بدون تابعیت، هشدار داده‌اند.

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، سازمان بین‌المللی مهاجرت، سازمان جهانی بهداشت و نهاد ارشد ملل متحد در امور پناهجویان، می‌گویند سه چهارم کل پناهجویان و بسیاری از مهاجران در کشورهای در حال توسعه حضور دارند. کشورهایی که خدمات درمانی در آن‌ها در حال حاضر هم با چالش و مشکلات مختلف رویه‌رو است.

این چهار نهاد در بیانیه مطبوعاتی مشترک خود، تاکید کرده‌اند که پناهجویان و مهاجران به‌طور ناعادلانه‌ای هدف انگ خوردن، تبعیض و جدا نگه داشته‌شدن از دیگران قرار دارند. آن‌هم در شرایطی که مقابله با ویروس تنها با یک رویکرد فراگیر و در عین حمایت از حق انسان‌ها برای زندگی و سلامت، شدنی‌ست.



کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، سازمان بین‌المللی مهاجرت، سازمان جهانی بهداشت و نهاد ارشد ملل متحد در امور پناهجویان از دولت‌های مختلف خواسته‌اند «تمام آنچه لازم است» را برای حفاظت از جان انسان‌ها انجام دهند، خدمات بهداشتی برابر با دیگران در اختیار مهاجران و پناهجویان قرار دهند، و دسترسی آن‌ها به تست کرونا و درمان در صورت بیماری را ممکن سازند.

این بیانیه در روزی منتشر شده که دبیرکل سازمان ملل نیز در مورد وضعیت شهروندان در کشورهای در حال توسعه و پیامدهای ناشی از شیوع ویروس کرونا بر افرادی که در معرض خطر هستند، هشدار داده است. آنتونیو گوترش از فقدان یک بسته کمکی برای کشورهای در حال توسعه انتقاد کرده و هشدار داده باید بر کسانی تمرکز کرد که بیشترین آسیب را از شیوع کرونا و پیامدهای آن خواهند دید.

پاسخ جهان به بحران ویروس کرونا، باید همه را شامل شده و بر همه تمرکز داشته باشد، از جمله آنهایی که مجبور به فرار از خانه‌های خود شده‌اند. هم‌زمان با اعلام اولین درخواست کمک بابت ویروس کرونا، کمیساریا، آژانس پناهندگان سازمان ملل، هشدار دادند که در میان بی‌جاشدگان جهان، سال‌نندان به‌خصوص از همه آسیب‌پذیر هستند. کمیساریا، به‌صورت اضطراری درخواست اولیه ای به‌مقدار ۳۳ میلیون دلار برای تقویت آمادگی، پیش‌گیری و فعالیت‌های پاسخ‌محور در جهت رفع نیازهای فوری بهداشت عمومی پناهندگان ناشی از ویروس کرونا را اعلام کرد. فیلیپو گراندی، کمیسر عالی آژانس پناهندگان سازمان ملل گفت: «تا به امروز و بر اساس شواهد موجود، هیچ موردی از آلودگی ویروس کرونا در بین پناهندگان و پناهجویان گزارش نشده است. با این حال، این ویروس می‌تواند هر کسی را مبتلا کند و این مسئولیت جمعی ما است که اطمینان حاصل کنیم که پاسخ جهانی شامل حال همه افراد خواهد شد.» وی گفت: «امکان دسترسی کامل به خدمات درمانی، از جمله برای آن دسته از اعضای جامعه که در مصیقه هستند، بهترین راه برای محافظت از همه ما است. همه افراد در این سیاره - از جمله پناهندگان، پناهجویان و بی‌جاشدگان داخلی- باید بتوانند به امکانات و خدمات درمانی دسترسی پیدا کنند.»

بیش از ۷۰ میلیون نفر در سطح جهان به‌دلیل آزار و اذیت، درگیری، خشونت و نقض حقوق انسان توسط حکومت‌ها، مجبور به فرار از خانه‌های خود شده‌اند. از این تعداد، بیش از ۲۰ میلیون پناهنده هستند و ۸۴ درصد از این تعداد توسط کشورهایی با درآمد متوسط یا کم میزبانی می‌شوند که دارای سیستم بهداشتی، آبی و درمانی، ضعیف‌تری هستند.

کمیسیاریا، در حال حاضر در حال تقویت آمادگی کلی، اقدامات پیش‌گیری و پاسخ به ویروس کرونا در سراسر جهان است. سلامت و رفاه پناهندگان و پرسنل بشردوستانه‌ای که در بیش از ۱۳۰ کشور در سراسر جهان برای آن‌ها کار می‌کنند، محور اصلی این تلاش‌ها است.

شیوع این ویروس یک چالش جهانی است که همبستگی و همکاری بین‌المللی را می‌طلبد. در کنار سایر آژانس‌ها و شرکای سازمان ملل متحد، کمیسیاریا در راستای رهنمودهای مربوط به ویروس کرونا که توسط سازمان بهداشت جهانی صادر گردیده، از نزدیک تحولات را دنبال کرده و در سطح جهانی و کشوری مشغول به کار است. پاسخ کمیسیاریا به ویروس کرونا بر مبنای تجربیات قبلی خود در شیوع سارس، ابولا و آنفولانزا تکیه دارد. این اقدامات آمادگی، از پناهندگان قبل، در حین و بعد از شرایط اضطراری بهداشتی جهانی حمایت می‌کنند. در همین راستا، کمیسیاریا از شمول پناهندگان، پناهجویان و بی‌جاشدگان داخلی در زمینه‌های نظارت، آمادگی، برنامه‌های پاسخ‌گویی و فعالیت‌های ملی حمایت می‌کند. کمیسیاریا به‌ویژه خواهان آن است که کشورها اطمینان حاصل کنند که در صورت اعمال محدودیت ورود، مسافرت و آزادی جابه‌جایی، حقوق آن‌ها به‌طور برابر رعایت شود.

از آن‌جا که پناهندگان و بی‌جاشدگان داخلی غالباً در مکان‌هایی پر ازدحام به‌سر می‌برند و یا در مکان‌هایی زندگی می‌کنند که خدمات بهداشت عمومی و یا سایر خدمات از قبل منابع مالی بسیار محدود داشته و یا حتی در کمبود بوده‌اند، از این‌رو به کلیه دفاتر کمیسیاریا توصیه شده است که با همکاری دولت‌ها و شرکا برنامه‌ها و سازوکارهای اضطراری را آماده کنند.

همچنین به تمامی دفاتر توصیه شده است که منابع پزشکی، سایر تجهیزات بهداشتی و بسته‌ها و تجهیزات محافظت شخصی خود را بررسی کنند.

کمیسیاریا همچنین مواردی از جمله دسترسی کافی به آب تمیز، دفع زباله و صابون در مراکز درمانی، پناهگاه‌های جمعی و جامعه و آموزش کارمندان برای اطمینان از کنترل آلودگی در مراکز درمانی را بررسی می‌کند.

کمیسیاریای عالی سازمان ملل برای پناهندگان، خواستار تخلیه اردوگاه‌های شدیداً متراکم پناهجویان در جزایر یونان شده است، به‌خاطر این‌که رعایت تدابیر برای جلوگیری از شیوع کرونا در این کمپ‌ها، تقریباً غیرممکن است.

بوریس چشیرکوف، نماینده کمیسیاریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان در یونان، روز دوشنبه گذشته به خبرگزاری آلمان گفت: «این پناهجویان همین حالا هم در شرایط بسیار خطرناک، در کنار هم در جاهای تنگ و بدون دسترسی به امکانات کافی و صحیح به‌سر می‌برند.»

او افزود که به‌خصوص وضعیت در جزیره لسبوس بسیار وخیم است، جایی که در حال حاضر شمار پناهجویان به حدود ۲۰ هزار نفر می‌رسد، در حالی که این کمپ گنجایش فقط ۳۰۰۰ نفر را دارد.

چشیرکوف گفت که کمیسیاریای عالی سازمان ملل در امور پناهندگان، از ماه‌ها به این سو خواستار این است که مهاجران از جزایر یونان به دیگر نقاط این کشور انتقال داده شوند، اما این مسئله به‌خاطر ترس از شیوع ویروس کرونا فوریت پیدا کرده است.

او توضیح داد، تا زمانی که این اردوگاه‌ها تخلیه نشود، این سازمان در زمینه تجهیز و آمادگی در برابر کرونا حمایت می‌کند: «ما پول بیش‌تر به مهاجران توزیع می‌کنیم تا بتوانند مواد لازم بهداشتی مانند مواد ضد عفونی را بخرند و به دولت (یونان) کمک می‌کنیم تا امکانات بهداشتی را در محل بهبود بخشند، مانند تهیه صابون، آبرسانی و تشناب‌های بیش‌تر.»

او افزود که تا به حال این پناهجویان برای استفاده از امکانات محدود شست‌وشو ساعت‌ها در صف‌های ازدحام کنار هم می‌ایستند.

براساس اظهارات مقامات یونان، در حال حاضر در جزایر لسبوس، خیوس، ساموس، لروس و کاس جمعاً حدود ۴۰ هزار مهاجر و پناهجو به سر می‌برند، در حالی که کمپ‌های این جزایر، مجموعاً ظرفیت ۶۰۰۰ نفر را دارند.

اما سازمان حامی پناهجویان «پرو ازول» یونان و دیگر دولت‌های عضو اتحادیه اروپا را به دلیل برخوردشان با مهاجران در زمان شیوع کرونا متهم به نژادگرایی کرده است.

گونتر بورکهارت، مدیر عامل سازمان حقوق بشری «پرو ازول» در آلمان گفته است که مقامات اتحادیه اروپا مردم عام را از آنچه در کمپ‌های مهاجرین رخ می‌دهد دور نگه می‌دارند، «پناهجویان را محبوس می‌کنند و آن‌ها را بدون محافظت در برابر خطر ویروس کرونا قرار می‌دهند.»

«پرو ازول» با توجه به گسترش ویروس کرونا هشدار داده است که موریای بزرگ‌ترین کمپ در جزیره لسبوس یونان و دیگر کمپ‌ها نباید به تله مرگ تبدیل گردد. این سازمان حقوق بشری خواستار تخلیه این کمپ‌ها شده است.

نوتیس میتاراکیس، وزیر مهاجرت یونان، اعلام کرده است که آتن تدابیر وسیعی را برای متوقف کردن ویروس کرونا اتخاذ کرده است و از چند روز به این سو، دیدارهای غیرمجاز در کمپ‌ها ممنوع شده است.

میتاراکیس افزود: «ما قبلاً به اعمار کانتینرهای صحتی در اطراف کمپ آغاز کرده‌ایم و آماده هستیم تا در برابر موارد احتمالی ابتلا به کرونا برخورد کنیم.»

یونان دومین اردوگاه پناهجویی در آن کشور را قرنطینه کرد. وزارت مهاجرت یونان اعلام کرد تست کرونا یک پناهجوی ۵۳ ساله افغانستانی ساکن اردوگاه مالاکاسا در شمال آتن مثبت شد.

پناهجوی افغانستانی که به کووید ۱۹ مبتلا شده همراه با خانواده‌اش و صدها پناهجوی دیگر در اردوگاه مالاکاسا زندگی می‌کند. به گزارش رویترز او اکنون به بیمارستان منتقل شده و مسئولان وزارت بهداشت یونان در حال غربالگری ساکنان اردوگاه هستند.

در یونان تا یکشنبه ۵ آوریل - ۱۷ فروردین، ۶۲ مورد ابتلای قطعی به کووید ۱۹ شناسایی شده و تعداد مبتلایان به این بیماری در این کشور به ۱۷۳۵ نفر رسیده. ۷۳ نفر هم تاکنون جان خود را در اثر ابتلا به کووید ۱۹ از دست داده‌اند.

هفته گذشته، کرونا به اردوگاه ریتسونا در مرکز یونان سرایت کرده بود. پناهجویان از مناطق جنگ‌زده خاورمیانه معمولاً از راه یونان وارد خاک اروپا می‌شوند. در سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ بیش از یک میلیون پناهجو از سواحل ترکیه وارد یونان شدند. در حال حاضر ۱۱۰ هزار پناهجو در اردوگاه‌های یونان زندگی می‌کنند. ۴۰ هزار نفر از آنان در اردوگاه‌های بسیار پرجمعیت با امکانات بهداشتی اندک.

نوتیس میتاراجی، وزیر مهاجرت یونان در مصاحبه با اسکای تی‌وی با صراحت اعلام کرد که انتظار می‌رود کرونا به اردوگاه‌های پناهجویی در جزایر یونان هم سرایت کند. به گفته میتاراجی دولت یونان برای مقابله با کرونا در اردوگاه‌های پناهجویی یک برنامه اضطراری طرح کرده اما اجرای آن دشوار است.

دولت محافظه‌کار یونان قصد دارد اردوگاه‌های پناهجویی در جزایر سه‌گانه را منحل و پناهجویان را به زندان‌ها منتقل کند. اما این طرح با مقاومت گروه‌های حقوق بشری مواجه شده است.

قرنطینه پناهجویانی که به تازگی وارد اردوگاه‌ها می‌شوند به دلیل کمبود جا میسر نیست. ۱۲۰ پناهجویی که از اردوگاه لاسبوس وارد سرزمین اصلی یونان شده‌اند هنوز سرپناهی ندارند.

وزارت مهاجرت یونان اعلام کرد اردوگاه مالاکاسا به مدت دو هفته قرنطینه می‌شود. نیروهای پلیس اردوگاه را محاصر کرده‌اند و مانع از خروج پناهجویان از اردوگاه می‌شوند. برای پناهجویانی هم که از یکم مارس - ۱۳ فروردین وارد یونان شده‌اند محل سکونت جداگانه‌ای در نظر گرفته شده است.

یونان بعد از همه‌گیری جهانی کرونا مرزهای خود را به روی کشورهای غیراروپایی و همچنین اسپانیا، آلمان، ایتالیا و بریتانیا بسته است.

ایلوا جانسون، مسئول امور داخلی اتحادیه اروپا جمعه ۱۳ مارس - ۲۳ اسفند در سفر به آتن اعلام کرد که هفت کشور اروپایی، فرانسه، آلمان، ایرلند، فنلاند، کرواسی، پرتغال و لوکزامبورگ (موسوم به «اتلاف داوطلبان») در مجموع ۱۶۰۰ کودک پناهجو را از اردوگاه‌های پناهجویی یونان می‌پذیرند. جانسون گفت: «این شروع خوبی است.»



در جزایر یونان (لسبوس، ساموس، لروس، شیوس و کس) در مجموع حدود ۴۵ هزار پناهجو از کشورهایمانند افغانستان و ایران و سوریه در اردوگاه‌های پناهجویی با ظرفیت فقط شش هزار نفر اسکان داده شده‌اند. ۵۵۰۰ نفر از این جمع کودکانی هستند که بدون والدین‌شان درخواست پناهندگی داده‌اند.

دولت ائتلافی آنگلا مرکل دوشنبه ۹ مارس - ۱۹ اسفند با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «اروپا در حال بررسی یک راهکار انسانی برای تشکیل ائتلافی برای پذیرش کودکان پناهجو است.» کودکان می‌بایست زیر ۱۴ سال و بی‌سرپرست باشند. این تصمیم قبل از سفر رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه به بروکسل برای گفت‌وگو با مقامات اتحادیه اروپا درباره توافق پناهجویی سال ۲۰۱۶ اخذ شد.

دولت ترکیه در پی کشته شدن ده‌ها نظامی خود در استان ادلب سوریه گذرگاه‌های مرزی خودبه سمت بلغارستان و یونان را بازگذاشت. هزاران پناهجو روانه مرزها شدند. دولت یونان اما با استفاده از چند هزار نیروی امنیتی و پلیس مانع از ورود پناهجویان شد. نهادهای حقوق بشری هم نسبت به سوءاستفاده از پناهجویان به‌عنوان سلاح بین دولت‌های متخاصم هشدار دادند.

ایلو جانسون، مسئول امور داخلی اتحادیه اروپا در سفرش به یونان وعده داد که در هماهنگی با اورزلا فن‌درلاین، رئیس کمیسیون اروپا تدابیری برای کمک بیش‌تر به پناهجویان در نظر بگیرد.

قرار است در مه سال جاری-اردیبهشت ۹۹، اتحادیه اروپا نشستی هم درباره این بحران برگزار کند. جانسون همچنین اعلام کرد اتحادیه اروپا به پناهجویانی که از یکم ژانویه سال جاری به یونان پناه آورده‌اند ۲۰۰۰ یورو برای بازگشت داوطلبانه به کشورشان می‌پردازد.

گزارش جدید بانک جهانی

گزارش جدید بانک جهانی نشان می‌دهد که در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، از هر پنج نفر، یک نفر در شرایط جنگ و درگیری زندگی می‌کند.

در مدت یک دهه، میزان جمعیت جهان که در جنگ و درگیری زندگی می‌کنند، دو برابر شده و به سه درصد رسیده است. گزارش بانک جهانی با عنوان «شکندگی و درگیری؛ در خط مقدم مبارزه با فقر» که به تازگی منتشر شده، نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۶، نزدیک به ۶ درصد از جمعیت خاورمیانه و شمال آفریقا در شرایط جنگی زندگی می‌کردند اما در سال ۲۰۱۷ این میزان به ۱۷ درصد رسید.

بانک جهانی می‌نویسد: «با توجه به درگیری و خشونت در یمن، سوریه و عراق این آمار چندان شوکه‌کننده به نظر نمی‌رسد. اما این وضعیت نگران‌کننده جمعیتی را نشان می‌دهد که در نزدیکی خانه‌هایشان، جنگ و درگیری وجود دارد. فراتر از این، اقتصاد کلان، تجارت و بی‌خانمانی آن‌ها روی کشورهای همسایه‌شان هم تاثیر می‌گذارد. همان‌طور که جغرافیای سیاسی این منطقه به خوبی نشان می‌دهد، این درگیری‌ها تبعات منفی رفاهی گسترده‌ای بر روی کل منطقه خواهد داشت.»

گزارش شکندگی و درگیری بانک جهانی ادامه می‌دهد: «هرچه افراد بیش‌تری در معرض درگیری قرار می‌گیرند، اثرات طولانی‌مدت و چندنسلی آن بیش‌تر می‌شود. زیرساخت‌ها ممکن است که دوباره ساخته شوند اما ماجرا برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و بازگرداندن سرمایه انسانی به خطر افتاده و ظرفیت‌های اقتصادی، بسیار دشوار خواهد بود.»

بر اساس این گزارش، در خاورمیانه از هر ۵ نفر، یک نفر نزدیک به جنگ و درگیری زندگی می‌کند.

صندوق بین‌المللی پول: جهان با شدیدترین بحران اقتصادی ۹۰ سال اخیر روبرو می‌شود

به‌خاطر همه‌گیری ویروس کرونا، اقتصاد جهان در سال جاری میلادی عمیق‌ترین رکود در ۹۰ سال گذشته را تجربه می‌کند. صندوق بین‌المللی پول رشد منفی اقتصادی را برای ۱۷۰ کشور جهان پیش‌بینی می‌کند و هشدار می‌دهد که در این میان اقتصادهای نوظهور، کشورهای کم‌درآمد آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا در معرض خطر بالاتری قرار دارند.

کریستالینا جورجیوا، رییس صندوق بین‌المللی پول در آستانه نشست بهاره صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که قرار است هفته آینده برگزار شود، شامگاه پنج‌شنبه اعلام کرد که جهان در معرض شدیدترین بحران اقتصادی خود از زمان رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ قرار گرفته است.

خانم جورجیوا تصریح کرد که مطابق برآورد صندوق که در گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهان که هفته آینده منتشر می‌شود، بازتاب یافته است، اگر شیوع ویروس کرونا در نیمه دوم سال جاری مهار شود شاید اقتصاد جهان در سال ۲۰۲۱ با بهبود اوضاع جزئی مواجه شود. با این وجود، او تأکید کرد که تردیدها و نگرانی‌های موجود در مورد مدت زمان ادامه شرایط فعلی، تردیدی برای بدتر شدن اوضاع اقتصادی جهان باقی نمی‌گذارد.

جورجیوا خاطرنشان کرد که با بدتر شدن اوضاع، صندوق بین‌المللی پول آمادگی دارد تا از توان وام‌دهی ۱۰۰۰ میلیارد دلاری خود استفاده کند. او همچنین از تلاش صندوق بین‌المللی پول برای متقاعد کردن کشورهای ثروتمند برای تعویق بازپرداخت بدهی‌های کشورهای فقیر خبر داد.

رییس صندوق بین‌المللی پول، یاد آور شد که مطابق بررسی‌های این نهاد مالی، دولت‌ها در سراسر جهان برای مقابله با رکود سال ۲۰۲۰ که مطابق برآورد ما سنگین‌ترین رکود پس از رکود بزرگ سال‌های ۳۰ خواهد بود، بسته‌های کمک اقتصادی در حدود ۸ تریلیون دلار را تصویب کرده اند.

لازم به یادآوری است که در جریان رکود بزرگ که از ماه اوت سال ۱۹۲۹ آغاز شد و حدود ۱۰ سال ادامه داشت، طی ۴۳ ماه نخست، نرخ بیکاری در سطح جهان به نزدیک ۲۵ درصد رسید. در فاصله ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ تولید ناخالص داخلی جهان ۱۵ درصد کاهش یافت؛ این نرخ در جریان رکود سال ۲۰۰۸ تنها ۱ درصد پایین آمد.

جورجیوا بیش‌ترین آسیب از بحران همه‌گیری ویروس کرونا متوجه بازارهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه خواهد بود.

او گفت: «تا سه ماه قبل، پیش‌بینی ما برای ۱۶۰ کشور عضو این سازمان رشد درآمد سرانه در سال ۲۰۲۰ بود. ولی امروز این پیش‌بینی وارونه شده است و برآورد ما این است که رشد درآمد سرانه در ۱۷۰ کشور جهان منفی خواهد بود.»

رییس صندوق بین‌المللی پول، همچنین گفت: «با توجه به این که نیمی از ۱۸۹ کشور عضو صندوق متقاضی دریافت کمک‌های مالی هستند، هیات مدیره تصمیم گرفته که سقف منابع اختصاص یافته به کمک‌های اضطراری را از ۵۰ به ۱۰۰ میلیارد دلار افزایش دهد.»

صندوق بین‌المللی پول پیش‌تر طرح اعطای ۴۰ میلیارد دلار وام کم بهره و ۱۰ میلیارد دلار وام بدون بهره برای کشورهای نیازمند را برای مقابله با کرونا تصویب کرده بود.

رییس صندوق بین‌المللی پول، استراتژی این نهاد را برای برون‌رفت از بحران اقتصادی ناشی از اپیدمی کرونا در چهار مرحله اعلام کرد و از کشورهای جهان خواست تا این چهار اولویت را در نظر بگیرند:

نخست، حفظ موازنه اساسی برای جدا سازی اجتماعی و قرنطینه و حمایت از نظام سلامت؛ دوم، حمایت مالی و اقتصادی از اشخاص و شرکت‌های آسیب‌دیده با موازنه بسیار گسترده بودجه‌ای و مالی، این حمایت‌ها باید گسترده، سریع و هدفمند باشند. سوم، کاهش تنش‌ها در سیستم مالی و ممانعت از سرایت این تنش‌ها به دیگر بخش‌های اقتصادی؛ چهارم، تدارک طرح‌های تحرک اقتصادی همراه با اجرای طرح‌های مقابله با بحران اقتصادی ناشی از اپیدمی کرونا.

هشدار سازمان جهانی بهداشت

سازمان جهانی بهداشت به دولت‌ها درباره برداشتن ناگهانی محدودیت‌های مقابله با گسترش ویروس کرونا هشدار داده و تأکید کرد تعجیل در این اقدام باعث بازگشت سریع «موج مرگبار» دیگری خواهد شد.

تدروس آدهانوم، مدیر کل سازمان جهانی بهداشت، در یک سخنرانی ویدئویی از مقر سازمان جهانی بهداشت در ژنو سوییس، گفت: آمارهای امیدوار کننده در کشورهای اروپایی موجب خرسندی است اما هرگونه اعمال عجله در برداشتن محدودیت‌ها در راستای مقابله با ویروس کرونا می‌تواند به بازگشت سریع و مرگبار این ویروس بیانجامد.

تدروس آدهانوم تأکید کرد: سازمان جهانی بهداشت، در حال همکاری با دولت‌ها است تا به آنها برای اتخاذ بهترین استراتژی تسهیل محدودیت‌ها کمک کند.

این مقام ارشد سازمان جهانی بهداشت، برداشتن سریع این محدودیت‌ها را بسیار خطرناک دانسته و تصریح کرد: اگر راهکار خروج از بحران با مدیریت صحیح همراه نباشد مسیر نزولی نمودار کرونا هم می‌تواند به اندازه مسیر صعودی آن خطرناک باشد.

تدروس آدهانوم به تمامی دولت‌های جهان هشدار داد که در رفع محدودیت‌ها بسیار محتاط باشند.

این مقام ارشد سازمان جهانی بهداشت، از روند رو به رشد ابتلاء کادر درمانی به ویروس کرونا ابراز نگرانی کرده و اعلام کرد: در برخی کشورها درصد ابتلاء به ویروس کرونا در میان کادر درمانی به حدود ۱۰ درصد رسیده است.

«دولت‌های آفریقایی هوشیار باشند.»

مدیرکل سازمان جهانی بهداشت، همچنین درباره شدت گرفتن شیوع ویروس کرونا در کشورهای آفریقایی هشدار داد و نسبت به عدم توان کشورهای آفریقایی در مقابله با همه‌گیری ویروس کرونا ابراز نگرانی نمود. دست‌کم در ۵۲ کشور آفریقایی از مجموع ۵۴ کشور این قاره افراد مبتلا به ویروس کرونا مشاهده شدند. اما هنوز آمار مبتلایان به ویروس کرونا در قاره آفریقا از دیگر مناطق جهان پایینتر است. در عین حال سازمان جهانی بهداشت به دولت‌های آفریقایی هشدار داد تا خود را برای مقابله با ویروس کرونا آماده کرده و هوشیار باشند. سازمان جهانی بهداشت، همچنین اعلام کرد: گزارش‌هایی از مثبت شدن نتیجه آزمایش مجدد برخی از بهبودیافتگان بیماری کووید ۱۹ منتشر شده که این موارد را مورد بررسی قرار خواهد داد.

سازمان بهداشت جهانی گزارشی بیماران که تست آن‌ها پس از بهبود از کووید ۱۹ دوباره مثبت شده، مورد بررسی قرار می‌دهد

سازمان بهداشت جهانی روز شنبه ۲۳ فروردین، تایید کرد که در حال بررسی گزارشی است که مبنی بر آن نتایج تست کرونا برای برخی از بیماران کووید ۱۹ که پس از بهبود یافتن منفی بود، دوباره مثبت شده است. به‌گزارش سایت خبری «هیل»، این اقدام به‌دنبال گزارشی از کره جنوبی در روز جمعه ۲۲ فروردین بود که می‌گوید ۹۱ بیماری که از کووید ۱۹ بهبود یافته و آماده مرخص شدن از بیمارستان بودند، جواب آزمایش‌شان بعد از چند روز دوباره مثبت شد. به‌گفته مقامات، ویروس کرونا احتمالاً در بدن این بیماران «دوباره فعال شده»، نه این‌که دوباره آن را گرفته باشند. سازمان بهداشت جهانی در بیانیه‌ای به خبرگزاری رویترز گفت: «ما با متخصصین بالینی در ارتباط نزدیکی هستیم و تلاش خود را می‌کنیم تا اطلاعات بیش‌تری را در مورد این موارد جداگانه کسب کنیم. مهم است اطمینان حاصل کنیم که مراحل جمع‌آوری تست‌ها از این بیماران، درست انجام شده باشد.»

پروفیسور دانشگاه آکسفورد: واکسن ضد کرونا تا سپتامبر سال جاری آماده می‌شود

یک گروه از پژوهش‌گران علوم پزشکی در دانشگاه آکسفورد اعلام کردند، واکسن ضد ویروس کرونا ممکن است تا اوایل ماه سپتامبر سال جاری آماده شود. به گزارش روزنامه بریتانیایی «دیلی میل»، سارا گیلبرت استاد واکسن‌شناس دانشگاه آکسفورد و رییس گروهی از پژوهش‌گران که مشغول تهیه واکسن ضد ویروس کرونا هستند، گفته است به میزان ۸۰ درصد مطمئن است که گروه تحت اشراف او تا اوایل پاییز موفق به تهیه واکسن ضد کرونا خواهد شد. پروفیسور گیلبرت افزود که او ماه گذشته امیدوار بود که تولید واکسن ضد کرونا تا اواخر سال ۲۰۲۰ به پایان برسد، اما در حال حاضر او خوش‌بین‌تر شده است زیرا آزمایشات بالینی بر تعدادی از انسان‌ها در دو هفته آینده آغاز می‌شود. پرفیسور گیلبرت گفت: «دولت بریتانیا اعلام کرد، روند ساخت میلیون‌ها دوز از این واکسن که مراحل اولیه امیدوار کننده‌ای را نشان داده است را تأمین خواهد کرد تا به‌سرعت در سطح گسترده‌ای برای استفاده در دسترس بیماران قرار گیرد.» با وجود هشدارهای قبلی مبنی بر این‌که روند تولید واکسن ممکن است ۱۸ ماه طول بکشد، پروفیسور گیلبرت به روزنامه تایمز گفت که اگر اوضاع کاملاً خوب پیش برود، انتظار می‌رود واکسن در ماه سپتامبر تولید شود. تیم تحقیقاتی دانشگاه آکسفورد به سرپرستی پرفیسور گیلبرت، یکی از ده‌ها تیم دانشمندان و محققان در سراسر جهان که برای یافتن یک واکسن ضد کرونا تلاش می‌کنند. این تیم اما در جست‌وجوی راه‌حلی سریع برای پایان دادن به وضعیت غم‌انگیزی ناشی از شیوع این بیماری است که نه تنها بریتانیایی‌ها به میزان بالایی به آن مبتلا شدند، بلکه مردم سراسر جهان اکنون به این بیماری گرفتار هستند. این اظهارات امیدوارکننده پرفیسور گیلبرت در حالی بیان می‌شود که کارشناسان بهداشت می‌گویند ویروس کرونا در مقایسه با بسیاری از ویروس‌های تنفسی به‌ویژه آنفلوآنزا به‌کندی عمل می‌کند و به‌مدت طولانی‌تری در بدن باقی می‌ماند. برخی دانشمندان و متخصصان ویروس‌شناسی بر این باورند که تهیه و توزیع جهانی واکسن برای ویروس کرونا تا ۱۸ ماه طول می‌کشد اما پروفیسور گیلبرت می‌خواهد روند آزمایش را تسریع بخشد و به داوطلبان امکان دهد تا به‌سرعت به‌شکل طبیعی به این ویروس مبتلا شوند.

توصیه‌های افرادی که از حصر خانگی جان سالم به در برده‌اند!

نینا نظرووا و آناستازیا گولوبیوا بی‌بی‌سی روسی
۸ آوریل ۲۰۲۰ - ۲۰ فروردین ۱۳۹۹

تلاش می‌کنید با قرنطینه کنار بیایید؟ در چند سال گذشته در روسیه، ده‌ها هزار نفر (به‌طور رسمی بیش از ۶۰ هزار نفر بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸) به دلایل سیاسی یا مسائل دیگر محکوم به حصر خانگی شدند. شش نفر از افراد محکوم به حصر خانگی با بی‌بی‌سی روسیه درباره شیوه زندگی خود در حصر گفتگو کردند.

کیریل سربرنیکوف، کارگردان تئاتر روسیه در مسکو به مدت یک سال و نیم در حصر خانگی بود. او فیلمی به این نام ساخته است: «چگونه در حبس خانگی، دیوانه نشویم.» در زندگی روزمره مدام با تماس‌های تلفنی و اینستاگرام و فیس‌بوک وقفه‌هایی در کار پیش می‌آید، اما قرنطینه فرصتی برای آسودن از همه این‌هاست. کیریل سربرنیکوف می‌گوید: «فرصت خیلی خوبی است برای این‌که خودتان را از بار همه این آشفتگی‌ها رها کنید. می‌توانید بر پرسش‌های مهم‌تری تمرکز کنید، این‌که که هستید و از زندگی چه می‌خواهید.» او پیشنهاد می‌کند که نوشتن یادداشت‌های روزانه را شروع کنید و حتی ساده‌ترین و بیش‌پاافتاده‌ترین چیزهایی که به ذهن‌تان می‌رسد را هم بنویسید.

یولیا تسوتکوا، فمینیست و کارگردان تئاتر کودکان در سیبری به دلیل دفاع از حقوق زنان و دگرباشان جنسی در اینترنت به چهار ماه حبس خانگی محکوم شد. او می‌گوید: «این بهترین فرصت بود برای آن‌که بدون این‌که احساس گناه کنم، هیچ کاری نکنم.»

سرگنی فومین، که به دلیل شرکت در اعتراضات تابستان گذشته در مسکو، یک ماه در بازداشت موقت بود و سه ماه را در حبس خانگی گذراند، برنامه‌ها و تصمیم‌هایش را در دوران بازداشت موقت، به خاطر می‌آورد. او می‌گوید: «تصمیم گرفتم ورزش کنم، شنای سوندی رفتن و برنامه منظم برای مطالعه.» اما پس از گذشت یک ماه سرگنی از پا افتاد. «برنامه روزانه‌ام به هم خورد. صبح‌ها ساعت ۱۰ از خواب بیدار می‌شدم و تا ساعت ۳ بعدازظهر در رختخواب می‌ماندم؛ سه ساعت در حمام و دست‌شویی وقت تلف می‌کردم و بعد خودم را دوباره به تخت می‌کشاندم.»

یولیا هم می‌گوید که خیلی تلاش کرده است؛ او تعریف می‌کند: «می‌خواستم مثل سفیره در پبله باشم، خودم را در لحاف می‌پیچیدم و از جهان و واقعیت‌ها فاصله می‌گرفتم و این مرا به وحشت می‌انداخت.»

دمیتری بوگاتوف، ریاضیدان در سال ۲۰۱۸ بیش از شش ماه را در حبس خانگی گذراند. او می‌گوید: «اجرای هر نوع برنامه منظم خیلی سخت است چون ما معمولاً تابع اموری هستیم که به زندگی ما نظم می‌دهند، برای مثال ساعت تعطیل شدن فروشگاه‌ها و ساعتی که باید سر کار باشیم. ناگهان همه اینها برای آدم بی‌معنا می‌شود.»

ناتالیا شارینا، مدیر سابق کتاب‌خانه ادبیات اوکراینی، در سال ۲۰۱۵ محکوم شد و مدت ۱۸ ماه را در حبس خانگی به‌سر برد.

پس از دستگیری، بازجویی، زندان انفرادی و محاکمه، حبس خانگی مثل بهشت می‌شود اما نه برای مدتی طولانی. «فکر می‌کنی می‌توانی کتاب بخوانی یا موسیقی گوش کنی، اما نمی‌شود. این بی‌عدالتی، این‌که می‌دانی بی‌گناه هستی، مرا به خشم می‌آورد و تمام فکرم را به خودش مشغول می‌کرد: کتابی را باز می‌کردم اما نمی‌توانستم فکرم را جمع کنم، تلویزیون را روشن می‌کردم و هیچ چیز بر من اثر نداشت، بی‌حس شده بودم.»

ناتالیا پس از چند ماه حبس خانگی اجازه پیدا کرد برای درمان آسیب ستون فقراتش که باقی مانده از زمان دستگیری او در ماشین پلیس بود، نزد پزشک برود.

این ملاقات‌ها به او کمک کرد تا حالش بهتر شود. او می‌گوید: «من فقط به درمانگاه و نزد پزشک می‌رفتم اما می‌دیدم که آدم‌های دیگر زندگی‌شان می‌کنند و همین حال مرا بهتر می‌کرد.»

یولیا تسوتکوا به یاد می‌آورد: «وقتی به من اجازه دادند برای ۵۰۰ متر پیاده‌روی بیرون بروم، خیلی هیجان‌زده شدم. درست مثل آزادی کوچکی بود اما به من بیش‌تر نشان می‌داد که در مواقع دیگر تا چه حد اسیر هستم.»

به سرگنی اجازه پیاده‌روی ندادند اما او دو بار این دستور را زیر پا گذاشت. «گاهی در طول شب، کلاهم را روی سرم می‌کشیدم و به مغازه طبقه پایین می‌رفتم تا آبجویی بخرم. وقتی پایم را از خانه بیرون می‌گذاشتم احساس و صفاپذیری داشتم، درست مثل آن‌که از زندان فرار کرده باشم.»

در حبس خانگی، دادگاه معمولاً به افراد اجازه می‌دهد که با بستگان نزدیک خود ارتباط داشته باشند. در دوران حبس خانگی، همسر ناتالیا و دخترش همراه و باعث دل‌گرمی او بودند. چندی بعد او اجازه پیدا کرد که با دیگران تماس تلفنی داشته باشد و کمی بعد دوستان توانستند به دیدارش بیایند. او می‌گوید: «حیوانات خانگی هم نقش خیلی آرامش‌بخشی دارند.»

الکساندر لیتریوف، کارشناس فناوری و از فعالان معترض، پروژه اینترنتی راه انداخته بود که از مردم می‌خواست نیروهای پلیسی که معترضان اعتراضات آرام و غیرخشونت‌آمیز را می‌زدند، شناسایی و افشا کنند. حبس خانگی او تازه شروع شده است. دوست او داریا هر روز به دیدارش می‌آید. او می‌گوید: «دوست من برایم خوراکی‌های موردعلاقه‌ام را می‌آورد و مرا خوشحال می‌کند.»

تقریباً همه توصیه به کتاب خواندن می‌کنند. کیریل سربرنیکوف، کتاب‌های جنگ و صلح نوشته تولستوی، دن‌کیشوت نوشته سروانتس و خیرخواهان نوشته جان‌اتان لیتل را برای خواندن پیشنهاد می‌کند. او همچنین پیشنهاد نوشتن خاطرات روزانه و یادگیری زبان می‌دهد.

الکساندر لیتریوف شعر می‌سرود و نقشه کسب‌وکار آینده‌اش را می‌ریخت. سرگنی می‌گوید: «چیزی که مرا نجات داد چکرز (نوعی بازی با مهره و تخته) بود. پدرم کتاب یادگیری و برد در این بازی را برایم آورد. روزی ۵ ساعت برای مهارت در این بازی تمرین می‌کردم.»

یولیا می‌گوید که مدام به زندانیان سیاسی فکر می‌کند. «من خوب می‌دانم زندانی بودن چه وضعیتی است. قرنطینه اصلاً به اندازه آن هولناک نیست.»

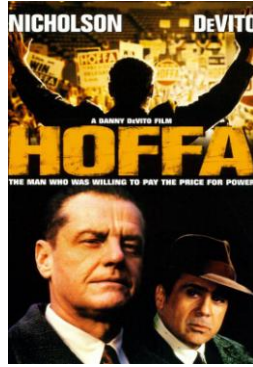
الکسی بوشماکوف، وکیل الکساندر می‌گوید که مهم‌ترین نکته در دوران حبس خانگی این است که بدانی تنها نیستی و دیر یا زود همه این ماجرا تمام می‌شود و آزاد خواهی شد.

تفریحات خانگی برای روزهای قرنطینه: دیدن فیلم‌های سینمایی

قرنطینه‌های خانگی باعث شده خیلی‌هایمان روحیه‌مان را از دست بدهیم و دچار افسردگی بشویم. در حالی که دانم تاکید می‌شود برای بالا بردن ایمنی بدن در مقابل هر ویروسی باید سیستم عصبی را هم تقویت کرد. فهرستی از تفریحات خانگی برای روزهای قرنطینه یک ضرورت است از جمله دیدن فیلم. این کار روحیه‌تان را تقویت می‌کند.



در سریال «کندی‌ها» (The Kennedys) «کندی پدر، جان فیتزجرالد کندی و بازیگر - خواننده مشهور سینما «فرانک سیناترا»، برای پیروزی «جان اف کندی» در انتخابات از مافیای ایالات متحده کمک می‌گیرند و بر اساس مستندانی که در کتاب «در سایه هوف» موجود است، او در به قدرت رسیدن کندی‌ها نقش موثری داشته است. همان‌طور که در فیلم «هوف» (دنی دویتو) این دیالوگ مهم وجود دارد که او از زندان به شرط حمایت از ریچارد نیکسون از زندان آزاد می‌شود. بعدها پس از آزادی متوجه شد سازوکار مافیا با هماهنگی دولت مرکزی ایالات متحده به او اجازه نمی‌دهد که دوباره هدایت سندیکای قدرتمندش «برادری بین‌المللی رانندگان» (تیمسترز) را بر عهده گیرد.



هوفای چهره‌ای است که به روایت کتاب در سایه هوفای به خانواده کندی برای به قدرت رسیدن کمک شایانی کرد که بخشی از جدل هوفای در فیلم دویتو بر این موضوع صحنه می‌گذارد. اما در جدل برادر کندی دادستان ایالات متحده که هوفای را به دادگاه کشاند عبارت حمایت از خانواده کندی حذف شده است و حتی هوفای اشاره می‌کند اتحادیه در کمک ۳۰۰ میلیون دلاری از طریق مافیا برای به قدرت رسیدن نقش اساسی داشته است و پاسخ برادر کندی در فیلم این است که او را به زندان خواهد انداخت و توهین هوفای در پایان این جدل نسبت به پدر کندی‌ها بخشی از ماجرا و تبنانی را برای مخاطب آشنا به تاریخ آشکار می‌کند. تمامی مستندات ضروری در کتاب جنگ هوفای ثبت شده است.



در فیلم «مرد ایرلندی» مرد ایرلندی، مافیا بخش تفکیک‌ناپذیر اتحادیه کارگری معرفی می‌شود و مخاطب فیلم، بزرگ‌ترین اتحادیه کارگری جهان، «برادری بین‌المللی رانندگان» (International Brotherhood of Teamsters) را بخشی از جریان اتصالات به مافیا تصور می‌کند و بدین ترتیب عملاً مهم‌ترین تشکیلات مستقل که می‌توانست به حقوق جریانات طبقات پایین دستی کارگری رسیدگی کند، فاسد معرفی می‌شود.



عنوان اصلی: Grand hotel Budapest

کارگردان: وس اندرسون

محصول ۲۰۱۴

آخرین فیلم وس اندرسون «هتل بزرگ بوداپست» نام دارد.

این فیلم شیرین و از نظر بصری شگفت‌انگیزی همان جهان فانتزی همیشگی اندرسون را دارد ولی این بار کاراکترها تخت‌تر و البته همه‌شان دوست‌داشتنی‌تر هستند. یک قصه جذاب با تصاویر جذاب. قصه جذاب اندرسون، شبیه قصه‌های پریان که برای کودکان تعریف می‌کنند. و البته کاراکتر موسیو گوستاو با بازی رالف فاینس درجه یک است.

بافت بصری فیلم، قصه و کاراکترهای جذاب و بازی‌های عالی است. البته خالی از نکات منفی هم نیست. وس اندرسون فیلم‌ساز جوانی است که مارتین اسکورسیزی، نه فقط به عنوان یک کارگردان بزرگ که در مقام یک خوره فیلم در مصاحبه‌هایش از او به عنوان «فیلم‌ساز محبوبش» و «مارتین اسکورسیزی بعدی» یاد می‌کند. اولین چیزی که به نظر می‌رسد وس اندرسون را از بقیه فیلم‌سازان مستقل هم‌نسلش متمایز می‌کند سبک بصری ویژه و نگاه فانتزی‌اش به کاراکترهای فیلم‌هایش است. وس اندرسون قصه‌گوی ماهری است. به همین دلیل، تقریباً برای نیمی از فیلم‌های بلندی که ساخته نامزد اسکار بهترین فیلم‌نامه شده است.



عنوان اصلی: Hugo

کارگردان: مارتین اسکورسیزی

محصول ۲۰۱۱

سال ۱۹۳۱ در پاریس پسر بچه‌ی یتیمی به نام هوگو کابره با پدرش که ساعت‌ساز است زندگی می‌کند. پدر هوگو یک عروسک مکانیکی در موزه پیدا می‌کند و آن را به خانه می‌آورد تا تعمیرش کند. پدر می‌میرد و هوگو تنها می‌شود و در ساعت ایستگاه بزرگ راه‌آهن زندگی می‌کند. او از مرد اسباب‌بازی فروش گاهی قطعاتی کش می‌رود تا عروسک مکانیکی را تکمیل کند تا این که روزی پیرمرد مچش را می‌گیرد. دختر خوانده پیرمرد به هوگو کمک می‌کند تا عروسک مکانیکی را تکمیل کند. آن‌ها با هم شگفتی سینما را کشف می‌کنند و در همین حین به نام ژرژ ملی‌یس کارگردان بزرگ سینما می‌رسند.

داستان فیلم «هوگو» که اقتباسی از کتاب برایان سلزنیک است کار ساده‌ای نیست. آن‌هایی که با سبک سینمایی اسکورسیزی آشنایی دارند و مستندهای «نامه‌ای به الیا» و «سفرهای شخصی» او را دیده‌اند، از این که اسکورسیزی سراغ ساختن «هوگو» رفته تعجب نمی‌کنند. می‌دانند که اگر یک کارگردان در حال حاضر وجود داشته باشد که بتواند فیلمی در تقدیس و ستایش سینما بسازد، اسکورسیزی است. «هوگو» فیلمی در ادامه کارنامه اسکورسیزی یا در ژانر معمول فیلم‌های او نیست. این یک فیلم به شدت شخصی، از کارگردانی است که همه عمرش سینما را با تمام وجود ستایش کرده است.

«هوگو» فیلم محبوب کسانی می‌شود که خود اسکورسیزی عشق سینما را دوست دارند. اسکورسیزی در مستند «سفرهای شخصی» از عشقش به سینما در دوران کودکی حرف می‌زند که پول برای خرید کتاب سینمایی نداشته و آن زمان کتاب‌های سینمایی هم خیلی محدود بوده‌اند، اولین کتابی که درباره تاریخ سینما خوانده کتابی بوده به نام «تاریخ مصور سینما» نوشته دیمز تیلور. اتفاقی که در فیلم برای هوگو هم می‌افتد. «هوگو» فیلم موسیقی و نور و رنگ است.

فیلم «اسب جنگی» می‌تواند الهام گرفته از یک داستان حقیقی باشند یا داستانی که به کلی از تخیل فیلم‌ساز برآمده اما جهانی که در آن روایت می‌شود حقیقی است.



عنوان اصلی: war horse
کارگردان: استیون اسپیلبرگ
محصول ۲۰۱۱

استیون اسپیلبرگ یکی از بزرگترین کارگردانان این عصر است که توانسته فیلم‌هایی در مرز آثار سرگرم‌کننده و سطح بالای به لحاظ هنری بسازد. شبیه فرانک کاپرا فیلم‌هایش اکثراً با نگاهی مثبت به انسان و جامعه‌ی بشری هستند. «اسب جنگی» یکی از امیدوارانه‌ترین فیلم‌های اوست. سال ۱۹۱۲ در یک حراجی اسب مسابقه‌ای به یک کشاورز فروخته می‌شود. همسر کشاورز عصبانی است چون فکر می‌کند اسب مسابقه به کارشان نمی‌آید. اما پسرشان آلبرت عاشق اسب می‌شود و اسم او را جویی می‌گذارد. آلبرت به جویی یاد می‌دهد که چه‌طور وقتی صدای جغد در می‌آورد به سمتش بیاید. سال ۱۹۱۴ جنگ با آلمان شروع می‌شود و کشاورز مجبور می‌شود که اسب را به ارتش واگذار کند.

شرح رشادتهای سربازان در جنگ و این که چه‌طور عشق به یک اسب می‌تواند وسط میدان نبرد یک لحظه‌ی احساساتی به وجود بیاورد. اسپیلبرگ بار دیگر یاران همیشگی‌اش، از یانوش کامینسکی (فیلم‌بردار) تا جان ویلیامز (آهنگ‌ساز) را دور هم جمع کرد تا فیلمی بسازند که شکوه آثار سینمای کلاسیک را به یاد می‌آورد. اسپیلبرگ آن سال دو فیلم بر پرده سینماها داشت؛ خودش گفته بود: «ماجراهای تن تن» را برای شما ساختم و «اسب جنگی» را برای خودم.

بهترین سکانس فیلم جایی است که اسب میان سیم‌های خاردار گیر می‌کند و سربازان متخاصم برای لحظه‌ای آتش‌بس می‌دهند تا جان اسب را نجات بدهند. از آن فیلم‌هایی است که پر از سکانس‌هایی است که احساساتی‌تان می‌کند.



عنوان: Gone Girl
کارگردان: دیوید فینچر
محصول ۲۰۱۴

دیدن فیلم دختر گمشده که یک فیلم معمایی یا پلیسی است کمک می‌کند فکرتان از چیزهای ناراحت‌کننده رها شود. شما را درگیر یک حادثه می‌کند و باعث می‌شود از اتفاقات روز دور شوید. و هم به لحاظ سینمایی می‌توانید شاهد یک اثر سطح بالای به یادماندنی باشید.

«دختر گمشده» بازگشت دیوید فینچر به حوزه قدرتش است: نگاهی به سویه تاریک آدم‌های معمولی در زندگی‌شان. این بازگشت البته به لطف رمان و بعد هم فیلم‌نامه ظریف گیلیان فلین امکان‌پذیر شده است که نقش او در پدید آمدن یکی از بهترین فیلم‌های سال به اندازه نقش کارگردان و شاید حتی بیش‌تر از او اهمیت دارد.

فیلم یک سؤال اصلی دارد: توی سرت چی می‌گذره؟ سئوالی که در حقیقت خطاب به همه کسانی است که در زندگی مشترک هستند و جواب‌هایش قطعاً به تعداد آدم‌ها و به تناسب پیچیدگی‌های شخصیتی‌شان متعدد و متفاوت است.

با این دیدگاه‌های عجیب و غریبی که می‌خواهند مثلا حواس‌شان به حقوق زنان باشد و... فینچر و فلین نقشه راه را طوری طراحی کرده‌اند که حداقل تماشاگران جدی سینما در دام این سطحی‌نگری نیفتند. این فیلمی پیچیده درباره آدم‌های پیچیده است. فقط بستگی دارد چه‌طور به آن نگاه کنید. مثل خود زندگی مشترک می‌ماند. خود مفهوم زندگی مشترک بسته به تفکر آدم‌ها می‌تواند ساده یا پیچیده باشد.

زندگی مشترک نیک و ایمی می‌توانست مثل هزاران ازدواج دیگر باشد، نقطه تمایزش این جاست که این بار یک ماجرای پلیسی چاشنی خرده‌جنایت‌های زن و شوهری میان این زوج می‌شود. ماجرای که هر چند از نیمه کشف می‌شود اما جذابیت قصه از بین نمی‌رود.



عنوان: lady for a day

کارگردان: فرانک کاپرا

محصول ۱۹۳۳

آنی، یک سیب‌فروش فقیر است که سال‌هاست دخترش را که در اروپا بزرگ شده فریب می‌دهد و در نامه‌هایش به او می‌گوید که زنی ثروتمند و از طبقه مرفه اجتماعی است. وقتی دخترش تصمیم می‌گیرد با نامزد اشراف‌زاده‌اش به نیویورک و دیدن آنی بیاید، دوستان تهیدست آنی و قاچاقچی که همیشه حامی‌اش بوده به همراه نامزدش سعی می‌کنند تا برای یک روز رویای آنی را تحقق ببخشند تا جلوی دخترش سربلند شود.

کاپرا پیش از این هم برای بازسازی سراغ فیلم‌های خودش رفته بود. در نتیجه وقتی اعلام شد که کاپرا قصد دارد فیلم «بانو برای یک روز» را که بعد از مدت‌ها اولین نامزدی اسکار کارگردانی برایش به ارمغان آورده بود، بازسازی کرد. البته استودیوها قبول نمی‌کردند. به‌نظرشان داستان کاپرا از مد افتاده و قدیمی بود. در نتیجه کاپرا خودش حقوق فیلم را خرید و آن را به یونایتد آرتیستز آورد. می‌خواست اتفاقات فیلم در همان دهه ۳۰ بگذرد ولی کل پروسه‌ی فیلم‌برداری فاجعه بود و احتمالا کاپرا را از تصمیمش حساسی پشیمان کرد.

نسخه دوم ۴۰ دقیقه از طولانی‌تر بود با رنگ‌های شاداب و باشکوه. بتی دیویس بازیگر فوق‌العاده‌ای بود و باعث می‌شد با آنی هم‌دردی کنید.

در هر دو نسخه می‌توانید نشانه‌های دقیق فیلم‌های کاپرای را ببینید: مردمی که با مهربانی‌شان دیگران و خودشان را شگفت‌زده می‌کنند و این‌که چه‌طور اعضای جامعه برای کمک به یک نفر به هم نزدیک می‌شوند.



عنوان اصلی: Ball of fire

کارگردان: هاوارد هاگس

محصول ۱۹۴۱

یک پروفیسور صاف و ساده که دائم سرش در کتاب است با هفت نفر از همکاران مردش که همه‌شان فقط اهل مطالعه هستند، روی نوشتن یک دایره‌المعارف کار می‌کنند. زندگی همه آن‌ها وقتی تغییر می‌کند که یک زن خواننده جوان برای فرار از دست پلیس به آن‌ها پناه می‌آورد. پلیس به‌خاطر شهادت زن علیه یکی از گانگسترهای بزرگ دنبال اوست. زن این قضیه را به پروفیسورها نمی‌گوید و سعی دارد از آن‌ها به‌عنوان پوششی برای فرار استفاده کند.

ایده اصلی فیلم این بود که گری کوپر به یک کلوپ می‌رود و آهنگی عامیانه را می‌شنود که می‌خواهد از لغات آن برای دایره‌المعارف‌شان استفاده کند. بازی باریبارا استانوویک درخشان است. البته سرعت فیلم از کارهای دیگر هاکس مانند «منشی همه‌کاره او» یا «بزرگ کردن بیبی» کندتر است اما جذابیتش کمتر از آن‌ها نیست.

فیلم انگل - Parasite، به کارگردانی «بونگ جون هو» در سال ۲۰۱۹ ساخته شده است. این فیلم محصول کشور کره جنوبی و در ژانر خانوادگی و کمدی قرار دارد. در این فیلم سونگ کانگ-هو، لی سون-کیون و چو یئو جنونگ به هنرمندی پرداخته‌اند. انگل موفق‌ترین فیلم سال ۲۰۱۹ است که هم جایزه نخل طلای کن ۲۰۱۹ را برده است هم ۴ جایزه از اسکار و بسیاری جوایز سینمایی دیگر در فستیوال‌های مختلف جهان. همه اعضای یک خانواده که کارهای موقت کم‌درآمد دارند با حيله‌گری وارد خانه و زندگی خانواده ثروتمندی به نام «پارک» می‌شوند. آن‌ها گرفتار حادثه غیرمنتظره‌ای می‌شوند و به دردسر می‌افتند و بیرون آمدن از آن خانه برایشان به یک کابوس مبدل می‌شود.



فیلم فورد در برابر فراری - Ford v Ferrari، یک فیلم آمریکایی در ژانر زندگی‌نامه‌ای درام به کارگردانی جیمز منگولد است در سال ۲۰۱۹ منتشر شد. فیلم‌نامه این فیلم توسط جیسون کلر بر اساس رخدادهای واقعی به نگارش درآمده است.

فیلم در تاریخ ۱۵ نوامبر ۲۰۱۹ توسط فاکس قرن بیستم به‌صورت جهانی اکران شد که با تحسین جهانی منتقدان همراه بود و در زمینه کارگردانی، اجرای دیمون و بیل، موسیقی، فیلم‌برداری و سکانس‌های مسابقه ستایش شد. این فیلم همچنین یک موفقیت در گیشه بود و توانست ۲۲۵ میلیون دلار در سرار جهان فروش کند در حالی که بودجه ساخت آن ۹۷ بوده‌است. هیئت ملی بازبینی فیلم، فورد در برابر فراری را یکی از ۱۰ فیلم برتر سال معرفی کرد. فیلم، داستان زندگی و رفاقت پیچیده کن مایلز و کرول شلبی را به تصویر می‌کشد که در اوایل دهه ۶۰ توسط شرکت فورد استخدام می‌شوند تا ماشین مسابقه‌ای قدرتمند بسازند که بتواند ماشین شرکت فراری را شکست دهد. کریستین بیل، مت دیمون، جان برنثال، کترینا بلف، نوآ جوپ و جی‌جی فیلد ستارگان فیلم هستند.



فیلم داستان ازدواج - Marriage Story، یک فیلم آمریکایی در ژانر کمدی-درام به نویسندگی و کارگردانی «نوآ بامباک» است که در سال ۲۰۱۹ منتشر شد. آدام درایور، اسکارلت جوهانسون، لورا درن، مریت ویور و ازی رابرتسون ستارگان فیلم هستند.

فیلم نخستین نمایش خود را در تاریخ ۲۹ اوت ۲۰۱۹ در هفتاد و ششمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم ونیز تجربه کرد. داستان ازدواج در هفتاد و هفتمین مراسم گلدن گلوب در شش رشته از جمله، بهترین فیلم درام، بهترین فیلم‌نامه و بهترین بازیگر نقش اول مرد فیلم درام برای درایور نامزد دریافت جایزه بود که در نهایت توانست جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل زن برای لورن درن را به خود اختصاص دهد. همچنین در نود و دومین دوره جوایز اسکار، فیلم

در ۶ رشته از جمله بهترین فیلم و بهترین فیلم‌نامه غیراقتباسی نامزد دریافت جایزه اسکار بود که در نهایت توانست جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل زن برای درن را به خود اختصاص دهد.



چارلی یک کارگردان تئاتر موفق در نیویورک است. نیکول نیز بازیگری است که عمده شهرت خود را مدیون بازی در یک فیلم نوجوانانه درجه دوم است. چارلی و نیکول بعد از مدتی آشنایی و همکاری، با یکدیگر ازدواج کرده و به لس‌آنجلس نقل مکان می‌کنند. بعد از گذشت چندین سال، چارلی و نیکول تصمیم به طلاق از یکدیگر می‌گیرند در حالی که یک پسر هشت ساله دارند. مراحل طلاق گرچه ابتدا ساده و دوستانه به نظر می‌رسد اما هردو را وارد شرایطی می‌کند که پیش‌بینی آن را نکرده بودند.



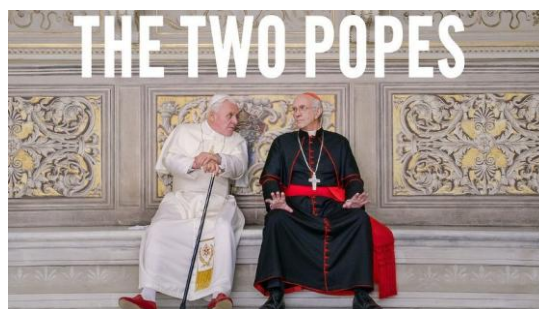
فیلم چاقوکشی - **Knives Out** در ایران با عنوان چاقوهای بی‌غلاف دوبله شده است، یک فیلم آمریکایی در ژانر کمدی سیاه معمایی به نویسندگی، تهیه‌کنندگی و کارگردانی ریان جانسون است که در سال ۲۰۱۹ منتشر شد. فیلم بازیگران زیادی دارد، دنیل کریگ، کریس ایوانز، آنا د آرماس، جیمی لی کرتیس، تونی کولت، دان جانسون، مایکل شنون، کیت استنفیلد، کترین لانگفورد، جیدن مارتل و کریستوفر پلامر ستارگان فیلم هستند. چاقوکشی نخستین بار در سپتامبر ۲۰۱۹ و در طی جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو به روی پرده رفت. فیلم از تاریخ ۲۷ نوامبر ۲۰۱۹ توسط لاینزگیت فیلمز اکران شد. فیلم یک موفقیت در گیشه بود و ۳۰۲ میلیون دلار در سراسر جهان فروش کرد در حالی که بودجه ساخت آن ۴۰ میلیون دلار بوده است. خلاصه داستان: نویسنده مشهور و ثروتمند رمان‌های جنایی به نام هارلن ترومبی، همه خانواده خود را به جشن تولد ۸۵ سالگی‌اش دعوت می‌کند اما وقتی بعد از مراسم، هارلن به‌طرز مشکوکی به قتل می‌رسد، یک کارآگاه خصوصی وارد ماجرا می‌شود تا راز قتل را کشف کند. این در صورتی است که تمام اعضای خانواده هارلن می‌توانند قاتل باشند.



۱۹۱۷ یک فیلم انگلیسی در ژانر حماسی جنگی، به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سم مندس است که در سال ۲۰۱۹ منتشر شد. مندس، فیلم‌نامه این فیلم را با همراهی کریستی ویلسون و با الهام از خاطره‌ای که پدر بزرگش برای او تعریف کرده بود، به رشته تحریر درآورده است.

فیلم با تحسین گسترده منتقدان همراه بود و در زمینه تیم بازیگری، کارگردانی، فیلمبرداری، موسیقی و طراحی صحنه ستایش شد. فیلم یک موفقیت در گیشه بود و در سراسر جهان ۳۴۷ میلیون دلار فروش کرد در حالی که بودجه ساختش ۹۰ میلیون دلار است. ۱۹۱۷ در هفتاد و هفتمین مراسم گلدن گلوب در سه رشته بهترین فیلم درام، بهترین کارگردانی و بهترین موسیقی متن نامزد دریافت جایزه شد که فقط در کسب جایزه موسیقی ناکام ماند. همچنین در نود و دومین دوره جوایز اسکار، فیلم در ۱۰ رشته از جمله بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلمنامه غیراقتباسی نامزد دریافت جایزه اسکار بود که در نهایت سه جایزه بهترین فیلمبرداری، بهترین جلوه‌های ویژه و بهترین میکس صدا را به خود اختصاص داد.

بهار سال ۱۹۱۷ و در اوج جنگ جهانی اول در شمال فرانسه، دو سرباز جوان انگلیسی به نام‌های اسکافیلد و بلیک مأموریتی غیرممکن پیدا می‌کنند: رساندن پیغامی مهم به یک گردان ۱۶۰۰ نفری انگلیسی برای جلوگیری از ورود آن‌ها به کمین مرگبار دشمن. این در حالی است که زمان به سرعت برای آن‌ها در حال سپری شدن است.



دو پاپ - **The Two Popes**، یک فیلم در ژانر درام به کارگردانی فرناندو میرلس است که در سال ۲۰۱۹ منتشر شد. از بازیگران آن می‌توان به آنتونی هاپکینز و جاناتان پرایس اشاره کرد. فیلم دو پاپ ۳۱ اوت ۲۰۱۹ در جشنواره فیلم تلویوراید به نمایش درآمد و با استقبال فراوانی مواجه شد. در پی آن نیز در چهل و چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو در ۹ سپتامبر ۲۰۱۹ به نمایش درآمد. در پشت دیوارهای واتیکان، پاپ بندیکت سنتی و پاپ فرانسیس اصلاح طلب آینده باید زمینه ای مشترک برای کلیسای کاتولیک بیابند...



وداع - **The Farewell**، فیلم وداع به کارگردانی لولو ونگ در سال 2019 ساخته شده است. این فیلم محصول کشور آمریکا و در ژانر کمدی و خانوادگی می‌باشد. در این فیلم آکوافینا، ژانو شوژن، نورا لوم و اکس مایو به هنرمندی پرداخته‌اند.

فیلم اولین بار در جشنواره ساندنس ۲۰۱۹ نمایش داده شد و به دلیل داستان متفاوتش بسیار مورد تحسین قرار گرفت. آکوافینا جایزه بهترین بازیگر کمدی درام گلدن گلوب را گرفت.

داستان فیلم وداع درباره یک خانواده چینی است که متوجه می‌شوند مادر بزرگشان دیگر زمان زیادی برای زنده بودن ندارد پس تصمیم می‌گیرند این موضوع را از او مخفی کنند و به این بهانه مراسمی برگزار کنند تا تمام اقوام با مادر بزرگ شان دیدار کنند.

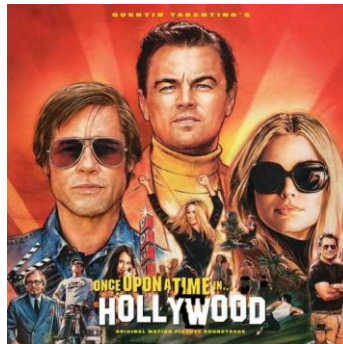


شیوع (2011) Contagion

درام- هیجان انگیز

مدت زمان ۱۰۶ دقیقه

استیون سودربرگ این فیلم را براساس فیلمنامه‌ای از اسکات زد برنس کارگردانی کرده است. فیلم شیوع درباره دنیایی است که ویروس کشنده آنفلانزا آن را فراگرفته و در حال نابودی آن است. مردم در این دنیا درمانده هستند و به هیچ‌کس هم اعتماد نمی‌کنند چرا که امکان آلوده شدن و سپس مرگ وجود دارد! فیلم شیوع، یک فیلم پرشتاب است که گسترش و مهار یک بیماری واگیردار را با تمرکز بر موضوعات انسانی و نیز واقعیات اجتماعی، سیاسی و علمی دنبال می‌کند. فیلم شیوع منعکس‌کننده واقعیت‌هایی در مورد بیماری واگیرداری است که چین را در برگرفته و به‌سرعت در آمریکا و سایر کشورها گسترش می‌یابد.



روزی روزگاری در هالیوود / Once Upon a Time in Hollywood، یک فیلم آمریکایی در ژانر کمدی-درام به نویسندگی و کارگردانی کونتین تارانتینو است که در سال ۲۰۱۹ اکران شد. لئوناردو دی‌کاپریو، برد پیت، مارگو رابی، کرت راسل، تیموتی اولفینت، داکوتا فانیگ، لوک پری، مارگارت کوالی و آل پاچینو ستارگان فیلم هستند. روزی روزگاری در هالیوود، نهمین فیلم بلند تارانتینو است و داستان آن در سال ۱۹۶۹ و شهر لس آنجلس رخ می‌دهد. روزی روزگاری در هالیوود نخستین بار در تاریخ ۲۱ مه ۲۰۱۹ در جشنواره کن ۲۰۱۹ به روی پرده رفت. فیلم اکران گسترده خود را از تاریخ ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۹ آغاز کرد. روزی روزگاری در هالیوود ۳۸۹ میلیون دلار در سراسر جهان فروش کرد در حالی که بودجه ساخت آن ۹۰ میلیون دلار است که آن را بعد از جنگوی زنجیرگسسته به دومین فیلم پرفروش کارنامه تارانتینو تبدیل می‌کند.

در نود و دومین دوره جوایز اسکار، فیلم در ۱۰ رشته از جمله بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و بهترین فیلمنامه غیراقتباسی نامزد دریافت جایزه اسکار بود که در نهایت توانست جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل مرد برای پیت و جایزه اسکار بهترین طراحی صحنه را به خود اختصاص دهد. البته برد پیت جایزه گلدن گلوب را هم گرفته بود. ماجرای جدیدترین فیلم کونتین تارانتینو در تابستان سال ۱۹۶۹ و در شهر لس آنجلس جریان دارد. یک ستاره تلویزیون ساکن شهر لس آنجلس که شهرتش کم شده است، همراه با بدلکارش سعی می‌کنند تا در آخرین سال‌های طلایی هالیوود در دهه‌ی ۶۰ میلادی به شهرت و موفقیت دست پیدا کنند که...



سرزمین مستند عسل - Honeyland، فیلم سرزمین عسل به کارگردانی تامارا کوتفسکا در سال 2019 ساخته شده است. این فیلم محصول کشور مقدونیه و در ژانر مستند و اجتماعی می‌باشد. در این فیلم هاتیسید موراتووا، ناظیفه موراتووا و حسین سام به هنرمندی پرداخته‌اند.

سرزمین عسل یک فیلم مستند مقدونی ساخته شده در سال ۲۰۱۹ به کارگردانی تامارا کوتفسکا و لوبومیر استفانو است. شهر عسل از منتقدین فیلم معاصر تحسین انتقادی گسترده و جهانی را دریافت کرد که در لیست فیلم های پایان سال قرار گرفت و توسط نیویورک تایمز به عنوان بهترین فیلم سال ۲۰۱۹ انتخاب شد. این مستند همچنین جوایز بی شماری نیز دریافت کرد. این تنها فیلمی بود که موفق به کسب سه جایزه مختلف در جشنواره فیلم ساندنس ۲۰۱۹ شد. همچنین در حال حاضر نیز به عنوان فیلمی ساخت مقدونیه شمالی برای بهترین فیلم بلند بین المللی معرفی شده و همچنین این فیلم در نود و دومین دوره جوایز اسکار در دو قسمت بهترین فیلم خارجی زبان و بهترین مستند نامزد شده است.

این مستند زندگی هاتسیدیا موراتووا، زنیوردار در روستای کوهستانی دورافتاده بکیرلیا واقع در مقدونیه شمالی را به تصویر می کشد و به دنبال ورود یک خانواده عشایر به همسایگی او، شیوه زندگی وی و تغییرات آن را دنبال می کند. این مستند همچنین روابط شخصیت اصلی شخصیت را با مادر و همسایگانش به تصویر می کشد.



داستان اسباب‌بازی چهار - Toy Story 4، فیلم داستان اسباب بازی ۴ به کارگردانی جاش کولی در سال ۲۰۱۹ ساخته شده است. این فیلم محصول کشور آمریکا و در ژانر انیمیشن و ماجراجویی می‌باشد.

داستان اسباب‌بازی ۴ توسط کمپانی پیکسار ساخته شده و والت دیزنی پیکچرز مسئولیت اکران آن را برعهده دارد. تام هنکس، تیم آلن، دان ریکلس، لاری میت کالف، جون کیوسک و کریستین شال همه به‌عنوان صدابیشه‌های قسمت‌های قبل در این‌جا نیز نقش خود را تکرار کرده و جوردن پیل، پاتریشا آرکت، کریستینا هندریکس، کیانو ریوز و لوری آلن به عنوان صدابیشه‌های جدید به گروه اضافه شده‌اند.

فیلم با بودجه‌ای ۲۰۰ میلیون دلاری ساخته شد و تا کنون ۱ میلیارد دلار در سراسر جهان فروش کرده‌است که آن را به ششمین فیلم پرفروش سال ۲۰۱۹، نهمین انیمیشن پرفروش تاریخ و ۲۳امین فیلم پرفروش تاریخ سینما تبدیل می‌کند. در نود و دومین دوره از مراسم سالانه اسکار در سال ۲۰۲۰، داستان اسباب‌بازی ۴ نامزد دریافت دو جایزه و در نهایت به‌عنوان بهترین انیمیشن سال معرفی شد.

وقایع داستان اسباب‌بازی ۴ چند سال بعد از این‌که اندی، اسباب بازی‌های خود را به بانی داد، اتفاق می‌افتد. هنگامی که بانی در «کارگاه هنر و مهارت» یک اسباب بازی جدید به نام فورکی که یک قاشق‌چنگ است می‌سازد، وودی، باز و دیگر اسباب بازی‌ها با مشکل جدیدی روبه‌رو می‌شوند. فورکی با یک بحران وجودی مواجه شده و درک درستی از اسباب بازی بودن ندارد. او گمان می‌کند یک زیاله است؛ به‌همین خاطر، بقیه به او کمک می‌کنند تا یاد بگیرد چگونه یک اسباب بازی باشد.

کتاب خواندن و ورزش قرنطینه خانگی را آسان تر می‌کند

سرگئی مارکوس کارشناس امور فرهنگی روسیه گفت: در شرایط شیوع بیماری کرونا که اکثر مردم جهان را تحت تاثیر قرار داده و خانه‌نشین کرده است کتاب خواندن و ورزش قرنطینه خانگی را آسان تر می‌کند. مارکوس با بیان این مطلب اظهار داشت: اگر انسان‌ها نتوانند در شرایط جدید به وجود آمده بر اثر شیوع کرونا، تحرک جسمی و روحی خود را حفظ کنند، دچار افسردگی خواهند شد. کارشناس فرهنگی روس یادآوری کرد که در روسیه در رابطه با شیوع بیماری کرونا یک ماه تعطیل عمومی اعلام شده و به مردم توصیه شده است که از خانه‌های خود به استثنای موارد ضروری خارج نشوند. وی افزود: با توجه به این‌که در ایران نیز کرونا شیوع گسترده داشته و همچنان قربانیان زیادی گرفته و شماری از مردم این کشور مبتلا شده‌اند، مردم این کشور نیز نیاز به سازش دادن خود با شرایط جدید در خانه دارند. مارکوس اضافه کرد: به همین دلیل باید مردم چه در ایران یا روسیه یا هر کشور آسیب‌دیده از کرونا برنامه‌ریزی کنند که در طول روز چه کارهایی را باید انجام دهند. وی با بیان این‌که مهم‌ترین امور در قرنطینه خانگی ورزش و کتاب خواندن است، اظهار کرد: افرادی که در خانه‌های خارج شهر یا اماکن مسکونی خصوصی دارای حیاط زندگی می‌کنند مشکلات کمتری در این شرایط دارند. کارشناس فرهنگی افزود: زیرا مطالعه و ورزش در چنین محیط‌هایی مناسب است و بدون زحمت می‌توان هر روز خود را برنامه‌ریزی کرد. به گفته مارکوس، در واحدهای مسکونی شهری که اکثراً بدون حیاط هستند مردم در داخل واحدهای خود باید قرنطینه خانگی شوند و در این شرایط بهترین اقدام کتاب خواندن و استفاده از منابع مجازی است. کارشناس روس معتقد است اگر اوقات فراغت بیش‌تری باشد و در صورت میل و رغبت می‌توان یک زبان خارجی در محیط مجازی فرا گرفت و کتاب‌های ادبی یا علمی مطالعه کرد. وی گفت: در محیط واحدهای مسکونی اگر وسایل ورزشی موجود باشد برای آمادگی جسمی انسان در شرایط خانه‌نشینی طولانی سودمند خواهد بود. کارشناس فرهنگی روس خاطرنشان کرد در قرنطینه خانگی باید اعضای خانواده از پدیده‌های منفی همچون مشاجره و سرکوفت زدن به یکدیگر بپرهیزند زیرا چنین پدیده‌هایی محیط خانه را تحمل‌ناپذیر می‌کند و چه بسا معضلاتی را به وجود می‌آورد که می‌تواند پیامدهای خطرناکی برای خانواده به همراه داشته باشد.

در قرنطینه چه کتاب‌هایی بخوانیم؟

قرنطینه فرصت مناسب برای نوشتن ایده‌ها، افکار، اندیشه‌ها و اندوخته‌های طول زندگی است. در این دوره می‌توان هر آن‌چه برای هم‌نوعان مفید و موثر است در قالب مقالات تحلیلی، علمی، شعر، داستان، ترجمه، متن سخنرانی و یا به هر نحوه که می‌توان دیدگاه خود را به جامعه انتقال داد. در طول تاریخ، اپیدمی‌ها تاثیری شگرف بر نویسندگان جهان گذاشته‌اند و این پدیده شوم و مرگبار الهام‌بخش آثار مهم و ماندگاری شده که واکنش‌های انسانی و اجتماعی را در مواقع همه‌گیری یک بیماری به تصویر کشیده‌اند. بیماری‌های مسری و با، سل، طاعون، سقلیس و این اواخر ایدز، سوژه‌ای جذاب برای نوشتن است؛ مهم نیست که نویسنده خود شرایط اپیدمی را تجربه کرده، یا نکرده است، مهم درک پیچیدگی‌های این شرایط و همچنین یافتن پیوندهای آن با احساسات، تفکرات و حتی خرافه‌هاست. رفتار ناشناخته خود عامل بیماری مسری، ترس و اضطراب ناشی از همه‌گیری آن، تدابیر عمومی سخت‌گیرانه برای جلوگیری از شیوع، اولویت‌بندی‌هایی که در زمان اپیدمی صورت می‌گیرد و ... همه این‌ها منابعی سرشار برای پرداخت یک داستان هیجان‌انگیز است. در زمان اپیدمی است که ضعف‌ها و در عین حال، قوت‌های انسان به خود انسان نمایش داده می‌شود. همچنین میل به بقا و تلاش برای زنده ماندن، حتی شاید از زمان برخی جنگ‌ها نیز شدیدتر است. همه این شرایط محتوم و احساسات عمیق، به نویسنده یا شاعر اجازه می‌دهد به شیوه‌ای عمیق‌تر به مفاهیمی چون زندگی و مرگ و همچنین روابط انسانی بیندیشد.

برای یافتن سویه‌های اسطوره‌شناسی و ادبی اپیدمی، باید به ادبیات یونان باستان مراجعه کرد. در تراژدی «ادیپ شهریار»، سوفوکل، بیماری مسری طاعون را که مردمان شهر تبای را به ستوه آورده، نقطه آغاز مکاشفه ادیب برای دستیابی به سرنوشت خود قرار می‌دهد. وقتی طاعون تبای را فرامی‌گیرد، ادیب می‌پرسد که مسبب این فاجعه کیست، پاسخ می‌دهند که گناهکار باید از میانه برخیزد؛ گناهکاری که پادشاه لائوس، پدر خود ادیب را کشته و با مادر، هم‌بستر شده است. ادیب در جست‌وجوی این گناهکار پلید سرانجام به خود می‌رسد و درمی‌یابد که آن گناهکار خود اوست.

طاعون در این اثر سوفوکل، نه تنها بهانه‌ای است برای رفتن به سوی سرنوشت، بلکه استعاره‌ای از خشونت است؛ خشونتی که به‌طور مسری در شهر گسترش می‌یابد.

چند قرن بعد، طاعون شهر تبای الهام‌بخش ژان دو لافونتن، نویسنده و شاعر فرانسوی قرن هفدهم میلادی شد. او در حکایت (فابل) «حیوانات بیمار و طاعون» به رود آخرون ارجاع می‌دهد که شاعران یونانی آن را رودی دوزخی و مرز دنیای مردگان می‌دانستند.

لافونتن در این حکایت منظوم، طاعون را این چنین توصیف می‌کند: «یک شر که آسمان با خشم خود، برای مجازات جنایت‌ها در زمین ایجاد کرد.» در این حکایت، پادشاه برای نجات مردمش از طاعون، دستور می‌دهد که «گناه‌کارترین» را قربانی کند. این «گناه‌کارترین»، حیوانی نیست جز الاغ، ساده‌دل‌ترین در میان دیگران، که سرانجام به‌خاطر سادگی بیش از حدش محکوم می‌شود.

لافونتن که او را با سعدی شیرازی مقایسه می‌کنند، در این حکایت، از اپیدمی طاعون برای به تصویر کشیدن یک نظام سیاسی فاسد بهره برده است. او در پایان می‌گوید بسته به این که چه قدر قدرت‌مند یا بینوا باشیم، احکام دادگاه از سفید تا سیاه متغیر است.

در واقع، طاعون برای لافونتن، تمثیلی است از یک فضای دروغ، حساب‌گری و ریاکاری.

یکی دیگر از آثار مهم ادبی در زمینه اپیدمی، نوشته آنتون آرتو، نویسنده و نظریه‌پرداز ادبی فرانسوی است که در سال ۱۹۳۸ به چاپ رسید و با ترجمه جلال ستاری با عنوان «تئاتر به‌مثابه طاعون» به فارسی نیز منتشر شده است.

آرتو در این متن، طاعون را به عنوان یک نیروی مثبت در نظر می‌گیرد. در واقع، اپیدمی در این‌جا موجب رستگاری است و سبب می‌شود که علانم بیماری از بین برود. او از این نظر، تجربه تئاتری را با طاعون مقایسه می‌کند: «به همان شیوه طاعون، تئاتر ساخته شده تا دمل‌های جامعه را از بین ببرد، از راه مرگ یا بهبودی.»

پیش‌تر آگوستین قدیس نیز طاعون را با تئاتر مقایسه کرده و معتقد بود که فرق میان این دو، این است که یکی به بدن و دیگری به اخلاق حمله می‌کند.

اما آنتون آرتو طاعون را شر نمی‌دانست، بلکه آن را نمایانگر بدی‌ها در نظر داشت: «تئاتر، مثل طاعون، گره‌ها را باز می‌کند، نیروها را آزاد می‌کند، امکاناتی را ایجاد می‌کند و اگر این امکانات و نیروها، سیاه هستند، گناه طاعون یا تئاتر نیست، بلکه ناشی از زندگی است.»

در حقیقت، تئاتر و طاعون به عقیده این نویسنده فرانسوی، افشاکننده «عمق بی‌رحمی نهفته» در انسان است، اما علت آن نیست.



آلبر کامو

اما وقتی در دنیای ادبیات، سخن از طاعون به میان می‌آید، محال است که رمان معروف «طاعون» نوشته آلبر کامو به یاد نیاید. داستان «طاعون» در شهر اوران الجزایز می‌گذرد؛ سال ۱۹۴۷. موش‌ها دسته دسته می‌میرند و بیماری در همه جا به سرعت شیوع پیدا می‌کند. شهر قرنطینه می‌شود و روش جدیدی از زندگی پدید می‌آید. عده‌ای جذب بازار سیاه می‌شوند و واعظان مذهبی دم از مجازات الهی می‌زنند.

دکتر ریو، شخصیت اصلی رمان طاعون، به کمک تارو، دیگر شخصیت این رمان، از افراد داوطلب گروه‌هایی را تشکیل می‌دهد که با این اپیدمی مبارزه کنند. با فرا رسیدن زمستان، از شیوع طاعون کاسته می‌شود. تارو آخرین قربانی است. مردمی که از چنگ طاعون رها شده‌اند، شادی می‌کنند، اما دکتر ریو هنوز مراقب است: «باسبیل عامل طاعون نه می‌میرد و نه هرگز نابود می‌شود.»

رمان طاعون، رماتی است علیه ایمان مذهبی و در ستایش شرافت و درستی انسان. در واقع، موضوع اصلی «طاعون»، که یکی از آثار ادبی مهم مکتب اگزیستانسیالیسم است، نفس زیستن نیست، بلکه چگونه زیستن است. در جایی از رمان تارو از خود می‌پرسد که آیا می‌توان بدون وجود خدا یک قدیس شد؟

کامو در این رمان از نیهیلیسم رمان «بیگانه» خارج شده است، به طوری که بلا و مصیبت از پا در نمی آید مگر این که انسان اعمال خود را از صافی وجدانش بگذراند و در اعمال اجتماعی دخیل سازد. همچنین کامو در این رمان که که پس از جنگ جهانی دوم منتشر شده، به وضوح به وحشت اردوگاه‌های نازی اشاره دارد، به ویژه وقتی دفن اجساد بی‌شمار و گورهای جمعی را توصیف می‌کند.

آلیر کامو در رمان طاعون، واکنش‌های انسانی به حمله شر (در این‌جا اپیدمی) را بررسی می‌کند و یادآور می‌شود که اپیدمی‌ها مثل جنگ‌ها، ابتدایی‌ترین غرایز انسانی را بیدار می‌کنند. خوبی‌ها و بدی‌ها در دوران اپیدمی به منتها درجه خود می‌رسند، به طوری که هم‌زمان با جان‌فشانی برخی برای مهار اپیدمی، برخی دیگر از هرج و مرج ناشی از شیوع بیماری، برای منافع شخصی خود بهره می‌برند.



گابریل گارسیا مارکز

اما بیماری‌های مسری در بطن آثار گابریل گارسیا مارکز، نویسنده کلمبیایی هم قرار دارند: «من همیشه اپیدمی‌ها را دوست داشته‌ام.»

«ساعت شوم» (۱۹۶۱) که جایزه ملی رمان کلمبیا، اولین جایزه بزرگ را برای مارکز به ارمغان آورد، درباره طاعون است. «اپیدمی فراموشی» در «صد سال تنهایی» (۱۹۶۷) و «عشق سال‌های ویا» (۱۹۸۵) به دلیل همین علاقه نویسنده به پدیده همه‌گیری یک بیماری است.

هرچند که بیماری ویا، موضوع اصلی رمان عاشقانه «عشق سال‌های ویا» نیست، اما بر بستر داستان نشسته و کاربرد تمثیلی دارد.

فلورنتینو آریسا، در دوره‌ای که مصیبت همه جا را فراگرفته، عاشق فرمینا داسا می‌شود. اما فرمینا همسر دکتر اوربینو، یک پزشک است که با اپیدمی مبارزه می‌کند. عشق فلورنتینو طی سال‌ها به حدی می‌رسد که مثل ویا، بیمار یا همان عاشق را می‌لرزاند.

در واقع، عشق در رمان «عشق سال‌های ویا» همچون یک باکتری است که به بدن فلورنتینو حمله می‌کند و او قادر به مبارزه با آن نیست.

از نظر گابریل گارسیا مارکز، همچون آرتو، مفهوم اپیدمی، به صورت مثبت دیده می‌شود، به عنوان نیرویی که به احساسات فوق‌العاده اجازه گسترش و بروز خود را می‌دهد.

همچنین اگر ترس و نگرانی و بی‌اعتمادی ناشی از اپیدمی نیز به نمایش درمی‌آید، فقط برای این است که بر چگونگی ظاهر شدن نور عشق در یک پس‌زمینه تاریک تأکید شود.



تونی کوستر

اما در دهه‌های اخیر، نمایشنامه «فرشتگان در آمریکا» (۱۹۹۱) نوشته تونی کوشنر که سریالی نیز بر اساس آن ساخته شده، نمونه‌ای قابل توجه در ادبیات ملهم از اپیدمی‌هاست.

دهه‌های هشتاد و نود میلادی، دهه‌هایی است که ظهور پر قدرت اپیدمی‌ایدز نگرانی‌های بسیاری را به وجود آورده بود. پنهان کردن این بیماری، چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی، یکی از ویژگی‌های جدید این اپیدمی نوظهور بود. همین ویژگی دستاویز کوشنر برای نوشتن این نمایشنامه قرار گرفت.

در واقع، نویسنده در این نمایشنامه با بهره‌برداری از اپیدمی‌ایدز، به واکاوی اجتماعی و سیاسی آمریکا در دوران ریگان می‌پردازد. یکی از شخصیت‌های اصلی داستان، که بر اساس زندگی واقعی یک سناتور آمریکایی پرداخته شده، همجنس‌گراست، اما همجنس‌گرا بودن خود را انکار می‌کند: «من همجنس‌گرا نیستم، دگرجنس‌گرایی هستم که با مردان می‌خوابم.» او وقتی متوجه ابتلای خود به ایدز نیز می‌شود، از «سرطان» سخن می‌گوید، زیرا همجنس‌گرایان در آن زمان جایگاهی در سیاست نداشتند.

کوشنر در این اثر ادبی، اپیدمی‌ایدز را مترادف فردگرایی می‌داند؛ زمانی که یکی از شخصیت‌های داستان بیماری خود را به شریک زندگی‌اش اعلام می‌کند، این شریک زندگی او را ترک می‌گوید. با این حال خشونت روابط انسانی در دوران اپیدمی، با مهربانی‌های چند شخصیت که این بیماری را می‌پذیرند و بیماران را همراهی می‌کنند، تلطیف می‌شود.

در سال‌های اخیر اپیدمی‌هایی مثل ابولا نیز الهام‌بخش نویسندگان برای نگارش رمان بوده است.

در این میان، نشاید تمثیلی‌ترین رمانی که در ادبیات معاصر درباره اپیدمی نوشته شده، رمان «کوری» نوشته ژوزه ساراماگو، نویسنده پرتغالی است. ساراماگو در این رمان، یک «اپیدمی تخیلی» را که در آن آدم‌ها دچار «کوری سفید» می‌شوند، دستاویزی برای نقد انسان در چشم فرو بستن به روی واقعیت‌ها و فرار از آن‌ها قرار می‌دهد.

در این رمان، کوری معرفتی رخ می‌دهد که لزوماً می‌تواند همه‌گیر نباشد. همانطور که یک زن در این رمان کور نمی‌شود: «چرا ما کور شدیم؟» «نمی‌دانم، اما شاید روزی بفهمیم.» «می‌خواهی نظر مرا بدانی؟ من فکر می‌کنم ما کور نشده‌ایم، ما کور هستیم؛ کور اما بی‌نا، کورهایی که می‌توانند ببینند، اما نمی‌بینند.»



پائولو جوردانو، ادیب و فیزیک‌دان ایتالیایی، این روزها صدای رسای مردم در قرنطینه جهان است. نویسنده‌ای جوان، متولد ۱۹۸۲، که برنده جایزه ادبی استراگا و برنده جایزه رمان برتر اتحادیه اروپا و نامزد نهایی جایزه ادبی فمینا بوده است. او در سال ۲۰۰۸ در سن بیست‌وشش سالگی با اولین کتاب خود، تنهایی اعداد اول، به صدای تازه‌ای در ادبیات ایتالیا بدل شد.

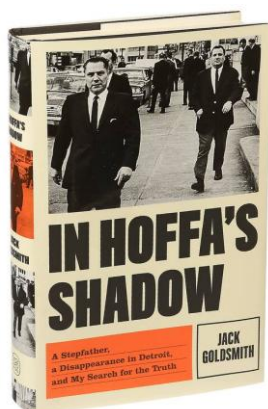
انتشار هم‌زمان کتابچه در روزگار آلودگی در بریتانیا، فرانسه، هلند، آلمان، یوگسلاوی، آلبانی، رومانی، کره جنوبی، لتونی، یونان، سوئد، فنلاند و ایران این صدا را جهانی کرده است. صدایی که از آلودگی همه‌گیر در جهان می‌گوید. دردی که بدون مرز باید همه آن را تحمل کنیم و برای مقابله و گریز از آن راهی بیابیم.

جوردانو کتابچه در روزگار آلودگی را به مردم ایران هدیه داده و از آن‌ها خواسته است برای قطع شدن زنجیره آلودگی در خانه بمانند. او این روزها از بالکن کوچک خانه‌اش در قرنطینه، از راه‌هایی برای دوام‌آوردن و زندگی‌کردن می‌نویسد و به واکاوی این درد مشترک عالم‌گیر می‌پردازد، دردی که خودش را به شکل اپیدمی کووید-۱۹ به جان زندگی اجتماعی مردم جهان انداخته است.

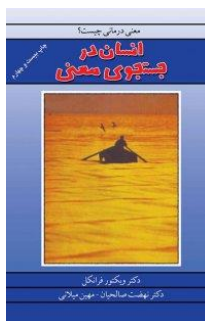


کتاب «آیین دوست‌یابی» دیل کارنگی، کتاب حال و خواندی است. کتابی که در آن راز و رمزهای پیدا کردن دوستان جدید، بهبود صمیمیت در روابط و ... اشاره شده است. این کتاب قدیمی که حدود ۱۰۰ سال پیش نوشته شده است، جزو بهترین کتاب‌هایی است که می‌توانید، آن‌ها را مطالعه کنید.

در جریان مکارتیسم، در مبارزه با کمونیسم بسیاری از سران اتحادیه‌های کارگری به غیر از جیمی هوف تقریباً قلع و قمع شدند. در کتاب «خانواده نفرین شده کندی» استنادات همکاری کندی با سناتور مکاریتی کاملاً روشن است. در واقع چهارضلعی مک‌کارتی، برادر کندی (دادستان کل ایالات متحده) و جی‌ادگار هورور (رییس سازمان اف‌بی‌آی) به‌صورت مشخصی در دوران به قدرت رسیدن کندی، هوف را روانه زندان کردند، و در کتاب «در سایه هوف» (جک گلد اسمیت) به این موضوع اشارات فراوانی می‌شود.

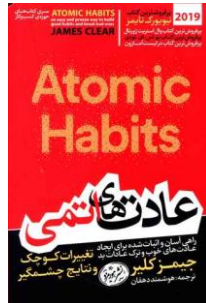


نزدیکان سیاسی عملگرای سناتور مکاریتی برادران کندی بودند و همان‌طور که در فیلم اسکورسیزی می‌بینیم، کندی‌ها پس از به قدرت رسیدن، قدرتمندی‌ترین رئیس اتحادیه‌های کارگری در آمریکا را روانه زندان کردند، چون هوف نقش اساسی و غیرمستقیم پررنگی در رییس‌جمهور شدن سناتور کندی داشت.



انسان در جست‌وجوی معنا، نوشته‌ی دکتر ویکتور فرانکل، روانشناس و مبدع شیوه درمانی لوگوتراپی است. فرانکل در این کتاب به بیان خاطراتش از اردوگاه آشویتس می‌پردازد و اصول و مفاهیم اساسی روش درمانی خود یعنی «لوگوتراپی» را به زبانی ساده توضیح می‌دهد.

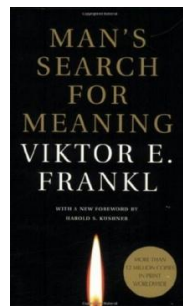
ویکتور فرانکل در زمان جنگ جهانی دوم به دست نازی‌ها اسیر و به اردوگاه کار اجباری فرستاده شد. خانواده و دوستانش را در اردوگاه‌ها و کوره‌های آدم‌سوزی از دست داد. تمام این رنج‌ها را تحمل کرد و در نهایت جان سالم از این اردوگاه‌ها به در برد. خاطرات فرانکل از این دوران و راه‌های او برای تحمل این رنج‌ها چیزی است که در بخش اول این کتاب می‌خوانیم. در بخش دوم کتاب با «لوگوتراپی» آشنا می‌شویم. روش درمانی جدیدی که فرانکل معرفی کرده است. این بخش نسبت به بخش اول کتاب جنبه علمی بیشتری دارد، اما خواندنش دشوار نیست.



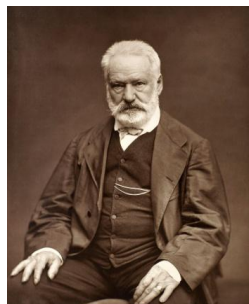
«جیمز کلیر» با نوشتن کتاب «عادت‌های اتمی» توجه خواننده را به یک مسئله ساده در وضعیت روزمره جلب می‌کند که می‌تواند نتایج شگفت‌انگیزی در طولانی مدت به همراه داشته باشد: انجام تغییرات بسیار کوچک و ساده در عادت‌های مان.

هر انسانی عادات مشخصی در انجام کارهای جدی و همچنین فعالیت‌های روزمره دارد. نویسنده این کتاب ما را ترغیب می‌کند تا با شناخت کوچک‌ترین عادت‌های مان بر آن‌ها مسلط شویم و بتوانیم مدیریت‌شان کنیم. مدیریت این رفتارها، تمرکزی ناگهانی را در تمام شرایط زندگی ما حاکم می‌کند. در نتیجه به تدریج شاهد تغییراتی بزرگ و موثر خواهیم بود.

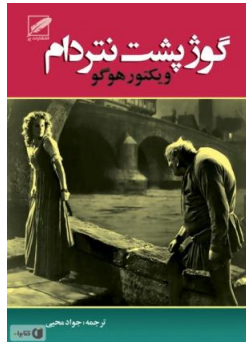
جیمز کلیر با تکیه بر مسائل بیولوژیک، اصول روان‌شناسی و علم عصب‌شناسی، روش‌های عملی‌ای ارائه می‌دهد که هم در حوزه خودشناسی آگاهی بخش است و هم بر تغییر محیط اطراف و شرایط بیرونی تأکید دارد. این کتاب با عنوان خرده عادت‌ها هم ترجمه شده است.



ویکتور فرانکل، پس از نجات یافتن از ۴ کمپ مرگ نازی‌ها و مشاهده مرگ تعداد زیادی از اعضای خانواده‌اش، تبدیل به یک روان‌پزشک شد. وی با این نظریه‌ی فروید که بیان می‌کند روح آدمی فقط لذت را می‌طلبد، مخالف بود، فرانکل ادعا کرد چیزی که واقعا انسان در جستجوی آن است، معنا و مفهوم و دلیل زندگی اوست.



ویکتور هوگو، نویسنده نامدار فرانسوی است که کتاب‌های مختلفی از وی به یادگار مانده‌اند. در کتاب *گوژپشت نتردام*، ویکتور هوگو، ترجمه جواد محیی، انتشارات خسرو شیرین، چاپ اول ۱۳۹۶، ص ۱۹۸، می‌خوانیم: «معماری تا قرن پانزدهم میلادی دفتر اصلی بشریت بوده و همواره افکار کم و بیش بغرنج در بناها منعکس می‌شده است. ایده‌های مردم نیز به مانند احکام شرع، بناهایی خاص خود داشته و اندیشه‌های بشر سراپا در کتاب خارا نقش بسته است. اما در قرن پانزدهم میلادی اوضاع به‌کلی عوض می‌شود. اندیشه بشر راه تازه‌ای برای خلود خویش پیدا می‌کند. معماری از تخت فرمانروایی به زیر افکنده می‌شود و جای حروف سنگی ارفه را حروف سربی گوتمبرگ فرا می‌گیرد. با اختراع صنعت چاپ اندیشه بشر شیوه کهنه‌ای را به یک‌سو نهاده و شیوه نوی برمی‌گزیند. کتاب‌ها مایه انهدام اینبه می‌شود.»



این شاعر بزرگ و نویسنده «گوژپشت نتردام» در نظر رای دهندگانش، هوادار سوسیالیسم و یار کارگران گرسنه‌ای بود که در شهر، سنگر به پا کرده بودند. اما «هوگو» به‌عنوان نماینده مجلس معتقد بود که این قیام، اگر چه از لحاظ اخلاقی موجه به‌نظر می‌رسد، ولی بالاخره به هرج و مرج منتهی خواهد شد. «ویکتور هوگو» در حالی در سرکوب قیام شرکت می‌کند که سخت دچار تردیدهای اخلاقی است و هم‌زمان، خانه‌اش در میدان «وژ» توسط شورشیانی اشغال می‌شود که خانه‌ها را به آتش می‌کشیدند تا دور تا دور محله را به وسیله این شعله‌ها حفاظت کنند. انقلابیون که از فضای غیر معمول این خانه مشوش شده بودند، کلاه‌هایشان را از سر برداشته و بی‌سر و صدا وارد اتاق‌های خالی می‌شوند. دسته‌های قطور کاغذ روی میز کار نویسنده می‌توانست برای آتش‌زدن خانه بدرد بخورد اما در آن لحظه تنها یک برگ از آن‌ها را برمی‌دارند. این ورق کاغذ، در واقع، عریضه‌ای است در طرفداری از ملوان‌هایی که علیه شرایط خود قیام کرده‌اند. انقلابیون بعد از دیدن این متن، تلاش می‌کنند تا به رفقایشان که در میدان جمع شده‌اند بقبولانند که ویکتور هوگو «دوست واقعی مردم است!»



دسته‌های کاغذ روی میز «هوگو» در واقع اولین روایت از «بینوایان» است. سه سال بعد از این واقعه، «شارل لویی بناپارت» اقدام به کودتا می‌کند. برای نویسنده، وضعیت روشن می‌شود: از این پس دیگر بین تعهد سیاسی و وظیفه اخلاقی، همخوانی وجود ندارد. بعد از آن‌که تلاش می‌کند تا جنبش مقاومت علیه کودتا را سازمان دهد، در لباس کارگری و با نسخه دست‌نوشته «بینوایان» در چمدان، به بلژیک می‌گریزد. در ۱۸۶۰ رمان را که از تجربه دوازده سال پشت سرش غنی شده بود، بازنویسی می‌کند. بالاخره متن «بینوایان» در سال ۱۸۶۲ منتشر می‌شود.



نویسنده اهل پرو «ماریو وارگاس لوسا» این اثر بزرگ را اولین بار در زمستان ۱۹۵۰ در چهارده سالگی، بر صخره بلندی در «لا پرلا»، نزدیک شهر «لیما»، در فضای مه‌آلود خاکستری، کشف می‌کند. دنیای رمان «بینوایان» که دنیایی است که تماماً صرف «بدبختی‌های مفرط، عشق، شهامت، خوشبختی و اعمال پست» شده، درمانی می‌شود برکسالت او و سختی مدرسه نظامی «لئونسیو پرادو».

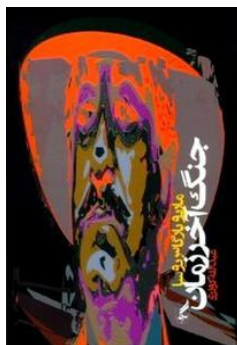
وارگاس لوسا که در جوانی، طرفدار ایده‌آل‌های انقلاب کوبا بود، وقتی در سال ۱۹۹۰ خود را نامزد انتخابات ریاست جمهوری کرد، به دفاع از اقتصاد لیبرالی پرداخت؛ این امر موجب شد تا بعضی از یاران سابق سوسیالیستش، او را خائن بدانند. برعکس، «هوگو» که در جوانی طرفدار پر و پا قرص سلطنت بود، به بینش چپ تمایل پیدا کرد و به پدر بنیان‌گذار سومین جمهوری ۱۸۷۰ تبدیل شد.

هر دو نویسنده، به فرصت‌طلبی سیاسی متهم شده و مجبور شده‌اند تا رابطه پیچیده میان خلاقیت ادبی و واقعیت سیاسی را مدنظر قرار دهند. همان‌طور که وارگاس لوسا گوش‌زد می‌کند «دروغ‌هایی که توسط تخیلات ما پدیدار می‌شوند، ما را در زیستن یاری می‌دهند و یا با نشان دادن فاصله موجود بین رویا و واقعیت، در بدبختی‌مان سهیم می‌شوند.» او با زبانی صریح می‌گوید: اگر کسی مدعی است که بینشی فوق‌العاده روشن از واقعیت‌های سیاسی حاضر دارد، چرا وقت خود را، به‌عنوان نویسنده، صرف خلق قصه می‌کند؟

وارگاس لوسا، که خود رمان‌نویس است، در کتاب «وسوسه برای ناممکن»، فنون روایتی «هوگو» را با عباراتی مشخص، بدون مراجعه به مباحث نظری و یا مجادله بر سر تعبیرهای مختلف، توصیف می‌کند. او موفق می‌شود معنای زیستن در دنیایی تخیلی را به ما بشناساند و این‌که چگونه توهم واقعیت توسط شخصیت‌هایی که به‌نظر می‌رسند با راوی دانای کل در تقابل هستند، تقویت می‌شود. او بخش‌های اصلی روایتی را که «مرکز آتش‌فشان» طرح قصه را می‌سازند، در کنار وقایعی می‌چیند که صرفاً ابزاری هستند و وظیفه‌شان ضمانت و تأمین گذشت زمان روایت و توهم زمانی است که سپری می‌شود.

استعاره‌های او در باره عملکرد مغز نویسنده، از صدها صفحه بررسی و تحلیل‌های مجرد، اطلاعات بیش‌تری به‌دست می‌دهد.

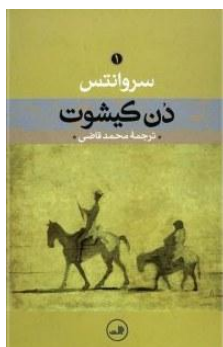
«وسوسه برای ناممکن» همچنین، نوعی دستورالعمل و راهنمای رمان قرن نوزدهمی است. «وارگاس لوسا» به‌ویژه، فاصله بین «واقعیت واقعی» و دنیای تخیلی رمان را مورد توجه قرار می‌دهد: «(داستان) تخیلی خود زندگی نیست، ولی با آن در تعارض قرار می‌گیرد. بینوایان بازتولید واقعیت نیست، بلکه نوعی سرپیچی و نافرمانی از آن است که ما آن را به‌علت قدرت متقاعد کردنش، قبول می‌کنیم.» این موضوع قبلاً در نوشته تحلیلی دیگری از «وارگاس لوسا» به‌نام «عیش و عشرت دائمی» (فلویر و مادام بوواری) مورد بررسی قرار گرفته بود، با این همه به‌نظر می‌رسد که در «وسوسه برای ناممکن» نویسنده اهل پرو در برابر این قیام و تخطی از واقعیت، نگرشی انتقادی را بر می‌گزیند: رمان هوگو «دروغی با شکوه» است، «جنبه‌های مستند» آن به‌نظر «دقیق» نمی‌آیند و «بازآفرینی زندگی» در آن غیر «واقعی» به‌نظر می‌رسد.



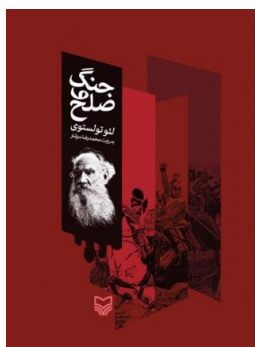
«وارگاس لوسا» که خود، حماسه «جنگ آخر زمان» را نوشته که از رویدادهای واقعی و قصه‌های نیمه تخیلی مربوط به دوره‌ای از تاریخ برزیل که توسط «اوکلید دو کون‌ها» نوشته شده است، الهام گرفته است، قطعاً در باره روش و مسئولیت نویسندگان تاریخی تأمل بسیار کرده است. از این‌رو، پرسشی که او طرح می‌کند از دنیای جادویی داستان‌های دوران رمانتیک فراتر می‌رود. ولی بی‌آن‌که به روشنی بیان شود، بدون جواب می‌ماند.



میگل سروانتس ساآودرا (۱۶۱۶-۱۵۴۷)، بخش اول دن کیشوت را در زندان نوشت. این بخش، نخستین بار در سال ۱۶۰۵ و بخش دوم ده سال بعد در ۱۶۱۵ در مادرید چاپ شد. نخستین بار «دن کیشوت» به دست محمد قاضی از زبان فرانسوی به زبان فارسی ترجمه شده است. همچنین مرحوم ذبیح‌الله منصوری نیز این رمان را با دستکاری در محتوا به فارسی ترجمه کرده است. «دن کیشوت» داستان فصل پایانی زندگانی پیرمردی است که دچار توهم است و وقت خود را با خواندن آثار ممنوعه می‌گذراند.



در زمان روایت داستان، نوشتن و خواندن آثاری که به شوالیه‌ها می‌پرداخت ممنوع بود و شخصیت اصلی داستان خود را جای یکی از همین شوالیه‌ها می‌بیند و دشمنانی فرضی در برابر خود می‌بیند که اغلب کوه‌ها و درخت‌ها هستند. «گوستاو دوره» نگاره معروف دن کیشوت و سانچو - خدمتکار دن کیشوت - را مقابل آسیاب بادی به تصویر کشیده است. «دن کیشوت» پهلوانی خیالی و بی‌دست و پاست که گمان می‌کند شکست‌ناپذیر است. او به سفرهای طولانی می‌رود و در میانه همین سفرهاست که اعمالی عجیب و غریب انجام می‌دهد. وی که هدفی جز نجات مردم از ظلم و استبداد حاکمان ظالم ندارد، نگاهی تخیلی به اطرافش دارد و همه چیز را در قالب ابزار جنگی می‌بیند.



جنگ و صلح از لنو نیکولایویچ تولستوی (۱۹۱۰-۱۸۲۸) به حق لقب بزرگ‌ترین اثر ادبیات روس را داراست. تولستوی، در سایه پیروزی‌هایی که در عرصه واقع‌بینی به‌دست آورده بود، نخستین کسی بود که ارزش برخی مشاهدات باریک‌بینانه‌گترهای چکمه یک افسر طی نبرد، گفت و شنودی پوچ و بی‌معنی که با اصراری خنده‌آور و در موقعیتی نمایشی تکرار می‌شود، چین و شکن نیم‌تنه‌ای که در اثنای سخنانی پرحرارت جلب توجه می‌کند و در جلب نظر حاکم می‌شود و... را آشکار ساخت.

تولستوی چنین اندیشیده بود که رمانی درباره توطئه معروف به توطئه «دکابریست‌ها» و قیام مسلحانه ناکام ۱۸۲۵ آنان بنویسد. وی حتی همه معلومات لازم را گرد آورده بود. با این همه، مطالعه متون برای نگارش این اثر توجه او را به عصر پیشین جلب کرد، چه سرچشمه‌های آن پدیده‌های تاریخی را که وی می‌خواست روشن سازد در این عصر سراغ می‌گرفت. به این طریق، وی ناگزیر تا زمان جنگ‌های ناپلئونی به گذشته بازگشت. فراخی دامنه موضوع - که رویدادهای شگرف و حائز اهمیت اساسی برای روسیه را در برمی‌گیرد - به نویسنده اجازه می‌دهد که حماسه تاریخی تمام عیاری بیافریند؛ هرچند مطالعه عمقی اسناد و مدارک، تولستوی را به آن عینیتی رهنمون نکرد که برخی از منتقدان خواهان یافتن آن در اثر او بودند.

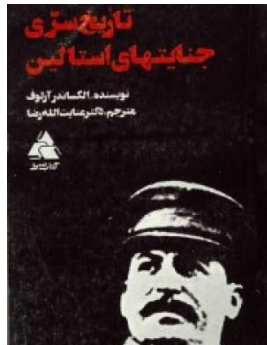
این مطالعه عمیق در سبک و صورت روایت دقیق و روشن داستان جلوه‌گر است؛ دگرگونه‌سازی برخی از لحظات تاریخی به هیچ روی در آن تیرگی و ابهام پدید نمی‌آورد. نویسنده، با گذار از تحلیل روان شناختی چهره‌های داستانی، به مشاهده حالات نفسانی جمعی، عنصری پراهمیت وارد اثر می‌کند؛ زیرا سخن بر سر چاره چویی است به وسعت تاریخ روسیه از ۱۸۰۳ تا ۱۸۱۳.



مادام بوواری نخستین اثر گوستاو فلوربر، نویسنده نامدار فرانسوی است که یکی از برجسته‌ترین آثار وی به‌شمار می‌آید.

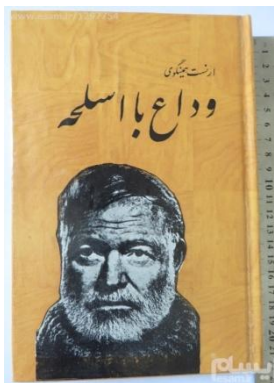
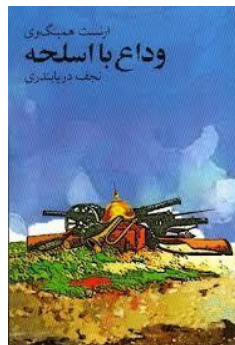
اما شخصیت اول داستان بوده و نام داستان از نام او گرفته شده است. او دختری شهرستانی است که انتظارات سیری‌ناپذیری از دنیای خود دارد و مشتاق زیبایی، ثروت، عشق و جامعه‌ای سطح بالاست. بخش عظیمی از داستان حول اختلافات میان ایده آل‌های خیال‌بافانه و جاه‌طلبانه و واقعیت‌های زندگی روستایی او می‌چرخد، به‌خصوص که این قضایا او را به‌سوی دو عشق ناپاک سوق داده و بدهی‌های قابل توجهی برایش به‌همراه می‌آورند، که سرانجام باعث می‌شود اقدام به خودکشی بکند.

فلوربر بعد از نوشتن اثری به نام وسوسه از سن آنتوان از دوستان منتقد خود، ماکسیم دوکان و لویی بونه، دعوت کرد تا داستان را برای آن‌ها بخواند، ولی آن دو، داستان را اثر بدی برشمردند و به او پیشنهاد کردند که داستان دیگری درباره دلونه، از آشنایان آن‌ها بنویسد. بر این اساس، فلوربر شروع به نوشتن داستان مادام بوواری کرد و سعی کرد که داستان را براساس شخصیت‌های واقعی بنویسد و با استفاده از مشاهدات و ذهن خود وقایع را در طول داستان گسترده کند. برای مثال اما بوواری همسر دلونه است. نگارش مادام بوواری از سپتامبر ۱۸۵۱ تا آوریل ۱۸۵۶ به‌مدت پنج سال در کرواسه طول کشید. در این مدت فلوربر روزانه بیش از چند خط نمی‌نوشت و مرتب مشغول ویرایش نوشته‌های پیشین بود و هرآنچه را بر کاغذ می‌آورد با صدای بلند برای خود می‌خواند. او برای غنا بخشیدن به داستان علاوه بر بیان داستان اصلی، به بیان چند خاطره و چگونگی ارتباطش با لونیز کوله پرداخته است. او که بسیار با شخصیت مادام بوواری هم ذات‌پنداری می‌کرده است، در نامه‌ای گفته است که هنگام نوشتن صحنه سم خوردن بوواری، مزه آرسنیک را در دهان خود احساس می‌کرده است. مادام بوواری تاکنون بارها در تئاتر و سینما بازآفرینی شده. اولین بار ژان رنوار در ۱۹۳۲ از روی این رمان فیلمی ساخت. آخرین فیلم از این رمان در سال ۱۹۹۱ با همین نام اقتباس شده است.



کتاب «تاریخ سری جنایات‌های استالین» خاطرات الکساندر آروف، یکی از ژنرال‌های برجسته سازمان امنیت شوروی سابق است که در آن جزئیات بازپرسی از شخصیت‌های برجسته حزب کمونیست را بازگو می‌کند و از بسیاری ماجراهای پشت پرده و اطلاعات سری و جنایات استالین پرده برمی‌دارد.

آروف پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در ارتش سرخ به خدمت پرداخت و یکی از متخصصان جنگ‌های چریکی و پیکار در پشت جبهه دشمن بود. او پس از پایان جنگ‌های داخلی روسیه، مدتی در دیوان عالی کشور شوروی سابق با سمت دادیار و دادستان به کار پرداخت و در تدوین نخستین قانون جزای روسیه شوروی شرکت موثر داشت. او در سال ۱۹۲۴ در سازمان امنیت شوروی مشغول فعالیت شد و چندی بعد به سمت فرمانده نیروهای مرزبانی اتحاد شوروی سابق در قفقاز منصوب شد. آروف از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۵ مأموریت‌هایی را از سوی سازمان امنیت شوروی در کشورهای فرانسه، آلمان، آمریکا، چکسلواکی، اتریش و سوئیس انجام داد و شبکه‌هایی از مأموران سازمان امنیت شوروی را در این کشورها سازمان داد. او در سال ۱۹۳۶ از سوی استالین به کشور اسپانیا رفت تا به‌عنوان مأمور ویژه استالین و نماینده کرم‌لین، مشاور دولت جمهوری‌خواه اسپانیا در پیکار با فرانکو و دولت فاشیست اسپانیا باشد. او در این ایام موفق شد هفتصد و پنجاه هزار کیلوگرم طلای اسپانیا را در هفت هزار و نهصد صندوق با چهار کشتی به شوروی ارسال کند. آروف که می‌دانست اطلاعات وسیعش از جنایات استالین او را گرفتار تصفیه‌های استالین خواهد نمود، درست در فرصتی مناسب از اسپانیا به فرانسه و از آن‌جا به کانادا و سپس ایالات متحده گریخت. او این کتاب را در سال ۱۹۸۳ انتشار داد. در پایان کتاب، طی جدول‌هایی سرنوشت رهبران و اعضای عالی‌رتبه حزب کمونیست که عمدتاً یا به قتل رسیده و یا اعدام شدند، به چاپ رسیده است.



«وداع با اسلحه» کتاب برتر همه زمان‌ها به انتخاب گاردین، کتاب‌خانه مدرن و دنیل برت، شاهکار بی‌همتای ارنست همینگوی (۱۸۹۹-۱۹۶۱)، نویسنده آمریکایی و برنده جایزه نوبل ادبیات که سال ۱۹۲۹ منتشر شد.

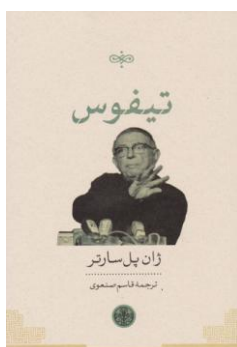
در اوایل ۱۹۱۷، هنری به عشق اعتقاد ندارد و جنگ به‌نظرش ورزشی سرگرم‌کننده می‌آید؛ اما در پایان همان سال، به حقیقت عشق و جنگ پی می‌برد. سادگی بی‌خدشه این رمان، زیبایی کم‌نظیری به آن می‌دهد. هنر همینگوی در این است که موضوعی رمانتیک را به‌طرزی غیررمانتیک نقل می‌کند و این نکته تناقضی بس گیرا به‌وجود می‌آورد که سخت‌گیرترین خواننده‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هنر نویسنده در محسوس گرداندن این تحول به آن سبب است که نه دست به تجزیه و تحلیل می‌زند و نه دست به نقل جمله‌های سنگین و پرمعنی، بلکه فقط به واقعیت و مطالب عینی و روزمره اکتفا می‌کند. اگر هنری تغییر کرده است، به آن سبب است که زیسته و آموخته است. رمان به آن اکتفا می‌کند که آنچه او می‌بیند به ما نشان دهد و ملاحظات او را منعکس کند. خواننده، قهرمان داستان را گام به گام دنبال می‌کند و نرم نرم، بدون آشفتنگی، به‌جایی می‌رسد که او را دوست بدارد و خود را جای او بگذارد. سرانجام باید گفت سبک همینگوی چنان نرم و هموار است که هیچ تلاش و تقلایی را نشان نمی‌دهد. این سبک که در آن زمان انقلابی تلقی

می‌شد، نویسندگان بسیاری، به‌خصوص آمریکاییان را تحت تأثیر قرار داد. همه آن‌ها کوشیدند، در حد توان خود از همینگوی تقلید کنند، ولی بیهوده بود. چون همینگوی تجربه بی‌همتای خود را دارد. زیستی صادقانه که برخلاف معمول، به نوشته‌هایش طبیعی بودنی ستایش‌انگیز می‌بخشد. گفت‌وگوها و سرگذشت‌ها در یکدیگر حل می‌شوند و به گونه ای تحسین برانگیز زلال، جریان می‌یابند.



معرفی کتاب هستی و نیستی اثر ژان پل سارتر، بدون شک یکی از تاثیرگذارترین کتاب‌های فلسفی قرن بیستم است. این کتاب که به عقیده بسیاری، اصلی‌ترین اثر یکی از تاثیرگذارترین متفکرین سده است، مسیر حرکت فلسفه غرب را به شکل چشمگیری تغییر داد. شیوه نو و انقلابی این اثر ارزشمند که از آن به‌عنوان «کتاب مقدس آگزیستانسیالیسم» نیز یاد می‌شود، تمامی پندارهای سابق درباره ی ارتباط هر فرد با دنیای پیرامونش را به چالش کشید و تاثیرش بر فرهنگ و ادبیات، آتی و جهان شمول بود. این تاثیر، در تناثر معنا باختگی ساموئل بکت و اشعار روح پرور شاعران نسل بیت (Beat Generation) نمود دارد.

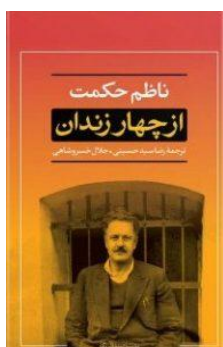
هستی و نیستی، یکی از آن معدود کتاب‌هایی است که تاثیرش بر طرز تفکر نسل‌های بعد، بسیار واضح و آشکار است و با وجود گذشت حدود هفتاد سال از اولین انتشارش، همچنان پیامی قدرتمند و پرنفوذ دارد. این اثر گران‌بها نوشته ژان پل سارتر، مخاطبین را به چالشی برای روبه‌رویی با مسائل اساسی بشر از قبیل آزادی، انتخاب، مسئولیت و عمل دعوت می‌کند.



کتاب تیفوس نیز اثری دیگری از ژان پل سارتر است که نخستین بار در سال ۱۹۴۳ انتشار یافت. داستان این اثر که در مالزی تحت سلطه بریتانیا می‌گذرد، ماجرای زندگی دو شخصیت را پی می‌گیرد: ژرژ که سابقاً دکتر بوده اما اکنون به پایین‌ترین طبقات اجتماعی جامعه‌ای استعمارزده تعلق دارد، و نیلی، خواننده‌ای سطح پایین در کلاب‌های شبانه که شریک زندگی‌اش پس از ابتلا به بیماری تیفوس که در سراسر کشور پخش شده، جان‌ش را از دست داده است. این کتاب علاوه بر پرداختی گزنده و تاثیرگذار به مسائل نژادی و استعمار، داستان عاشقانه‌ای پرفراز و نشیب و همچنین، حکایتی هستی‌گرایانه درباره ارزش‌ها و ضدارزش‌های اخلاقی است و مشابهت‌های شگفت‌انگیزی با شاهکار آلبر کامو، رمان «طاعون»، دارد.



ادبیات ترکیه برای شهروندان کتابخوان ایرانی ناآشنا نیست. ناظم حکمت یا یاشار کمال، شاعران و نویسندگانی هستند که در جهان معروفند.

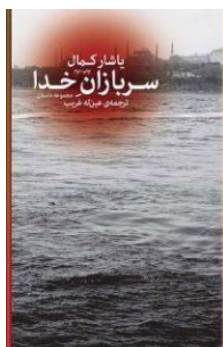


اگر زندگی‌نامه شاعر کتاب «از چهار زندان»، یعنی ناظم حکمت را بخوانید، متوجه می‌شوید که او چرا شاعر شده است. کسی که در ۲۷ سالگی به ۳۵ سال زندان محکوم می‌شود و سال‌ها از عمرش را در یک سلول کوچک، بدون هیچ ملاقاتی سپری می‌کند، چاره‌ای جز شاعر شدن ندارد.

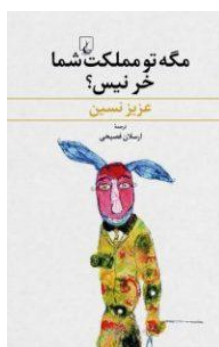
ناظم حکمت در شهری از یونان که آن زمان جزو امپراتوری عثمانی بوده به دنیا می‌آید و از سن ۱۴ سالگی سرودن شعر را آغاز می‌کند. او در جوانی هنگام سفر به آنکارای امروزی، برای اولین بار با زندگی نکبت‌بار زنان و کودکان گرسنه، برهنه و بیمار وطن خود آشنا می‌شود و تا پایان عمر صحنه‌هایی را که دیده است فراموش نمی‌کند. به همین خاطر است که بخش قابل توجهی از اشعارش الهام گرفته از وضعیت زندگی مردم است و سادگی و روانی برآمده از ادبیات مردم عادی را دارد.

کتاب «از چهار زندان» به سروده‌های ناظم حکمت در دوره زندانی بودنش اختصاص دارد و حاوی آخرین شعرهای سروده شده توسط این شاعر می‌شود. این کتاب به دو بخش کلی از جمله «از چهار زندان» و «آخرین شعرها» تقسیم شده و در ابتدای کتاب نیز زندگی‌نامه مفصلی از ناظم حکمت آمده که چگونگی شکل‌گیری و سرایش برخی شعرهایش را برای مخاطب شرح می‌دهد.

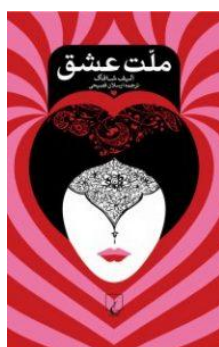
ناظم حکمت یکی از معروف‌ترین شاعران معاصر ترکیه است که بسیاری از سروده‌هایش در ترکیه اجازه انتشار نیافت اما به بسیاری از زبان‌ها از جمله فارسی ترجمه شده‌اند.



در میان انبوه رمان‌ها و مجموعه داستان‌هایی که یاشار کمال، نویسنده پرآوازه کرد نوشته، «سربازان خدا» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. او که همواره در تمامی آثارش توجه ویژه‌ای به کودکان و مشکلات آن‌ها داشته، داستان‌های این کتاب را به‌صورت اختصاصی حول محور مسائل مربوط به کودکان نوشته و حاصل گفت‌وگویش با چندین کودک کار و خیابان را در ۸ داستان که در واقع هر یک همچون یک مستند است جمع‌آوری کرده است. یاشار کمال این هشت گزارش را در سال ۱۹۷۸ نوشته و در ابتدای کتاب نیز تاکید کرده که تمامی هشت داستان این کتاب - اگر بشود داستان نامیدشان - براساس مصاحبه‌های حضوری و مستند شخص نگارنده شکل گرفته‌اند و همه شخصیت‌ها و موقعیت‌های کتاب واقعی هستند. البته یاشار کمال خودش هم کودکی بسیار سختی را پشت سر گذاشته است. او در تصادفی چشم راستش را از دست داد و در پنج سالگی شاهد قتل پدری به دست فرزندخوانده‌اش در مسجدی در روز عید قربان بود. یاشار کمال مانند بسیاری از نویسندگان کرد ترکیه با محدودیت‌های زیادی از سوی حکومت روبرو شد و چندین سال از عمرش را در زندان سپری کرد.



«من از شما می‌پرسم یه خر دو هزار و پونصد لیره می‌ارزه یا نه؟ چی بگم والله. نمی‌دونم آخه... خب، اگه خر با کمالاتی باشه، شاید اون قدر بیرزه. کدوم کمالات حضرت آقا، دارم می‌گم خر قرار نیست سخنرانی بکنه که! یه خر معمولی! تازه، هم گر و هم پیر... دو هزار و پونصد لیره فروختش به یارو!» عزیز نسین یکی از جالب‌ترین نویسندگان ترکیه است. نویسنده‌ای که در زندگی‌اش از بقالی، دست‌فروشی و حسابداری تا عکاسی و روزنامه‌نگاری را تجربه کرده و در نهایت به‌عنوان یک نویسنده اسم خود را در ادبیات ترکیه ثبت کرده است. این ویژگی وی، یعنی تجربه شغل‌ها و موقعیت‌های متفاوت، به شیوه کاری او به عنوان یک نویسنده هم سرایت کرده بود. عزیز نسین در طول زندگی ادبی خود در بیش‌تر حوزه‌های ادبیات فعالیت کرد و از داستان کوتاه و رمان و نمایش‌نامه گرفته تا نقد و تفسیر و شعر در کارنامه ادبی‌اش به چشم می‌خورد. اما عزیز نسین، نامی است که در ادبیات ترکیه با طنز و فکاهه هم‌نشین است. او که همواره در نقش یک منتقد، شاهد و روایتگر تحولات عصر خود بوده، در این کتاب نیز با زبانی طنز و منتقدانه داستان‌هایی در انتقاد به شرایط ترکیه و ناهنجاری‌های آن نوشته است. مجموعه داستان «مگه تو مملکت شما خر نیست؟» یکی از مهم‌ترین کتاب‌های این نویسنده است، چرا که حاصل بهترین داستان‌های نیم قرن نویسندگی او به انتخاب خودش است. او معتقد است این کتاب جمعی از تمام نوشته‌های پرتعدادش طی این سال‌هاست و شامل بهترین کارهایش می‌شود. پس اگر می‌خواهید داستان‌هایی با حال و هوای طنز بخوانید که هم سرگرم‌تان کند و هم شما را به فکر فرو ببرد، مجموعه داستان «مگه تو مملکت شما خر نیست؟» یکی از بهترین گزینه‌هاست.

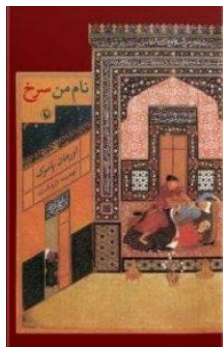


«ملت عشق» پرفروش‌ترین کتاب تمام دوران‌ها در ترکیه است که بیش از ۵۰۰ مرتبه در ترکیه به تجدید چاپ رسیده است. کتابی که توسط الیف شافاک، یکی از معروف‌ترین نویسندگان ترکی در سراسر جهان نوشته شده و با به دست آوردن جوایز زیاد برای نویسنده‌اش، موجب شهره جهانی این کتاب شده است. «ملت عشق» پس از ترجمه و چاپ در ایران نیز به سرعت به یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های بازار کتاب ایران تبدیل شد.

«ملت عشق» داستان عشق و رهایی است. روایتگر زندگی یک‌نواخت زنی در غرب که درگیر اندیشه‌های عرفانی شرق می‌شود. «اللا روبینشتاین» چهل ساله، در بیست سال زندگی زناشویی‌اش هیچ‌چیز جز زندگی روزمره را تجربه نکرده است. تنها دلیل و عاملی که سمت و سوی زندگی‌اش را تعیین می‌کند خانه و آسایش خانواده‌اش است. تا این‌که بعد از بیست سال زندگی مشترک یک روز صبح تصمیم می‌گیرد خود را از بند این زندگی آزاد کند و سفری بی‌بازگشت را آغاز کند. شاید عشق تنها دلیلی است که الا را از زندگی آرام و تکراری‌اش جدا کرده و در مسیری پر تلاطم قرار می‌دهد.

نویسنده در این کتاب دو داستان موازی و گویا را روایت می‌کند که هر دو در نقطه‌ای کانونی به نام عشق به هم می‌رسند. یکی از این داستان‌ها در حال حاضر اتفاق می‌افتد و دیگری در قرن سیزدهم. یکی داستان مولانا است که با معلم معنوی خود، درویش رقصانی به نام شمس تبریزی مواجه می‌شود و دیگری درباره اللا روبینشتاین.

همان‌طور که می‌بینیم کتاب‌های شافاک از فرهنگ‌ها و سنت‌های ادبی گوناگون، تاریخ، فلسفه، عرفان و سیاست‌های فرهنگی می‌گویند. او که حالا علاوه بر نویسنده بودن، یک فعال سیاسی هم محسوب می‌شود، مطالبش در روزنامه‌ها و مجلات بزرگ مانند گاردین، نیویورک تایمز، ایندپندنت و ... منتشر می‌شود. از او خواندن کتاب «شیر تلخ» را هم می‌شود توصیه کرد.



انتخاب یک کتاب از میان همه شاهکارهایی که اورهان پاموک نوشته و به خاطرش صدها جایزه ادبی گرفته، کار بسیار سختی است.

«نام من سرخ» در سال ۲۰۰۶ برنده جایزه نوبل ادبی شد و شهره‌ای جهانی برای نویسنده‌اش به ارمغان آورد. کتابی که به ۶۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده و رگه‌هایی از اثرپذیری از فرهنگ و ادبیات ایران در آن به چشم می‌خورد. خود پاموک در این خصوص می‌گوید: «زمانی که کتابم را نوشتم از خواندن شاهنامه و خسرو و شیرین لذت می‌بردم.» نویسنده در این کتاب، تاریخ ترکیه را در زمان امپراتوری عثمانی و نقاط مشترک تاریخ ایران و ترکیه را به تصویر کشیده است. در این اثر مفاهیمی چون عشق، خشونت، حسادت و... به ظرافت هرچه تمام تر بیان شده است. از جمله انگیزه‌های پاموک برای خلق این اثر، بازآفرینی داستان‌های ادبیات کلاسیک بوده است، در این رمان از کتاب‌های مشهور در فرهنگ اسلامی نام برده شده است، کتاب‌هایی که بیش‌تر آن‌ها از جمله آثار فاخر ادبیات فارسی بوده است، آثاری چون فردوسی و نظامی. پاموک همچنین در مصاحبه‌ای که با مجله نافه داشته، گفته به دلیل علاقه و آفری که در دوران نوجوانی و جوانی به نقاشی داشته، بعدها که نویسنده معروف ترک شده است سعی بر آن داشته تا اثری را خلق کند که در آن به شرح لذات نقاشی و عقاید نقاشان بپردازد.

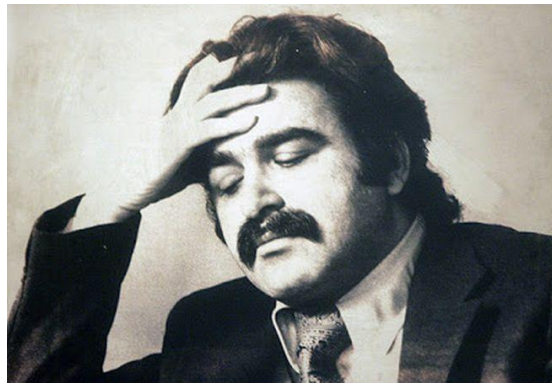
ادبیات ایران در منطقه و جهان، جایگاه خود را دارد. نویسندگان ایرانی، در ممالک دیگر و از سوی نویسندگان و خوانندگان کشورهای دیگر شناخته شده‌اند.



صادق هدایت داستان‌نویس، مترجم و روشنفکر ایرانی در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۲۸۱ متولد شد. هدایت در تاریخ ادبیات کشور ما نقش بسیار مهمی دارد به طوری که عنوان یکی از پدران داستان‌نویسی نوین ایرانی را از آن خودش کرده است.

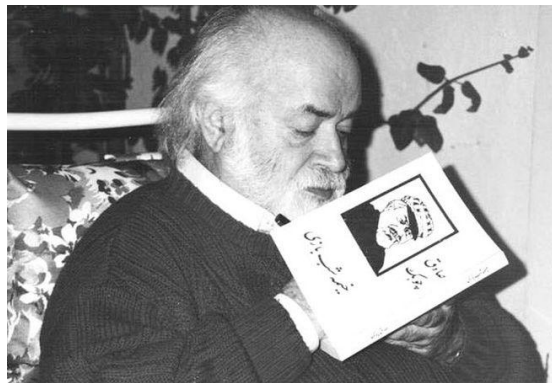
رمان کوتاه «بوف کور» که به سبک فراواقع نوشته شده جزء مهم‌ترین آثار صادق هدایت برشمرده می‌شود. این رمان شهرت جهانی دارد و به خیلی از زبان‌های دنیا نیز ترجمه شده است.

آثار هدایت عبارتند از: رباعیات خیام، فواید گیاهخواری، زنده بگور، پروین دختر ساسان، سایه مغول، اصفهان نصف جهان، سه قطره خون، نیرنگستان، سایه روشن، مازیار، البعثه الاسلامیه الی البلاد الافرنجیه، وغوغ ساهاب، ترانه‌های خیام، بوف کور، سگ ولگرد، علویه خانم، ولنگاری، حاجی آقا، افسانه آفرینش، توپ مرواری و ...



غلامحسین ساعدی یکی دیگر از نویسندگان معروف ایرانی هست که در تاریخ ۲۴ دی ۱۳۱۴ در تبریز متولد شد. این نویسنده بزرگ ایرانی که پزشک هم بود اسم مستعار «گوهر مراد» را برای خودش انتخاب کرد.

مهم‌ترین آثار غلامحسین ساعدی عبارتند از آی باکلاه آی بی کلاه، چشم در برابر چشم، مار در معبد، شب‌نشینی باشکوه، عزاداران بیل، دندیل، گور و گهواره، واهمه‌های بی‌نام و نشان، ترس و لرز، مقتل، توپ، تاتار خندان، غریبه در شهر، گاو و ...

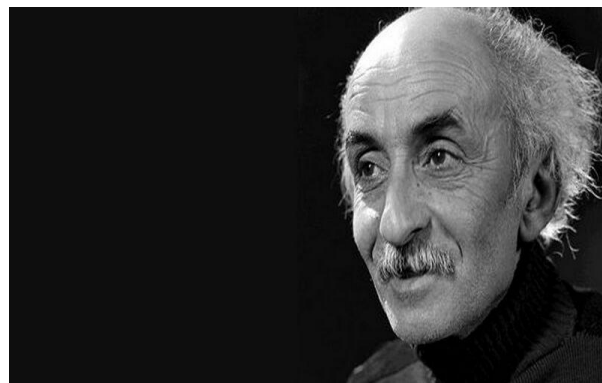


صادق چوبک داستان‌نویس بزرگ ایرانی در تاریخ ۱۴ تیر ۱۲۹۵ در بوشهر متولد شد. چوبک هم از نظر منتقدین ادبی یکی دیگر از قطب‌های داستان‌نویسی نوین ایران معرفی شده.

مهمترین آثار صادق چوبک به نام های انتری که لوطیش مرده بود، تنگسیر و سنگ صبور از شهرت جهانی برخوردارند. چوبک در اکثر داستان هاش به زندگی مردمی عامی و فقیر می پردازد که اسیر نادانی، خرافه پرستی و اعتقادات بی پایه هستند. دیگر آثار مهم صادق چوبک عبارتند از خیمه شب بازی، روز اول قبر، چراغ آخر، قفس ... و

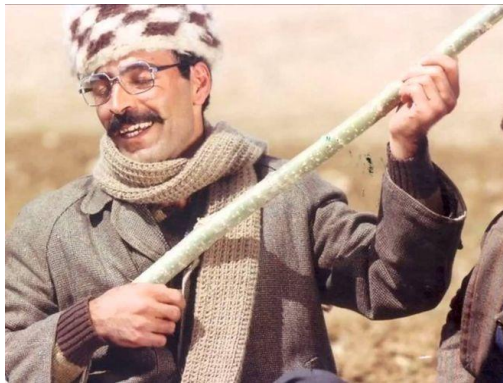


سیدمجتبی آقا بزرگ علوی که به نام بزرگ علوی به شهرت رسید یکی دیگر از نویسندگان معروف ایرانی بود که در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۲۸۲ متولد شد. بزرگ علوی هم از نظر منتقدین آثار هنری یکی دیگر از پدران داستان نویسی ایرانی قلمداد شده است. مهمترین آثار بزرگ علوی عبارتند از چشم هایش، گیله مرد، چمدان، پنجاه و سه نفر، ورق پاره های زندان، میرزا، نامه ها، سالاری ها، موریانه ... و

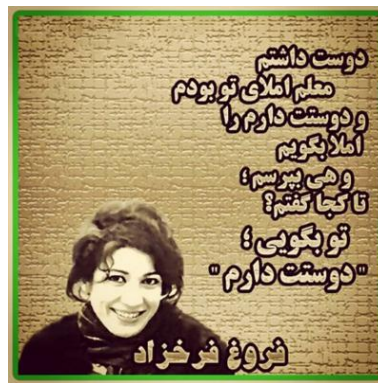


۲۱ آبان ماه ۱۲۷۶ خورشیدی، «نیما یوشیج» در دهکده یوش مازندران پا به عرصه گیتی نهاد. در ۲۰ سالگی از مدرسه عالی سن لویی تهران، فارغ التحصیل و دو سال بعد در وزارت مالیه مشغول به کار شد. نیما در سال ۱۳۰۰ «قصه رنگ پریده» را منتشر کرد. این شعر که در ۵۰۰ بیت و قالب مثنوی سروده شده است، بیانگر احساسات و عواطف نیما و طبیعت گرایی خاص اوست. نیما سپس قسمتی از «افسانه» را در روزنامه «قرن بیستم» میرزاده عشقی (۱۳۰۱) منتشر کرد. این شعر با زمینه ای اجتماعی، سرشار از نوگرایی، تخیل و تمثیل بود. پس از افسانه، نیما شعر «ای شب» را در مجله «بهار» (۱۳۰۲) به چاپ رساند که ادیبان برجسته آن روزگار از آن به عنوان انحطاط ادبیات پرمحتوای قدیم یاد کردند. چندی بعد «محدثیاء هشترودی» کتاب «منتخبات آثار» نیما را در سال ۱۳۰۳ منتشر کرد و این چنین بود که تجدد ادبی با حضور نیما اندک اندک خود را در جامعه ایرانی نمایان کرد. از جمله این کارها وی می توان به «برگزیده شعرهای نیما یوشیج» (۱۳۴۲)، «ماخ اولاً» (۱۳۴۴)، «شعر من» (۱۳۴۵)، «شهر شب، شهر صبح» و «ناقوس» (۱۳۴۶)، «تعریف و تبصره و یادداشت های دیگر» (۱۳۴۸)، «قلم انداز» و «آهو و پرنده ها» (۱۳۴۹)، «توکایی در قفس»، «دنیا، خانه ی من است» (۵۰ نامه از نیما یوشیج)، «نامه های نیما به همسرش عالییه»، «فریادهای دیگر و عنکبوت رنگ» و مجموعه داستان «کندوهای شکسته» (۱۳۵۰)، «کشتی طوفان» (۵۰ نامه دیگر از نیما یوشیج)، «ارزش احساسات و پنج مقاله در شعر و نمایش»، «آب در خوابگاه مورچگان» (مجموعه ۲۲۰ رباعی) و «حرف های همسایه» (۱۳۵۱)، «مانلی و خانه سریویلی» (۱۳۵۲)، «ستاره ای در زمین» (در بردارنده ی چند نامه)، (۱۳۵۴)، «نامه ها» از مجموعه آثار نیما یوشیج (۱۳۶۸) و «برگزیده اشعار و یادداشت های روزانه» (۱۳۶۹) اشاره کرد. شعر نیما که بعداً به آن شعر سپید یا شعر نیمایی گفته شد دارای چارچوب مشخص بود یعنی شاعران تا آن روز یا قصیده و غزل می سرودند و یا قطعه و دیگر قالب هایی که قافیه و ردیف مشخص بود البته محبوبیت شعرهای نیما به

واسطه دید نو نسبت به مضمون و همچنین قالب شعری هم باعث مورد حسادت قرار گرفتن نیما از طرف دیگران و سخت پذیرفتن این دست شعر از طرف استادان شاعر هم عصرش شد.



صمد بهرنگی معلم، منتقد اجتماعی، مترجم، داستان‌نویس و محقق ایرانی در ۲ تیر ۱۳۱۸ در تبریز متولد شد. کتاب ماهی سیاه کوچولو یکی از آثار بسیار مهم صمد است. از دیگر آثار مهم صمد بهرنگی، می‌توان به اولدوز و کلاغ‌ها، اولدوز و عروسک سخن‌گو، کچل گفت‌ریز، پسرک لب‌فروش، پیرزن و جوجه طلایش و... اشاره کرد.



فروغ الزمان فرخزاد، معروف به فروغ فرخزاد و فروغ، شاعر نامدار معاصر ایران است. فروغ زاده ۸ دی ۱۳۱۳ تهران، شاعر نامدار معاصر ایران است. وی پنج دفتر شعر منتشر کرد که از نمونه‌های قابل توجه شعر معاصر فارسی هستند. فروغ فرخزاد در ۳۲ سالگی بر اثر واژگونی اتومبیل درگذشت.

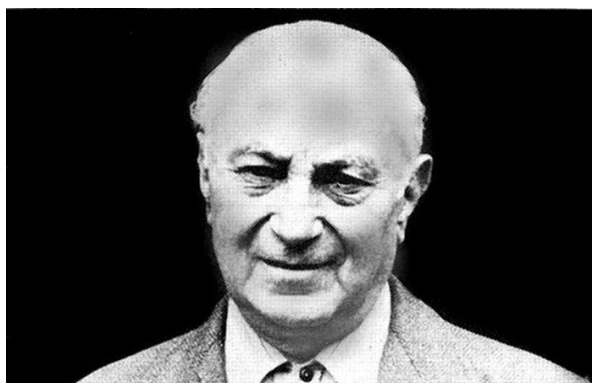
فروغ با مجموعه‌های اسیر، دیوار و عصیان در قالب شعر نیمایی کار خود را آغاز کرد. سپس آشنایی با ابراهیم گلستان، نویسنده و فیلم‌ساز سرشناس ایرانی، با او همکاری کرد. وی در بازگشت دوباره به شعر، با انتشار مجموعه تولدی دیگر، تحسین گسترده‌ای را برانگیخت. سپس مجموعه ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد را منتشر کرد تا جایگاه خود را در شعر معاصر ایران به‌عنوان شاعری بزرگ تثبیت کند. آثار و اشعار فروغ به زبان‌های انگلیسی، ترکی، عربی، چینی، فرانسوی، اسپانیایی، ژاپنی، آلمانی و عبری ترجمه شده‌اند.



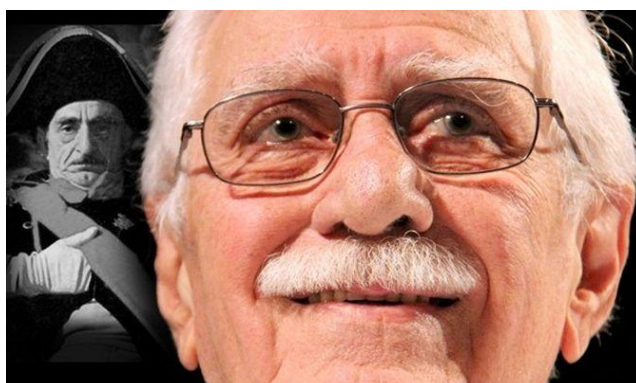
احمد شاملو از چهره‌های سرشناس و نابغه شعر و ادبیات معاصر ایران است. شاملو کسی است که از دوازده سالگی کلمات عوام مردم را نوشت و فرهنگ لغت کوچکی درست کرد. او حتی تحصیلات دانشگاهی هم نداشت و در نوجوانی و جوانی مدام به زندان می‌رفت. با این حال، دو سال مشاور فرهنگی سفارت مجارستان بود. ضمن این که بارها از طرف دانشگاه‌ها و انجمن‌های ادبی کشورهای ایتالیا، سوئد، آلمان غربی و آمریکا برای سخنرانی دعوت‌نامه رسمی دریافت کرد.

وی شاعر، نویسنده، مترجم، پژوهش‌گر و فرهنگ‌نویس برجسته‌ای است که در تمام این زمینه‌ها در بسیاری از محافل ادبی حرف اول و آخر را می‌زند. شاملو از بزرگان شعر مدرن ایران است و سبک شعری ابداع کرده که به نام شعر سپید یا شعر شاملویی معروف است. او جزو معدود شاعرانی است که آثارش به بیش از سیزده زبان دنیا مانند انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، ژاپنی و... ترجمه شده است. شاملو شاعری است که آثارش در تمام دوران‌ها ماندگار و خواندنی است. همان‌طور که شمس لنگرودی می‌گوید کودکی که شادمانه «بارون می‌آد جرجر» را می‌خواند، بزرگ‌تر که شد عاشقانه‌هایش را دست می‌گیرد و در میان‌سالگی با «در آستانه» سر می‌کند.

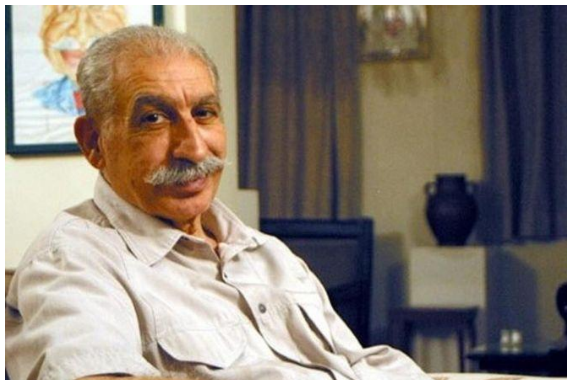
احمد شاملو در ۲۱ آذر ۱۳۰۴ در خانه شماره ۱۳۴ خیابان صفی‌علیشاه تهران متولد شد. در سال ۱۳۳۰ او شعر بلند «۲۳» و مجموعه اشعار «قطع نامه» را به چاپ می‌رساند. در سال ۱۳۳۲ پس از کودتای ۲۸ مرداد با بسته شدن فضای سیاسی ایران مجموعه اشعار آهن‌ها و احساس توسط پلیس در چاپخانه سوزانده می‌شود و با یورش ماموران به خانه او ترجمه طلا در لجن اثر ژینگموند موریس و بخش عمده کتاب پسران مردی که قلبش از سنگ بود اثر موریوکایی با تعدادی داستان کوتاه نوشته خودش و تمام یادداشت‌های کتاب کوچه از میان می‌رود و با دستگیری مرتضی کیوان نسخه‌های یگانه‌ای از نوشته‌هایش از جمله مرگ زنجیره و سه مرد از بندر بی‌آفتاب توسط پلیس ضبط می‌شود که دیگر هرگز به دست نمی‌آید. او موفق به فرار می‌شود اما پس از چند روز فرار از دست ماموران در چاپخانه روزنامه اطلاعات دستگیر شده، به‌عنوان زندانی سیاسی به زندان موقت شهربانی و زندان قصر برده می‌شود. در زندان علاوه بر شعر به نوشتن دستور زبان فارسی می‌پردازد و قصه بلندی به سیاق امیر ارسلان و ملک بهمن می‌نویسد که در انتقال از زندان شهربانی به زندان قصر از بین می‌رود. در ۱۳۳۴ پس از یک سال و چند ماه از زندان آزاد می‌شود و...



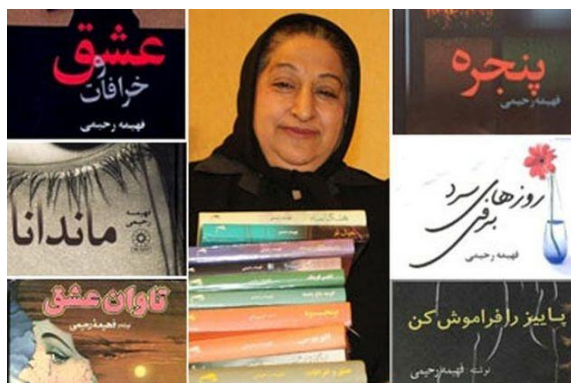
سید محمدعلی موسوی جمال‌زاده نویسنده و مترجم معاصر ایرانی در ۲۳ دی ۱۲۷۰ متولد شد. جمال‌زاده به‌عنوان پدر داستان کوتاه زبان فارسی مطرح شده و آغازگر سبک واقع‌گرایی در ادبیات فارسی به‌شمار می‌آید. این نویسنده معروف ایرانی در سال ۱۹۶۵ جایزه نوبل ادبیات را کسب کرد. آثار مهم محمدعلی جمال‌زاده عبارتند از یکی بود یکی نبود، عمو حسینعلی، دارالمجانین، شاهکار، تلخ و شیرین، فارسی شکر است، قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار، راه آب‌نامه و...



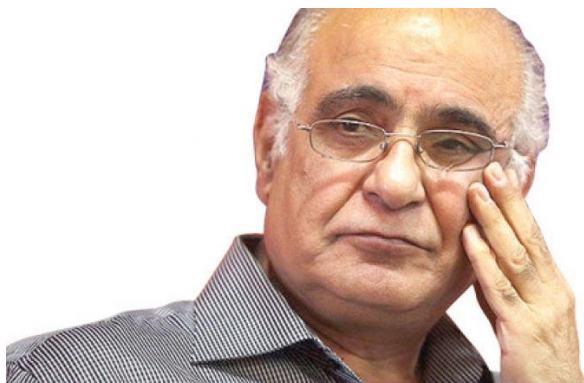
ایرج پزشک‌زاد نویسنده و طنزپرداز ایرانی قرن بیستم در سال ۱۳۰۶ در تهران متولد شد. پزشک‌زاد با خلق اثر معروف دایی جان ناپلئون که تصور ناصر تقوایی به تصویر کشیده شد به شهرت رسید. دیگر آثار مهم ایرج پزشک‌زاد عبارتند از حاج ممجعفر در پاریس، ماشاالله‌خان در بارگاه هارون‌الرشید، آسمون ریسمون، ادب مرد به ز دولت اوست تحریر شد، خانواده اختر نیک، به یاد یار و دیار، شهر فرنگ از همه رنگ و...



نادر ابراهیمی داستان‌نویس معاصر ایرانی در ۱۴ فروردین ۱۳۱۵ در تهران به دنیا آمد. این نویسنده معروف ایرانی علاوه بر داستان‌نویسی به فیلم‌سازی، ترانه‌سرایی، ترجمه، و روزنامه‌نگاری هم اشتغال داشت. مهم‌ترین آثار نادر ابراهیمی عبارتند از با سرودخوان جنگ در خطه نام و ننگ، بار دیگر شهری که دوست می‌داشتم، در سرزمین کوچک من، دور از خانه، قصه گل‌های قالی، سفرهای دور و دراز هامی و کامی در وطن، یک عاشقانه آرام، قلب کوچکم را به چه کسی هدیه دهم؟، آتش بدون دود، سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می‌آمد و...



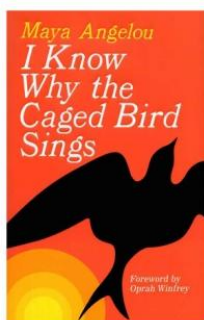
فهیمة رحیمی رمان‌نویس ایرانی، در سال ۱۳۳۱ در تهران به دنیا آمد. بیش‌تر رمان‌های عامه‌پسند و پرمخاطب که در ایران منتشر شده به قلم خانم فهیمة رحیمی نوشته شده‌اند. مهم‌ترین آثار وی عبارتند از پنجره، تاوان عشق، پایبزر را فراموش کن، پریا، سال‌هایی که بی تو گذشت، انتظار، هنگامه، ماندانا، عشق و خرافات، خیال تو، اتوبوس، بانوی جنگل و...



هوشنگ مرادی کرمانی، نویسنده معاصر ایرانی که به خاطر نگارش کتاب‌های کودک و نوجوان یکی از نویسندگان معروف ایرانی شناخته شده در ۱۶ شهریور ۱۳۲۳ در روستای سیرچ بخش شهداد کرمان به دنیا آمد. قصه‌های مجید معروف‌ترین و جذاب‌ترین اثر مرادی کرمانی است. دیگر آثار هوشنگ مرادی کرمانی، عبارتند از خمره، آب انبار، معصومه، چکمه، تنور، مهمان مامان، مربای شیرین، لب‌خند انار و...



زویا پیرزاد نویسنده و داستان‌نویس ایرانی در سال ۱۳۳۱ در آبادان متولد شد. رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم مهم‌ترین اثر این نویسنده است که جوایز متعددی کسب کرده است. دیگر آثار خانم پیرزاد عبارتند از مثل همه عصرها، طعم گس خرمالو، یک روز مانده به عید پاک، عادت می‌کنیم و...



کتاب «می‌دانم چرا پرنده در قفس می‌خواند» (I Know Why the Caged Bird Sings) اثر «مایا آنجلو» عنوان اولین کتاب از مجموعه خودزندگی‌نامه این نویسنده و شاعر آمریکایی-آفریقایی‌تبار است که در سال ۱۹۶۹ منتشر گردید. این کتاب که یک رمان تربیتی و آموزشی است به اوایل زندگی این زن می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه توانایی شخصیت و عشق به ادبیات می‌تواند با نژادپرستی و ضربات روانی ناشی از آن مقابله نماید. داستان کتاب به زمانی اشاره دارد که نویسنده ۳ ساله است و برادر بزرگ‌ترش به جایی فرستاده می‌شود تا با مادر بزرگ‌شان زندگی کند.

پایان کتاب نیز مصادف با ۱۶ سالگی مایا است در حالی که خود او اکنون مادر شده است. تشبیه نام کتاب برگرفته از اتفاقاتی است که برای مایا به وقوع می‌پیوندد و نشان می‌دهد که چگونه از یک قربانی نژادپرستی با مجموع حقارت‌ها، تبدیل به زن جوانی می‌شود که شیوه پاسخ گفتن به تعصبات نژادی را می‌یابد و هیچ‌گاه سر فرود نمی‌آورد. این اثر سبب شد که این نویسنده در سراسر جهان مشهور شود.

او درباره تبعیض نژادی، تجاوز جنسی و کتک خیلی خوب می‌داند، اوج داستان شامل توصیف صحنه‌های رک و پوست کنده و بدون پرده از تجاوز جنسی بود که باعث شد کتاب در برخی کشورها و بود آن در بعضی کتابخانه‌های آمریکا منع شود.

والدین او وقتی که او سه سال داشت طلاق گرفتند. هر دو والدینش زندگی شخصی خیلی خوبی داشتند. در ابتدا پدرش او و برادرش را به خانه مادر بزرگش فرستاد. بعد از چهار سال بچه‌ها به خانه مادرشان در سنت‌لوئیس نقل مکان کردند. «مایا آنجلو» از ضربه‌های مهلک و بی‌رحمانه زندگی نجات پیدا کرد و با وجود شرایط سخت موفق شد استعداد نویسندگی خود را شکوفا کند، که البته این امر تاثیر به‌سزایی در زندگی دیگران داشت.

مایا آنجلو (Maya Angelo) در سال ۱۹۲۸ و در ایالت میزوری چشم به جهان گشود. وی علاوه بر نویسندگی، در حیطه بازیگری، شاعری، فعالیت‌های حقوق بشر و مردم دوستانه نیز نقش به‌سزایی را ایفا می‌کند. وی چندین بار

نامزد جوایز ارزشمندی هم شده است که همین موضوع موجب شد تا نام وی جز یکی از موثرترین زنان سیاهپوست در خاطرات ثبت شود.



«مایا آنجلو» که در خانه‌اش در ایالت کارولینای شمالی درگذشت، استاد دانشگاه و مسلط به شش زبان دنیا بود. وی یکی از چهره‌های درخشان فرهنگ آمریکا محسوب می‌شد که در عرصه‌های مختلف هنری آثار ماندگاری خلق کرد. آنجلو نخستین فیلم‌ساز زن سیاهپوست آمریکا و برنده جایزه «تونی» در حوزه نمایشنامه‌نویسی بود که ده‌ها جایزه در حوزه‌های گوناگون هنر و فرهنگ دریافت کرد.

وی که در مناطق سیاهپوست‌نشین ایالت آرکانزاس بزرگ شده بود، با پذیرش همه سختی‌ها از جمله فقر، به تحصیلات خود ادامه داد و توانست نخستین آلبوم موسیقی‌اش «کلاپسو لیدی» را منتشر کند.

او در همان سال‌ها با اقامت در محله «هارلم» نیویورک به نوشتن داستان و نمایش‌نامه پرداخت.

وی که سال‌ها به تدریس در دانشگاه‌های آمریکا مشغول بود، مدتی را در آفریقا به سر برد و به فعالیت‌های مطبوعاتی و دانشگاهی رو آورد و با «مارتین لوتر کینگ»، رهبر جنبش مدنی سیاهان آمریکا همکاری داشت.

به گزارش لس آنجلس تایمز، «آنجلو» یکی از سرشناس‌ترین صداهای ادبی در نیم‌قرن گذشته در آمریکا بود که بیش از هر چیز با کتاب خاطراتش «می‌دانم چرا پرنده قفسی می‌خواند» در سال ۱۹۶۹ به شهرت رسید. این کتاب نخستین جلد از مجموعه هفت جلدی خود زندگی‌نامه نوشت و او بود که زندگی او را از کودکی‌اش در سال‌های دهه ۱۹۳۰ روایت می‌کرد.

«می‌دانم چرا پرنده قفسی می‌خواند» به موضوعاتی چون نژادپرستی و دردهای خانوادگی در دوران کودکی، نوجوانی و جوانی‌اش می‌پردازد و مدت دو سال در فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌های آمریکا قرار داشت.

«پیش از مرگ فقط یک لیوان آب خنک به من بده» (۱۹۷۱)، «و من همچنان طلوع می‌کنم» (۱۹۷۸) از مجموعه اشعار آنجلو هستند.

آنجلو که طی سال‌ها فعالیت ادبی بیش از ۳۰ مدرک افتخاری دریافت کرد، در سال ۲۰۰۰ مدال ملی هنر را دریافت کرد. در سال ۲۰۰۸ مدال افتخار لینکلون را به گردن آویخت و در سال ۲۰۱۱ مدال آزادی ریاست جمهوری را از باراک اوباما گرفت.

آنجلو زندگی پرتلاطم و سختی داشت، اما در عرصه‌های متعدد هنری، ادبی، سیاسی، اجتماعی، روزنامه‌نگاری و ... فعالیت‌های چشمگیری رقم زد که نامش را ماندنی کرده‌اند.

در این گزارش به چند نقل‌قول الهام‌بخش از خالق «می‌دانم چرا پرنده قفسی آواز می‌خواند» اشاره می‌کنیم تا بیش‌تر به شخصیت و ارزش‌های مایا آنجلو ففید پی ببریم:

* هرگز کسانی که شما برایشان یک گزینه هستید را تبدیل به اولویت خود نکنید.

* اگر چیزی را دوست ندارید، تغییرش دهید. اگر نمی‌توانید، دیدتان را عوض کنید. غر نزنید!

* رنجی بزرگ‌تر از تحمل یک داستان ناگفته در درون نیست.

* به آن‌هایی که خودشان را دوست ندارند اما به من می‌گویند: «دوستت دارم» اعتماد ندارم. ضرب‌المثلی آفریقایی می‌گوید: مواظب باش وقتی برهنه‌ای به تو یک لباس هدیه می‌کند.

* ما از زیبایی پروانه به وجد می‌آییم، اما به ندرت حاضریم تغییراتی که برای رسیدن به این زیبایی متحمل شده را بپذیریم.

* شاید نتوانی تمام اتفاقاتی که برایت رخ می‌دهد را کنترل کنی، اما می‌توانی تصمیم‌گیری از آن‌ها شکست نخوری.

* ماموریت ما در زندگی، تنها زنده ماندن نیست، بلکه کامیابی است؛ پیشرفتی توأم با شور، عشق و کمی طنز و سبکی خاص.

* سعی کن رنگین‌کمانی میان ابرهای یک نفر باشی.

*مردم آنچه تو گفته‌ای و انجام داده‌ای را فراموش می‌کنند، اما هرگز احساسی که به آن‌ها بخشیده‌ای را از یاد نمی‌برند.
 *عشق اعضای خانواده، عشق یک نفر، تاثیری شفاف‌بخش دارد. این عشق زخم‌هایی را که جامعه‌ای بزرگتر، پرجمعیت‌تر و قوی‌تر بر جای گذاشته را درمان می‌کند.
 *هیچ چیز کارگر نمی‌افتد مگر این که تو انجامش دهی.
 *بخشش، یکی از بزرگ‌ترین هدایایی است که می‌توانی به خودت بدهی. همه را ببخش.
 *با دیدن برخورد یک نفر در مقابل سه پدیده می‌توان چیزهایی زیادی درباره‌اش دانست: یک روز بارانی، چمدانی گم‌شده و چراغانی گره‌خورده درخت کریسمس.
 *شجاعت بزرگترین خصلت نیک است، چرا که بدون آن شما برای کسب هیچ‌یک از خوبی‌ها ممارست نمی‌کنید.

در زیر دو سروده این نویسنده ارائه می‌شود:

I Know Why The Caged Bird Sings

می‌دانم چرا پرنده قفسی آواز می‌خواند

پرنده ای رها بر پشت باد جست میزند
 و تا انتهای رود در آسمان شنا میکند
 تا بال‌هایش را در نور خورشید نارنجی رنگ فرو برد
 و جرات می‌یابد بر آسمان مدعی شود

اما پرنده‌ای که در قفس تنگش مغرورانه گام برمی‌دارد
 در پشت میله‌های رنج
 برای باور دشوار بال‌های چیده و پاهای بسته‌اش
 گلویش را برای سر دادن آواز می‌گشاید

پرنده قفسی با لرزش صدایی بی‌مناک
 از ناشناخته‌هایی که همیشه آرزویش را داشته می‌خواند
 و طنین صدایش در دورترین تپه‌ها شنیده می‌شود
 زیرا پرنده قفسی از رهایی می‌خواند

پرنده رها در اندیشه نسیم دیگر نیست
 و بادهای سوداگری که آرام‌آرام از لایلای درختان آه کش می‌وزند
 و کرم چاقی که در سپیده دم روشن یک چمنزار در انتظار اوست
 و او آسمان را از آن خویش نام مینهد

اما پرنده قفسی بر مدفنی از رویاها می‌ایستد
 و سایه‌اش از هجوم بختکی که
 پاهای او را بسته و بال‌هایش را چیده است، فریاد می‌کشد
 از این رو گلویش را برای سر دادن آواز می‌گشاید

پرنده قفسی با لرزش صدایی بی‌مناک از ناشناخته‌هایی که
 همیشه آرزویش را داشته می‌خواند
 و طنین صدایش در دورترین تپه‌ها شنیده می‌شود
 زیرا پرنده قفسی از آزادی می‌خواند

برابری

اعلام می‌کنی که تو مرا به سیاهی می‌بینی
 از شیشه‌ای که نمی‌درخشد

از ایستادن جسورانه‌ام در برابرت
پیراسته با درجه و مجال
نارسا شنیدن از من با توست
بسان زمزمه‌ای گذرا
وقتی که طبل‌های من با پیام‌هایم نواخته می‌شوند
و ریتم‌های آن هرگز تغییر نمی‌یابند
برابری. و من آزاد خواهم بود
برابری. و من آزاد خواهم بود

تو راه مرا گستاخی می‌دانی
که من از انسانی به انسانی پرواز می‌کنم
اما از نگاه تو اگر من سایه‌ای هستم
آیا می‌توانی زمانی بفهمی؟
ما در تاریخی از درد زیسته‌ایم
ما گذشته شرمگین را می‌دانیم
اما من به پیس رفتن ادامه می‌دهم
و تو به آخرین نفری که بیایی و باشی، ادامه می‌دهی
برابری. و من آزاد خواهم بود
و من آزاد خواهم بود

چشم‌بند را از نگاه خود برگیر
گوش‌بند را از گوش خود بردار
و اعتراف کن که گریه‌ام را شنیده‌ای
و ببین که اشک‌های مرا دیده‌ای
زمان را بشنو که وادارت می‌کند
صدای جاری خون در رگ‌های مرا بشنوی
آری، طبل‌های من شبانه می‌کوبند
و ریتم‌های آن هرگز تغییر نمی‌یابند
برابری. من آزاد خواهم بود
برابری. من آزاد خواهم بود.

هفت تاز درباره بازتولید اجتماعی و پندمی کووید ۱۹ -

کالکتیو مارکسیست - فمینیست؛ ترجمه سماء اوریاد

شنبه ۱۱ آوریل - ۲۳ فروردین: ویروس جدید کرونا با شیوع در ۲۱۰ کشور و قلمروی جهان، بیش از یک میلیون و هفتصد هزار تن را مبتلا کرده و جان افزون بر ۱۰۵ هزار تن را گرفته است.

بحران کرونا تضادها و شکاف‌ها و تبعیض‌های درون جامعه‌های مختلف را برجسته کرده و نقدها از اقتصاد سرمایه‌داری را افزایش داده است. دیگر مشخص است کارگران و کارمندی که پایین‌ترین حقوق‌ها را می‌گیرند، ستون فقرات و موتور محرکه اصلی هر جامعه‌ای هستند، و نه طبقه مدیران شرکتی و نخبگان حکومتی. کرونا همچنین نادیده‌انگاری‌های نظری را نیز به شکلی مشابه به صحنه آورده است: از جمله نادیده گرفته‌شدن اهمیت بازتولید اجتماعی در کنار تولید.

درباره مورد آخر، تیتی باتاچاریا، سونیا برومیرگ، آنجلا دیمیتراکاکی، سارا فاریس و سوزان فرگوسن از کالکتیو فمینیست‌های مارکسیست در متن زیر که در هفت تاز صورت‌بندی شده است، به مسئله بازتولید اجتماعی در پرتوی پندمی کووید ۱۹ می‌پردازند.

تاز اول: سرمایه‌داری سودآفرینی را بر حیات‌آفرینی اولویت می‌بخشد: ما می‌خواهیم این امر را معکوس کنیم

این پندمی، و واکنش طبقه حاکم به آن، تصویری روشن و ترازیک از ایده کائونی نظریه بازتولید اجتماعی به دست می‌دهد: اینکه حیات‌آفرینی به الزامات سودآفرینی تن می‌دهد. توانایی سرمایه‌داری برای تولید مایه حیات خود - سود - کاملاً به «تولید» روزانه کارگران وابسته است. این بدان معناست که به روندهای حیات‌آفرینی وابسته است که خود

بر آن‌ها کامل و مستقیم نظارت یا سلطه ندارد. همزمان، منطق انباشت اقتضا می‌کند که مرزها و مالیات‌هایی را که تولید و نگهداری از زندگی را ممکن می‌کند، تا حد امکان پایین نگه دارد. این تضادی فاحش در قلب سرمایه‌داری است. درست کسانی را کوچک می‌شمرد و ارزش کمی برایشان قائل می‌شود که ثروت اجتماعی حقیقی را به‌وجود می‌آورند: پرستاران و دیگر کارگران در بیمارستان‌ها و بخش درمان، کارگران بخش کشاورزی، کارگران کارخانجات مواد غذایی، کارکنان سوپرمارکت‌ها و پیک‌های تحویل غذا، ماموران جمع‌آوری زباله، معلمان، پرستاران کودکان و پرستاران سالمندان. این‌ها کارگرانی‌اند در محاصره پیش‌فرض‌های نژادی و جنسیتی که سرمایه‌داری با مزد اندک و اغلب اوقات شرایط کاری خطرناک تحقیرشان می‌کند و بر آن‌ها داغ می‌نهد. در عین حال، پاندمی فعلی آشکار می‌کند که جامعه بدون آن‌ها سرپا نمی‌ماند. جامعه همچنین با وجود شرکت‌های دارویی که برای منافعشان رقابت می‌کنند و از حق ما به زنده ماندن بهره می‌برند نمی‌تواند سرپا بماند. و مشخص است که «دست نامرئی بازار» تاسیسات زیربنایی به‌وسعت سیاره در بخش سلامت - که پاندمی فعلی نشان می‌دهد بشریت بدان نیاز دارد - احداث و راه‌اندازی نخواهد کرد.

بدین ترتیب، بحران سلامت سرمایه را وادار کرده تا بر حیات و کار حیات‌آفرین مانند مراقبت درمانی، مراقبت اجتماعی، تولید و توزیع غذا متمرکز شود. ما خواستار آنیم که این تمرکز حتی زمانی که پاندمی پایان یافت، ادامه پیدا کند تا سلامت، آموزش و سایر فعالیت‌های حیات‌آفرین کالزهایی شود و در دسترس همگان قرار گیرد.

تاز دوم: کارگران بازتولید اجتماعی کارگران ضروری‌اند: ما خواستار به رسمیت شناختن آن‌ها با همین تعبیر برای همیشه هستیم.

در حالی که اکثر شرکت‌های تولید کالا دیده‌اند که چه‌طور سود و ارزش سهام‌شان با کمبود کارگران به‌طور فزاینده‌ای کاهش می‌یابد، خود را مدیون سازمان‌های مردمی، گروه‌ها، خانوارها و افراد می‌دانند. اما با توجه به این‌که سرمایه‌داری نیاز دارد تا سودآفرینی را بر حیات‌آفرینی اولویت ببخشد، این سازمان‌ها، گروه‌ها، خانوارها و افراد به‌ندرت آماده مواجهه با این چالش‌ها هستند. تنها کووید ۱۹ نیست که به کارگران بخش‌های درمان، حمل و نقل عمومی و خواروبارفروشی‌ها، اعضای داوطلب گروه‌های مختلف و دیگران آسیب زده است؛ نتیجه سال‌های سال اوراق‌سازی خدمات اجتماعی ضروری به‌نام ریاضت اقتصادی همین می‌شود که تعداد نیروهای کار بازتولیدی را از گذشته کمتر است و سازمان‌های اجتماعی منابع کمتر و نازل‌تری در اختیار دارند.

بسیاری از دولت‌های سرمایه‌داری و بنگاه برای این‌که دهه‌ها غفلت را در یک بحران جبران کنند، - گرچه تنها موقتاً و تا اندازه‌ای - درکار بازاولویت‌بندی هستند. آن‌ها برای خانوارها چک می‌فرستند، حق بیمه بیکاری بی‌ثبات‌کارها را تمدید می‌کنند، و به تولیدکنندگان خودرو فرمان می‌دهند که از تولید خودرو به تولید ماسک و دستگاه تنفس تغییر برنامه دهند. در اسپانیا، دولت موقتاً کنترل بیمارستان‌های سودمحور را برعهده گرفت؛ در آمریکا شرکت‌های بیمه در حال پرداخت هزینه‌های مشترک برای تست کووید ۱۹ هستند. این امر علاوه بر مسائل دیگر نشان می‌دهد وقتی اراده سیاسی در کار باشد، چه‌قدر منابع آماده و متعددی برای تامین نیازهای مردم وجود دارد.

ما خواستار آنیم که کارگران در بخش‌های بازتولید اجتماعی، پرستاران، نظافت‌چیان بیمارستان‌ها، رفتگران، تهیه‌کنندگان غذا و کارمندان سوپرمارکت دائماً به‌خاطر سرویس‌های اساسی و نقشی که دارند به رسمیت شناخته شوند و مزد، منفعت و اعتبار اجتماعی‌شان بهبود یابد تا بازتاب اهمیت کاری باشد که برای ابقای جامعه انجام می‌دهند.

تاز سوم: ضامن مردم باشید نه بانک‌ها

حاکمان ما منابع بسیاری برای ضمانت کسب‌وکارها اختصاص می‌دهند، به این امید که فروپاشی مطلق ارزش سرمایه‌داری را به عقب بیندازند. به یاد بیاوریم همان سودهای حاصل‌شده به‌واسطه نیروی کار را که کار بازتولید اجتماعی فراهم می‌کند. مدیران هتل‌ها و رستوران‌های زنجیره‌ای، شرکت‌های فناوری و هواپیمایی و امثال آن‌ها مشغول تعدیل میلیون‌ها کارگر از سیستم مالی‌شان هستند، در حالی که همزمان بخش زیادی از دستمزدها و سودهای فوق‌نجومی خود را حفظ می‌کنند. دلیلش این است که بنا به اقتضای نظام سرمایه‌داری، تضاد میان زندگی و کار مزدی همواره به‌سود سرمایه حل می‌شود تا به‌سود زندگی مردم.

ما خواستار آنیم که تمام منابع مالی و بسته‌های حمایتی نه برای ادامه فعالیت شرکت‌های سرمایه‌داری که در کار حیات‌آفرین سرمایه‌گذاری شوند.

تاز چهارم: مرزها را باز کنید و زندان‌ها را ببندید

این پندمی در حال وارد کردن آسیبی بسیار جدی به مهاجران و بازداشت‌شدگان است، کسانی که در زندان‌ها یا بازداشتگاه‌هایی با شرایط بهداشتی اسفناک و بدون دسترسی به منابع سلامت گیر افتاده‌اند؛ کسانی که هیچ مدرکی ندارند و در سکوت درد می‌کشند چون می‌ترسند درخواست کمک کنند و دیپورت شوند، کسانی که در بخش فعالیت‌های حیات‌آفرین (مانند مراقبت‌های اجتماعی و سلامتی، کشاورزی و غیره) کار می‌کنند و بیشتر در معرض ابتلا هستند اما چاره‌ای جز سرکار رفتن ندارند (کمبود یا نبود لوازم محافظتی)؛ کسانی که در مناطق ترانزیتی بین کشورها گرفتار

شده‌اند و در تلاشند تا به خانواده‌های خود برسند و کسانی که به دلیل ممنوعیت‌های سفر و تحریم‌ها نمی‌توانند کشورشان را ترک کنند.

چه پندمی باشد چه نباشد، ترامپ تحریم‌ها علیه ایران را نگاه می‌دارد (جایی که تعداد مبتلایان و جان‌باختگان ناشی از ویرس کرونا سر به فلک کشیده است). و نه ترامپ و نه اتحادیه اروپا، هیچ‌یک اسرائیل را تحت فشار قرار نخواهد داد تا به تحریم‌هایی خاتمه دهد که عمده لوازم دارویی مورد نیاز دو میلیون مردم تحت محاصره غزه را به سرقت می‌برد. این واکنش متفاوت به پاندمی سرکوب استعماری و نژادپرستانه‌ای را به کار می‌گیرد و تقویت می‌کند که بخش تاریک و پنهان سرمایه‌داری است.

ما خواستار آنیم که نیازهای درمانی بر هر قانون مهاجرتی مقدم باشد، محکومان بیش‌تر جرایم از زندان فوراً آزاد شوند، وثیقه‌های همدلانه بدیل برای افراد بیمار در نظر گرفته شود و بازداشتگاه‌ها و دیگر نهادهای تامینی که بیش از تقویت زندگی در پی انقیاد آن هستند بسته شود.

تر پنجم: همبستگی سلاح ماست: بیایید از آن علیه سرمایه استفاده کنیم

پندمی به جهان نشان داده که چگونه کارگران از بحران همیشه به واسطه معبر عریض و خلاقانه راهبردهای بقا عبور می‌کنند. برای بسیاری این بدان معنا بوده که به دوستان نزدیک و خانواده خود تکیه کنند. با این همه، برخی به‌اتکای ابتکارات دوجانبه کم‌کسانی از پس بحران برمی‌آیند. بی‌خاتمان‌ها و کسانی که جامعه سرمایه‌داری از بار مسئولیت‌شان شانه خالی کرده است، از جانب اقدامات فهرمانانه داوطلبان بازتولید اجتماعی حمایت می‌شوند که به دیگران چیزی کمتر از حق حیات اعطا نمی‌کنند. اهالی محله‌هایی در بریتانیا در حال راه‌اندازی گروه‌های واتس‌آپی‌اند تا با آسیب‌پذیرترین اقشار در تماس باشند و به آن‌ها در تهیه غذا و دارو کمک کنند. اولیای مدارس مشغول ارسال جیره‌های غذا به خانواده‌های کم‌بضاعتی هستند که فرزندان‌شان مشمول شرایط غذای مجانی می‌شوند. بانک‌های غذایی و خیریه‌ها شاهد افزایش تعداد داوطلبان‌اند. تعداد کمون‌های بازتولید اجتماعی به‌عنوان ضرورتی آنی در حال افزایش است. اما ما درس‌هایی هم از گذشته آموخته‌ایم: ما اجازه نخواهیم داد تا دولت‌های سرمایه‌داری از کمون‌های بازتولید اجتماعی همچون بهانه‌ای برای سلب مسئولیت از دولت استفاده کنند.

ما به‌عنوان فمینیست‌های سوسیالیست باید این موضوع را پیش ببریم و با کار در کنار یکدیگر خواستار تدارک عمومی برای هر آن چیزی باشیم که برای رشد زندگی انسان لازم است. این به‌معنای ایجاد همبستگی میان گروه‌های متفاوتی است که بیش از همه از این شرایط متأثر می‌شوند، اما کمتر از همه به منابع دسترسی دارند. این به‌معنای حمایت از حاشیه‌ای‌ترین اقشار و چانه‌زنی با نهادهایی است که نوعی از منابع اجتماعی را در اختیار دارند - اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های اجتماعی - تا این منابع را با کسانی که از آن بی‌بهره‌اند به اشتراک بگذارند و از آن‌ها حمایت کنند. این به‌معنای مطالبه‌ای است مبنی بر این‌که دولت کار بازتولید اجتماعی را به‌عنوان سنگ بنای هستی اجتماعی به رسمیت بشناسد.

ما خواستار آنیم که دولت‌ها از مردم بیاموزند و هر آن‌چه مردم عادی برای کمک و یاری‌رسانی به یکدیگر انجام می‌دهند عیناً در سیاست‌های خود بگنجانند.

تر ششم: همبستگی فمینیستی علیه خشونت خانگی

اقدامات قرنطینه‌ای که اکثر کشورها برای جلوگیری از شیوع کووید ۱۹ در دستور کار قرار داده‌اند، کاملاً ضروری‌اند، اما در عین حال، تبعات جدی و طاقت‌فرسا برای میلیون‌ها نفری به‌دنبال داشته که در چارچوب روابطی خشونت‌آمیز زندگی می‌کنند. گزارش‌های خشونت خانگی علیه زنان و اعضای جامعه ال‌جی‌بی‌تی در دوران پاندمی چندبرابر شده چرا که قربانیان این خشونت‌ها ناچارند کنار پارتنر یا اعضای خشن خانواده خود بمانند. کمپین‌های «در خانه بمانیم» که مخصوصه ویژه آزار خانگی را در نظر نمی‌گیرند خصوصاً در شرایطی که سال‌ها نئولیبرالیسم افسارگسیخته به قطع منابع مالی خانه‌های امن و خدمات ضدخشونت منجر شده است.

ما خواستار آنیم که دولت‌ها فوراً حمایت مالی از خدمات ضدخشونت را از سر بگیرند و منابع مورد نیاز برای اداره مشاوره‌های تلفنی و اطلاع‌رسانی گسترده درباره آن‌ها را فراهم کنند.

تر هفتم: کارگران بازتولید اجتماعی از قدرت اجتماعی برخوردارند: می‌توانیم از این قدرت برای بازسازماندهی جامعه استفاده کنیم

این پندمی می‌تواند، و بایست، لحظه‌ای باشد که چپ برنامه‌ای مشخص برای حمایت از زندگی ورای سود ارائه کند، به‌گونه‌ای که ما را در فراروی از سرمایه‌داری یاری کند. این پندمی تا همین جا به ما نشان داده که سرمایه‌داری چه قدر به کارگران مزدبگیر و بی‌مزد بازتولید اجتماعی در بیمارستان‌ها و کارهای زیربنایی، در خانوارها و در گروه‌ها نیازمند است. بیایید همواره این قضیه را و قدرت اجتماعی این کارگران را به خودمان یادآوری کنیم. این لحظه‌ای است که ما، به‌عنوان کارگران بازتولید اجتماعی، درون مرزهای ملی‌مان، بر مرزهایی که ما را از هم جدا می‌کنند و در سرتاسر جهان، باید آگاهی خود را از قدرتی که داریم افزایش دهیم.

اگر ما دست از کار برداریم دنیا از کار می‌افتد. این چشم‌انداز می‌تواند پایه و اساس سیاست‌گذاری‌هایی باشد که به کار ما احترام می‌گذارد و نیز پایه کنش سیاسی‌ای باشد که زیربنایی برای برنامه‌ریزی بازسازی ضدسرمایه‌داری می‌سازد؛ برنامه‌ای که در چارچوب آن نه سودآوری که حیات‌آفرینی است که جوامعمان را به پیش می‌راند. (منبع: ژورنال اکسپکتر)

نگاهی به وضعیت طبقه کارگر جهانی با اتکا به گزارش اخیر سازمان جهانی کار

طبق گزارش اخیر سازمان جهانی کار، ترجمه شده از سوی «موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی» تخمین زده شده که ۱/۲۵ میلیارد کارگر (۳۸ درصد از نیروی کار جهان) در بخش‌هایی شاغل شده‌اند که در حال حاضر با کاهش شدید در تولید و ریسک بالای تعدیل نیروی کار روبه‌رو هستند. بخش‌های اصلی شامل کسب و کار خرده‌فروشی، خدمات اسکان و غذا و تولید هستند.

از اولین گزارش رصد سازمان بین‌المللی کار، شدت و فراگیری جهانی بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ افزایش یافته است. این بیماری ۲/۷ میلیارد کارگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد که این تعداد ۸۱ درصد تعطیلی‌های کامل یا جزئی مشاغل در حال حاضر تقریباً از نیروی کار جهان را شامل می‌شود. این درحالی است که تعداد کل کارگران جهان ۳/۳ میلیارد نفر برآورد می‌شود.

در ادامه این گزارش، آمده است: «تعطیلی محل کار در هفته‌های گذشته سرعت زیادی داشته است که ۸۱ درصد از نیروی کار جهانی در کشورهای با تعطیلی اجباری یا توصیه‌ای زندگی می‌کنند. اشتغال در کشورهای با تعطیلی اجباری یا توصیه‌ای ۸۷ درصد از نیروی کار کشورهای با درآمد متوسط به بالا و ۷۰ درصد از نیروی کار در کشورهای با درآمد بالا را شامل می‌شود. اکنون کووید-۱۹ کشورهای درحال توسعه را نیز متاثر می‌کند که منابع و ظرفیت‌های بسیار محدودی دارند.»

شاید یکی از عوامل موثر بر بالا بودن تعطیلی اجباری یا توصیه‌ای در کشورهای با درآمد متوسط به بالا و درآمد بالا همان عواملی است که سرمایه‌داران نتوانسته‌اند ارزان بودن نیروی کار را به آنان تحمیل کنند. در نتیجه در این روزها نیز هرچه بیش‌تر از حق زندگی برخوردار هستند. دلایل به‌همان پیچیدگی است که در گردش سرمایه تعیین‌کننده است. همان عواملی که سرنوشت کارگران به‌عنوان «کارگر ارزان قیمت» رقم زده است. البته که این دلایل جهان‌شمول بوده و به‌مناسبات اقتصادی سرمایه‌دارانه در جهان مربوط است.

در گزارش سازمان بین‌المللی کار، آمده است: «به‌طور ویژه در کشورهای با درآمد پایین و متوسط، بخش‌هایی که شدیداً ضربه خورده‌اند، کارگران زیادی را در بخش‌های غیررسمی و با دسترسی محدود به خدمات بهداشتی و حمایت اجتماعی به خود اختصاص داده‌اند. بدون اقدامات سیاستی مناسب، کارگران در معرض ریسک بالای فقر خواهند بود و چالش بیش‌تری را در بازیابی معیشت خود در دوره بهبود تجربه خواهند کرد. در حقیقت مهم‌نیست در کجای جهان و در کدام بخش، این بحران تاثیر زیادی بر روی نیروی کار دنیا می‌گذارد.» هرچه هست این اعداد و ارقام توصیف‌کننده زندگی جمعیت بزرگ جهان یعنی کارگران است.

کاهش اشتغال در سراسر جهان به‌سرعت در حال افزایش است. در پی بحران‌های اقتصادی سرمایه‌داری پیشین نیز همچون بحران ۲۰۰۹، بحران بیکاری با یک فاصله زمانی رخ داد. کارگران به‌خوبی می‌دانند، بیکاری همیشه یک تهدید از سوی کارفرمایان تلقی می‌شده است تا بتوانند شرایط ناعادلانه کار را از طریق این تهدید بر کارگران تحمیل کنند. اما این همه واقعیت ماجرا نیست. مسئله این است که اقتصاد جهانی با تعطیلی‌های جزئی و کامل کارگران با بحران کاهش تولید ثروت روبه‌رو شده است. بنابراین آنچه در جهان در حال وقوع است، اگرچه یک تهدید برای کارگران خواهد بود؛ چنانچه کارگران بار انواع تهدیدات را در دوره‌های مختلف به دوش می‌کشند؛ اما مسئله اساسی این است که در بحران کنونی، سرمایه‌داران، کسانی که در اغلب مشکلات جامعه سینه سپر می‌کردند با مشکل مواجه شده‌اند و این روزها در اتاق‌های فکر در تکاپوی راه‌حل هستند. راه‌حل‌هایی که شاید الزاماً نتایجی در حد افزایش سیاست‌های رفاهی در پی نداشته باشد.

تازه‌ترین تخمین‌های سازمان بین‌المللی کار بر داده‌های اقتصاد و بازار کار در «ریل تایم» برای پیش‌بینی کاهش ساعت کار در ۳ ماهه دوم سال ۲۰۲۰ متکی است و با مدل «کنون‌بینی» انجام شده است. بر اساس این برآوردها؛ «این بحران یک کاهش بی‌سابقه را در فعالیت اقتصادی و زمان کار ایجاد کرده است. ساعات کاری در ۳ ماهه فعلی (۳ ماهه دوم) تا حدود ۶/۷ درصد کاهش خواهد یافت، که معادل ۱۹۵ میلیون کارگر تمام وقت است (با فرض ۴۸ ساعت کار در هفته). این نشان می‌دهد که بسیاری از کارگران با کاهش درآمد و فقر مواجه می‌شوند، آن‌ها حتی اگر بتوانند فعالیت‌های جایگزین را پیدا کنند (مثلاً بازگشت به کشاورزی در یک ناحیه روستایی). بیش‌ترین کاهش در کشورهای متوسط به بالا دیده می‌شود، اما این تاثیر در همه گروه‌های درآمدی مشابه است.»

بر اساس جدولی که در گزارش سازمان بین‌المللی کار آمده است؛ سهم ساعات کاری کاهش یافته در ۳ ماهه فعلی (۳ ماهه دوم) بر کشورهای کم‌درآمد معادل ۱۲ میلیون کارگر تمام وقت و برای کشورهای با درآمد پایین‌تر از متوسط و کشورهای با درآمد بالاتر از متوسط به ترتیب معادل ۷۰ و ۸۵ میلیون کارگر تمام وقت و در کشورهای با درآمد بالا

معادل ۳۰ میلیون کارگر تمام وقت است. این اعداد به تفکیک سهم قاره‌ها برای آفریقا ۱۹، آمریکا ۲۴، کشورهای عربی ۵، آسیا و اقیانوسیه ۱۲۵، اروپا و آسیای مرکزی ۲۰ اروپا ۱۲ است.

شاید بتوان پایین بودن ارقام مربوطه در کشورهای با درآمد بالا و درآمد پایین را یکی در «مهاجرت سرمایه به کشورهای با نیروی کار ارزان» و دومی در «نبود امنیت سرمایه‌گذاری» دانست.

در گزارش سازمان جهانی کار، آمده است: «افزایش نهایی بیکاری جهانی در ۲۰۲۰ اساساً به سرعت بهبود اقتصاد در نیمه دوم سال و میزان موثر بودن اقدامات سیاستی در جهت افزایش تقاضای کار بستگی خواهد داشت. همان‌طور که مشخص است، ریسک بالایی وجود دارد که افزایش نرخ بیکاری جهانی در انتهای سال بسیار بالاتر از تصور اولیه (۲۵ میلیون) در اولین گزارش رصد سازمان بین‌المللی کار خواهد بود. احتمالاً کاهش تولید برای بسیاری از شرکت‌ها مخرب و دارای اثر طولانی مدت خواهد بود، مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه که فضای مالی برای تحریک اقتصادی محدود است.»

بحران کارفرمایان اگر نزول ارزش سهامشان باشد، کارگران با بحران زنده‌ماندن درگیر هستند. زنان بیش‌تر از مردان در معرض خطر هستند. طبق گزارش سازمان بین‌المللی کار؛ «در کل جهان، ۱۳۶ میلیون نیروی کار در بخش سلامت انسان و فعالیت‌های اجتماعی وجود دارد، از جمله پرستاران، پزشکان، سایر کارگران بهداشت و کارگران خدمات از جمله کارگران قسمت لباس‌شویی و تمیزکاری که بسیار در معرض خطر هستند. تقریباً ۷۰ درصد از مشاغل در این بخش به عهده زنان است.»

این گزارش می‌افزاید: «با توجه به این ارزیابی، می‌توان تعدادی از بخش‌های اقتصادی اصلی را شناسایی کرد که از افت شدید تولید رنج می‌برند، از جمله خدمات اسکان و غذا، تولید، خرده‌فروشی و عمده‌فروشی و املاک و مستغلات و فعالیت‌های تجاری این بخش‌ها نیازمند افراد زیادی هستند و میلیون‌ها کارگر کم درآمد و غیرماهر را به‌خصوص در مورد خدمات اسکان و غذا و خرده‌فروشی استخدام می‌کنند. معمولاً ریسک‌های اقتصادی برای کارگران این بخش‌ها تحمل‌ناپذیر و سخت است.»

در جدول زیر که در ترجمه موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی آمده است؛ مشاغل آسیب‌پذیر و سهم زنان از این مشاغل آمده است.

جدول ۴. کارگران در معرض خطر، چشم‌انداز بخشی

بخش اقتصادی	تاثیر فعلی این بحران بر روی تولید اقتصادی	وضعیت اشتغال بینا (برآوردهای جهانی برای سال ۲۰۲۰ قبل از کوید-۱۹)
		سهم در اشتغال (۲۰۱۹) سهم در اشتغال جهانی (۲۰۱۹) نسبت اشتغال به میانگین درآمد منطقه (بخش میانگین کل درآمد)
تولید	پایین	۱۹۶۵۰
فعالیت‌های بهداشتی و کار اجتماعی	پایین	۱۳۶۴۴
وزارت دفاع ملی، تامین اجتماعی اجباری	پایین	۱۴۴۴۱
خدمات رفاهی	پایین	۲۶۵۸۱
کشاورزی جنگل‌داری و ماهیگیری	پایین-متوسط	۸۸-۳۷۳
ساخت و ساز	متوسط	۲۵۴۴۱
فعالیت‌های مالی و بیمه	متوسط	۵۳۳۴۴
معن و استخراج معادن	متوسط	۲۱۹۱۴
فروش سرگرمی و تفریح و سایر خدمات	متوسط-بالا	۱۷۸۵۷
حمل‌ونقل، انبار و ارتباطات	متوسط-بالا	۲۰۲۲۱۷
خدمات اسکان و غذا	بالا	۱۴۴۶۱
املاک و مستغلات، فعالیت‌های تجاری و اداری	بالا	۱۵۶۷۸
تولید	بالا	۲۶۴۰۹۱
کسب‌وکار عمده‌فروشی و عمده‌فروشی عمده و پیمانکاران مهندسی و مهندسی	بالا	۲۸۱۹۵۱

توجه: ارزیابی داده‌های «آیل‌تیم» مالی و داده‌های مالی بخش‌های اصلی کار در مورد برآوردهای توزیع بخشی استخدام بخش‌هایی را نشان می‌دهد که شامل رنج‌های هستند که از راه‌های مختلف تاثیر پذیرفته‌اند.

طبق این گزارش؛ «۱/۲۵ میلیارد کارگر در سراسر جهان در این بخش‌ها (مشاغل آسیب‌پذیر) مشغول به کارند، که تقریباً ۳۸ درصد از نیروی کار در کل جهان را شامل می‌شود.» با توجه به این‌که بسیاری از این کارگران در کشورهایی زندگی می‌کنند که از حق تشکل و کمترین حقوق برخوردار نیستند، به‌نظر می‌رسد این کارگران از لحاظ کاهش دستمزد و اخراج گسترده جزو آسیب‌پذیرترین کارگران به حساب بیایند. این کارگران به اندازه کارگران صنعتی در این کشورها نیز قدرت اعمال حقوق خود را ندارند.

در گزارش سازمان بین‌المللی کار می‌خوانیم:

در میان بخش‌هایی که بیش‌ترین تأثیرات را گرفته‌اند، بخش کسب و کار خرده‌فروشی و عمده‌فروشی بیش‌ترین سهم کارگران را نشان می‌دهد، کارگرانی که حقوق کم دریافت می‌کنند و تحت حمایت نیستند. این گروه ۴۸۲ میلیونی، شامل صندوق‌داران، سهام‌داران، مغازه‌داران و کارگران مشاغل مرتبط می‌باشد. کارگران این بخش که در فعالیت‌های ضروری مشغول به‌کار هستند (مثلاً توزیع غذا) ممکن است به کار ادامه دهند، اما با ریسک سلامت شغلی بیش‌تری

مواجه خواهند شد. کارگران مشاغل غیرضروری با تعطیلی‌های گسترده و کاهش‌های حاد در اشتغال و ساعات کار مواجه می‌شوند.

بخش خدمات اسکان و غذا با ۱۴۴ میلیون کارگر نیز شدیداً کامل در بعضی از کشورها و شیب تند کاهش تقاضا در شرایط ادامه فعالیت مواجه است. بیش از نیمی از این کارگران را زنان تشکیل می‌دهند.

بخش تولید، که ۴۶۳ میلیون کارگر را استخدام می‌کند، در بعضی از بخش‌ها ضربه شدید می‌بیند، زیرا به کارگران گفته می‌شود در خانه بمانند، کارخانه‌ها تعطیل می‌شوند و زنجیره عرضه جهانی تا مدتی متوقف می‌شود. اقدامات قرنطینه، تعطیلی مغازه‌های خرده‌فروشی، لغو سفارشات و کاهش حقوق در صنایع اصلی مانند اتومبیل و منسوجات، پوشاک، چرم و کفش سرکوب تقاضا به حساب می‌آیند.

حمل‌ونقل، انبار و صنعت ارتباط ۲۰۴ میلیون شغل را در سراسر جهان تشکیل می‌دهند، که شامل خلبانان خطوط هوایی و خدمه کشتی، رانندگان، کارگران پستی و سایر کارگران تحویل و همچنین کارگران انبارها می‌شود که از زنجیره عرضه جهانی و حمل‌ونقل محافظت می‌کنند. در حالی‌که بعضی از این کارگران به‌طور منفی متأثر می‌شوند (مانند کارگران صنعت هوایی)، بقیه کارگران به رفع تقاضای زیاد خرده‌فروشی آنلاین ادامه می‌دهند. اگرچه فعلاً تأثیر اقتصادی بر روی بخش کشاورزی به‌عنوان بزرگ‌ترین بخش در کشورهای درحال توسعه دیده نشده است، ریسک ناامنی غذایی به‌خاطر اقدامات مهارکننده از جمله بستن مرزها در حال پیدایش است. با گذشت زمان کارگران این بخش ممکن است به‌طور فزاینده تحت تأثیر قرار گیرند، مخصوصاً اگر این ویروس در بخش‌های روستایی منتشر شود.

ویروس کرونا کشنده است؛ اما آنچه امروز اقتصاد جهان برای بشر به‌بار آورده کشنده‌تر است. مردم به‌صورت عام عادت دارند به آن به‌عنوان یک «بلا» بنگرند. گویی که بلایای طبیعی به‌صورت ناگهانی دامن بشر را می‌گیرد و روزهای تلخ را برایشان به‌همراه می‌آورد. اما واقعیت‌های اقتصادی چیز دیگری می‌گویند.

بر اساس گزارش حمایت جهانی اجتماعی ۱۹-۲۰۱۷ تنها ۴۴ درصد از جمعیت کل جهان تحت پوشش تامین اجتماعی هستند؛ یعنی ۵۵ درصد از جمعیت جهان که معادل ۴ میلیارد نفر است، در ایام همه‌گیری کرونا بر لبه پرتگاه «زندگی یا مرگ» ایستاده‌اند. اگر نه تمام آن‌ها، شاید بیره نیست که بگوییم جمعیت قابل‌توجهی از این ۴ میلیارد نفر احتمالاً از لبه پرتگاه سقوط می‌کنند. جمعیت کثیری به علت گرسنگی می‌میرند.

در کشورهایی همچون آمریکا، بریتانیا و... که تا دیروز قدرقدرتی‌شان گوش جهان را کر کرده بود امروز رد مقابل این بحرتهان یا درمانده شده‌اند و یا همچنان به فکر سود و سرمایه هستند.

چه قدر تا ختم بحران کرونا و بازگشت به زندگی عادی فاصله داریم؟

جیمز گالاگر گزارشگر دانش و سلامت

۲۰ مارس ۲۰۲۰ - ۰۱ فروردین ۱۳۹۹

کار دنیا دارد تعطیل می‌شود. اماکنی که زمانی پر از شور و زندگی بودند حالا به‌خاطر محدودیت‌هایی که به زندگی روزمره اعمال شده به شهر ارواح تبدیل شده‌اند؛ محدودیت‌هایی مثل منع آمودش، بسته شدن مدرسه‌ها و ممنوعیت سفر و تجمع پرشمار.

چنین واکنشی به یک بیماری در تاریخ سابقه نداشته اما این وضع کی به پایان می‌رسد و ما کی می‌توانیم به زندگی عادی برگردیم؟

بوریس جانسون، نخست‌وزیر بریتانیا، معتقد است که این کشور می‌تواند ظرف ۱۲ هفته آتی «ورق را برگرداند» و «ویروس کرونا را پی‌کارش بفرستد».

اما حتی اگر تعداد مبتلایان نیز در سه ماه آینده کاهش پیدا کند، ما همچنان با پایان ماجرا فاصله زیادی خواهیم داشت. ختم این غائله مدت زیادی طول خواهد کشید، شاید حتی سال‌ها.

مشخص است که استراتژی فعلی تعطیلی بخش‌های بزرگی از جامعه نمی‌تواند در درازمدت ادامه پیدا کند. آسیب اجتماعی و اقتصادی چنین کاری مصیبت‌بار خواهد بود.

کشورها به «استراتژی برون‌رفت» نیاز دارند، راهی برای برداشتن محدودیت‌ها و بازگشت به روال عادی.

اما ویروس کرونا قرار نیست ناپدید شود.

برداشتن محدودیت‌هایی که باعث کاهش شیوع این ویروس شده به معنی افزایش مجدد مبتلایان خواهد بود.

مارک وولهاس، پروفیسور همه‌گیرشناسی بیماری‌های مسری در دانشگاه ادینبرا، می‌گوید: «تعیین این استراتژی برون‌رفت و یافتن راهکاری برای بیرون رفتن از وضع فعلی کار مشکلی است. فقط هم مشکل بریتانیا نیست، هیچ کشوری استراتژی برون‌رفت ندارد.»

برای خروج از این آشفته‌بازار سه راه بیش‌تر وجود ندارد:

• واکسیناسیون

• ابتلای مردم به تعداد کافی و ایجاد مصونیت گسترده
 • ایجاد تغییرات دائمی در رفتار و جامعه
 هر سه راه به کاهش توانایی شیوع این ویروس ختم می‌شود.
 واکسن - حداقل ۱۲ تا ۱۸ ماه دیگر
 واکسن قرار است ما را در برابر بیماری مصون کند تا مبتلا نشویم.
 اگر حدود ۶۰ درصد افراد جامعه را واکسینه شوند، امکان شیوع مجدد ویروس را کاهش می‌یابد. به این کار ایمنی
 گله‌ای (جمعی) می‌گویند.
 در هفته‌ای که گذشت، محققان اجازه پیدا کردند قوانین لزوم آزمایش حیوانی دارو در قدم اول را نادیده بگیرند و یکی
 از این واکسن‌های آزمایشی را در آمریکا به یک داوطلب تزریق کنند.
 روند کشف واکسن برای این ویروس با سرعتی بی‌سابقه پیش می‌رود، اما هیچ تضمینی برای موفقیت آن وجود ندارد
 و ایمن‌سازی باید در ابعاد جهانی صورت بگیرد.
 تخمین زده می‌شود که حتی اگر همه چیز به خوبی پیش برود، هنوز ۱۲ تا ۱۸ ماه با نخستین واکسن فاصله داریم.
 تحمل محدودیت‌های بی‌سابقه اجتماعی در زمان صلح برای چنین زمان درازی کار سختی است.
 پروفیسور وولهااس به بی‌بی‌سی گفت: «بهتر است منتظر نشستن برای واکسن را استراتژی حساب نکنیم. این کار
 استراتژی نیست.»

جمع‌بندی

بعد از دوران جنگ سرد، «جهانی‌سازی» و زیستن در دنیای مبتنی بر درهم‌تنیدگی ارتباطات یکی از اصلی‌ترین
 خصیصه‌های نظم جهانی جدید سرمایه‌داری را تشکیل داده‌اند.
 جنبش‌های سیاسی، تغییرات ژئوپولیتیک، تعارض‌های ذاتی سیستم سرمایه‌داری جهانی، بروز بحران‌های ریشه‌دار
 اقتصادی و برخی عوامل دیگر متغیرهایی بوده‌اند که این نظم را به چالش کشیده‌اند اما هیچ شوک سیاسی تاکنون
 نتوانسته کاری را که ویروس کرونا در حال انجام آن است انجام دهد.
 همین امروز خبرگزاری رویترز گزارش داد توسل آمریکا به تاکتیک‌های مبتنی بر «غرب وحشی» برای تصاحب و
 تأمین محموله‌های پزشکی لازم جهت مبارزه با ویروس «کرونا جدید» گلایه متحدان این کشور را به همراه داشته
 است.
 از طرف دیگر در نظم جهانی ایجادشده توسط کرونا هیچ چیزی مقدس نیست و تاج‌ویروس توانسته است کل نظام‌های
 اقتصادی دنیا را به زانو درآورد. حمل‌ونقل، سفرها و توریسم برای مدت نامعلوم معلق شده‌اند، از منطقه بدون مرز
 شنگن ظرف چند روز اثری باقی نماند و تکتک کشورها مرزهایشان را به‌روی یکدیگر بستند.
 دانشمندانی که در تلاش برای ساخت واکسن یا تولید دارو برای مقابله با ویروس کرونا جدید هستند، هیچ زمان
 مشخصی برای پایان همه‌گیری جهانی اعلام نکرده‌اند. در خوشبینانه‌ترین حالت، برخی پایان تابستان و برخی دیگر
 پایان سال جاری میلادی را حداقل زمان لازم برای پایان بخشیدن به شیوع کرونا تخمین زده‌اند.
 تا امروز دانشمندان چیزهای بسیاری درباره بیماری کووید ۱۹ دریافته‌اند و چیزهای بسیاری هم هست که هنوز
 مشخص نیست.
 فراتر از پزشکان و ویروس‌شناسان و دانشمندان ژنتیک، بخش صنعت و تکنولوژی نیز بی‌کار ننشسته و مهندسان و
 طراحان هم در پی یافتن راه‌حل‌های خلاقانه برای مقابله با کرونا هستند.
 کمبود دستگاه‌های کمک‌تنفسی در بیمارستان‌ها یکی از عوامل بالا رفتن مرگ‌ومیر در بسیاری از کشورهای دنیاست.
 اخباری که از ظرفیت محدود این دستگاه‌ها در ایتالیا گزارش می‌شود بسیار نگران‌کننده و دردناک است. در چنین
 شرایطی، مهندسان کمپانی مرسدس بنز، تکنولوژی‌ای به نام CPAP را توسعه داده‌اند که به احتمال بالا کمبود
 تجهیزات بسیار گران‌قیمت دستگاه‌های تنفسی ونتیلاتورها را تا حدی جبران می‌کند.
 برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که تکنولوژی ابداعی مهندسان تیم فرمول یک مرسدس بنز، نیاز بسیاری از بیماران را
 به دستگاه‌های تنفسی برطرف خواهد کرد.
 نکته مبهم بعدی این است که در ابتدای شیوع ویروس کرونا جدید این باور وجود داشت که فقط افراد سن‌بالا و با
 سابقه بیماری قبلی در معرض خطر هستند، اما پس از مدتی مشخص شد که جوانان و افراد کم‌سال و حتی نوزادان نیز
 در معرض خطر کرونا هستند.
 کرونا، چه ریشه طبیعی داشته باشد و چه دست‌ساز چین یا ابرقدرت‌ها باشد، تاکنون توان بسیاری از بشر را با پرسش
 جدی مواجه کرده است و هر چه به طول بیانجامد آثار وسیع‌تری بر نظم فعلی جهان بر جای خواهد گذاشت. به‌طور
 مثال تصور کنید، انگلستان که با همه بزرگی سیستم حمل و نقلش طبق آمار، روزانه تنها حدود ۵ تا ۶ نفر تلفات
 جاده‌ای را داشته است و از یکی از قوی‌ترین سیستم‌های درمانی نیز برخوردار است، حالا روزانه خبر حدود ۸۰۰ تا
 ۱۰۰۰ قربانی کرونا را از رسانه رسمی خود اعلام می‌کند، که از جنگ جهانی به بعد بی‌سابقه است.

بنگاه‌های عظیم خصوصی و دولتی تعطیل شده و مجبور به تزریق حدود ۳۵۰ میلیارد پوند از منابع شده است، تامین مایحتاج بهداشتی و غذایی مردم، زیر فشار تقاضای عمومی با مشکل مواجه شده و خیر می‌رسد که حتی کادر درمان از امکانات محافظتی لازم برخوردار نیستند و البته درمانی هم برای کرونا نمی‌شناسند. مدارس و دانشگاه‌ها و بسیاری از مراکز پژوهشی و مشاغل آزاد تعطیل شده، چرخه مصرف جز در حد ضروریات متوقف گردیده و برای نخستین بار صنعت توریسم و تفریحات و تبلیغات و مد و ورزش و ... موارد بسیار دیگر که از مهم‌ترین بخش‌های زندگی غربی است تعطیل شده، و از همه مهم‌تر امید و اعتماد به حکومت برای رفع خطر کرونا و دفاع از مردم در این شرایط به حداقل رسیده است به‌ویژه که شخص نخست وزیر و ولیعهد و وزیر بهداشت نیز خود بیماری شده‌اند و

این داستان از آمریکا تا ایتالیا و فرانسه و اسپانیا و بسیاری دیگر از کشورها هم‌چون ایران تکرار شده است. یکی از این موارد کافی بود تا منجر به تحولات جدی شود چه رسد به چنین لیست بلند بالایی!

با این همه قضاوت درباره بسیاری از ابعاد تحولات آتی ناشی از کرونا هنوز زود هنگام است اما سوال اساسی این است که آیا این تغییرات تا چه اندازه عمیق بوده و آیا زیربنای تمدنی مدرن نیز به چالش کشیده شده و دچار تغییر خواهد شد؟ آیا در پایان این بحران و تونل تاریک، وضع موجود در همه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی در سطح و ساختار و عمق متحول خواهد شد؟ یا ابعاد معرفت‌شناختی و نوع جهان‌بینی حاکم بر تعاملات انسانی نیز تغییر عمده‌ای خواهد کرد؟

تحولات جهان پسا کرونا هر چه باشد و اگر با طولانی‌شدن دوران فعلی، دگرگونی‌های عظیم اقتصادی و بازار کار و تکنولوژیک به‌ویژه توسعه حیرت‌انگیز جهان مجازی و فروپاشی‌ها و خیزش‌ها و شورش‌ها و نو سازی‌های سیاسی و اجتماعی و جغرافیایی بزرگ هم در نقاطی مهمی از جهان از غرب و شرق گیتی روی دهد. شاید با گذراندن روزهای مبارزه با کرونا و تکرار واژه قدیمی «قرنطینه» که شاید هیچ‌گاه بدین شکل و این‌قدر ملموس تجربه‌اش نکرده بودیم، برایمان یادآور این شد که در طول تاریخ، انسان‌ها کی و کجا و با چه هدفی اولین قرنطینه‌ها را تجربه کردند. عمل باستانی قرنطینه اغلب تنها ابزار مبارزه با بیماری‌های عفونی مانند جذام، طاعون و ... بود اما امروز در قرن ۲۱ با وجود پیشرفت و رشد علم پزشکی و تکنولوژی گاهی هنوز هم قرنطینه و جدا ماندن فرد سالم و بیمار تنها راه در امان ماندن از یک بیماری است. به همین دلیل در این مطلب از زوایای مختلفی به دوران قرنطینه پرداختیم.

ویروس کرونا تا این‌جای کار توانسته پشت‌پرده بسیاری از ادعاهای مقامات دولتی به‌ویژه کشورهای غربی درباره زیرساخت‌های رفاهی و تامین اجتماعی‌شان را برملا کند و ضعف این نظام‌های سیاسی در مدیریت بحران‌ها را نشان دهد.

تا بامداد یکشنبه ۱۲ آوریل - ۲۴ فروردین، شمار کل تلفات جهانی به‌علت ابتلا به ویروس کرونا ۱۰۷ هزار نفر اعلام شد. بر اساس آمار رسمی که دولت‌ها اعلام می‌کنند، آمریکا و سپس کشورهای اروپایی تاکنون بیش‌ترین قربانی را داشته‌اند. اما هیچ‌کس به درستی نمی‌داند که شمار قطعی جان‌باختگان در کشورهایی مثل چین، ایران یا کره شمالی چه‌قدر بوده است. یا در هند و آفریقا چه خبر است؟

برخی‌ها بحران اخیر را به جنگ سوم جهانی تشبیه کرده‌اند. اما در این جنگ، خبری از غرش توپ‌ها، تانک‌ها، هواپیماها، انواع و اقسام بمب‌های ویران‌گر خبری نیست و در این جنگ بر خلاف دو جنگ جهانی سابق، طبیعت و سایر جانداران نفس راحتی کشیده‌اند. اما به‌نظر می‌رسد قربانیان این جنگ، بی‌شمار خواهد شد و اقتصاد جهانی دگرگون گشته و دوران پسا کرونا با دنیای پیش از آن، بسیار متفاوت خواهد شد.

تا چه میزان می‌توان جنگ جهانی کرونا را با جنگ جهانی دوم مقایسه کرد؟ براساس محاسباتی که سران کشورهای غربی کرده‌اند و مرکل و ترامپ و جاتسون رسماً آن را اعلام کرده‌اند بهترین سناریو برای غرب آن است که در یک دوره چند ماهه ۷۰ درصد جمعیت جهان این ویروس را بگیرد که حداقل ۵ درصد مبتلایان آن جان خود را از دست خواهند داد. یعنی حدود ۳۵۰ تا ۵۰۰ میلیون نفر در جهان. با در نظر گرفتن شمار کشتگان جنگ جهانی دوم که بنا بر آمار رسمی حدود ۷۳ میلیون تن (۶۱ میلیون غیرنظامی و ۱۲ میلیون نظامی) تخمین زده می‌شود و با توجه به این‌که جهان در آن زمان حدود ۲ میلیارد تن جمعیت داشت، رقم ۳۵۰ تا ۵۰۰ میلیون برای قربانیان کرونا در جمعیت کنونی بیش از ۷ میلیاردی جهان تقریباً همان درصد جنگ جهانی دوم می‌شود.

سران سرمایه‌داری که بی‌رحمانه ۷۰ میلیون تن را در جنگ جهانی دوم کشتند، ابایی دارند که ۵۰۰ میلیون نفر هم با کرونا کشته شوند. آن‌ها که به‌اندازه چندین بار نابودی کره زمین سلاح اتمی و هیدروژنی و نوترونی تولید و انبار کرده‌اند چرا باید نگران شمار کشتگان باشند آن‌هم در جنگی بدون هیچ‌گونه لطمه خوردن و منهدم شدن تجهیزات و منابع و ثروت‌هایی که برای آن‌ها باقی خواهد ماند؟

سران کشورهای سرمایه‌داری جهان و بسیاری از نظریه‌پردازان و تاریخ‌نگاران آن‌ها به تئوری جمعیتی مالتوس - کشیش و اقتصاددان سده هیجدهم و نوزدهم انگلستان - اعتقاد دارند. بنا بر نظریه مالتوس، جمعیت جهان به‌شکلی تصاعد هندسی افزایش می‌یابد. یعنی با شتاب ده‌ها و صدها برابر می‌شود در حالی‌که رشد منابع به شکل تصاعد حسابی یعنی به کندی افزایش می‌یابد. نتیجه این‌که زمانی فرا می‌رسد که امکانات طبیعت و جامعه کفاف نیازهای همه

انسان‌ها را نمی‌دهد. در این شرایط بحران‌ها، جنگ‌ها، قحطی‌ها و بیماری‌های فراگیر عروج می‌کنند که با کاهش جمعیت دوباره میان امکانات طبیعت و شمار انسان‌ها تناسب برقرار می‌کند. این نظریه در میان رهبران کشورهای سرمایه‌داری هواداران بسیاری دارد. به‌نظر آنان بحران کنونی جهانی بحران اقتصادی و اجتماعی نیست و اگر هم باشد ریشه آن در بحران جمعیتی است. به‌عبارت دیگر اگر براساس برآوردها فقط ۳۰۰ تن در جهان به‌اندازه ۳ میلیارد تن ثروت دارند راه‌حل بحران این نیست که ثروت آن ۳۰۰ تن را میان آن ۳ میلیارد تقسیم کرد، بلکه باید از شمار آن ۳ میلیارد کم کرد. به عقیده آن‌ها، شاید به این شکل نیز به بحران موجود خاتمه دهد.

بحران برآمده از شمار روزافزون بیماران، بیکاران سال‌مندان، بازنشستگان، سال‌مندان، بازنشستگان، و فقرا در خود کشورهای سرمایه‌داری غرب است. تمام کوشش‌هایی که در طی دهه‌های اخیر با خصوصی‌سازی کاهش کمک‌های اجتماعی، بستن بیمارستان‌ها، کاهش تخت‌های بیمارستانی، افزایش سن بازنشستگی، کاهش بیمه‌های اجتماعی، برای کشتار سال‌مندان و فقرا انجام شده کافی نبوده است.

برای نمونه در فرانسه در ۱۵ سال اخیر، ۹۵ بیمارستان عمومی تعطیل و ۶۸ هزار تخت بیمارستانی برچیده شده‌اند که خود به‌معنای کشتار پیش‌ررس بخش مهمی از سال‌مندان و بیماران آن کشور بوده است. بنابراین، اکنون کرونا این وظیفه ناتمام را برعهده گرفته است.

یک وجه دیگری از بحران کنونی سرمایه‌داری بحران زیست محیطی است. دوره رکود و کاهش فعالیت‌های اقتصادی برآمده از کرونا که به گفته کارشناسان می‌تواند تا ۱۲ یا ۱۸ ماه نیز بطول انجامد فرصتی است برای بازسازی طبیعت، کاهش گازهای گلخانه‌ای، متوقف کردن نسبی روند گرمایش زمین، احیای لایه اوزون، حفظ جنگل‌ها و منابع طبیعی در حال نابودی برای یک دوران طولانی بهره‌بردارانی فشرده و خاتمان برانداز دیگر تا بحران بعدی. از این نظر، کرونا راه‌حلی برای بحران سرمایه‌داری نیز به‌شمار می‌رود.

جین گودال نخستین‌شناس سرشناس انگلیسی، بی‌توجهی بشر به طبیعت و بی‌احترامی به حیوانات را عامل شیوع بیماری همه‌گیر کووید - ۱۹ در جهان دانست.

گودال کارشناس معروف که تحقیقاتش در آفریقا منجر به کشف ماهیت واقعی شامپانزه‌ها شد، از مردم سراسر جهان خواست از اشتباهات گذشته برای جلوگیری از وقوع بلایای آینده، درس عبرت بگیرند.

این کارشناس ۸۲ ساله، در یک کنفرانس تلفنی یادآور شد که هرکس می‌تواند اثربخش باشد. وی گفت: به دلیل از بین بردن جنگل‌ها، گونه‌های مختلف حیوانات جنگل مجبور به مجاورت با هم می‌شوند و در نتیجه، بیماری‌ها از یک حیوان به دیگری انتقال می‌یابد و احتمال این‌که حیوان دوم، انسان‌ها را مبتلا کند، بسیار زیاد است، زیرا مجبور به تماس نزدیک‌تر با انسان‌هاست.

وی به‌شکار حیوانات به‌عنوان وعده غذایی و فروش در بازارهای آفریقا یا آسیا به ویژه چین اشاره کرد و گفت که این شرایط باعث جهش ویروس از حیوانات به انسان‌ها می‌شود. کارشناس مزبور بسته شدن بازار حیوانات وحشی در چین را اقدامی موثر دانست و ابراز امیدواری کرد که دیگر کشورهای آسیایی نیز از تصمیم چین در این زمینه پیروی کنند.

یک ویژگی این جنگ که تمام مرزهای کشورهای جهان را در نور دیده است اگر در نگاه نخست طبقاتی نباشد اما ابتلا به آن و درمان مبتلایان به‌شدت طبقاتی است. اکنون آمار و ارقام‌ها به ما می‌گویند که کارگران، محرومان، تهی‌دستان، حاشیه‌نشینان و کودکان کار و خیابان و بی‌خانمان‌ها بیش‌تر در معرض ابتلا قرار دارند تا سرمایه‌داران. برای مثال، درمان بوریس جانسون با درمان بی‌خانمان‌ها خیابان‌های لندن و کارگران و محرومان این کشور، به هیچ‌وجه یکی نیست.

تصمیم به خروج از شرایط اضطراری و به‌راه انداختن چرخ اقتصاد، الزاماً خطرهایی در پی دارد: از جمله بعید نیست که بیمارستان‌ها ناگهان به حد اشباع برسند و شمار تلفات افزایش یابد. چرا که هر لحظه بر تعداد مبتلایان و جان‌باختگان افزوده می‌شود. همچنین جامعه جهانی، از این پس خواهند اندیشید که آن‌ها در چنین بحران‌هایی چه جایگاهی دارند و همچنین بسیاری نیز به‌تأثیر آن بر آب و هوا و وضعیت اقلیمی و به‌طور کلی به طبیعت و حیوانات بیش‌تر فکر خواهند کرد.

اکنون جهان پس از کرونا چه شکلی خواهد بود؟ این سنوالی است که این روزها ذهن بسیاری از اندیشمندان حوزه علوم انسانی به‌ویژه رشته‌های اقتصاد، علوم سیاسی و آینده‌پژوهی را به‌خود مشغول کرده است. از بعد جنگ جهانی دوم تا به امروز، جهان به این گستردگی در معرض بحران قرار نگرفته بود. بحرانی که بسیاری از قدرت‌های جهانی از مقابله با آن عاجز شده‌اند و توان رویارویی با دشمن نامرئی را ندارند.

بی‌تردید دنیای پس از کرونا، با دنیای کنونی ما متفاوت خواهد شد. اما پیش‌بینی این که دنیای پس از کرونا به‌نفع چه طبقاتی خواهد شد بسیار سخت است. اما امیدوار باشیم که دنیای جدید به آزادی، برابری و عدالت اجتماعی منجر گردد که یکی از آرزوهای دیرینه بشر بوده است. اساساً شان انسان، عملاً آگاهانه و آزادانه است. هرچه انسان از خود بیگانه بشود، از عمل آزادانه او کاسته و به ابزار تبدیل می‌شود.

آزادی فردی و جمعی مانند آزادی گفتار، نوشتار، نشر، گرد آمدن و سازمان یافتن، اعتراض و اعتصاب بدون تهدید مجازات یا دخالت است. بنابراین از جهت سیاسی، آزادی عقیده، بیان، اجتماع و نشر عقیده، آزادی‌های اساسی است که به هیچ‌وجه نباید نقض شود که متأسفانه تاکنون شده است و ببینیم در جهان سا کرونا چه خواهد شد؟! به قول نظامی شاید:



یکشنبه بیست و چهارم فروردین ۱۳۸۹ - دوازدهم آوریل ۲۰۲۰